



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
د علومو اکاډمي  
معاونيت بخش علوم بشري  
مرکز مطالعات منطقه يی

# سیمه ییز مطالعات

## فصلنامه مرکز مطالعات منطقه یی افغانستان



په دې گڼه کې:

- رويکرد فرهنگي ترکیه در افغانستان
- د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوروالي...
- واپسین گزارش تاریخی درباره امارت بخارا
- د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه
- وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان
- د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان جیوپولیتیک...
- او...

۲-۱

- دوره: اول
- سال: ۱۳۹۹ هـ. ش
- ربع: اول و دوم
- شماره مسلسل: ۵۶-۵۷
- سال تاسیس: ۱۳۸۵ هـ. ش
- کابل - افغانستان

سیمه ییز مطالعات

شماره: ۱-۲، سال ۱۳۹۹ هـ. ش



# REGIONAL STUDIES

Quarterly Journal

Establishment: 2006  
Academic Publication  
Academy of Sciences of Afghanistan  
Serial No: 56-57

Address:  
Academy of Sciences of Afghanistan  
Sherpoor Square, Kabul-Afghanistan  
Tel: 0202201279

***Published:*** Academy Of Science of Afghanistan (ASA)

***Chief Editor:*** Asst. Prof. Abdul Saboor Mubariz

***Assistant:*** Asst. Prof. Ghulam Nabi Hanefi

***Editorial Board:***

Assoc. Prof. Rafiullah Niazi

Asst. Prof. Mohammad Sarwar Ahmadzai

Asst. Prof. Ghulam Nabi Hanifi

Asst. Prof. Razia Ghous

***Composed Designed By:*** Abdul Saboor Mubariz

***Annual Subscription:***

Kabul: 320 AFS

Province: 480 AFS

Foreign countries: 20 USD

Price of each issue in Kabul: 80 AFS

- For the University Professors, Teachers and members of Academy of Sciences: 70 AFS
- For the university and school students: 40 AFS
- Other offices: 80 AFS

***Contact Numbers:*** 0202201279 - 0(+93) 788 490 472

***Email:*** [simayiz.mujala@yahoo.com](mailto:simayiz.mujala@yahoo.com)

***Email:*** [Info@asa.gov.af](mailto:Info@asa.gov.af)



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
د علومو او اکاډمي  
معاونیت بخش علوم بشری  
مرکز مطالعات منطقه یی

# سیمه ییز مطالعات

مجله علمی - تحقیقی

مطالعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه یی. معرفی، بررسی  
و تحلیل سازمان ها، کنفرانس ها و نهادهای منطقه یی

سال تأسیس: ۱۳۸۵ ه.ش.

شماره مسلسل: ۵۶-۵۷

## یادداشت

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تلیفون و ایمیل آدرس نویسنده به ادارهٔ اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقالهٔ ارسالی باید علمی - تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شدهٔ علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نگردیده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصه و حداقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، گویای اصلی پرسشی باشد که مقاله در پی پاسخ‌دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان‌های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، اهمیت، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان و تسلسل منطقی موضوعات در یک روی صفحهٔ کاغذ A4 در برنامهٔ word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵ صفحه معیاری بوده، با فونت Bahij Nazanin و سایز ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطرها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را بادر نظر داشت لایحهٔ نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل‌ها و اندیشه‌های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می‌تواند.
- مقالهٔ وارده دوباره مسترد نمی‌گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خپړندوی: د افغانستان علومو اکاډمۍ، د اطلاعاتو او عامه اړیکو ریاست

مسؤل مدیر: خپړندوی عبدالصبور مبارز

مهمتم: خپړندوی غلام نبی حنیفی

### کتنیلاوی:

خپړنوال دکتور رفیع الله نیازی

خپړندوی محمد سرور احمدزی

خپړندوی غلام نبی حنیفی

خپړندویه راضیه غوث

تیراژ: ۵۰۰ ټوکه

پته: د افغانستان د علومو اکاډمۍ، د سیمه ییزو مطالعاتو مرکز، د شپږپور

څلور لارې، شهر نو، کابل.

د اړیکو شمېرې:

۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹ - ۰۷۸۸۴۹۰۴۷۲

د افغانستان د علومو اکاډمۍ برېښلیک: [Info@asa.gov.af](mailto:Info@asa.gov.af)

د مجلې برېښلیک: [simayiz.mujala@yahoo.com](mailto:simayiz.mujala@yahoo.com)

کلنۍ گډون بیې:

په کابل کې: ۳۲۰ افغانۍ

په ولایاتو کې: ۳۴۰ افغانۍ

په نورو هېوادونو کې: ۲۰ امریکایي ډالر

په کابل کې د یوې گڼې بیې:

• د علومو اکاډمۍ د خپرونکو او استادانو لپاره: ۷۰ افغانۍ

• د زده کوونکو او محصلینو لپاره: ۴۰ افغانۍ

• د نورو ادارو لپاره: ۸۰ افغانۍ

## لیکچر

صفحه	عنوان
۱	۱. رویکرد فرهنگی ترکیه در افغانستان محقق فوزیه فضل
۱۵	۲. د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامی غوروالي... څېړندوی ضیاالحق ضیا
۳۵	۳. واپسین گزارش تاریخی درباره امارت بخارا سرمحقق زلمی هېوادم
۴۵	۴. د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه څېړندوی محمد سرور احمدزی
۸۳	۵. وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان محقق عبدالشکور سالنگی
۱۰۱	۶. د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان جیوپولیتیک... څېړندوی جلال الدین نجیم
۱۲۵	۷. نقش هویت در روابط ترکیه و اسرائیل محمد طارق اعظم

- ۱۵۳ ۸. د ایران او اذربایجان د سیاسی اړیکو څرنگوالی  
څېړندوی عبدالخالق فردوس
- ۱۶۹ ۹. وضعیت حقوق بشر در ایران  
محقق نعمت الله اخگر
- ۱۸۹ ۱۰. پوتین او د روسیې راتلونکی تصویر  
څېړنپوه عبدالرحیم بختانی
- ۲۰۷ ۱۱. بررسی اصل صلاحیت جهانی و نقش آن در تأمین...  
محقق محمد موسی حاجی زاده

12. China-Pakistan Economic Corridor 1  
Nadir Shah Katawazai



محقق فوزیه فضلی

رویکرد فرهنگی ترکیه در افغانستان

## Turkey's Cultural Approach to Afghanistan

Researcher Fawzia Fazli

### **Abstract**

Nowadays soft power and cultural diplomacy plays important role in international relations of states. Today all states are trying to use their soft power particularly cultural diplomacy than the other official relations. Turkey as a bridge between east and west, with prolific culture and civilization and having common culture with peripheral regions is one of the successful states to use soft power and cultural diplomacy in the world. So Afghanistan with cultural inadequacy and continuous political crisis, effected from cultural policies of Turkey. Turkey by providing scholarships, educational programs, Turkish language classes and TV series, has influenced Afghanistan's culture. Turkey tries that by its cultural influence in Afghan society, achieve a prominent role in the region and attract other actors.

## خلاصه

استفاده از قدرت نرم و بخصوص دیپلوماسی فرهنگی، نقش ارزنده‌ای را در روابط بین‌المللی کشورها در عصر حاضر بازی می‌کند. امروز جایگاه دیپلوماسی فرهنگی فراتر از ارتباطات رسمی میان دولت‌ها است. دولت‌ها می‌کوشند تا همه مردم و اقشار جامعه، حاملان فرهنگ در جوامع دیگر باشند و سایر ممالک را از غنای فرهنگی و تمدنی خویش آگاه سازند. ترکیه به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، با داشتن فرهنگ و تمدن پربار و مشترکات فرهنگی با مناطق پیرامونی یکی از دولت‌های موفق در زمینه استفاده از قدرت نرم و ابزار فرهنگی شناخته شده است. با داشتن چین و ویتنام، افغانستان در زمره مناطقی بوده که به دلیل موجودیت بحران جنگ و فقر فرهنگی حاکم، تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی ترکیه واقع گردیده و این کشور توانسته با استفاده از ابزارهای فرهنگی، چون ارایه بورسیه‌های تحصیلی، برگزاری برنامه‌های آموزشی، تشویق و ترغیب بر یادگیری زبان ترکی، زمینه ورود فرهنگ و نفوذش را در این کشور فراهم ساخته است. ترکیه می‌کوشد تا با استفاده از نفوذ فرهنگی‌اش در کشور، جایگاه ویژه‌ای در منطقه کسب کند و با ایفای نقش برجسته در مسایل منطقه‌یی و بین‌المللی نگاه مثبت سایر بازیگران را جلب کند.

## مقدمه

کسب اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی همواره از مهمترین دغدغه‌های کشورها در برقراری روابط خارجی شان بوده است. در گذشته دولت‌ها جهت نیل به این اهداف، عموماً از قدرت سخت و یا دیپلوماسی با رویکردهای سیاسی، نظامی و اقتصادی کار می‌گرفتند، اما با گذشت زمان و اهمیت یافتن قدرت نرم بخصوص فرهنگ و مبادلات فرهنگی در روابط کشورها، توجه و تأکید بیشتر بر استفاده از دیپلوماسی با رویکردهای فرهنگی جهت رسیدن به مقاصد و اهداف نیز مطرح شد که تا حدودی موفق نیز بوده است. چنانچه امروز کشورها بخصوص آن‌هایی که در گذشته تمدن و فرهنگ پربار و جوامع متکثر از لحاظ قومی، نژادی، زبانی و

مذهبی داشته اند، از لحاظ استفاده از دیپلوماسی فرهنگی در برقراری روابط با کشورها از جایگاه خاصی برخوردارند. یکی از این چنین کشورها، جمهوری ترکیه می باشد، که از نگاه فرهنگی و تمدنی جایگاه پربراری را در طول تاریخ خویش تجربه نموده، زیرا این سرزمین قرن‌ها محل برخورد فرهنگ‌های مختلف بوده است. بنا بر داشتن چنین ویژگی‌هایی، این کشور تأکید بیشتر بر کاربرد قدرت نرم و استفاده از دیپلوماسی فرهنگی به عنوان ابزاری در برقراری روابط خارجی‌اش داشته است. در این راستا ترکیه تلاش‌های زیادی را به خرچ داده تا بتواند در مناطقی که زمانی در تحت سیطره حوزه تمدنی و فرهنگی‌اش قرار داشته است، بتواند جایگاه و علایق‌اش را دریابد و با استفاده از مشترکات فرهنگی نه تنها روابط و مناسبات دوستانه برقرار نماید بلکه تا حدودی چنین جوامع را تحت نفوذ فرهنگی خویش نگهدارد، که یکی از کشورهای که در این حوزه قرار گرفته، افغانستان است که محور بحث این مقاله می باشد.

اکنون این پرسش مطرح می گردد که رویکرد فرهنگی ترکیه در افغانستان طی یک و نیم دهه اخیر حکومت حزب عدالت و توسعه چگونه بوده و از کدام ابزارهای فرهنگی قدرت نرمش استفاده نموده است؟ فعالیت‌های فرهنگی ترکیه در افغانستان گواه این مسئله است، که این کشور با استفاده از دیپلوماسی فرهنگی در تباری با دیپلوماسی اقتصادی و با استفاده از پیشینه تاریخی و تمدنی خود در دوره عثمانی، موقعیت جغرافیایی، مشترکات فرهنگی با افغانستان و ایفاء نقش مثبت و نرم در تحولات این کشور، در صدد ایجاد نگاه مثبت در افکار عمومی در منطقه و جهان نسبت به خود است تا زمینه برای کسب جایگاه ویژه در معادلات منطقه‌یی را فراهم سازد.

### هدف

این تحقیق در نظر دارد تا اقدامات و فعالیت‌های فرهنگی ترکیه در افغانستان را در عرصه‌های مختلف روشنی و وضاحت بخشد.

## اهمیت و مبرمیت

طی یک و نیم دهه حکومت حزب عدالت و توسعه در ترکیه و مقارن بودن آن با رویکار آمدن دولت جدید در افغانستان با تلاش‌های جامعه جهانی، ترکیه نقش بارزی را در استفاده از قدرت نرمش در این کشور ایفاء نموده است. بناءً لازم است تا دیپلوماسی فرهنگی به عنوان منبع قدرت نرم ترکیه در افغانستان، مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

## روش تحقیق

جهت دریافت پاسخ به پرسش‌های فوق الذکر، این نوشتار با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری منابع دست اول و دست دوم مورد تحقیق و نگارش قرار گرفته است.

در تحقیق حاضر سیاست‌های فرهنگی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه، ابزارهای کاربردی آن در زمینه دیپلوماسی فرهنگی، چگونگی رویکرد فرهنگی این کشور در افغانستان در سال‌های گذشته و پسین، مورد بررسی قرار گرفته است.

## دیپلوماسی فرهنگی ترکیه و ابزار کاربردی آن

ختم جنگ سرد به معنای تغییر و تحول در معادلات منطقه‌یی و ضرورت اصلاحات در سیاست خارجی بسیاری از کشورها بود. در این میان ترکیه نیز با توجه به موقعیت جیوپولیتیکی اش، لازم دید تا به مناطق پیرامونی‌اش پرداخته و نقش جدیدی را در ترتیبات جدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه کسب کند. بناءً در دهه ۹۰م. سیاست نگاه به شرق در تعاملات منطقه‌یی و حتی بین المللی را مدنظر قرار داد تا بتواند در حوزه خاصی از مناطق پیرامونی‌اش جایگاه هژمونیک به دست آورد، البته این رویکرد چندان نتایج موفق نداشت، به همین لحاظ در اوایل هزاره سوم، دولت مردان این کشور به این نتیجه رسیدند که ترکیه نباید به دنبال کسب منزلت هژمونی در مناطق پیرامونی خود باشد، زیرا چنین قدرت را ندارد و این کشور بایست با توجه به موقعیت و جایگاه جغرافیایی و تاریخی اش، به ایجاد

صلح و ثبات در منطقه کمک کند. از آنجا که سیاست خارجی ترکیه از جغرافیا، تاریخ و اقتصاد آن متأثر بوده است، با رویکار آمدن حزب عدالت و توسعه، این کشور با تکیه بر قابلیت‌های تاریخی و فرهنگی خود، سعی در تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌یی و تحولات پیرامونی، گسترش نفوذ و فرهنگ در مناطقی کرد که روزگاری تحت نفوذ حوزه تمدنی‌اش بوده اند. بناء دولت مردان ترکیه، بخصوص رهبران حزب عدالت و توسعه سیاست‌های چند وجهی را روی دست گرفته و تلاش‌های شان را در راستای استفاده از قدرت نرم و تقویت نگرش فرهنگی در تعامل با کشورها بخصوص در مناطقی که با این کشور تقرب فرهنگی داشتند، معطوف ساختند.

رهبران ترکیه در عصر کنونی با استفاده از دیپلوماسی فرهنگی تلاش می‌کنند تا جایگاه و اعتبار این کشور را نزد افکار عمومی بالا برده و با ارایه چهره مثبت از خود، سطح نفوذ و کنشگری خود را در منطقه افزایش دهند، زیرا رهبران حزب عدالت و توسعه بر این باور اند که ترکیه با توجه به قابلیت‌های فرهنگی خود در سطح ملی، می‌تواند در سطح فراملی نیز قدرت نرم خود را از طریق دیپلوماسی فرهنگی که امکان و توان نفوذ این کشور را در منطقه از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش‌ها و ایده‌ها ممکن می‌سازد، افزایش دهد. چنانکه داود اوغلو معمار سیاست خارجی ترکیه در عصر حزب عدالت و توسعه اشاره می‌کند که «ترکیه یک هویت چند فرهنگی است و دیپلوماسی نباید اختصاصاً در دست دیپلمات‌ها رها شود، بلکه جامعه دانشگاهی و عموم جامعه باید در این فرایند وارد شوند» (۱).

به همین منظور، ترکیه با تأکید بر دیپلوماسی فرهنگی، بیشترین تلاش‌اش در راستای استفاده از قدرت نرم بوده و سعی می‌کند تا در کشورهای مناطق پیرامونی و مشترک در حوزه تمدنی‌اش، سیاست‌های فرهنگی را در راستای پیشبرد سیاست خارجی کشوراش به کار ببرد، زیرا فرهنگ خود منبع قدرت نرم در عرصه بین المللی شناخته شده است که می‌توان با آن، به صورت غیر مستقیم در عین داشتن رضایت کشور مقابل، اعمال نفوذ کرد.

دانشمندان عواملی که تولید کننده و یا تقویت کننده قدرت نرم هستند را شامل مسایلی از قبیل: ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ ارمانها و ارزش‌های متعالی، موقعیت ایدئولوژیکی، ارتباط دیپلماتیک مناسب و گسترده، مناسبات و مبادلات فرهنگی، ارایه تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، طراحی و اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های معقول، زدودن ذهنیت‌های تاریخی منفی، کسب جایگاه علمی پیشرفته و فن‌آوری‌های تکنولوژیکی، توانمندی اقتصادی بالا، قدرت شکل دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، برخورداری از شبکه‌های خبری جهان گسترش و قدرت تولید و توزیع محصولات رسانه‌ای متنوع به کشورها و نفوذ در رسانه‌های بین‌المللی، که همه در ایجاد و تقویت قدرت فرهنگی موثر اند، می‌دانند. (۲)

ابزارهای که در راستای اجراء و پیاده‌سازی قدرت فرهنگی کشورها اعمال می‌گردند در واقع به تقویت قدرت نرم و جایگاه فرهنگی یک کشور در کشور دیگری کمک زیادی می‌کنند. چنانکه در راستای اجرای دیپلوماسی فرهنگی نهادهای در ترکیه وجود دارد که به صورت رسمی و غیر رسمی فرهنگ ترکیه را در خارج از مرزهای آن گسترش می‌دهند، این ادارات عبارتند از: «اداره کل امور فرهنگی، وزارت فرهنگ و گردشگری، اداره کل دیپلوماسی عمومی، سازمان آموزش عالی ترکیه، سازمان دیانت ترکیه، موسسه تیکا، موسسه تومر، بنیاد یونس امره، بنیاد زبان ترک، بنیاد تاریخ ترک، رادیو تلویزیون و جنبش فتح‌الله گولن». (۳)

این نهادها در مناطق پیرامونی ترکیه، در قفقاز، آسیای مرکزی، خاور میانه فعالیت داشته و تعدادی نیز در افغانستان فعالیت دارند. ترکیه با در نظر داشت اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان نهادهای را در راستای اجرا دیپلوماسی فرهنگی‌اش در بخش‌های مختلف فعال ساخته است، که نه تنها به گسترش و نفوذ فرهنگی پرداخته بلکه قدرت نرم را در راستای کسب اهداف سیاست خارجی‌اش نیز بکار برده است.

## نگرش فرهنگی ترکیه در افغانستان

داشتن مشترکات فرهنگی با افغانستان، برای جمهوری ترکیه این زمینه را مهیا ساخته تا روابطش را در عرصه فرهنگی با این کشور بیشتر تقویت نماید. مبنای مشترک نژادی، لسانی، مذهبی، رسوم و عنعنات اجتماعی مشترک در گذشته و عصر حاضر، از بسترهای مهم توجه ترکیه در حوزه فرهنگی به افغانستان است. هرچند رویکرد فرهنگی ترکیه در افغانستان در دوره پس از استقرار دولت جدید در این کشور (۲۰۰۱م) بیشتر تقویت گردیده، اما در گذشته نیز این کشور همکاری‌های زیادی در بخش فرهنگی به افغانستان نموده است. چنانکه معاهده دوستی سال (۱۹۲۱م) (۴) در دوره امان‌الله خان، زمینه را برای همکاری‌های بیشتر در عرصه فرهنگی مساعد ساخت. فرستادن دانشجویان طبقه اناث جهت تحصیلات عالی به ترکیه، اعزام محصلان و منصبداران افغانستان به ترکیه غرض آموزش، ارسال داکتران و استادان ترکی به افغانستان در ساحات مختلف طبی، نظامی، آموزش و پرورش جهت مساعدت به جانب افغانستان از مفاد معاهده دوستی ۱۹۲۱م می باشد. «درمیان سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۳۲م. در حدود ۲۱۲ معلم، داکتر و دیگر متخصصین ترکی به افغانستان فرستاده شده است، تا این کشور را در عرصه‌های مختلف کمک و یاری رساند» (۵)

روابط و همکاری‌های دو کشور تا رویکار آمدن جمهوری دموکراتیک خلق در افغانستان ادامه یافت، پس از حضور نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان، ترکیه در سیاست خود در قبال این کشور تغییر آورد. احزاب عدالت، نجات و نهضت ملی ترکیه به طور علنی در برابر دولت وقت قرار گرفتند و در اواخر ۱۹۸۰م. سلیمان دیمیرل موضع آشکار ضد شوروی را اتخاذ کرد (۶).

در سالهای دهه ۹۰م.، همکاری‌های ترکیه در بخش فرهنگی به افغانستان قطع نگردید، اما در دوره امارت طالبان روابط کاملاً قطع گردید. حضور فرهنگی ترکیه بیشتر محدود به حوزه آموزشی، آنهم در سطح روابط با افراد و بعضی

جریان‌های سیاسی افغانستان بود. پس از رویکار آمدن دولت جدید در افغانستان (۲۰۰۱م). ترکیه که خود در چوکات ناتو، نیروه‌هایش را به افغانستان فرستاده بود، بار دیگر به تحکیم و تقویت روابط و مناسبات دوستانه اش، با افغانستان پرداخته و در پهلوی فعالیت‌هایش در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به استفاده و تحکیم قدرت نرم با استفاده از ابزار دیپلوماسی فرهنگی رو آورد. سیاست‌های ترکیه بنا بر عدم موجودیت پیشینه سوء این کشور در افغانستان و فعالیت‌های ارزنده اش، بیشتر مورد پذیرش شهروندان قرار داشته و استقبال نیز گردیده است.

همان طوریکه قبلاً تذکر رفت، ترکیه در راستای اجراء و گسترش فرهنگش، در ساحات مختلف فرهنگی با ارایه بورسیه‌های تحصیلی، تأسیس دیپارتمنت‌های زبان ترکی در دانشگاه‌های دولتی افغانستان، دایر نمودن برنامه‌های آموزشی جهت ارتقای ظرفیت و دعوت از دانشجویان، استادان، دانشمندان و کارمندان دولتی به آن کشور، ورود البسه و کالاهای ترکی و صدور سریال‌های تلویزیونی به افغانستان، زمینه نفوذ و گسترش فرهنگ ترکی به افغانستان را مساعد ساخته است.

با تأسیس مکاتب افغان- ترک در دهه ۹۰م. از سوی جنبش فتح الله گولن (خدمت) در افغانستان، زمینه برای ورود فرهنگ و ارزش‌های ترکی از طریق تدریس زبان ترکی و معرفت شاگردان با رسوم، عنعنات و فرهنگ آن کشور مساعد گردید. مکاتب افغان- ترک در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷م. پس از کسب اجازه از دولت اسلامی افغانستان و در پی آن امارت طالبان، تأسیس گردید. این مکاتب که در شهرهای مختلف افغانستان چون مزار شریف، شبرغان، کابل، ایبک، قندهار، جلال آباد و هرات فعالیت داشتند. در سال ۲۰۱۵م. با کودتای ناکام گولن در ترکیه، جمهوری ترکیه از تمامی کشورهای که میزبان این مکاتب بودند، درخواست نمود تا اداره مکاتب را به بنیاد معارف ترکیه که جزو ارگان‌های وابسته به دولت این کشور است، بسپارند. کارکنان، معلمان و مدیران آن که قبلاً تحت اداره گولن فعالیت داشتند، اخراج و از کار برکنار گردیدند. افغانستان نیز بنا بر روابط مستحکم و دوستانه‌ای که با دولت ترکیه دارد، به این درخواست پاسخ مثبت داد.



مکاتب افغان ترک، در پهلوی ارتقای سطح علمی شاگردان، در عرصه معرفی فرهنگ و ترویج زبان این کشور خدمات زیادی انجام داده و توانسته تا حدودی ذهن و افکار شاگردان را تحت نفوذ فرهنگی ترکیه قرار دهد.

علاوه بر مکاتب افغان- ترک، ترکیه سالانه بورسیه‌های تحصیلی را برای افغان‌ها اعطاء می‌کند. اعطای بورسیه‌های تحصیلی به افغانستان از جانب ترکیه از سال ۱۹۹۲ م. آغاز گردیده است. (۷) قابل ذکر است که تعداد این بورسیه‌ها در ابتدا کم و محدود به اقوام و گروه‌های سیاسی خاص مورد حمایت ترکیه بود، اما در دوره جدید، تعداد آن بیشتر گردیده و بعد از اخذ امتحان توزیع می‌گردد. بورسیه‌های تحصیلی در مقاطع لیسانس، ماستری و دکتورا بوده و محصلین که از طریق این بورسیه‌ها، پذیرفته می‌شوند، در ابتدا برای مدت یکسال دوره آموزشی زبان ترکی را فراگرفته و سپس در رشته مورد نظر به تحصیل می‌پردازند. «بورسیه‌های متذکره شامل تحصیل رایگان در دانشگاه، مبلغ نقدی مدد معاش ماهانه، خوابگاه رایگان و بیمه صحت می‌باشد که توسط (YTB)\* یا اداره ترک‌های خارج از ترکیه وجوامع [خویشاوند] هماهنگ و اجراء می‌شود». (۸)

این کشور در زمینه فراهم سازی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت و بلند مدت و دعوت از افغان‌ها در شهرهای مختلف ترکیه، نیز همکاری‌های را در عرصه‌های مختلف با افغانستان داشته است. چنانچه پس از آغاز کار حکومت مؤقت در افغانستان، به دعوت جمهوری ترکیه کارمندان وزارت امور خارجه، داکتران وزارت صحت عامه، کارکنان رادیو و تلویزیون، وزارت آبیاری و منابع آب، وزارت آب و برق، مخابرات، معادن و صنایع، صنایع خفیفه و مواد غذایی، ریاست گمرکات وزارت مالیه، وزارت امور داخله، وزارت زراعت و مالداری به آن کشور غرض اکمال تخصص گسیل شده‌اند. (۹) علاوه براین، فراهم سازی برنامه‌های آموزشی برای اردو و پولیس افغان، دعوت از دانشجویان، استادان و دانشمندان افغان جهت اشتراک در

\*-Yurtdisi Turkler ve Akraba

پروگرام‌های آموزشی از سوی نهادهای اکادمیک آن کشور از دیگر خدمات فرهنگی ترکیه برای افغان‌ها می‌باشد.

در بخش آموزش زبان ترکی، نهادهای فرهنگی ترکی که در واقع اجرا کننده دیپلوماسی فرهنگی ترکیه نیز می‌باشند، نقش فعالی را ایفاء می‌کنند. موسسه تومر (TOMER)، انستیتوت یونس امره و تیکا (TIKA) فعالیت‌های را در بخش رشد و گسترش زبان ترکی در افغانستان حمایت و تحت پوشش قرار می‌دهند. فعالیت تیکا یا آژانس همکاری توسعه بین الملل ترکیه شامل حمایت و پشتیبانی از فعالیت در عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی می‌باشد، اما فعالیت موسسه تومر مختص به زبان ترکی است. «تومر وابسته به دانشگاه انقره بوده که در ۱۲ شهر ترکیه و چند کشور به شمول افغانستان نمایندگی دارد. در اگست ۲۰۱۸م. این نهاد شعبه‌ای جدید مرکز تحقیقاتی زبان ترکی و زبانهای خارجی دانشگاه انقره را در مزارشریف افتتاح کرد. در افغانستان این موسسه در کنار آموزش زبان ترکی، رشته‌های دانشگاهی ترک شناسی را نیز در کشورهای مختلف مورد حمایت و پوشش قرار می‌دهد» (۱۰). بنیاد یونس امره با هدف فعالیت‌های فرهنگی و آموزش زبان در سال (۲۰۰۹م) (۱۱) تأسیس گردید که هدف آن، آموزش زبان ترکی به خارجیان می‌باشد. در افغانستان بنیاد یونس امره کورس‌های آموزشی زبان ترکی را برای افغان‌ها دایر نموده و کتاب‌های تدریس زبان ترکی را در سطوح مختلف منتشر نموده است. «بنیاد یونس امره در ۵۸ کشور به شمول افغانستان (دانشگاه‌های کابل و بلخ) نمایندگی دارد. در هشت دانشگاه افغانستان از جمله دانشگاه‌های کابل، تعلیم و تربیه برهان الدین ربانی، جوزجان، سرپل، تخار، فاریاب، بلخ و بغلان دیپارتمنت زبان و ادبیات ترکی موجود می‌باشد و این بنیاد با این دیپارتمنت‌ها تفاهمنامه‌های را امضاء نموده و همکاری می‌نماید» (۱۲).

در سال‌های اخیر زبان ترکی علاقمندان زیادی را در افغانستان به سوی خودش جلب نموده است و بسیاری از نهادهای دولتی و خصوصی کورس‌های آموزش زبان را دایر می‌نمایند. علاوه بر هشت دانشگاه فوق الذکر، بسیاری

دانشگاه‌های دیگر نیز آمادگی شان را برای ایجاد دیپارتمنت ترکی اعلام نموده اند. دلیل گسترش و تشویق مردم به آموزش زبان ترکی را میتوان فراهم بودن زمینه در جهت جذب در کمپنی‌های ترکی، اخذ بورسیه‌های تحصیلی، افزایش میزان مهاجرت‌ها به ترکیه و سرمایه گذاری در انجا، علاقمندی به فرهنگ و سریال‌های تلویزیونی می‌توان قلمداد کرد.

در طی یک و نیم دهه پس از تأسیس دولت جدید در افغانستان، با گسترش سرمایه گذاری‌های تاجران ترک کالاهای ترکی بخصوص البسه آن با توجه به کیفیت بهتر آن بازار خوبی در افغانستان دارند. ورود این کالاها تا حدودی در ترویج و تشویق فرهنگ در افغانستان نقش ایفاء نموده است.

در زمینه استفاده از رسانه‌ها به عنوان ابزار دیپلوماسی فرهنگی، ترکیه توانسته تا حدودی موفقانه عمل کند. این کشور با صدور سریال‌های تلویزیونی در سراسر جهان نه تنها سود اقتصادی بزرگی را بدست آورده، بلکه فرهنگ ترکی را به سراسر جهان به معرفی گرفته و به تصویر کشیدن جاذبه‌های توریستی در سریال‌های ترکی برای مردم دنیا، هجوم سیل گردشگران از کشورهای مختلف دنیا را نیز فراهم ساخته است. در افغانستان نیز سریال‌های تلویزیونی و موسیقی ترکی طرفداران زیادی داشته، و بازار این سریال‌ها در تلویزیون‌های افغانستان گرم است. پخش سریال‌های ترکی عرصه را برای ترویج و تشویق سینما و سریال‌های داخلی محدود ساخته است. چنانچه شخصیت‌ها و قهرمان‌های سریال‌ها، الگوهای آرمانی در میان جوانان و کودکان افغان بوده و بدین ترتیب بخش زیادی از فضای فرهنگی سینما در افغانستان را در اختیار دارند.

## نتیجه

از آنجا ئیکه استفاده از ابزار فرهنگی در راستای برقراری ارتباطات با کشورها از اواخر قرن بیستم اهمیت زیادی کسب نمود برای ترکیه به عنوان کشوری با غنای فرهنگی، تمدنی و پل ارتباطی میان شرق و غرب، زمینه‌های زیادی در عرصه استفاده از دیپلوماسی فرهنگی را مهیا ساخت تا در مناطق پیرامونی و کشورهای که تقرب فرهنگی با آن کشور دارند، نفوذ و جایگاه ویژه را برای خودش بسازد. در این میان یک از کشورهای که در مناطق پیرامونی توجه دیپلوماسی فرهنگی ترکیه را جلب نمود افغانستان بود. ترکیه توانست با استفاده از تحولات صورت گرفته در این کشور و فرصت‌های بوجود آمده در روابط جدیداش با افغانستان، توجه ویژه‌ای در عرصه فراهم سازی کمک‌های اقتصادی و فرهنگی به این کشور نموده و با استفاده از قدرت نرمش زمینه نفوذ فرهنگی را در این کشور مهیا ساخت. چنانکه با برقراری و تقویت ارتباطات در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی چون ارایه بورسیه‌های تحصیلی، ایجاد نهادهای آموزشی زبان ترکی و ترک‌شناسی، صدور سریالها و کالاهای ترکی در تباری با دیپلوماسی اقتصادی، تشویق و حمایت از برنامه‌های فرهنگی‌توانسته تا حدودی در جامعه افغانی برای فرهنگ این کشور جا باز نموده و نفوذ فرهنگی‌اش را قایم بسازد. هرکدام از این ابزارها خود زمینه ساز ورود سایر ارزشهای فرهنگی و رسوم و عنعنات آن کشور نیز گردیده است. دیپلوماسی فرهنگی ترکیه در تباری با دیپلوماسی اقتصادی اش، توانسته موفقانه عمل نموده و افکار عمومی را نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های خود مدیریت و بسوی خویش جلب نماید. در واقع مشترکات قومی، زبانی، مذهبی، پیشینه تاریخی و تمدنی دو کشور و عدم وجود سابقه سوء ترکیه در مسایل افغانستان در امر نفوذ فرهنگی ترکیه در افغانستان نقش مهمی داشته و به همین سبب تا اکنون هیچ نوع نارضایتی که بتواند مانع از نفوذ فرهنگی آن کشور در افغانستان گردد، به چشم نخورده است و افغانستان نیز به دلیل بحران‌های سیاسی که دامنگیرش است نتوانسته سیاستی را در جهت مقابله با فرهنگ‌های اجانب بیرونی و رشد و غنای

سازی فرهنگ خودش روی دست گیرد. چنین رویکرد فرهنگی و فضای حاکم فرهنگی در افغانستان، زمینه برای فرهنگ سازی بر مبنای ارزش‌های فرهنگی، افزایش قدرت نرم، و کسب جایگاه جدید در معادلات منطقه‌یی را برای ترکیه فراهم می‌سازد.

### پیشنهادات

با در نظر داشت موضوعات مطرح شده، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- با توجه به فقر فرهنگی حاکم در افغانستان و مساعد بودن نفوذ فرهنگی کشورها، دولت بایست برنامه‌ها و پلان‌های عملی در زمینه مقابله با فرهنگ اجانب رویدست گیرد و تلاش گردد تا در عرصه‌های که بیشتر مورد تهاجم فرهنگی قرار دارد، کارهای بیشتری صورت گیرد.
- ۲- ترکیه با گسترش نفوذ فرهنگی، زمینه ورود ابزارهای اقتصادی را در سایر کشورها فراهم ساخته است. بناءً برای کشورهای مانند افغانستان می‌تواند الگوی خوبی باشد. افغانستان بایست با استفاده از تجارب و کارکردهای ترکیه در عرصه دیپلوماسی فرهنگی، به تقویت و گسترش فرهنگ‌اش در مناطقی پردازد که شباهت‌های فراوان فرهنگی با این کشور دارد.

### مآخذ

- ۱- اقبال، اسماعیل. «تحلیل مولفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲م)» فصلنامه قدرت نرم ترکیه، شماره ۱۱، تهران، سال ۱۳۹۳ هـ. ش، ص ۴۳.
- ۲- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله. «دیپلوماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین الملل» فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۸، تهران، تابستان ۱۳۹۶ هـ. ش، ص ۱۵.
- ۳- علی آدمی، مهسا نوری. «دیپلوماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیشرو» فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، خزان ۱۳۹۲ هـ. ش، صص ۹-۱۳.

۴- مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان. افغانستان و جهان (کشورهای آسیا و افریقا)، انتشارات میوند: کابل، سال ۲۰۰۴م، ص ۱۴۰.

5- MFA, Turkey-Afghanistan bilateral political relations, Turkey's ministry of foreign affairs website, available at: <http://www.mfa.gov.tr/turkey-Afghanistan>, [accessed on 2/7/2019]

۶- قیومی، محمد داوود. «سیاست خارجی افغانستان در قبال ترکیه و تأثیر آن بر همکاری‌های منطقه‌یی» سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌یی، زیر نظر فرامز تمنا، چاپ اول، جلد اول، مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه: تهران، سال ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۴۴.

۷-afghan students win scholarships to study in Turkey, study in Turkey website, available at: <http://www.studyinturkey.com/content/study/>, [accessed on 8july 2019]

۸- تی آر تی. بورسیه‌های تحصیلی ترکیه، ویسایت تی آر تی، نشر: ۲۰۱۹/۱/۳۱م، دسترسی: <Http://www.trt.net.tr/dary/frhng>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۷/۱م].

۹- مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه افغانستان. افغانستان و جهان (کشورهای آسیا و افریقا)، صص ۱۴۶-۱۴۷.

10-Shadi Khan Saif, Turkish language centers open in Afghanistan, Anadolu Agency website, 3/8/2018, Available at: [www.aa.com.tr/en/culture-and-art/](http://www.aa.com.tr/en/culture-and-art/), [Accessed on: 8july 2019]

۱۱- علی آدمی، مهسا نوری، همانجا، ص ۱۱.

۱۲- انستیتوت امره. هیجان فارغ التحصیلان دیپارتمنت‌های زبان و ادبیات ترکی در افغانستان، سایت انستیتوت امره، ۲۰۱۸/۱۲/۲۵م، دسترسی: <http://www.kabil.yee.org.tr>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۷/۵].

څېړندوی ضیاالحق ضیا

## د هند او چین وروستی سرحدی کړکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

### **India-China Recent Border Dispute: Factor of Military Preference**

Researcher Ziaulhaq Zia

#### **Abstract**

Since the past 40 years, there have been no such clashes between India and China that have resulted in any casualties. But on 20 June 2020 clash happened between them at Galwan valley of Ladakh region in which 20 Indian soldiers were killed. Following the incident tensions and chances of major and full scale war between the two countries escalated. Carrying out the infrastructural work along the border by both sides was the main reason for the occurrence of this bloody war. Although bilateral efforts have prevented the escalation of the conflict, but both countries have increased the development of infrastructure projects and military presence along the border, which has strained bilateral relations.

#### **لنډيز**

د هند او چین ترمنځ له تېرو څلوېښتو کلونو راهیسې داسې نښته نه وه رامنځ ته شوې چې له امله یې مرگ ژوبله پېښه شي، دا یوازې د ۲۰۲۰ ز. کال د جون ۱۵ نېټه وه چې د دواړو هېوادونو د پوځیانو ترمنځ د لاداخ په گلوان دره کې جگړه وشوه

او ۲۰ تنه هندي سرتېري پکې ووژل شول. له دې پېښې سره سم، د دواړو هېوادونو ترمنځ کړکېچ ډېر شو چې د يوې لويې جگړې د پېښېدو گواښ ورسره مل و. د دې خونړۍ جگړې د پېښېدو لوی لامل د پولې په اوږدو کې د دواړو غاړو له خوا د بنسټيزو کارونو ترسره کول وو. که څه هم د دوه اړخيزو هڅو په پايله کې د شخړې د پراخېدو مخه ونیول شوه، خو دواړو هېوادونو د پولې په اوږدو کې د بنسټيزو پروژو او پوځي شتون په پراختيا کې ډېروالی راوست چې له امله يې دوه اړخيزې اړيکې ترپنگلي حالت ته ورسېدې.

### سريزه

د هند او چين ترمنځ پر گډې پولې د دواړو هېوادونو له خوا هوکړه نه ده شوې، د کرنې په اوږدو کې چين د ۹۰ زره کيلومتره مربع پراخوالي په لرلو سره د ارنانچل پردېش د ملکيت دعوه لري او هند د ۳۳ زره ۵۰۰ کيلومتره مربع پراخوالي په لرلو سره د اکسايي چين او تراس کراکوم د ملکيت دعوي لري.

دا کرښه چې د لاداخ له سيمې او څلورو ايالتونو (هيمانچل پردېش، اوتراخنډ، سيکيم او ارنانچل پردېش) څخه تېرېږي له ۳۴۴۰ کيلومترو ډېر اوږدوالی لري. که له يوې خوا دا پوله تر دې مهاله شخړه بيزه پاتې ده، له بلې خوا يې دا شخړه بيزه بڼه هم په سمه توگه نه ده په نښه شوې. دې کرښې ته سيندونو، حوزونو او واورو داسې جوړښت ورکړی چې له امله يې د دواړو خواوو د پوځيانو ترمنځ وخت ناوخت ټکرونه رامنځ ته کېږي. په ځانگړې توگه د لوېديځ لاداخ سيمه ډېره شخړه بيزه ده؛ دواړه هېوادونه له دوو لسيزو راهيسې هڅې کوي چې په دې برخه کې سرحدي نښې وټاکي. په داسې حال کې چې د لاداخ د اکسايي چين خاوره چې زيانجينگ او لوېديځ تبت سره نښلوي، په ستراتېژيکه توگه د بيجنگ لپاره ډېره مهمه ده او وروستی ټکر هم د لاداخ په گلوان دره کې رامنځ ته شوی.

په دې څېړنه کې به له يوې خوا د لاداخ په گلوان دره کې د دوی ترمنځ د رامنځ ته شوې خونړۍ پېښې څرنگوالی روښانه او له بلې خوا د گډې پولې په اوږدو کې د



د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

شوني ټکر د رامنځ ته کېدو پرمهال د دواړو هېوادونو نظامي غوروالی تر بحث او شننې لاندې ونیسو.

### د خپرنې موخه

د دې خپرنې موخه د هند او چین ترمنځ پولې ته څېرمه د وروستی نښتې خپل، د دې نښتې د رامنځ ته کېدو لاملونه او په راتلونکي کې د شونې وسلوالې جگړې پرمهال د پولې په اوږدو کې د دواړو هېوادونو د نظامي غوره والي روښانه کول دي.

### د خپرنې اهميت

د نړۍ د دوو لویو نفوس لرونکو هېوادونو او هستوي ځواکونو په توګه د هند او چین ترمنځ وروستی نښتې او سرحدی کرکېچ نه یوازې پر سیمې بلکې پر ټولې نړۍ اغېزې لرلای شي، نو د دواړو هېوادونو ترمنځ د وروستیو نښتو او شخړو خپل او د دوی ترمنځ د پولې په اوږدو کې د نظامي غوروالي روښانه کول، یو له اهميت لرونکو علمي - خپرنيزو موضوعاتو څخه ګڼل کېږي.

### د خپرنې مېتود

دا څېړنه په توصيفي - تحليلي توګه ترسره شوې ده.

### د خپرنې پوښتنې

په دې لیکنه کې به هڅه وشي چې لاندې پوښتنو ته ځوابونه پیدا شي: د دواړو هېوادونو لپاره ګلوان دره څه اهميت لري؟ دا ټکر له اوږدې ارامۍ وروسته ولې رامنځ ته شو؟ او د یوې لویې جگړې پر مهال به کوم هېواد غوره نظامي حالت ولري؟

د خپرنې فرضيې: داسې ویلای شو چې د دواړو هېوادونو لپاره د کرښې په اوږدو کې ګلوان دره د بنسټيزو کارونو د پراختیا او له ستراتيژیکي اړخه ډېر اهميت لري؛ نو داسې ښکاري چې د دې خونړي ټکر د رامنځ ته کېدو لوی لامل په دې سیمه کې د بنسټيزو کارونو ترسره کول و. کولای شو ووايو چې د یوې لویې جگړې پرمهال چین په غوره نظامي حالت کې دی، خو د پولې په اوږدو کې د هند هوايي ډګرونو او جګړه ییزې الوتکې د ډاډ وړ حسابېدلای شي.

## د گلوان درې خونړۍ پېښې رامنځ ته کېدل

گلوان دره د لاداخ په اکسایي چین کې د هند او چین ترمنځ یوه شخړه بیزه او نا ټاکل شوې سرحدی سیمه ده؛ په ټوله کې اکسایي چین داسې یوه شخړه بیزه سیمه ده چې چین یې د زینجیانگ او هند یې د لاداخ برخه بولي؛ یخه ده او د اوسېدو وړ نه ده، د تودوخې درجه یې د اوړي په موسم کې هم له صفره ښکته وي، د هیمالیا په لوړو کې پرته ده او متوسط جگوالی یې ۴۲۰۰ مترو ته رسېږي. (۱)

د گلوان دره د لاداخ سیمې ډېره زیان منونکې برخه جوړوي؛ د دې درې ترڅنگ د لاداخ له مرکز څخه د دولت بېگ اولډي تر هوایي اډې پورې د هند نوی سړک غځېدلی دی.

د دوی ترمنځ د ټکر د رامنځ ته کېدو له لاملونو څخه یو هم همدا سړک و ځکه چې چین د دې سړک پر جوړولو نیوکه کړې وه او د ۲۰۲۰ ز. کال د مې میاشتې په لومړیو کې یې دلته ځواکونو خیمې لگولې وې او خپل درانه وسایل یې څو کیلومتره دننه په هغه ځای کې چې هند یې خپله خاوره بولي ځای پرځای کړي وو. (۲) له دې وروسته په زرگونو چینایي او هندي ځواکونه د لاداخ په گلوان درې، هاپ سپرینگز او پینگونگ د اوبو په ډنډ (حوز) کې سره مخامخ شول. (۳)



د هند او چین وروستی سرحدی کرکیچ: د نظامی غوره والی فکتور

سره له دې چې د دواړو هېوادونو د سیمه ییزو افسرانو ترمنځ له څو پړاوو خبرو وروسته، لوړ پوړو چینایي او هندي قومندانانو د ۲۰۲۰ ز. کال د جون پر ۶ نېټه د یوې غونډې پرمهال د دغه کرکیچ د راکمولو هوکړه هم کړې وه، خو یوه اوونۍ وروسته د جون پر ۱۵ نېټه د شپې مهال د گلوان په دره کې د دوی ترمنځ نښته وشوه چې په پایله کې یې شل هندي او نامعلوم شمېر چینایي پوځیان مړه او زخمیان شول. (۴) دا جگړه هغه مهال پېښه شوه، کله چې هندي پوځیان په یوه نړۍ لار کې پر چینایي عسکرو وریښې شول؛ د مخامختیا پرمهال یو هندي افسر ژورې کندی ته ور تېل وهل شو؛ له دې سره سم، په سلگونو پوځیانو له دواړو خواوو یو بل ته غېږې ورکړې او د تېرو او سوکانو جگړه یې پیل کړه. درې هندي پوځیان د جگړې پر مهال او ۱۷ نور وروسته د سختو زخمونو او یخې هوا له امله مړه شول. بیجنگ خپلې غاړې ته مرگ ژوبله رد کړه او پر هندي عسکرو یې تور پورې کړ چې دوه ځلې له پولې تېر شوي، چینایي عسکر یې تحریک کړي او بریدونه یې پرې کړي دي. (۵)

دا جگړه چې شپږ ساعته روانه وه، له دواړو خواوو څخه شپږ سوو ځواکونو په تیرو، اوسپنو او لرگیو جگړه کوله، خو یوه لوري هم وسله نه وه کارولې. ډېر هندي عسکر ژورې کندی ته د ور نیوېدو له امله مړه شوي وو. دا له ۱۹۷۵ ز. کال څخه (چې د ارنجل پردېش په ټولونگلا کې چې د چین په یوه برید کې ۴ پوځیان مړه شوي وو) را په دېخوا لومړۍ وژونکې جگړه وه (۶) او په ۱۹۶۷ ز. کال په ناتولا کې له نظامي شخړې وروسته چې ۸۰ هنديان او ۳۰۰ چینایان پکې وژل شوي وو، لویه نښته وه. (۷)

له دې پېښې وروسته چین وویل چې گلوان دره د دوی خاوره ده او په سیمه کې د پولې د کنټرول حالت ښکاره او څرگند دی. د چینګدو انستیتوت په فکري مرکز کې د نړیوالو چارو مسؤل ډاکټر لانګزینګچون ویلي وو چې: (هند گلوان درې ته خپلې لارې راغځوي او د کرښې حالاتو ته بدلون ورکوي چې له امله یې د چینایانو قهر او غوصه راپاروي). (۸) دا مهال د هند د پوځ پخواني افسر او نظامي شنونکي اجیا شوکلا ویلي وو: (حالات جدي دي، چینایان یوه داسې ځای ته راغلي چې دوی پخپله منلې وه چې دا د هند خاوره ده؛ دا په بشپړ ډول شته حالاتو ته بدلون

ورکوي). (۹) په ویلسن فکري مرکز کې د اسيا د ځانگې مرستيال مېشل کولمېن په دې اړه ويلي وو: (دا مخامختيا عادي نه ده؛ چين د خپل زور او پياوړتيا د ښکاره کولو لپاره ډېر شمېر پوځيان دې سيمو ته لېږلي دي). (۱۰) پخواني هندي ديپلومات پي ستاېدن په دې اړه ويلي وو: (موږ تل وينو دواړه غاړو پوځيان له لاین اف اکچول (د هند او چين ترمنځ نا ټکل شوې پوله) کنټرول څخه تېرېږي دا يوه عامه خبره ده او دا ډول پېښې د پوځيانو ترمنځ په سيمه بيزه کچه هوارېږي، خو دا مهال داسې پراخ رغښيز کارونه روان دي چې موږ مخکې نه و ليدلي). (۱۱)

### د کرکېچ لاملونه

ډېر شونکي ددې ټکر لوی لامل د هند له خوا د جمو او کشمير په اړه د ۳۷۰ ارتيکل لغوه کول بولي چې د جمو او کشمير ايالت ته (چې د لاداخ شخړه بيزه سيمه هم پکې راځي) يې ځانگړي واکونه ورکول؛ چين ته د پاکستان په څېر، د هند دا گام د دوی پر خاورې د يو اړخيز اغېز په توگه ښکاره شوی و.

داسې هم ويل کېږي چې د چين دا عمل په سرحدي سيمو کې د هند د اوسنيو رغښيزو بنسټيزو کارونو په اړه يو غبرگون و. هند د ۲۵۵ کيلومترو په اوږدوالي سره د درېوک - شياک - دولت بېگ سړک پرانېستی دی. چين په دې اړه نيوکه کړې وه او د هند دا گام يې خپلو گټو او ستراتيژيک مقام ته يو گواښ بللی و.

د نوي ډيلي د جواهر لال نهرو په پوهنتون کې د بين المللي اړيکو پروفيسور هاپيامن جبک وايي: (چين د لاداخ سيمې ته ارزښت ورکوي، ځکه چې دا سيمه مرکزي اسيا او سيبېک پروژې ته چې چينايانو په بيلیونونو ډالره پانگونه پکې کړې ده لاسرسی ورکوي؛ نو له همدې امله دلته د هند پراختياوې په مرکزي اسيا کې د چين جيوستراتيژيکې موخې گواښلی شي). (۱۲)

په دې ډول غبرگون سره چين دا هم غواړي هند ته د يوه کمربند او يوه سړک د نوښت د نه منلو په اړه سزا ورکړي؛ په دې سره چين غواړي د هند گاونډيانو ته داسې پيغام ورسوي چې پر هندي - پاسفيک سيمه دوی حاکم دي. (۱۳)

د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

له بلې خوا د دې شخړې بل لوی لامل د هند هغه کلک هوډ دی چې غواړي په گلوان درې کې د بنسټیزو کارونو یوه سلسله مخته یوسي (چې په دې کې سرکونه، پلونه او داسې نور کارونه راځي). له همدې امله د پولې په اوږدو کې د دواړو خواوو بنسټیزې پروژې په سرحدی ټکر کې رول ترسره کوي. لکه څرنګه چې په دې اړه یو نظامي شنونکی این.سي. بیپیندرا وایي: ( تر څو چې دا پوله شخړه بیزه وي، دا یو زیربنايي لوبه ده او روانه به وي). (۱۴)

### غبرګونونه او د حالاتو د عادي کولو هڅې

له دې خونړۍ پېښې وروسته پر یو او بل د تورونو لګول پیل شول؛ چین د گلوان سیند د ټولې درې دعوو وکړه. د هند د بهرنیو چارو وزیر وویل چین غواړي حقیقتونه بدل او پر ټولو هوکړو سترګې پټې کړي، (۱۵) په همدې ورځ د هند لومړي وزیر نریندرا مودي ټینګار کړی و چې هند سوله غواړي، خو د تحریک پرمهال وړ ځواب ورکولو ته هم چمتو دی. (۱۶)

د دې پېښې په غبرګون کې هندي حکومت له خپلو خلکو او کورنیو سوداګریزو اتحادیو غوښتنه کړې وه چې له چینایي توکو سره پرېکون وکړي؛ همدا و چې ځینو خلکو چینایي بیرغ، تولیدات او مایلونه وسوځول. (۱۷)

هند له چین سره د انډول (بیلانس) رامنځ ته کولو په موخه دې کرښې ته د عسکرو نورې فرقې، ټانګونه او توپخانې ولېږلې او د ۱۸۱۴۸ کرور روپيو په قیمت یې د ۳۳ روسي جګړه بیزو جیتونو اخیستل او د ۵۹ الوتکو بیا نوي کول تصویب او ۵۹ چینایي اپلېکېشنونه یې بند اعلان کړل. (۱۸)

په ورته مهال دواړو خواوو د کرکېچ راکمولو لیوالتیاوې هم وښودلې. یوه لوري هم شخړې ته نوره لمن و نه وهله؛ همدا و چې د جون پر ۱۷ نېټه د دواړو هېوادونو د بهرنیو چارو وزیرانو په دې اړه خبرې وکړې، ترڅو د داسې ګامونو مخه ونیسي چې د کرکېچ د ډېرېدو لامل کېږي؛ هماغه و چې د جون پر ۲۲ نېټه د دواړو لوریو د لوړ پوړو نظامي قومندانانو ترمنځ په یوې ۱۱ ساعته غونډه کې د کرکېچ کمولو راتلونکو

گامونو ته پام وشو. (۱۹) دواړو غاړو پر دې هوکړه وکړه چې له شخړه بيزې سيمې په شا شي او د نورو ټکرونو د مخنيوي لپاره له لږ شمېر پوځيانو سره حايلې سيمې جوړې کړي. (۲۰)

په ټوله کې هند د دې خونړۍ پېښې د ځواب په اړه له يوې معما سره مخامخ شوی و. د دوی ترمنځ نظامي گام د هستوي وسلو د کارولو په گډون ډېر خطرونه لري؛ ځينو د اقتصادي پرېکون غوښتنه کوله، دوی ټينگار کاوه چې عام هندیان او کمپنۍ بايد له چينايي توکو سره پرېکون وکړي، خو په دې اړه هم د گامونو اخیستل ډېر سخت وو، ځکه چې هند ته له چين څخه ډېر توکي راځي؛ هند له چين څخه لوی واردونکی او دوهم لوی سوداگريز شريک دی.

### د پولې په اوږدو کې د نظامي غوره والي فکتور

لکه څرنگه يې چې يادونه وشوه هند او چين په ۱۹۶۲ ز. کال د پولې پر سر خونړۍ نښته کړې وه چې د هند په سختې ماتې او د چين له خوا په يو اړخيز اوربند پای ته رسېدلې وه. له همدې مهاله د پولې په کره ځای هوکړه نه ده شوې چې له امله يې دواړو هېوادونو راتلونکو شونو ټکرونو او نښتو ته د چمتوالي په موخه د گډې پولې په اوږدو کې د پوځي اډو، سپړکونو، ريل لارو، هوايي ډگرونو او نورو بنسټيزو پروژو جوړولو ته مخه کړې ده، ترڅو د پولې په اوږدو کې د سيال په پرتله خپل نظامي شتون او د ټکر پرمهال د بريد او دفاع ځواک پياوړی کړي.

### ۱- د پولې په اوږدو کې بنسټيز کارونه

هند او چين دواړه د گډې کرښې په اوږدو کې سپړکونه، پلونه او پوستې جوړوي چې د گلوان درې له پېښې وروسته دا پراختياوې لا ډېرې او چټکې شوې دي. پر ۲۰۰۶ ز. کال د هند حکومت د پولې د سپړکونو له ادارې غوښتنه وکړه چې تر ۲۰۱۲ ز. کال پورې له چين سره پر پولې ۶۱ سپړکونه (چې اوږدوالی يې ۳۳۲۴ كيلومتره ته رسېږي) جوړ کړي، خويادې ادارې د ۲۰۱۵ ز. کال تر مارچ پورې يوازې ۶۲۵ كيلومتره سپړک جوړ کړ. د ۲۰۱۸ ز. کال په مارچ کې دا کچه ۹۸۱ كيلومتره

د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

ته ورسېده، خو وروستيو دوو کلونه ډراماتيکه توپير لاره: د ۲۰۲۰ ز. کال په مارچ کې د جوړو شويو سپړکونو کچه تر ۲۴۸۶ کيلومترو پورې رسېدلې ده. (۲۱)

په همدې لړ کې، د ۲۵۵ کيلومترو په اوږدو سره د درېوک - شياک - دولت بېگ اولدې سپړک (۲۲) د ۵۰۰۰ مترو په لوړوالي سره په لاداخ سيمه کې له شلو کلونو وروسته تېر کال بشپړ او پرانېستل شو چې د شخړې پرمهال به د پوځيانو او پوځي توکو په چټک لېږد کې د هند وړتياوې ډېرې کړي. دا سپړک د کراکورم له لويې لارې څخه ۲۰ کيلومتره واټن لري، په ختيځ لاداخ کې له گډې کرښې سره موازي تېرېږي (۲۳) او د لاداخ مرکز له دولت بېگ اولدې سره نښلوي. (۲۴) لکه څرنگه يې چې يادونه وشوه د هند له خوا د دغه سپړک جوړولو چين په غوسه کړی دی، خو چين هم له کلونو راهيسې دلته په کارونو بوخت دی. دواړو ته د يو او بل رغڼيز کارونه تکتيکي زيان ښکاري او کله هم چې يوه لويه پروژه اعلانېږي، نو کرکېچونه ورسره زور اخلي.

د دې کرښې په اوږدو کې د هند له خوا ټول ۷۳ ستراتيژيک سپړکونه او ۱۲۵ پلونه تر کار لاندې دي، خو پرمختگ يې کرار دی او يوازې ۳۵ سپړکونه يې بشپړ شوي دي. د بنسټيزو کارونو په دې لړ کې نوي ډيلي د نهو ستراتيژيکو ريل لارو جوړول هم تصويب کړي دي چې د درنو وسلو لېږد به اسانه کوي. پر سپړکونو سربېره هند د دې کرښې په اوږدو کې ۲۵ هوايي ډگرونه هم جوړ کړي دي. (۲۵)

په ورته مهال، بيجنگ د هيماليا په سيمه کې له ۱۹۵۰ لسيزې را په دېخوا سپړکونه جوړوي او اوسمهال په تبت او يونان ولايت کې د سپړکونو او ريل لارو پراخې شبکې لري. دوی پر دې کار کوي ترڅو ۲۱۹ ملي لويه لاره (دا په چين کې يوه لوی لاره ده) د زينجنگ - تبت له سپړک سره ونښلوي. چين د پولې په اوږدو کې ريل لارې او يو درزن هوايي ډگرونه هم لري. (۲۶)

په ټوله کې پر گډې کرښې د دايمي رغڼيزو ځايونو جوړول د دواړو لپاره ډېر ارزښت لري. په گلوان دره کې د چين نوې سرحدي پوستې دوی پر دې توانولای شي چې په سيمه کې د هند بنسټيزې پرمختياوې بې اغېزې کړي. دلته په ځينو برخو کې د چين پوستې د جگړې پرمهال د هندي پوځ د شمالي سکتور سپړکونه

سره جلا کولای شي. په گلوان دره کې د چین دا ډول پرمختیاوې به په دایمي توگه روان حالت بدل او د هند سیمه بیزې نظامي پرمختیاوې به بې اغېزې کړي.

## ۲- د پولې په اوږدو کې د پليو ځواکونو فکتور

که چېرې د گډې کرنې په اوږدو کې د پليو ځواکونو پیاوړتیا ته وکتل شي، نو د کرنې په لوېدیځ لوري کې چین د هند په پرتله په گټور حالت کې دی، په چینایي لوري کې د سړکونو او ریل لارو شبکو د هند هڅې شاته پرېښې دي او له همدې لارو د چین پوځ کولای شي په ډېرې چټکۍ سره په سیمه کې تگ راتگ وکړي. چین د دې پولې په اوږدو کې ۲۳۰۰۰ پوځیان لري، په داسې حال کې چې د هندي ځواکونو شمېر ۲۲۵۰۰۰ ته رسېږي (۲۷) چې په شمال کې ۳۴ زره، په مرکز کې ۱۵۵۰۰ او په ختیځ کې ۱۷۵۵۰۰ ته رسېږي. (۲۸)

له بلې خوا د هند پوځ د ۱۷ مې غرنیزې قول اردو د توپخانې په برخه کې د خپلو پروگرامونو نوي کول پیل کړي دي. دا به د هند پوځ ته د جگړې په لومړیو ورځو کې یرغلیزې وړتیاوې ورکړي. پر دې سربېره، په تبت کې د چینایي ځواکونو د توپخانې محدودې وړتیاوې به د دې معنا ولري چې د جگړې پرمهال به د چینایي پوځ پرمختگ لږ وي. (۲۹) د هندي ځواکونو تجربه او جگړه بیز طبیعت هم د پام وړ دی، هندي ځواکونه له ۱۹۶۲ ز. کال وروسته د کارگیل له جگړې او استازو جگړو سره مخامخ شوي، په سریلانکا کې جگړه بیزې تجربې لري، له لوېدیځو ځواکونو سره تمرینونه کوي او غوره تکتیکي نوښتونه لري. (۳۰) چینایي پوځ هم غوره نظامي ایکو سیستم جوړ کړی، حقیقي جگړه بیز تمرینونه ترسره کوي (۳۱) او د نړۍ تر ټولو لوی فعال پوځ (دوه اعشاریه یو میلیون) لري. (۳۲)

## ۳- د پولې په اوږدو کې د هوايي ځواک فکتور

د جگړې په لومړیو ورځو کې د هوايي ځواک انډول د هند په گټه تمامېدلای شي. د هند هوايي ځواک په سرحدي سیمو کې د چین په پرتله غوره هوايي اډې او پرمختللي ډگرونه لري. داچې په تبت کې د چین هوايي اډې په لوړو ځایونو کې دي، نو د الوتکو د عملیاتو چټکوالی به یې کم وي. له کیفی او کمی پلوه پر یرغلیزو



د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

ځواکونو سربره، د چین ځواکونه په لوېدیځ نظامي تياتر کې د هندي هغو په پرتله کمزري دي. دوی اوس هم زړې چې ۱۰ او چې ۱۱ جگړه بيزې الوتکې لري چې هند يې پر وړاندې په ختیځه قومندانۍ کې سو ۳۰ ایم. کا. ايي. چېت الوتکې ځای پرځای کړې دي، خو دا ټول هغه وخت بدلېدای شي کله چې شخړه اوږده شي.

که چېرې شخړه اوږده شي، نو چین به د خپلو جوړو کړو سرکونو او ریل لارو پر مټ له مرکزي خاورې سرحدي سیمو ته په شپږو اونیو کې ۳۲ فرقي ولېږي. د الوتکو د کېناستو د لارو او ټانکرونو په جوړولو سره به دوی له نورو سیمو په پراخ شمېر سره یرغلیزې الوتکې دې سیمې ته راوړي. د اوږدې شخړې پرمهال به دوی چې ۲۰ الوتکې دلته ځای پرځای کړي او په کيفي توگه به د ځواک انډول بدل کړي. بلاخره د ځمکنی بلاستیک او کروزر مزایلو ستراتيژیک راکېتي ځواکونه (دې ایف ۲۱ سي او سي چې ۱۰) به د هندي لوري د عملیاتو مخه ونیسي. (۳۳)

د بلفر خېړنيز مرکز له راپور سره سم، د اټکل له مخې ۱۰۴ چينايي مزایل د هند ټولو برخو ته رسېدای شي، په داسې حال کې چې د هند ډېره برخه مزایلي ځواک د چین په پرتله پاکستان ته نږدې ځای پرځای شوی دی. داسې اټکل کېږي چې لس اگني ۳ لانچرونه کولای شي د چین ټولې خاورې ته ورسېږي او اته اگني ۲ لانچرونه د چین مرکزي خاوره موخه گرځولای شي. په ټوله کې بلفر اټکل کوي چې د هند هوايي ځواک ۲۷۰ جگړه بيزې الوتکې او ۶۸ د ځمکنی برید الوتکې له چین سره په شمال، مرکز او ختیځ کې ځای پرځای کړي، چې د پرمختللو ډگرونو د پراخې شبکې په لرلو سره د یرغلیزو الوتکو لپاره لوجستيکي اسانتیاوې برابرولای شي. (۳۴) دا ټول د چین پولې ته نږدې دي، په کم وخت کې حرکت کولای شي او له پولې څخه د چينايي ځواکونو د تېرېدلو مخه ډب کولای شي. په ځانگړې توگه، د ایس ۴۰۰ دفاعي سیستم له ځای پرځای کولو سره به هند غوره ځواکمنتیا ترلاسه او له هوايي دفاع به بې غمه شي.

بلفر اټکل کوي چې د چین چې ۱۰ جگړه بيزې الوتکې په ټيکنالوژۍ کې د هند له میراج سره د پرتلې وړ دي او د هند سو ۳۰ ایم کا ايي الوتکې د چین د چې

۱۱ او سو ۲۷ ماډلونو په شمول په ټولو برخو کې له جگړه بیزو الوتکو پیاوړې دي. چین په میدان کې ټولې ۱۰۱ څلورم نسل جگړه بیزې الوتکې لري او هند په یاده سیمه کې ۱۲۲ دا ډول الوتکې لري چې د شمېر له مخې د پام وړ ډېروالی رانښيي. په هوايي برخه کې د هند سو ۳۰ ایم کا ایی د چین د جې ۸ او جې ۱۱ او سو ۲۷ سره مخامخ کېدای شي. اوس اوس چین په زینجیانگ سیمه کې جې ۲۰ جگړه بیزې الوتکې هوتن هوايي اډې ته لېږلې او هند هم لاداخ سیمې ته فرانسوي رافایلز جگړه بیزې الوتکې لېږلې دي، خو داسې ویل کېږي چې یادې الوتکې به له راپایل څخه پیاوړې نه وي. (۳۵)

د ستراتیژیک شتون او سرعت په شرایطو کې چین له هند څخه په هوايي ځواک کې مخکې دی، خو هند له تجربه لرونکو ځواکونو سره ډېرې ډاډمنې تگلارې او ستراتیژیکو بنسټونو ته پراختیا ورکوي. (۳۶)

**بحث او شننه:** د جون د ۱۵ نېټې له جگړې وروسته د گلوبل ټایمز ایډیټر په یوه ټویټ کې ویلي وو چې: ( هندیان باید خپل دوه ناپوهووي سم کړي: یو دا چې پر دې باید پوه شي چې چین کولای شي له کرنې څخه د اوبستونکو هندي ځواکونو مخه ونیسي، بل دا چې دا سوچ دې هم بدل کړي چې هند داسې نظامي وړتیاوې لري چې په یوې سرحدي جگړې کې به چین ته ماتې ورکړي). (۳۷) په هر حال، د هیمالیا په سیمه کې د هند لپاره ښکاره گټورتوب دادی چې چین په مرکزي اسیا کې د امریکا له نظامي پراختیا او په کور دننه زینجیانگ ته ورته له پاڅونونو سره مخامخ دی.

د هیمالیا په پولې کې د چین له خوا په ځانگړې توگه په تبت کې ډېر بنسټیز کارونه ترسره شوي دي؛ په دې سیمه کې سړکونه او ریل لارې چینایي ځواکونو ته د چټک تگ اسانتیاوې برابرولای شي. په ټوله کې د چین د خلکو د ازادۍ پوځ د هندي لوري په پرتله ټېکنالوژیکي غوره والی هم لري. چین هستوي اوبتلونه، ډېر نظامي ستالایتونه او نوي وسایط او سپکې وسلې لري چې ځینې یې په همالیا کې هم ځای پرځای کړي دي.

د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

چین اوسمهال پرمختللي وسلې پخپله جوړوي، په داسې حال کې چې د هند کورني توليدات پر دې نه دي توانېدلي چې له چيني هغو سره سيالي وکړي، نو ځکه پرمختللي توکي له نورو هېوادونو ترلاسه کوي. هند د خپل کوچني اقتصاد له امله پر دې نه دی توانېدلی چې پر خپلې دفاع داسې لگښت وکړي چې د چین، روسیې او امریکا پر وړاندې ودرېږي او ډېر مهال يې پر پاڅونونو او د پاکستان پر گواښونو تېر کړی دی.

يوه خبره چې بايد روښانه شي هغه داده چې چین د هيماليا په پرتله خپلې پرمختللي وسلې په سويلي چین سمندر او ټايوان کې ځای پرځای کړې دي. له بلې خوا هند په کارگيل، جمو او کشمير او سريلانکا کې د جگړې تجربې هم لري او چین يوازې له ويتنام سره د ۱۹۷۹ ز. کال لنډه جگړه کړې او بس. د هند پېلوټان تجربې لري او د لوړو الوتنو جگړه ييز ماموريتونه ترسره کولای شي. له چین سره پر گډې پولې يې هوايي اډې په چټکۍ سره پوځيانو ته د جگړې په ډگر کې پرته له خنډ او ځنډ څخه مرستې رسولای شي.

## پايله

د هند او چین اړيکې د گلوان درې له پېښې او په ځانگړې توگه د لوړې کچې خبرو اترو له ناکامېدو وروسته يوه نوي او کرکېچن پړاو ته دننه شوې دي. دواړه غاړې هڅې کوي چې د پولې په اوږدو کې د پوځي شتون د ډېروالي له لارې خپلې دعوي پياوړې کړي؛ د همدې لپاره د دې کرښې په اوږدو کې سرکونه، د الوتکو تم ځايونه، پوځي اډې، تلفوني لاینونه او نور بنسټيز کارونه ترسره کوي.

دوی اوسمهال د گډې پولې په اوږدو کې په پنگانگ ټاسو، هات سپرېنگ، گلوان درې او ډيپسنگ برخه کې سره مخامخ شوي دي. د دواړو هېوادونو ترمنځ دا مخامختيا يوازې د يوې غرنۍ سرحدي ځمکې شخړه نه ده، بلکې د يوه سړک او کمربند د نوښت په گډون د ډېرې پراخې ستراتيژيکې سيالۍ يوه برخه ښکاري.

په ټوله کې په سویلي اسیا کې د چین د پراختیا اوسنۍ موخه د هند د دفاعي وړتیاوو کمزوري کول او له امریکا سره یې د ملګرتیا د پراختیا مخه نیول دي؛ د همدې لپاره له پاکستان سره ژوره ملګرتیا او له سریلانکا سره نږدې اړیکې د چین لپاره ډېرې مهمې ښکاري.

د گلوان درې له ټکر ۳ میاشتې وروسته، چین د کرنې په اوږدو کې پیاوړی ښکاري چې په بشپړ ډول هند ته د منلو وړ نه دی، خو په ورته توګه هند هم هڅه کړې چې له چین سره د پولې په اوږدو کې خپل بنسټیز کارونه پراخ کړي او د پوځي شتون د پیاوړتیا لپاره رافایل فرانسوي جېټ الوتکو ته ورته پرمختللي وسلې او پوځي توکي ځای پر ځای کړي.

د هند او چین ترمنځ د ګډې پولې په اوږدو کې د پوځي شتون پراختیاوې او له دوه اړخیز پوهاوي پرته د پراخو او بنسټیزو کارونو ترسره کول د دوی ترمنځ د خونړیو ټکرونو لامل کېدای شي چې له امله به یې نه یوازې دوه اړخیزې اړیکې له کړکېچونو سره مخامخ کېږي، بلکې هر شونې ټکر یې د افغانستان په ګډون د ټولې سیمې او نړۍ لپاره ګواښونکي پایلې رامنځ ته کولای شي.

## ورانديزونه

۱- هند او چین د نړۍ په کچه لومړی او دوهم لوی نفوس لرونکي هېوادونه دي، پیاوړي پوځونه او هستوي وسلې لري؛ د دوی ټکر نه یوازې سیمه، بلکې نړۍ ته ګواښ پېښولای شي، نو که چېرې د نړۍ لوی ځواکونه او د افغانستان په ګډون د سیمې هېوادونه د دوی ترمنځ د شونې ټکر په مخنیوي کې خپل رول ترسره کړي، نو د سیاسي او امنیتي ټیکاو ګټه به یې د افغانستان په شمول ټولې سیمې ته رسېږي.

۲- که د سرحدی شخړو د حل لپاره د غوره شرایطو د برابرولو په موخه هند او چین خپلو عادي او مخ پر ودو سوداګریزو او اقتصادي اړیکو ته دوام ورکړي، نو له یوې خوا به د ښه نیت فضا رامنځ ته شي او یادې مسئلې به په ښه توګه حل شي او له بلې خوا به یې ټولې سیمې ته سیاسي او اقتصادي ګټې رسېږي.

د هند او چین وروستی سرحدی کرکېچ: د نظامي غوره والي فکتور

۳- که چېرې هند او چین د راتلونکو ټکرونو او نظامي کرکېچونو د مخنیوي په موخه د پولې له نظامي کولو ډډه وکړي او خپل اضافي نظامي ځواکونه له شخړه ییزو سیمو وباسي، نو نه یواځې پر دواړو هېوادونو بلکې د ټولې سیمې پر سیاسي او امنیتي حالاتو به یې اغېزې مثبتې وي.

۴- دواړو هېوادونه کولی شي چې د پولې په اوږدو کې د بنسټیزو پروژو د پلي کولو پرمهال د بل لوري حساسیتونه په پام کې ونیسي او دا بنسټیزې پروژې د نظامي موخو پرځای، د اړیکو د پراختیا، د لارو جوړولو او سوداګریزو راکړو ورکړو لپاره وکاروي.

۵- دا چې چین د افغانستان ګاونډی هېواد دی او له هند سره ښې او دوستانه اړیکو لري، نو افغان حکومت ته وړاندیز کېږي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د شوني ټکر پرمهال خپل بې پرې والی وساتي او تر شوني حده له دیپلوماتیکو لارو د دوی ترمنځ د آرامښت او مصالحې هڅه وکړي او د پېښېدونکو نښتو او شخړو پرمهال د خپلې خاورې او خلکو د خوندي کولو او امنیت لپاره اړین ګامونه واخلي.

## مأخذونه

1. James Griffiths. Why are China and India fighting over an inhospitable strip of the Himalayas?, CNN, June 19, 2020, Availability at:

<https://edition.cnn.com/2020/06/17/asia/india-china-aksai-chin-himalayas-intl-hnk/index.html>.

2. Anbarasan Ethirajan and Vikas Pandey. China-India border: Why tensions are rising between the neighbors, 30 May 2020, Availability at:

<https://www.bbc.com/news/world-asia-52852509>

3. Alyssa Ayres. The China-India Border Dispute: What to Know, Council on Foreign relations, Washington DC, June 18, 2020, Availability at:

[HTTPS://WWW.CFR.ORG/IN-BRIEF/CHINA-INDIA-BORDER-DISPUTE-WHAT-KNOW.](https://www.cfr.org/in-brief/china-india-border-dispute-what-know)

4. Jeff M Smith. The Galwan Killings Are the Nail in the Coffin for China and India's Relationship, Foreign Policy, JUNE 26, 2020, Availability at:  
[HTTPS://WWW.HERITAGE.ORG/ASIA/COMMENTARY/THE-GALWAN-KILLINGS-ARE-THE-NAIL-THE-COFFIN-CHINA-AND-INDIAS-RELATIONSHIP](https://www.heritage.org/asia/commentary/the-galwan-killings-are-the-nail-the-coffin-china-and-indias-relationship).
5. Helen Davidson and Ben Doherty. Explainer: what is the deadly India-China border dispute about?, The Royal Institute of International Affairs Chatham House, 17 Jun 2020, Availability at: <https://www.theguardian.com/world/2020/jun/17/explainer-what-is-the-deadly-india-china-border-dispute-about>.
6. Haris Zargar. India and China border conflict intensifies, New Frame Johannesburg, South Africa, 10 Jul 2020, Availability at: <https://mg.co.za/world/2020-07-10-india-and-china-border-conflict-intensifies>.
7. Can India beat China in a border war? Studies debunk claims of China's 'superiority': An analysis of Indo-China capabilities along LAC, Kerala, India, June 21, 2020. Availability at: <https://www.theweek.in/news/india/2020/06/21/can-india-beat-china-in-a-border-war-studies-debunk-claims-of-china-vast-superiority.html>.
8. Anbarasan Ethirajan and Vikas Pandey. China-India border: Why tensions are rising between the neighbors, 30 May 2020, Availability at:  
<https://www.bbc.com/news/world-asia-52852509>
9. Anbarasan Ethirajan and Vikas Pandey. China-India border: Why tensions are rising between the neighbors, BBC News, 30 May 2020, Availability at:  
<https://www.bbc.com/news/world-asia-52852509>
10. Ibid
11. Ibid
12. Five things to know about the India-China border standoff, 22 Jun 2020, availability at:  
<https://www.aljazeera.com/news/2020/06/india-china-border-standoff-20062111215771.html>.

13. Bertil Lintner. China, India standoff more than a war over rocks, JULY 1, 2020, Availability at:

<https://asiatimes.com/2020/07/china-india-standoff-more-than-a-war-over-rocks>.

14. China Global Television Network. Will new border clash impact China-India 70-year relationship?, 03-Jul-2020, Availability at: <https://news.cgtn.com/news/2020-07-03/Will-new-border-clash-impact-China-India-70-year-relationship--RP2viXOxMY/index.html>.

15. Jeff M Smith. The Galwan Killings Are the Nail in the Coffin for China and India's Relationship, Foreign Policy, JUNE 26, 2020, Availability at:

[HTTPS://WWW.HERITAGE.ORG/ASIA/COMMENTARY/THE-GALWAN-KILLINGS-ARE-THE-NAIL-THE-COFFIN-CHINA-AND-INDIAS-RELATIONSHIP](https://www.heritage.org/asia/commentary/the-galwan-killings-are-the-nail-the-coffin-china-and-indias-relationship).

16. Alyssa Ayres. The China-India Border Dispute: What to Know, Council on Foreign relations, Washington DC, June 18, 2020, Availability at:

[HTTPS://WWW.CFR.ORG/IN-BRIEF/CHINA-INDIA-BORDER-DISPUTE-WHAT-KNOW](https://www.cfr.org/in-brief/china-india-border-dispute-what-know).

17. Aljazeera News, Five things to know about the India-China border standoff, 22 Jun 2020, Availability at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/06/india-china-border-standoff-20062111215771.html>.

18. India-China Conflict, 03 Jul 2020, Availability at: <https://www.drishtias.com/daily-updates/daily-news-analysis/india-china-conflict>.

19. Jeff M Smith. The Galwan Killings Are the Nail in the Coffin for China and India's Relationship, Foreign Policy, JUNE 26, 2020, Availability at:

[HTTPS://WWW.HERITAGE.ORG/ASIA/COMMENTARY/THE-GALWAN-KILLINGS-ARE-THE-NAIL-THE-COFFIN-CHINA-AND-INDIAS-RELATIONSHIP](https://www.heritage.org/asia/commentary/the-galwan-killings-are-the-nail-the-coffin-china-and-indias-relationship).

20. Gurdip Singh Uban. China's Pullback In Ladakh Pause In Game Of Checkmate; Time India Plans Strategy For Northern Borders, Outlook India, New Delhi, 25 July 2020, Availability at: <https://www.outlookindia.com/website/story/opinion-chinas-pullback-in-ladakh-pause-in-game-of-checkmate-time-india-plans-strategy-for-northern-borders/357381>.
21. Agrawal Rangoli. Are border development works driving India-China conflict?, 26 Aug 2020, Availability at: <https://www.livemint.com/news/india/are-border-development-works-driving-india-china-conflict-11598428065277.html>.
22. aljazeera news, Five things to know about the India-China border standoff, 22 Jun 2020, Availability at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/06/india-china-border-standoff-20062111215771.html>.
23. Pratik Jakhar, India and China race to build along a disputed frontier, 30 July 2020, Availability at: <https://www.bbc.com/news/world-asia-53171124>.
24. Jin Wu and Steven Lee Myers. Battle in the Himalayas, China and India are locked in a tense, deadly struggle for advantage on their disputed mountain, July 18, 2020, Availability at: <https://www.nytimes.com/interactive/2020/07/18/world/asia/china-india-border-conflict.html>.
25. Pratik Jakhar. India and China race to build along a disputed frontier, 30 July 2020, Availability at: <https://www.bbc.com/news/world-asia-53171124>.
26. Ibid.
27. Nick Reynolds and Sidharth Kaushal. A Military Analysis of the Sino–Indian Border Clashes, The Royal United Services Institute (RUSI), Uk, 2 June 2020, Availability at: <https://rusi.org/commentary/military-analysis-sino%E2%80%93indian-border-clashes>.



28. Can India beat China in a border war? Studies debunk claims of China's 'superiority': An analysis of Indo-China capabilities along LAC, Panampilly Nagar, Kochi, Kerala, India, June 21, 2020. Availability at:

<https://www.theweek.in/news/india/2020/06/21/can-india-beat-china-in-a-border-war-studies-debunk-claims-of-china-vast-superiority.html>.

29. Nick Reynolds and Sidharth Kaushal. A Military Analysis of the Sino-Indian Border Clashes, The Royal United Services Institute (RUSI), Uk, 2 June 2020, Availability at:

<https://rusi.org/commentary/military-analysis-sino%E2%80%93indian-border-clashes>.

30. Can India beat China in a border war? Studies debunk claims of China's 'superiority': An analysis of Indo-China capabilities along LAC, Kerala, India, June 21, 2020. Availability at:

<https://www.theweek.in/news/india/2020/06/21/can-india-beat-china-in-a-border-war-studies-debunk-claims-of-china-vast-superiority.html>.

31. Pravin Sawhney. Here's Why All's Not Well for India on the Ladakh Front, 10/JUN/2020, Availability at:

[HTTPS://THEWIRE.IN/DIPLOMACY/HERES-WHY-ALLS-NOT-WELL-FOR-INDIA-ON-THE-LADAKH-FRONT](https://thewire.in/diplomacy/heres-why-alls-not-well-for-india-on-the-ladakh-front).

32. Ahmedabad, India and China's deadliest border clash in decades risks war between nuclear-armed rivals — here's how the world's 2 largest militaries stack up, June 24, 2020, Availability at:<https://www.businessinsider.com/amid-border-dispute-tensions-how-china-and-india-militaries-compare-2020>.

33. Nick Reynolds and Sidharth Kaushal. A Military Analysis of the Sino-Indian Border Clashes, The Royal United Services Institute (RUSI), Uk, 2 June 2020, Availability at:

<https://rusi.org/commentary/military-analysis-sino%E2%80%93indian-border-clashes>.

34. Can India beat China in a border war? Studies debunk claims of China's 'superiority': An analysis of Indo-China capabilities along LAC, Panampilly Nagar, Kochi, Kerala, India, June 21, 2020. Availability at:

<https://www.theweek.in/news/india/2020/06/21/can-india-beat-china-in-a-border-war-studies-debunk-claims-of-china-vast-superiority.html>.

35. Ibid

36. India vs China: Airpower compared, 31 JULY 2020, Availability at:

<HTTPS://WWW.AIRFORCE-TECHNOLOGY.COM/FEATURES/INDIA-VS-CHINA-INDIAN-AIR-FORCE-IAF-VS-PEOPLES-LIBERATION-ARMY-AIR-FORCE-PLAAF>.

37. Can India beat China in a border war? Studies debunk claims of China's 'superiority': An analysis of Indo-China capabilities along LAC, Kerala, India, June 21, 2020. Availability at:

<https://www.theweek.in/news/india/2020/06/21/can-india-beat-china-in-a-border-war-studies-debunk-claims-of-china-vast-superiority.html>.

سرمحقق زلمی هیوادممل

واپسین گزارش تاریخی درباره امارت بخارا

## The Latest Historical Report on the Emirate of Bukhara

*Senior Research Fellow Zalmi Hewadmal*

### **Abstract**

This research report illustrates and takes us on the latest developments in the Emirate of Bukhara. This historical report is reflected in the book entitled (The Anguish of Nations). In this script (The Anguish of Nations) has analyzed through the point of bibliography and the method of conducting research; at the end some statements have been made about its author Emir Alim Khan.

### **خلاصه**

این گزارش پژوهشی، ما را در جریان واپسین رخدادهای امارت بخارا می گذارد و به شرح آن می پردازد.

این گزارش تاریخی در کتابی زیر نام (تاریخ حزن الملل بخارا) بازناب یافته است. در این نبشته (تاریخ حزن الملل بخارا) از دید کتاب شناسی، منبع شناسی و شیوه انجام بررسی، در پایان در باره مولف آن امیر عالم خان نیز گفته های آمده است.

## پیش سخن

پژوهشگران و مؤرخان امروزی که پیرامون بخارا، امارت بخارا و سقوط این امارت پژوهش‌های کرده‌اند، می‌گویند: شهر بخارا که در روزگاران کهن به نام‌های قبه الاسلام و دارالفاخره یاد می‌شد، از آبادترین شهرهای ماوراءالنهر بود.

در باره بخارا کتب متعدد تاریخ به نگارش آمده‌اند، ولی چنان که عشیق کابلی گفته است: "همه به جز از سه کتاب از میان رفته است. از کتاب‌های که به دست ما رسیده، یکی (تاریخ بخارا) تألیف ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (۲۸۶-۳۴۸)، دیگری (تاریخ ملازاده) از احمد بن محمود ملقب به معین الفقراء (قرن ۹-هـ ق) و فرجامین آن (مهمان نامه بخارا) تألیف فضل الله بن روزبهان خنجی (۸۶۰-۹۲۷ هـ ق) است" (۱) و تاریخ حزن الملل بخارا، واپسین گزارش تاریخی در این زمینه شمرده می‌شود. من در این مقاله پیرامون همین فرجامین اثر درباره بخارا، گفته‌های دارم و بحث را از شناسایی اثر آغاز می‌کنم:

### ۱- درباره اثر

تاریخ حزن الملل بخارا تألیف سید عالم خان آخرین امیر بخارا، در حقیقت دفتر خاطرات اوست که دور از میهنش در دیار غربت در کابل به رشته تحریر آورده، آنرا (تاریخ حزن الملل بخارا) نام نهاده است.

امیر سید عالم خان در جایی از این خاطرات پیرامون محتوای آن نبشته است: "این بنده، از زمان شهزاده گیم الی زمان سلطنت که در بخارای شریف و توابع آن ولایت کردم و محاربه که همراه بلشویک بنا بر انقلاب زمان نمودم و بعد از آن هجرت را اختیار کرده، به دارالسلطنه کابل گذشتم و نفوس بخارا و تعلقات ولایات آن برای طرفداریم همراه بلشویک مدت هفت سال محاربه نمودند، به طریق یادگار برای ناظران تاریخم در قید تحریر آوردم تا از سرگذشتم مطلع گردند" (۲).

تاریخ حزن الملل بخارا در آغاز بحث‌های مقدماتی دارد، شامل شرح حال امیر عالم خان نویسنده خاطرات، دومین بحث آن زیر عنوان:

## واپسین گزارش تاریخی دربارهٔ امارت بخارا

محاربهٔ بلشویک؛ بحث سوم از محاربهٔ چهار سالهٔ عبدالقهار در اطراف بخارا، آگاهی‌های در اختیار خواننده می‌گذارد و این همه بخش‌ها فصل اول کتاب را تشکیل می‌دهد.

در فصل دوم تاریخ حزن الملل بخارا، یادداشت امیر عالم خان، امیر معزول بخارا آمده است که به نام انجمن اتفاق ملل نگارش یافته، در ماه سپتامبر ۱۹۲۷ توسط نمایندهٔ ویژهٔ امیر، جنرال یوسف بای به انجمن تقدیم شده است.

در این یادداشت، اطلاعات مختصری، در بارهٔ جغرافیای طبیعی، تشکیلات سیاسی و اداری، ثروت طبیعی، حملهٔ بلشویک‌ها بر بخارا، آمده، بحث کوتاهی زیر عنوان فصل سوم در بارهٔ (تاریخ زنده گانی امرای بخارا) و در فرجام یادداشت حاجی یوسف مقیم بای ضمیمهٔ خاطرات شده است. حاجی یوسف در بخشی از این یادداشت گفته است:

خوشبختانه این بنده وظیفهٔ خود را چنان که باید و شاید انجام داده، از اینکه آنرا به مسلمانان عالم عرضه می‌دارم، تا از سرگذشت این پادشاه و قوم بخت برگشته مطلع شوند و از خوانندگان تمنا دارم که در این وظیفهٔ مقدس مارا کمک فرموده، تمام داستان‌ها و افتراهای روسیهٔ بلشویکی را نسبت به ما خالی از حقیقت بدانند. (۳)

تاریخ حزن الملل بخارا بار نخست در سال ۱۹۲۸ م. در پاریس به چاپ رسید، چاپ دوم آن در شماره‌های سال ۱۳۶۵ هـ ش مجلهٔ (میثاق خون) چاپ شده است. (۴) اما متن تحقیقی آن از روی دو نسخه آماده شده است، یکی نسخه چاپی پاریس و دیگری نقلیست که از روی نسخهٔ خطی خانوادهٔ مؤلف تهیه شده بود.

متن تحقیقی تاریخ حزن الملل بخارا را محمد اکبر عشیق کابلی تهیه دیده، مقدمهٔ ممتع پژوهشی بر آن افزوده، تعلیقاتی بر آن نوشته است. این متن در ماه دلو، سال ۱۹۹۲/۱۳۷۰ م. در پشاور از سوی اتحادیهٔ نویسندگان افغانستان آزاد، چاپ و نشر شد.

مقدمهٔ عشیق کابلی که در آغازین بخش‌های پیش از متن در هشتاد و پنج صفحه گنجانیده شده است، آگاهی‌های سودمندی در بارهٔ امیران سلطنت

بخارا، روابط امارت بخارا با روسیه و سقوط امارت بخارا توسط بلشویک‌ها، عوامل سقوط آن، در باره تاریخ حزن الملل بخارا و مؤلف آن امیر عالم خان واپسین امیر نگونبخت بخارا در اختیار خواننده می‌گذارد. در بخش‌های فرجامین متن تحقیقی، تعلیقات سودمندی به شمول واژه نامه‌ای برآن افزوده است. در دانشنامه ادب فارسی (ص ۲۵۴) گفته شده: تاریخ حزن الملل بخارا در سال ۱۳۷۳ در تهران نیز چاپ شده است.

## ۲- هدف نگارش خاطرات

سید عالم خان (۱۸۸۰-۱۹۴۴م) واپسین امیر امارت بخارا، هدف نگارش خاطراتش را چنین وانمود ساخته است: "من که خادم ملت نجیب بخارای شریف، سید امیر عالم خان حکمران ملک بخارا بودم. کیفیت احوال و سرگذشت خود را از زمان خورد سالی تا زمان سلطنت در پایتخت بخارا و محاربه که همراه بلشویک نمودم و حکایات هجرت خود را که به دارالسلطنه کابل کرده‌ام، در سلک تحریر در آورده، بیان نمودم، تاریخ حزن الملل بخارا نام نهادم، تا قاریین و ناظرین از بیان حالات این بنده و سلطنتی که در پایتخت بخارا و تعلقات آن نمودم و محاربه همراه بلشویک کرده، و هجرت به افغانستان نموده آن را مطلع گردانیده، به دیده انصاف نظر نمایند". (۵)

از مطالعه خاطرات و یادکرد مؤلف در باره هدف نگارش آن، بر می آید که نویسنده خواسته است: در کنار شرح مختصری در باره احوال خود و دودمانش و همچنان درباره مملکت بخارا، سقوط امارت بخارا، خروج از امارت بخارا و عقب نشینی او به ولایت حصار، محارباتی با بلشویک‌ها از سوی خودش و طرفداران او، هجرت به افغانستان و شمه از مبارزات بعدی او در رابطه به رهایی بخارا از دست بلشویک‌ها، به دسترس آینده گان بگذارد.

### ۳- ارزشمندی خاطرات از دید منبع شناسی

چنان که گفته آمده در بارهٔ مملکت بخارا، امارت بخارا، امرای آن، مردم و حیثیت برجستهٔ فرهنگی و علمی بخارا، افزون بر آثار کهن، در دو سدهٔ فرجامین به زبان‌های روسی، انگلیسی، آلمانی و همچنان زبان‌های بومی منطقه‌یی چون: فارسی- تاجیکی، زبان‌های خانوادهٔ ترکی و .... به رشتهٔ تحریر آمده اند.

از بین همه آثار خورد و بزرگ به نگارش آمده در بارهٔ بخارا، تاریخ حزن الملل بخارا در یک مقطع ویژهٔ زمانی در بارهٔ تاریخ آن سرزمین، اطلاعاتی در اختیار خواننده می‌گذارد، که از دید منبع شناسی، منبع دست اول شمرده می‌شوند زیرا نویسنده شاهد عینی رخدادها بود. (۶).

تاریخ حزن الملل بخارا، از لحاظ زمان پدید آمدن آن به سدهٔ بیستم مربوط است، اما از نگاه شیوهٔ پرداخت بسته گی به آثار کهن دارد یا لاقلاً من دربارهٔ چنین می‌اندیشم.

### ارزشمندی‌های زیرینی را می‌توان در این اثر برشمرد

۱: آنچه را امیر عالم خان در بارهٔ خود، بعضی از افراد خانواده، به ویژه پدرش امیر عبدالاحد، دورهٔ طفولیت، تحصیل در پترزبورگ، دوران شهزاده گی و پادشاهی، فرجامین سال‌های امارت، مقاومت و مبارزه در برابر نیروهای بلشویکی، ارادهٔ ترک میهن، ورود به افغانستان، رسیدن به کابل، جابه‌جایی او در اطراف کابل، ملاقات‌ها با اعلیحضرت امان الله خان، ماموران عالی‌رتبهٔ دولتی افغانستان و مهمانوازی حکومت افغانستان، همه مواردی‌اند که می‌توان در مطالعات امروزی به حیث مواد دست اول از آن سود جست. همینسان اطلاعات او دربارهٔ کمک نظامی دولت افغانستان با امارت بخارا و موجودیت سفارت افغانی در بخارا. رخداد فرار امیر از شهر بخارا را نیز از معلومات دست اول توان شمرد. امیر عالم خان در خاطرات خود می‌نویسد: یوم چهارشنبه بعد از ظهر به سوارهٔ پایتون، موافق سنت حضرت رسول (ص) هجرت اختیار نموده، از باغ شاهی ستارهٔ ماه خاصه برآمده، به طرف تومان کامات و خرقان رود، یعنی غجدوان روانه گردیده، در آن وقت هم‌رایم عبدالشکور

خان سفیر افغان و برگد نظامی محمد اسلم خان میرشکار، سفیر تاشکند و قاضی عسکر افغان و بیست و پنج هزار از عمال و عسکریه بخاری و عساکر افغانی همراه بودند".....(۷).

۲- نام‌های جغرافیایی طی زمانه‌ها زیر مد و جزر جغرافی و سیاسی واقع شده اند و آن بدین معنی که گاهی مناطق و ساحات وسیع و گسترده، زیر یک نام جغرافی یاد شده‌اند، گاهی هم بالاتر عوامل سیاسی همین نام به منطقه محدودی و یا یک شهر اختصاص یافته است. مثال‌های فراوانی را در زمینه در جغرافیای تاریخی منطقه ما سراغ توان کرد.

بخارا نیز یکی از چنین نام‌های جغرافیایی و شهریست تاریخی و فرهنگی از قدیم آبادان ماوراء النهر. همین نام جغرافی در مقاطع مختلف زمانی به حیث مملکت سرزمین‌های وسیع را احتوا می‌کرد و از شهر بخارا اداره می‌شد و این همه مناطق شامل مملکت بخارا بودند. با سقوط امارت بخارا و فرار امیر روز ۳۱ اگست سال ۱۹۲۰م از شهر بخارا، حیثیت مملکت بخارا رو به خاتمه گذاشت. امیر سید عالم در یادداشتی در همین اثر، حدود مملکت بخارا را پیش از سقوط نشان می‌دهد و از شهرها، ولایات، مناطق و دریا‌های آن نام می‌گیرد و بدین ترتیب از واپسین حدود و ثغور مملکت بخارا به ما خبر می‌دهد. اکنون بخارا هم شهر و هم ولایت شامل در تشکیلات ملکی جمهوری ازبکستان است.

۳- رخدادهای که بعد از هجرت شاه به افغانستان در بخارا واقع شده‌اند و امیر عالم خان از آن در کتابش یاد می‌کند و همچنان بعضی اطلاعاتی را که در نامه‌ای به نام انجمن اتفاق ملل آورده، از سوی دیگران برایش روایت شده، یا از اسناد برداشته است. این دست مطالب، خاطرات از دید منبع شناسی، از ارزشمندی بیشتری برخوردار نمی‌باشند و با وقایعی که خود امیر عالم خان شاهد آن بوده، همسویی کرده نمی‌توانند.



۴- در فرجام این بحث شایسته به یاد آوری می‌دانم که (تاریخ حزن الملل بخارا) از نظر روش شناسی، شرایط یک اثر تاریخی را پوره کرده نمی‌تواند و آن را گونهٔ از واقعه نگاری و خاطرات نویسی، توان شمرد.

بر وقایهٔ چاپ سوم این اثر نیز زیر نام (تاریخ حزن الملل بخارا) آورده‌اند: (خاطرات اعلیحضرت امیر سید عالم خان)

#### ۴- نظر دانشمندان در بارهٔ این اثر

عشیق کابلی که چاپ سوم تاریخ حزن الملل بخارا با مقدمه و تعلیقات او آماده شده است، پیرامون اهمیت این خاطرات می‌نویسد: "..... نویسنده به حیث امیر این سرزمین، استیلای روسیان لحظه به لحظه حاصل می‌شد، زنده و تاجایی نیز از نزدیک ناظر بر حوادث بود کسانی را که از آن‌ها سخن گفته، خود می‌شناخته است. افزون بر آن به اطلاعاتی که وی از حوادث غیر سیاسی و اوضاع اجتماعی منطقه به دست می‌دهد و هم برخی از واژه‌های اداری و تاجیکی که امروزه در بخارا فراموش شده، دارای اهمیت به سزای است." (۸)

در دانشنامهٔ ادب فارسی، آقای شریفی مطلبی، در شناسائی (تاریخ حزن الملل بخارا) نوشته و دربارهٔ ارزشمندی آن گفته است: "تاریخ حزن الملل بخارا از آن جا که نویسنده‌اش به هنگام فروپاشی استقلال بخارا حاکم آن جا بوده و از نزدیک همه رویدادها را دیده، کتابی ویژه و از منابع درجه یک به شمار می‌رود." (۹)

لاله میرزا، در اخبار آزاده گان (چاپ دوشنبه، شمارهٔ سپتمبر ۲۰۱۵) نوشته است: دانشمند تاجیکستانی شادروان صولت شاه میرگن (وفات ۲۰۱۵م) نیز در بارهٔ خاطرات امیر سیدعالم خان نبشته‌ای دارد.

من (هیوادم) در یکی از آثار خود زیر نام روابط اجتماعی و فرهنگی پشتون‌ها با ماوراءالنهر در چند مورد از مطالب تاریخ حزن الملل بخارا به حیث منبع قابل اعتماد سود برده‌ام.

## ۵- در باره نویسنده تاریخ حزن الملل بخارا

نویسنده تاریخ حزن الملل بخارا، سید عالم خان واپسین امیر بخارا و بازپسین شاه سلاله شاهان و امیران مقتدر بخارا بود.

پدرش امیر عبدالاحد و جدش امیر مظفر بوده، تولدش را ۱۵ محرم ۱۲۹۸ (۱۸۸۰م) نوشته‌اند. امیر عالم خان در خاطراتش نوشته است که علوم دینی را در بخارا فرا گرفت. در سیزده ساله‌گی غرض آموزش قانون سلطنت و مملکت داری در سال ۱۸۹۳ به (روسیه) فرستاده شد. دوره تعلیمی آن زمان هفت ساله بود، اما به هدایت پدرش او این دوره را در سه سال ختم کرد و پس از سپری نمودن امتحان به بخارا برگشت.

در انسایکلوپیدیای سوویتی تاجیک آمده است که عالم خان در مکتب قشون سواره پیتربورگ درس خوانده بود (صفحه ۳۳۴) وقتی عالم خان در سال ۱۸۹۶م. از روسیه برگشت. ولیعهدی او را حکومت روسیه پذیرفت و به قول خود او دو سال دیگر نیز هم‌رکاب پدر بود، بعضی مسایل داخلی وطن را از پدر آموخت. پس از آماده‌گی‌های آموزشی، پدرش امیرعبدالاحد خان ویرا به حیث حکمران ولایت نسف منسوب کرد و به قول خودش، شش سال در ولایت نسف حکم راند و پس از آن به امر پدر به حیث حکمران ولایت کرمینه به آنجا فرستاده شد. پس از سپری کردن دو سال در کرمینه، پدرش عبدالاحد خان وفات یافت. عالم خان به حیث ولیعهد در سال ۱۹۱۱م جای پدر را گرفت و به حیث امیر بر سکان قدرت امارت بخارا تکیه زد.

عشیق کابلی در باره این رخداد زندگی امیرعالم خان نوشته است: "فرجامین امیر بخارا هنگامی بر تخت سلطنت موروثی تکیه زد که از آن نامی بیش نمانده بود. امیر همچون پدرش استقرار دولت روس تزاری را در بخارا دوستی دولتین دانسته، آن را برقرار و بردوام می‌خواست." (۱۰)

انسایکلوپیدیای تاجیک نیز تصویر خوب و روشنی از دوره پادشاهی امیر عالم خان به دست ما نمی‌دهد و می‌نویسد: در دوره حکمرانی او بر تابعیت و بستگی امارت بخارا با امپراتوری روسیه افزوده شد، نماینده‌گی سیاسی روسیه و عملداران روس در بخارا، دست باز داشتند. (۱۱)

امیر عالم خان پس از تصرف شهر بخارا از سوی نیروهای انقلابی بخارا و قشون بلشویک، به قولی روز ۳۱ اگست و به روایت دیگری ۲ سپتمبر سال ۱۹۲۰ م. شهر بخارا را رها کرد و به سوی ولایت حصار رفت؛ مدتی در حصار و دوشنبه مقاومت کرد ولی، او و قشون وی در برابر لشکر بلشویک‌ها و انقلابیون تاب آورده نتوانست، ناچار به کولاب عقب نشینی کرد و از کولاب خود را به گذرگاه درقد رساند و با عبور از آمو وارد خاک افغانستان شد.

امیرعالم خان خود درباره نوشته است: "خود این بندهٔ عاجز از بالای کولاب از گذرگاه درقد از دریای آمو به یوم چهارشنبه ۲۲ جمادالثانی ۱۳۳۹ م عبور نموده، داخل خاک افغانستان گردید." (۱۲)

عشیق کابلی ویراستار تاریخ حزن الملل بخارا رخداد عبور امیر از آمو را بر بنیاد تقویم میلادی، ۱ فبروری سال ۱۹۲۱ م نبشته (۱۳)، ولی در انسایکلوپیدیای تاجیک این روز، ۵ مارچ ۱۹۲۱ نشان داده شده است.

تقویم تاریخی تطبیق سنوات ۲۲ جمادالثانی را، ۳ مارچ نشان می‌دهد. (۱۴)  
امیر عالم خان از شمال افغانستان به کابل رفت و با شاه امان الله دید و تا آخر حیات در کابل زیست. به تاریخ ۹ ثور ۱۳۲۳، ۱۹۴۴ م وفات یافت و در گورستان شهدای صالحین دفن گردید، مزارش گنبد و مرقدش لوحه سنگ نیز دارد. (۱۵)

## نتیجه

از خوانش این معرفی نامه نتیجه می‌گیریم که تاریخ حزن الملل بخارا تالیف شده در قرن بیستم است، ولی از نگاه شیوهٔ پرداخت و سبک نگارش، شیوهٔ نگارش پیشینان را تعقیب می‌کند، اگرچه نام این اثر را مؤلف تاریخ گذاشته است، اما از ارزیابی آن از دید روش‌شناسی بر می‌آید که این اثر تاریخ نیست، بلکه خاطرات بوده، مایه‌ای از رخداد نویسی و ثبت و قایع دارد و در نگارش تاریخ چگونه‌گی سقوط امارت بخارا از آن سود برده شده می‌تواند، چون مؤلف شاهد بیشترین رخدادهای آمده در کتاب

است. از نگاه منبع شناسی نیز بر اکثریت بخش‌های آن به حیث منبع دست اول حساب توان کرد.

### مآخذ

در تکمیل مباحث این معرفی نامه از منابع زیرین استفاده شده است:

- ۱) کابلی، محمد اکبر عشیق: مقدمه تاریخ حزن الملل بخارا، پشاور ۱۳۷۰ هـ ش، ص ۴.
- ۲) امیر عالم خان: تاریخ حزن الملل بخارا، به کوشش عشیق کابلی، پشاور، ۱۳۷۰ هـ ش، ص ۲۲.
- ۳) جنرال یوسف، مقیم بای: یادداشت، تاریخ حزن الملل بخارا، ص ۳۲.
- ۴) مقدمه عشیق بر تاریخ حزن الملل بخارا، ص ۷۲.
- ۵) تاریخ حزن الملل بخارا (متن)، ص ۱.
- ۶) هبوادمل زلمی: د خېرني میتودولوژی، متن درسی پوهنتون کابل از ۱۳۸۴ تا حال تدریس می‌شود.
- ۷) تاریخ حزن الملل بخارا (متن)، ص ۲.
- ۸) مقدمه عشیق بر تاریخ حزن الملل بخارا، ص ۶.
- ۹) دانشنامه ادب فارسی، ج اول، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۴.
- ۱۰) مقدمه عشیق بر تاریخ حزن الملل بخارا، ص ۲۷، ص ۲۸.
- ۱۱) انسایکلوپیدیای سوویتی تاجیک، دوشنبه ۱۹۸۵، ص ۳۳۲.
- ۱۲) تاریخ حزن الملل بخارا (متن)، ص ۱۴.
- ۱۳) مقدمه عشیق بر تاریخ حزن الملل بخارا، ص ۶۶.
- ۱۴) هاشمی، عبدالقدوس: تقویم تاریخی، اسلام آباد- پاکستان ۱۳۸۷، ص ۳۳۵.
- ۱۵) خلیل، ابراهیم: مزارات کابل، پشاور ۲۰۰۴ م، ص ۳۴.

ليکوال: حسن عسکري رضوي<sup>۱</sup>

ژباړن: خپرندوی محمد سرور احمدزی

## د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

د پاکستان او هند په اړیکو کې ډېرې لوړې ژورې لیدل کېږي او ځینې وختونه د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې د لنډې مودې لپاره خرابې او قطع شوې هم دي، له همدې امله د پاکستان او هند د اړیکو د راتلونکي او د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو د دوام په اړه وړاندوینه یو ستونزمن کار گڼل کېږي.

په ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ ز. کلونو کې د کشمیر پر سر جگړې، د یو بل پر ضد تبلیغ او پروپاگاندا او د دوه اړخیزو ستونزو نه حل کول ددې سبب شول چې هند او پاکستان

<sup>۱</sup> حسن عسکري رضوي د سياسي او پوځي چارو خپلواک څېړونکی او شنونکی دی، نوموړي په کولمبيا پوهنتون کې د پاکستان د مطالعاتو پروفیسور، د جرمني په Heidelberg پوهنتون کې د سویلي اسیا په انستیتوت او د امریکا د جان هاپکینز په پوهنتون کې د نړیوالو مطالعاتو په انستیتوت کې د پروفیسور په حیث دنده ترسره کړې ده. د دې ترڅنګ حسن عسکري رضوي د پاکستان په لاهور کې د پنجاب پوهنتون د سياسي علومو په پوهنځي کې د استاد په حیث هم دنده ترسره کړې ده. ډاکټر حسن عسکري رضوي په سياسي علومو کې ایم فیل M. Phil د انگلستان د Leeds له پوهنتون څخه او دوکتورا یې په سياسي علومو او نړیوالو اړیکو کې د امریکا د پنسلوانیا له پوهنتون څخه ترلاسه کړې ده. حسن عسکري رضوي پېژندل شوی پاکستانی لیکوال دی او ځینې مهم کتابونه یې لیکلي دي. په پاکستان کې پوځ، دولت او ټولنه، پاکستان او جیو سټراتیژیک چاپیریال، په پاکستان کې پوځ او سیاست، کورنۍ بې اتفاقي او بهرنۍ لاسوهنې د بناغلي رضوي مهم او مشهور کتابونه دي. د پورتنیو کتابونو د لیکلو ترڅنګ د ډاکټر حسن عسکري رضوي لیکنې او مقالې په نړیوالو ژورنالونو کې خپرې شوي او نوموړی په منظمه توګه له پاکستانی او نړیوالو رسنیو سره د شنونکي په حیث مرکي کوي. حسن عسکري رضوي په ۲۰۱۰ ز. کال کې د پاکستان د ولسمشر له لوري د «سیتاره امتیاز» جایزه هم ترلاسه کړې ده.

په سیمه بیزه او نړیواله کچه له یو بل سره مخالفت وکړي، خو سره له دې په ۱۹۶۵ ز. کال کې د پاکستان او هند ترمنځ تر جگړې پورې د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې په نسبي توګه عادي وې. تر ۱۹۶۵ ز. کال پورې پاکستانی او هندي وګړو کولای شول په اسانۍ سره د یو بل هېوادونو ته سفرونه وکړي د سفر لپاره د نړیوالو شرایطو له پوره کولو وروسته د دواړو هېوادونو وګړو کولای شول له خپلو شخصي موټرو څخه په استفادې سفرونه وکړي، په همدې مهال د دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداګرۍ اندازه کمه وه خو له دې سره هم د سوداګرۍ پر وړاندې زیاتې ستونزې موجودې نه وې.

د ۱۹۶۵ ز. کال له جگړې وروسته هرڅه بدل شول د دغه کال له جگړې وروسته د ځینو پېښو او بدلونونو له امله د پاکستان او هند ترمنځ اړیکې ډېرې خرابې شوې، ځینې وختونه د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې عادي وې، خو له دې سره هم د پاکستان او هند ترمنځ اړیکو هېڅکله له ۱۹۶۵ ز. کال جگړې څخه د وړاندې حالت بڼه خپله نه کړه. واقعیت دا دی چې هغه وخت د ډېرو خلکو په یاد نه دی، خو په دې اړه خپاره شوي اسناد شته، د هغو اسنادو له مخې معلومیږي چې د پاکستان او هند دولتونو پالیسۍ د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو د پرې کېدو سبب شوې وې، د پاکستان او هند د اړیکو په اړه په زړه پورې او مهمه خبره داده چې د دواړو هېوادونو ترمنځ خبرې په دایمي توګه بندې او پرې شوې نه دي، د دواړو هېوادونو مشران یو څه مودې له تېرېدو وروسته بېرته د خبرو مېز ته حاضر شوي او له یو بل سره یې خبرې کړي دي؛ خو هند او پاکستان د ټولو ستونزو د حل لپاره پرلپسې او رغوونکو خبرو ته اړتیا لري، خو هغه څه چې هند او پاکستان یې د کوچنیو اقداماتو له لارې ترلاسه کوي په راتلونکي کې د دواړو هېوادونو ترمنځ د ستونزو د حل او د اړیکو د پراختیا سبب کېږي.

### يوه نوې هڅه

په ۲۰۱۱ ز. کال کې هند او پاکستان د دوه اړخيزو خبرو د بيا پيل لپاره هڅې پيل کړې او په دې توگه د هند له لوري د خبرو ځنډول پای ته ورسېدل، د ۲۰۰۸ ز. کال د نومبر پر ۲۶ مه نېټه د هند پر ممبې ښار له بریدونو وروسته دغه هېواد له پاکستان سره خبرې ځنډولې وې. د ۲۰۰۴ ز. کال په جنوري کې د پاکستان په پلازمېنې اسلام اباد کې د سارک سازمان د کلنۍ غونډې په ترڅ کې د هند لومړي وزير اتل بيهاري واچپاي او د پاکستان ولسمشر جنرال پرويز مشرف له يو بل سره کتلي و او د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو اترو پروسه پيل شوې وه. بايد وويل شي چې د پاکستان او هند ترمنځ د خبرو پروسه ډېره چټکه پرمخ روانه نه وه خو بيا هم د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پيل په دوه اړخيزو اړیکو کې يو مهم پرمختگ گڼل کېده.

د ۲۰۰۸ ز. کال د نومبر له ۲۵ څخه تر ۲۸ مې نېټې پورې د پاکستان د بهرنیو چارو وزير د دوه اړخيزو اړیکو په اړه د خبرو په موخه نوي ډيلي ته تللی و او له خپل هندي سيال سره پر خبرو بوخت و په همدې مهال د پاکستان او هند د کورنیو چارو وزيران په اسلام اباد کې په خبرو بوخت وو او د خبرو په پایله کې دواړو لورو توافق کړی وو چې د ترهگرۍ پر ضد د مبارزې ترڅنگ به په نورو برخو کې له يو بل سره په گډه کار کوي. د هندي او پاکستاني چارواکو ترمنځ د دوه اړخيزو خبرو پرمهال د هند په ممبې ښار کې ترهگریز بریدونه ترسره شول او د ممبې له ترهگریزو بریدونو وروسته هند له پاکستان سره د خبرو پروسه وځنډوله.

د ۲۰۱۰ ز. کال په اپريل کې د بوتان په ټیپمو ښار کې د سارک ۱۶ مه غونډه جوړه شوه. د دې غونډې پرمهال د پاکستان او هند لومړیو وزيرانو له يو بل سره وکتل او په دې کتنه کې دواړو لورو توافق وکړ چې له کوم قيد او شرط پرته به دوه اړخيزې خبرې بېرته پيلوي. په ۲۰۱۰ ز. کال د ټيلفوني اړیکو ترڅنگ د پاکستان او هند ترمنځ اړیکې موجودې وې، خو دې اړیکو کومه مثبتې پایله له ځان سره نه درلوده. د همدې اړیکو په ترڅ کې د پاکستان د بهرنیو چارو سکرتر د ۲۰۱۰ ز. کال په فبروري کې نوي ډيلي ته د ۲۰۱۰ ز. کال په جون کې د هند بهرنیو چارو سکرتر

اسلام اباد او د ۲۰۱۰ ز. کال په جولای کې د هند د بهرنیو چارو وزیر اسلام اباد ته سفرونه وکړل؛ پورتنیو ټولو سفرونو د پاکستان او هند ترمنځ د اړیکو له ښه کېدو سره د پام وړ مرسته ونه کړه. په دې سفرونو او کتنو کې دواړو لورو یوازې توافق کړی وو چې په راتلونکي کې به له یو بل سره خبرو ته دوام ورکوي. هند پر دې ټینګار کاوه چې پاکستان باید لومړی د ممبې برید او ترهګری په اړه د دوی اندېښنو او غوښتنو ته پاملرنه وکړي.

په ټیپمو کې د هند او پاکستان د لومړیو وزیرانو ترمنځ له کتنې ۹ میاشتې وروسته هند پرېکړه وکړه چې د ترهګری په ګډون د ټولو دوه اړخیزو موضوعاتو په اړه له پاکستان سره خبرې بیا پیل کړي. د هندي چارواکو له دې پرېکړې وړاندې هند په دې ټینګار کاوه چې د ترهګری موضوع له حل پرته به له پاکستان سره خبرې پیل نه کړي. د هند پرېکړې د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو د پیل لپاره زمينه او شرایط برابر کړل.

## په ۲۰۱۱ ز. کال کې د پاکستان او هند ترمنځ ډیپلوماتیکې کتنې

### جنوري

د هند د بهرنیو چارو وزیر د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر ته بلنه ورکړه چې نوي ډیلي ته سفر وکړي او د ۲۰۱۱ ز. کال په لومړیو دريو میاشتو کې خبرې بیا پیل کړي. وروسته له دې د ۲۰۱۱ ز. کال د جنوري په ۶ مه د هند د بهرنیو چارو وزیر د همدې موضوع په اړه له خپل پاکستانی سیال سره په ټیلفون خبرې وکړې.

### فبروري

د ۲۰۱۱ ز. کال د فبروري پر ۶ مه د هند او پاکستان د بهرنیو چارو سکرترانو د بوتان په ټیپمو ښار کې د سارک سازمان په غونډه کې سره وکتل او په دې بې موافقه وکړه چې د ټولو مهمو موضوعاتو د حل په موخه رغوونکو خبرو ته اړتیا شته.



## مارچ

۱- د خبرو د پروسي بيا پيل: د ۲۰۱۱ ز. کال د مارچ پر ۲۸ - ۲۹ مه د پاکستان د کورنيو چارو وزير او د هند د کورنيو چارو سکرتر په نوي ډيلي کې سره وکتل. د نورو موضوعاتو ترڅنگ هغوی په دې توافق وکړ چې د ترهگرو ډلو يو لیست جوړ کړي او د ترهگریزو گوانښونو په اړه په چټک ډول له يو بل سره اړیکې ونيسي.

۲- د ۲۰۱۱ ز. کال د مارچ پر ۳۰ مه د پاکستان لومړی وزير د يو پلاوي په ملتيا د هند د لومړي وزير په رسمي بلنه موحالي ته لاړ چې هلته د هند او پاکستان د کرکټ د ملي ټيمونو ترمنځ د نړيوال کپ لپاره ترسره کېدونکې لوبه وگوري؛ د هند او پاکستان لومړيو وزيرانو په گډه د کرکټ لوبې ننداره وکړه او د لوبې له کتلو وروسته د دواړو هېوادونو لومړيو وزيرانو په داسې حال کې چې د هند د کانگرس گوند مهمو غړو يې ملتيا کوله د غرمې ډوډۍ يو ځای وخوړه، د هندي او پاکستاني مشرانو ترمنځ کتنه او خبرې د ممبي له برید وروسته د دواړو هېوادونو ترمنځ په اړیکو کې يو مهم او مثبت پرمختگ گڼل کېده.

## اپرېل

۱- د ۲۰۱۱ ز. کال د اپرېل له ۱۸ مې څخه د اپرېل تر ۲۳ مې پورې د بنديانو په اړه د خبرو په موخه د پاکستان او هند د قضايي کمېټې غړو په کراچۍ کې سره وکتل.

۲- د ۲۰۱۱ ز. کال د اپرېل پر ۲۷ - ۲۸ مه د هند او پاکستان د سوداگرۍ وزيرانو له يو بل سره په اسلام اباد کې وکتل. د دې کتنې موخه د دواړو هېوادونو ترمنځ اقتصادي او سوداگریزو همکاريو ته پراختيا ورکول و، په دې کتنه کې هندي او پاکستاني چارواکو هوکړه وکړه چې ټولې هغه کاري ډلې چې د ممبي له بریدونو وړاندې د سوداگرۍ په برخه کې د اسانتياوو رامنځ ته کولو په موخه جوړې شوې وې بايد بېرته خپلې چارې او کارونه پيل کړي.

## می

۱- د ۲۰۱۱ ز. کال د می پر ۳ مه د هند او پاکستان د رېل گاډي چارواکو د دواړو هېوادونو ترمنځ په گډه پوله د واگې په سیمه کې له یو بل سره وکتل او پرېکړه یې وکړه چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اورگاډي له لارې د ترانسپورت په برخه کې اسانتیاوې رامنځ ته شي.

۲- د ۲۰۱۱ ز. کال د می پر ۱۲ - ۱۳ مه د هند اوبو د سرچینو سکرتر او د پاکستان د اوبو او برېښنا سکرتر په اسلام اباد کې سره وکتل او په دې کتنه کې یې د توبول اوبو لگولو پروژې په اړه خبرې وکړې.

۳- د ۲۰۱۱ ز. کال د می پر ۲۰ - ۲۱ مه د پاکستان او هند لوړپوړو پلاوو په اسلام اباد کې سره وکتل او د سرکریک پولې په اړه یې خبرې وکړې، خو باید وویل شي چې د هندي او پاکستاني لورو ترمنځ دغه خبرې بې پایلې پای ته ورسېدې.

۴- د ۲۰۱۱ ز. کال د می پر ۳۰ - ۳۱ مه د هند او پاکستان د دفاعي چارو سکرترانو په نوي ډیلي کې سره وکتل. ددې کتنې موخه د سیاجین له یخې سیمې د ځواکونو ویستل و، خو د دواړو هېوادونو د چارواکو ترمنځ په دې اړه خبرې بې له کومې پایلې پای ته ورسېدې.

## جون

۱- د ۲۰۱۱ ز. کال د جون پر ۲ - ۳ مه د پاکستان په راولپنډۍ کې د هند او پاکستان کاري ډلو د لومړي ځل لپاره په ویزې پورې د اړوندو موضوعاتو په اړه غونډه وکړه، په دې غونډه کې د هندي پلاوي مشري د کورنیو چارو وزارت د سکرتر مرستیال او د پاکستاني پلاوي مشري د دغه هېواد د کورنیو چارو وزارت مرستیال کوله.

۲- د ۲۰۱۱ ز. کال د جون پر ۲۳ - ۲۴ مه د هند د بهرنیو چارو سکرتر له پاکستاني چارواکو سره د خبرو په موخه اسلام اباد ته لاړ، ددې کتنې په پای کې څرگنده شوه چې هند او پاکستان باید په خپلو لیدلورو او تگلارو کې د اختلافاتو د کمولو او د جنجالي موضوعاتو او ستونزو د حل لپاره دواړه لورو ته د منلو وړ حللارو پیدا کولو لپاره په جدي ډول کار وکړي.

## جولای

۱- د ۲۰۱۱ ز. کال د جولای پر ۲۲ مه د هند او پاکستان د کورنیو چارو وزیرانو له نوي ډیلي څخه د بوتان تر پلازمېنې ټیپمو ښار پورې په ګډه سفر وکړ او ددې سفر موخه د سارک سازمان د کورنیو چارو وزیرانو په څلورمه غونډه کې برخه اخیستل و. هندي او پاکستانی چارواکو د سارک سازمان د غونډې پرمهال له یو بل سره د دوه اړخیزو موضوعاتو په اړه خبرې وکړې.

۲- د ۲۰۱۱ ز. کال د جولای پر ۲۶ مه د پاکستانی رینجر افسرانو او د هند د سرحدی ځواکونو ترمنځ د همغږۍ درې میاشتني غونډه په واګې کې ترسره شوه، دغه غونډه چې د معمول له مخې ترسره کېده موخه یې د سرحدی ستونزو او موضوعاتو په اړه خبرې کول و.

۳- د هند او پاکستان د بهرنیو چارو سکرترانو په نوي ډیلي کې سره وکتل او د دې غونډې موخه د ۲۰۱۱ ز. کال د جولای پر ۲۶ مه د دواړو هېوادونو د بهرنیو چارو وزیرانو ترمنځ د کېدونکې غونډې لپاره د اجندا نهایی کول و.

۴- د ۲۰۱۱ ز. کال د جولای پر ۲۷ مه د هند د بهرنیو چارو وزیر ایس ایم کریشنا او د پاکستان د بهرنیو چارو وزیرې حنا رباني کهر په نوي ډیلي کې سره وکتل په دې کتنه کې دواړو لورو هوکړه وکړه چې د ټولو موضوعاتو او ستونزو په اړه باید په دوستانه ډول خبرې اترې دوام پیدا کړي.

## سیاسي ارادې ته اړتیا

د خبرو بیا پیل کېدل یو مثبت پرمختګ و، خو د ۲۰۱۱ ز. کال له مارچ څخه بیا تر جولای پورې د هندي او پاکستانی مشرانو ترمنځ لیدنې او خبرې دا په ډاګه کوي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو د ښه کېدو او پراختیا پر وړاندې ستر خنډونه موجود وو. د ډېرو موضوعاتو او ستونزو په اړه د هند او پاکستان لوړ پوړو چارواکو متضاد نظرونه درلودل او د دواړو هېوادونو مشران مجبور وو چې وخت او شرایطو ته په پام سره د ستونزو لپاره حللارې پیدا کړي. یوازې د دواړو هېوادونو لومړي وزیران کولای

شي په کور دننه له مشورو وروسته د دوه اړخيزو ستونزو د حل په تړاو پرېکړې وکړي. د اړيکو ښه کېدو لپاره په لوړه دولتي کچه د سياسي ارادې له شتون پرته به د دواړو هېوادونو ټيټ پورې چارواکي د داسې يو نوبت په رامنځ ته کولو کې پاتې راشي چې له مخې يې د هند او پاکستان ترمنځ شته ستونزې حل شي. د هند د لومړي وزير ډاکټر من موهن سينگ دوه بيانيې ډېرې هڅونکې وې. د ۲۰۱۱ ز. کال د مارچ پر ۴ مه نوموړي په خپلې يوې وينا کې وويل: «موږ به په خلاصو مغزونو دې خبرو کې برخه واخلو.» موږ هيله لرو چې د دواړو هېوادونو ترمنځ شته سترې ستونزې د جمو او کشمير په گډون د دوستانه خبرو او هدف لرونکو مذاکراتو له لارې حل کړو. د ۲۰۱۱ ز. کال د اپريل پر ۱۷ مه د هند لومړي وزير من موهن سينگ يوه بله ژوره معنی لرونکې بيانيه خپره کړه. نوموړي په خپلې دغې بيانيې کې ويلي وو: «که چېرې زه په دې وتوانېږم چې د هند او پاکستان ترمنځ ښې او عادي اړيکې رامنځ ته کړم داسې اړيکې چې د دوو گانډيو هېوادونو ترمنځ بايد موجودې و اوسي، نو په دې صورت کې به ما خپله دنده په سمه توگه ترسره کړې وي.»

د پاکستان مشرتابه هم لېوالتيا درلوده چې دوه اړخيزې ستونزې د دوه اړخيزو خبرو له لارې حل کړي. پاکستاني لوري د ممبي له بريدونو وروسته پر دې ټينگار کاوه چې هند بايد د خبرو پروسه ونه ځنډوي پاکستاني لوري څرگنده کړې وه چې د دواړو هېوادونو ترمنځ ستونزې له خبرو پرته له کومې بلې لارې نه شي حل کېدای. توندلارو او ترهگرو ډلو چې نه يې غوښتل د هند او پاکستان ترمنځ اړيکې ښې شي له همدې امله د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو ځنډېدل د هغوی په گټه تمامېدل.

### د اړيکو د عادي کېدو پر وړاندې مهم ځنډونه

د هند او پاکستان مشران بايد لږترلږه پنځه ستونزې او موضوعات چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړيکو د ښه کېدو پر وړاندې ستر ځنډونه گڼل کېږي، د اساسي اقداماتو ترسره کولو له لارې حل کړي دغه ستونزې په ټولنه کې له شته ليد لوريو او غوښتنو او له تاريخ څخه په شخصي برداشتونو پورې مستقيم تړاو لري، له همدې امله ډېر خلک نه شي کولای چې تېر وختونه او ليد لوري هېر کړي.

## له تاریخ څخه سیالي کوونکي برداشتونه

هند او پاکستان د تېر تاریخ په اړه دوه متضاد برداشتونه او لید لوري رامنځ ته کړي او اوسمهال دواړه هېوادونه په خپلو ملي گټو تمرکز کوي. هر هېواد د خپل ځانگړي لیدلوري له مخې خپل ځان قهرمان، سم او برحقه او مقابل لوری شریر او مشکل جوړوونکی گڼي؛ په نوي ډیلي کې تاسې کولای شئ د پاکستان له لوري د غیردوستانه او له دوښمنۍ څخه د ډکو کړنو یو فهرست ترلاسه کړئ په اسلام اباد او لاهور کې به تاسې د هند پرضد د شکایتونو یو اوږد لیست ترلاسه کړئ. هند او پاکستان دواړو د رسنیو او زده کړو له لارې خپلو ځوانانو ته منفي ذهنیت ورکړی چې له امله یې له دوښمنۍ څخه ډکه فضاء رامنځ ته شوې او د دې ډول حالت په پایله کې د دواړو لورو لپاره ستونزمنه ده چې له یو بل سره عادي اړیکې ولري. په سیمه او نړیواله کچه د پاکستان او د هند حکومتونو له لوري سیالی د دواړو هېوادونو ترمنځ د بې باورۍ د بهیر له دوام سره مرسته کړې، دا یو فساد رامنځ ته کوونکی بهیر دی. هند او پاکستان یو بل خپل دوښمنان گڼي او له همدې امله د یو بل مخالفت کوي. هرڅومره چې هند او پاکستان د یو بل مخالفت ته دوام ورکړي او یا هم پر یو بل ډیپلوماتیک او پوځي فشارونه زیات کړي په همغه اندازه به د دواړو هېوادونو ترمنځ اړیکې خرابیږي.

## داخلي سیاستونه

د هند او پاکستان اړیکې د دواړو هېوادونو په کورنیو سیاستونو پورې مستقیم تړاو لري په دواړو هېوادونو کې داسې سیاسي گوندونه او مذهبي ډلې شته، چې د یو بل په اړه شکونه لري او د پاکستان او هند ترمنځ د اړیکو له پراختیا سره موافقي نه دي او دغه ډلې له ایډیالوژیک پلوه د دوه اړخیزو اړیکو له عادي کېدو سره مخالفې دي؛ ځینې وختونه د هند او پاکستان لوړپوړي سیاسي مشران نه شي کولای چې د اړیکو د عادي کېدو په اړه د کورنیو سیاسي ډلو مخالفتونو ته پاملرنه ونه کړي.

سیاسی شرایط او په کور دننه مخالفتونه ځینې وختونه ددې سبب کیږي چې د هند او پاکستان حکومتونه د خبرو پروسه وځنډوي او په دې توگه له داخلي فشارونو څخه ځانونه خلاص کړي. د ۲۰۰۹ ز. کال د جولای پر ۱۶ مه د مصر په شرم الشيخ ښار کې د هند او پاکستان لومړیو وزیرانو سره وکتل او په دې کتنه کې دواړو لورو هوکړه وکړه چې د اړیکو د ښه کېدو لپاره به جدي اقدامات ترسره کوي، خو د هند لومړي وزیر نه شول کولای د اړیکو عادي کېدو لپاره خپلې ژمنې پوره کړي، ځکه چې په کور دننه د نوموړي نږدې ملگرو له پاکستان سره د اړیکو د ښه کېدو مخالفت کاوه.

همدارنگه د پاکستان حکومت له ورته فشارونو سره مخامخ و. په پاکستان کې دننه سیاسي او مذهبي گوندونو له هند سره د اړیکو د ښه کېدو مخالفت کاوه د دې ترڅنگ د پاکستان حکومت مجبور و له هند سره د اړیکو په اړه د خپل پوځ لید لوری او نظریات هم په پام کې ونیسي.

### د رسنیو رول

په دواړو هېوادونو کې رسنۍ بېلابېل رولونه ترسره کوي، په رسنیو کې داسې اشخاص شته چې د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو د ښه کېدو پلوي کوي، خو باید وویل شي چې په دواړو هېوادونو کې د دې ډول اشخاصو شمېر ډېر لږ دی د هند او پاکستان ترمنځ د کړکېچ د حل لپاره ددې ډول اشخاصو نظریاتو ته څوک ډېره پاملرنه نه کوي او په دې ډول یو حالت کې رسنۍ هم قوانین په پام کې نه نیسي. په هند او پاکستان کې داسې خبریالان او ویاندویان شته چې د خپلو برنامو او پروگرامونو د شهرت لپاره د یو بل پرضد توند تبلیغات او پروپاگاندا کوي، خو رسنۍ دې ته اړتیا لري چې د هند او پاکستان ترمنځ د کړکېچ کمولو لپاره په خپلو پروگرامونو کې توازن په پام کې ونیسي او له پروپاگاندا څخه ډډه وکړي.

### جنجالي خبرې

په هند او پاکستان کې داسې خلک شته چې د مقابل دولت د پایښت او دوام په اړه منفي لید لوري لري. په هند کې ځینې څېړونکي په دې اند دي چې پاکستان

د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

د سقوط په حالت کې دی، نو له همدې امله له دغه هېواد سره د اړیکو د ښه کولو په موخه خبرو ته اړتیا نشته.

په پاکستان کې هم ځینې خلک فکر کوي چې د هند په بېلابېلو ایالتونو کې خلک د خپلواکۍ لپاره مبارزه کوي له همدې امله به د هند دولت له ناکامۍ او سقوط سره مخامخ شي. پورتنی لید لوري چې د پلي کېدو امکانات یې کم دي په هند او پاکستان کې د یو بل پرضد شته منفي ذهنیت څرگندوي. یو باثباته پاکستان د ټولې سیمې په ګټه دی، یوازې د پاکستان حکومت او امنیتي ادارې کولای شي چې په دغه هېواد کې مېشتې توندلارې او ترهگرې ډلې کنټرول کړي، که پاکستان بې ثباته او په یو ناکام دولت بدل شي، نو تر ټولو ډېره ګټه به یې توند لارو او ترهگرو ډلو ته ورسېږي. پاکستان په خپل ګاونډ کې د یو باثباته هند شتون ته اړتیا لري. یو باثباته او دوست هند کولای شي له پاکستان سره د داخلي ستونزو په حل کې مرسته وکړي.

### له مسایلو سره لوبې

په پاکستان او هند کې داسې تمایلات موجود دي چې له مخې یې هر یو لوری غواړي یوه کوچنۍ موضوع او ستونزه په یوې سترې موضوع او ستونزې بدله کړي او د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پروسه په همدې موضوع پورې تړلې وګڼي. له څو کلونو راهیسې پاکستان پر دې ټینګار کوي چې د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو ښه کېدو لپاره اساسي شرط د کشمیر ستونزې حل کول دي؛ پاکستان له اوږدې مودې وروسته دا خبره درک کړه چې د کشمیر په اړه د دغه هېواد ستراتیژي د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو د پراختیا پر وړاندې یو اساسي او مهم خنډ دی، خو د وخت په تېرېدو سره پاکستان په خپلې پالیسۍ کې بدلون رامنځ ته کړ او په دې توګه یې یوه څو اړخیزه پالیسي رامنځ ته کړه. د دې پالیسۍ له مخې پاکستان غواړي چې په یو وخت کې له هند سره د ټولو موضوعاتو په اړه خبرې وکړي، سره له دې چې پاکستانی مشران پر دې پوهېږي چې پر یو وخت د ټولو ستونزو حل ممکن نه دی.

د ممبې له بریدونو وروسته د پاکستان پر وړاندې د هند په ستراتیژۍ کې بدلون رامنځ ته شو، د نوي بدلون له مخې هند له پاکستان سره د خبرو پروسه وځنډوله، هندي چارواکو پاکستان ته په ډاگه کړې وه چې ترڅو پورې د ترهگرو ډلو په اړه د هند اندېښنو ته پاکستان ځواب ونه وایي تر هغو پورې به د نورو موضوعاتو په اړه له پاکستان سره خبرې ونه کړي. د هند او پاکستان دې ډول بې ځایه دریځونو د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو د بیا پیل کېدو مخه ونیوله.

ښایي د هند او پاکستان لپاره د بېلابېلو موضوعاتو په اړه خبرې لومړیتوب ولري، خو د دواړو هېوادونو لپاره به ښه نه وي چې د یوې واحدې موضوع د بېلگې په توگه د هند لپاره د ترهگرۍ او د پاکستان لپاره د کشمیر موضوع پر حل ډېر ټینگار وکړي.

د دوه اړخیزو اړیکو د پراختیا پر وړاندې پورتنی ځنډونه د هند او پاکستان د دولتونو او ټولنو له لوري رامنځ ته شوي دي، د هند او پاکستان وگړي په طبیعي ډول داسې پیدا شوي نه دي چې له یو بل سره دې مخالفت او دوښمني وکړي او نه هم هغوی د کرکې او نفرت له ایډیالوژۍ سره زېږېدلي دي په دواړو هېوادونو کې شته احساسات د ځینو عواملو په پایله کې رامنځ ته شوي دي.

د تاریخ په اوږدو کې د هند او پاکستان د حکومتونو پالیسیو او پرېکړو د دواړو هېوادونو د اوسېدنکو ترمنځ د اوسني ذهنیت له رامنځ ته کولو سره د پام وړ مرسته کړې، د منفي احساساتو د رامنځ ته کولو او یا د تاریخ د تحریفولو پرځای باید د هند او پاکستان اوسېدونکي وهڅول شي چې له یو بل سره وگوري، یو بل وپېژني او په دې توگه د مثبتو اړیکو لپاره زمینه برابره کړي، دا ټولو ته څرگنده ده هر وخت چې هنديانو او پاکستانیانو ته اجازه ورکول شوې چې د کرکټ لوبې د کتلو لپاره د یو بل هېوادونو ته سفرونه وکړي، نو د هغوی گرم او له دوستۍ څخه ډک هرکلی شوی دی.

د دواړو هېوادونو ډېر وگړي لېوالتیا لري چې د یو بل هېواد ته سفرونه وکړي د پاکستان اوسېدونکي ډیلي او ممبې او د هند اوسېدونکي کراچۍ او لاهور ته له سفر کولو سره ځانگړې لېوالتیا لري. د دې ترڅنګ هغه کورنۍ چې له یو بله جلا شوي او دوستان او خپلوان یې په دواړو هېوادونو کې ژوند کوي په هند او پاکستان



د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

کې د خپلو خپلوانو له لیدلو سره لېوالتیا لري، مور پر دې پوهېږو هر کله چې هندیان او پاکستانیان له سویلي اسیا پرته د نړۍ په نورو سیمو کې یو بل وویښي، نو له یو بل سره ښه او دوستانه چلند کوي.

## د انتخاب موضوع

د هند او پاکستان حکومتونه او سیاسي مشران کولای شي د دواړو هېوادونو ترمنځ د ښو اړیکو رامنځ ته کولو لپاره زمينه برابره کړي او یا د اوس په شان د یو بل پر وړاندې د منفي تگلارو تعقیب ته دوام ورکړي. که هغوی منفي سیاسي او تاریخي لید لوري او برداشتونه شاته پرېږدي، نو په دې صورت کې امکان نه لري چې د پاکستان او هند ترمنځ اړیکې ښې شي. دواړه هېوادونه کولای شي له پورتنیو انتخابونو څخه یو غوره کړي. د هند او پاکستان له خپواکۍ راهیسې دواړو هېوادونو د یو بل پر ضد منفي تگلارې تعقیب کړي او د داسې تگلارو تعقیب څخه یې ډډه کړې چې د دواړو هېوادونو د خلکو د ژوند له ښه کېدو سبب شي. هند او پاکستان باید د یو بل گټې په پام کې ونیسي او د داسې تگلارې او لید لوري له تعقیب څخه ډډه وکړي چې له مخې یې یوه لوري ته گټه رسېدل بل لوري ته د زیان رسېدلو په معنی وي. د دواړو هېوادونو لپاره مهمه ده چې یوه څو اړخیزه تگلار تعقیب کړي. داسې تگلاره چې له مخې به یې دوه اړخیزې ستونزې د دوه اړخیزو گټو په پام کې نیولو سره حل شي. د یوه نوي لید لوري رامنځ ته کولو ته اړتیا لیدل کېږي، چې له مخې به یې د دواړو هېوادونو ترمنځ ستونزې او جنجالي موضوعات حل شي، خو داسې یو لید لوری چې د یو اړخیزو تاریخي برداشتونو له مخې رامنځ ته شوی او په بې باورۍ ولاړ وي د هند او پاکستان د اوسېدونکو د ژوند له ښه کېدو سره مرسته نه شي کولای.

د هند او پاکستان ترمنځ بې باوري او د یو بل پر وړاندې منفي ذهنیت په قصدي توګه د اوږدې مودې په ترڅ کې رامنځ ته شوی، له همدې امله د شته منفي ذهنیت له منځه وړلو لپاره وخت او مدبرانه هڅو ته اړتیا لیدل کېږي؛ که مور غواړو چې د هند او پاکستان ترمنځ په اړیکو کې یو نوی فصل پیل کړو په دې صورت کې مجبور

يو چې پورتنیو يادو شویو ستونزو ته حللارې پيدا كړو. دواړه لوري اړ دي چې تېر وختونه هېر كړي او د راتلونكي په اړه يو نوی لید لوری رامنځ ته كړي. د هند او پاکستان ترمنځ د كړكېچ پای ته رسولو په موخه باید د دواړو هېوادونو ترمنځ د اعتماد او باور رامنځ ته كولو لپاره هڅې وشي. هند او پاکستان باید د دوو عادي گاونډيو هېوادونو په څېر له يو بل سره ژوند كول تجربه كړي.

### د نوبت او نرموالي تگلاره

د ۲۰۰۴ ز. كال د جنوري پر ۶ مه د پاکستان ولسمشر جنرال پرويز مشرف او د هند لومړي وزير اتل بيهاري واچپاي په اسلام اباد كې د سارك سازمان غونډې په خنده كې له يو بل سره په كتنه كې د دوه اړخيزو اړيكو په اړه خبرې وكړې، د هندي او پاكستاني چارواكو ترمنځ كتني د دواړو هېوادونو په اړيكو كې د يوې نوې او بدلونكې تگلارې رامنځ ته كېدو لپاره زمينه برابره كړه. د مشرف او واچپاي ترمنځ د كتني په پايله كې يو مهم سند رامنځ ته شو، د دې تاريخي سند له مخې دواړو لورو هڅه كوله چې په اړيكو كې كړكېچ پای ته ورسوي او د جنجالي موضوعاتو په اړه د خبرو لپاره يو چوكاټ رامنځ ته كړي او د همدې چوكاټ له مخې د خپلو ستونزو او اختلافونو حل ته داسې حللارې رامنځ ته كړي چې هند او پاکستان دواړو ته د منلو وړ وي.

د دواړو لورو له لوري په خپرې شوې گډې اعلاميې كې دوه داسې اصول موجود وو چې د هند او پاکستان په تگلارو كې يې انعطاف پذيري او بدلون څرگند او.

۱- هند موافقه كړې وه چې د كشمير په گډون به د ټولو موضوعاتو په اړه خبرې كوي؛ د ۲۰۰۳ ز. كال پر ډسمبر كې جنرال پرويز مشرف هيله څرگنده كړې وه چې غواړي د كشمير په اړه د ملگرو ملتونو له پرېكړه ليكونو څخه ځان لرې او گوښه كړي.

۲- پاکستان ژمنه كړې وه چې ترهگرو ډلو ته به له خپلې خاورې د گټې اخيستلو اجازه نه ورکوي.

د ۲۰۰۴ ز. كال پر فبرورۍ كې د خبرو د پيل لپاره لومړني اقدامات ترسره شول. د ۲۰۰۴ ز. كال په می میاشت كې ډاكټر من موهن سينگ د ټاكنو په پايله كې د

## د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

هند د لومړي وزير په توگه وټاکل شو. د هند د لومړي وزير په توگه تر ټاکل کېدو وروسته نوموړي ژمنه وکړه چې له پاکستان سره به د خبرو پروسې ته دوام ورکړي. من موهن سينگ له پاکستان سره خبرې د څو اړخيزو مذاکراتو په توگه يادې کړې. د هند او پاکستان ترمنځ د مذاکراتو پرمهال د هغو اتو موضوعاتو په اړه، چې په ۱۹۹۷ ز. کال کې د دواړو هېوادونو د بهرنيو چارو سکرترانو پرې هوکړه کړې وه، خبرې ترسره کېدې.

د هند او پاکستان ترمنځ څو اړخيز مذاکرات د ۲۰۰۴ ز. کال په جون کې پيل شول او د ۲۰۰۸ ز. کال تر نومبر پورې يې يعنې څلور کلونه يې دوام وکړ، په دې موده کې د دواړو هېوادونو ترمنځ مذاکرات دوه ځلې او د لنډې مودې لپاره د هند له لوري ځنډول شوي وو، دواړو لورو د خبرو پر مهال د ټولو جنجالي موضوعاتو په اړه خبرې وکړې، خو سره له دې هم د هند او پاکستان لومړيتوبونو له يو بل سره توپير درلود.

د هند لپاره د کړکېچ د حل پرځای له پاکستان سره د اړیکو عادي کول لومړيتوب گڼل کېده، خو پاکستاني لوري بيا د هند او پاکستان ترمنځ د کړکېچ او ستونزو پر حل ټينگار کاوه. په دې څلورو کلونو کې د هند او پاکستان ترمنځ اړیکو پراختيا پيدا کړه. د دواړو هېوادونو د اوسېدونکو ترمنځ کتنې زياتې شوې او د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پروسې داسې هيلې رامنځ ته کړې چې گواکې د هند او پاکستان ترمنځ خبرې به د دواړو هېوادونو ترمنځ د ستونزو د حل سبب شي.

د هند او پاکستان ترمنځ په خبرو کې د سياچين او سرکريک سرحدي ستونزو د حل په تړاو د پام وړ پرمختگ شوی و، د دې ترڅنگ په دوه اړخيزو خبرو کې د کشمير ستونزې د حل په موخه رښتینې هڅې شوې وې. په دې هڅو کې د هند او پاکستان ليد لوري سره يو ځای شوي وو د هند د ليد لوري له مخې بايد په پولو کې کوم بدلون رامنځ ته نه شي او د پاکستان ليد لوري له مخې بايد د کنټرول کرښه په يوې نړيوالې پولې بدله نه شي، خو د ۲۰۰۸ ز. کال پر نومبر کې د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو د خرابېدو له امله د کشمير ستونزې د حل په تړاو پورتنۍ خبرې بې پایلې پای ته ورسېدې.

## د ممبي ترهگریز برید

د ۲۰۰۸ ز. کال د نومبر پر ۲۶ مه د هند په ممبي کې ترهگریز بریدونه ترسره شول. د ممبي له بریدونو وروسته هند له پاکستان سره د خبرو پروسه وځنډوله او په پاکستان کې په مېشتو دوو ډلو لشرک طیبه او جماعت‌الدعوة باندې د ممبي د بریدونو مسؤولیت ورواچوه، هند تور پورې کړ چې یادو دوو ډلو د پاکستان د استخباراتي ادارې په بشپړ ملاتړ د ممبي بریدونه ترسره کړي دي. د ممبي له بریدگرو څخه یو تن چې ژوندی پاتې شوی و د پاکستان د پنجاب اوسېدونکی و، د دې ترڅنگ د بریدگرو ترمنځ ثبت شویو تېلفوني خبرو په لشرک طیبه د هند دعوه او تور نور هم قوي کړ.

د ممبي له بریدونو وروسته هند تر نامعلومې مودې پورې له پاکستان سره خبرې وځنډولې، خو سره له دې هم دا ځل د پاکستان پر وړاندې د هند غبرگون په ۲۰۰۱ ز. کال کې د دغه هېواد له غبرگون سره توپیر درلود. د ۲۰۰۱ ز. کال د ډسمبر پر ۱۳ مه د هند پر پارلمان له وسله وال برید وروسته هند د پاکستان پر وړاندې توند او جدي غبرگون بنودلی و. د ۲۰۰۱ ز. کال له ډسمبر څخه د ۲۰۰۲ ز. کال تر جنوري پورې هند له پاکستان سره ځمکنی او هوايي ترانسپورت بند کړی و، دوه اړخیزه سوداگري یې ځنډولې وه، له پاکستان څخه یې خپل کمېشنر بېرته ډیلي ته غوښتی و، په پاکستان کې یې د خپلې نمایندګۍ د غړو شمېر راکم کړی و، له پاکستان سره یې په ګډه پوله اضافي سرتیري ځای پرځای کړي وو او په دې توګه د دواړو هېوادونو ترمنځ د مخامخ پوځي ټکر لپاره زمینه برابره شوې وه، خو په ۲۰۰۸ ز. کال کې د ممبي له بریدونو وروسته هند د پورتنیو اقداماتو له ترسره کولو ډډه وکړه.

د هند په ستراتیژۍ کې رامنځ ته شوی بدلون څرګندوي چې هندي لوري له پاکستان سره پر پولې د پوځونو د ځای پرځای کولو غوراوي ته بیا له سره کتنه کړې وه. په ۲۰۰۲ ز. کال کې هند د لسو میاشتو لپاره له پاکستان سره پر ګډه پوله خپل پوځونه ځای پرځای وساتل، پاکستان هم د هند پر وړاندې ورته غبرگون بنودلی و او له هند سره یې پر پوله خپل سرتیري ځای پرځای کړي وو. د ۲۰۰۲ ز. کال په

## د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

می او جون کې د هند او پاکستان ترمنځ پر گډه پوله حالات ډېر خراب او کړکېچن وو. د پاکستان پر وړاندې د هند ستراتيژي ددې سبب نه شوه چې دغه هېواد له پاکستان څخه امتیازات ترلاسه کړي.

د ۲۰۰۲ ز. کال په اکتوبر کې هند پرېکړه وکړه چې له پاکستان سره پر گډه پوله خپل اضافي ځای پرځای شوي سرتیري بېرته پرشا کړي د هند له دې اقدام وروسته پاکستان هم ورته اقدام ترسره کړ او له هند سره یې پر گډه پوله خپل ځای پرځای شوي سرتیري بېرته خپلو پخوانیو ځایونو ته ستانه کړل.

د هند حکومت د ممبي برید پر وړاندې له توند غبرگون ښودلو څخه ډډه وکړه، خو سره له دې د هند ستراتيژیکې ټولنې چې تقاعد شوي پخواني هندي ډیپلوماتان او پوځي مشران پکې شامل دي پاکستان ته د سزا ورکولو په اړه د نورو انتخابونو په پیدا کولو فکر کاوه.

ځینې هندي ستراتيژي جوړوونکي په دې اند وو چې باید د پاکستان دننه چې یو اټومي قدرت دی کوچني بریدونه ترسره کړي. دا چې هند او پاکستان اټومي قدرتونه وو، نو د پاکستان دننه د پوځي عملیاتو ترسره کول یو خطرناک فکر او عمل گڼل کېده. ځینې نور هندي ستراتيژي جوړوونکي په دې اند وو چې هندي کمانډو ځواکونه د پاکستان تر واک لاندې کشمیر او د لاهور په دېرش کیلومترۍ کې د لشکر طیبه او جماعت‌الدعوة پر مرکزونو بریدونه ترسره کړي، ددې ترڅنګ داسې وړاندیزونه هم موجود وو چې له مخې یې په عصري وسلو سمبال هندي ځواکونو به د هوايي ځواکونو په ملګرتیا د پاکستان د خاورې ځینې برخې نیولې. دې وړاندیزونو ته د نرم پیل ستراتيژي ویل کېده، خو هندي حکومتي چارواکو او پالیسي جوړوونکو پورتنیو خطرناکو وړاندیزونو باندې عمل ونه کړ.

د ممبي بریدونو پر وړاندې د پاکستان لومړنی غبرگون مهم وو. د پاکستان حکومت هغه تورونه رد کړل چې گواکې بریدګر پاکستانیان وو. په ورته وخت کې ځینو پاکستاني تلویزیونونو داسې خبرونه خپرول چې د ممبي د بریدګرو له ډلې څخه یو تن چې ژوندی نیول شوی و د پاکستان د پنجاب د یوه کلي اوسېدونکی و،

خو د پاکستان حکومت په دې اړه د هر ډول څرگندونو له کولو څخه ډډه وکړه او د هند هغه تورونه چې د ممبې په برید کې د پاکستان استخباراتي اداره یا ای. ایس. ای. دخپله وه په کلکه رد کړل.

د ۲۰۰۹ ز. کال په جنوري کې د پاکستان د ملي امنیت سلاکار میجر جنرال محمد علي دراني ومنله چې د ممبې له برید وروسته ژوندی نیول شوی بریدگر په پاکستان کې جذب شوی و له دې څرگندونو وروسته نوموړی له خپلې دندې لرې کړای شو. د پاکستان ملگرو هېوادونو او د دغه هېواد داخلي ادارو د ممبې بریدگرو او په پاکستان کې د مېشتو مذهبي ډلو په ځانگړي توگه د لشکر طیبه ترمنځ د اړیکو په اړه څېړنې پیل کړې.

د ملگرو ملتونو سازمان د امنیت شورا د بندیزونو کمیټې له پرېکړې وروسته د ۲۰۰۸ ز. کال د ډسمبر پر ۱۱ مه د پاکستان حکومت د لشکر طیبه پر فعالیتونو بندیز ولگاوه او د دې ډلې ۷ تنه مشران یې زنداني کړل.

له زنداني شویو کسانو څخه حافظ محمد سعید د کره اسنادو د نه شتون له امله د محکمې له لوري خوشې کړای شو. د لشکر طیبه نور مشران خوشې نه کړای شول، خو د هغوی پر ضد د ترهگرۍ ضد دوسيو څېړلو ډېر وخت ونيوه. په پاکستان کې د هغو کسانو شمیر چې له ترهگرو ډلو سره د همکارۍ په تور نیول شوي دي ډېر لږ دي.

هغه کسان چې له ترهگرو سره د همکارۍ په تور نیول شوي ډېر بېرته خوشې شوي او د ځینو نورو په اړه د اسنادو د نه شتون له امله څېړنو او تحقیقاتو ډېر وخت نیولی دی، ډېر خلک نه غواړي د ترهگرۍ ضد دوسيو کې د شاهدانو په توگه راڅرگند شي، د لشکر طیبه او جماعتالذعوة غړي د هغو اسنادو له مخې چې هند پاکستان ته سپارلي وو نیول شوي وو، خو د هند له لوري پاکستان ته ورکړل شوي اسناد ډېر کمزوري وو او پاکستاني محاکمو نه شول کولای د یادو اسنادو له مخې تورنو اشخاصو ته سزا ورکړي.

تورنو کسانو ته باید د مدافع وکیل د نیولو حق ورکول شوی وای او د هغو اسنادو دقیقوالی ثابت شوی وای چې د دوی پر ضد وړاندې شوي وو. که چېرې ابتدایي

د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

محاکم دغو تورنو کسانو ته جزا ورکړي د دې امکان شته چې عالي محاکم هغوی بې گناه اعلان کړي. د دې ډول اشخاصو د محاکمې او مجازاتو لپاره د دقیقو اسنادو شتون ته اړتیا لیدل کېږي او د دغه ډول اسنادو پیدا کول د هند او پاکستان د حکومتونو ترمنځ له نږدې همکارۍ پرته ممکن نه دي. که د هند او پاکستان اړوند چارواکي په دې اړه له یو بل سره په ګډه کار وکړي او د اسنادو په وسیله د هغوی پرضد قوي دوسیې جوړې کړي په دې صورت کې د لشکر طیبه د غړو پرضد دوسیې په بریالیتوب سره بشپړ بدلای شي.

### د ترهګرۍ ستونزه

د ترهګرۍ ستونزه ډېره پېچلې او خو اړخیزه ده چې د مخنیوي لپاره یې په ملي، سیمه ییزه او نړیواله کچه دایمي اقداماتو ته اړتیا لیدل کېږي.

### هندي لید لوری

هند د ترهګرۍ ستونزه په دوه یو بل پسې تړلو موضوعاتو پورې تړلې ګڼي، لومړی دا چې پاکستان باید د لشکر طیبه او جماعتالدعوة غړو پر ضد جدي اقدامات ترسره کړي، د هند حکومتي او سیاسي چارواکي فکر کوي چې د پاکستان حکومت او محاکم باید د لشکر طیبه غړي محکوم کړي.

هغوی غوښتل چې د پاکستان حکومت او محاکم باید حافظ سعید ته چې د ممبي بریدونو اصلي طرحه کوونکی ګڼل کېږي سخته سزا ورکړي. دوهمه موضوع چې هندي چارواکو پرې ټینګار کاوه له توند لارو ډلو سره د پاکستان د استخباراتي ادارې د اړیکو په اړه وه، هندي مشران پر دې باور وو چې د پاکستان استخباراتي ادارې ای. ایس. ای. د ممبي په برید کې له لشکر طیبه سره مرسته کړې وه له همدې امله هندي لوري ټینګار کاوه چې پاکستان باید د هند دننه د ترهګرو ډلو له ملاتړ څخه لاس واخلي.

د ۲۰۰۷ ز. کال په فبروري کې په یوه ریل ګاډي کې چې له هند څخه یې پاکستان ته مسافر لیږدول د بمب چاودنه وشوه. په دې چاودنه کې په وژل شویو

کسانو کې ډېر هغه پاکستانیان وو چې له هند څخه بېرته خپل هېواد ته د تللو په حال کې وو. پاکستان له هندي لوري څخه غوښتنه کړې وه چې ددې چاودنې په اړه ورسره د ترسره شویو تحقیقاتو معلومات شریک کړي، خو هندي لوري په دې اړه د پاکستان غوښتنې ته جدي پاملرنه نه وه کړې، خو په ورته وخت کې هند پر دې ټینګار کاوه چې پاکستان باید د ترهګرۍ په تړاو د هند غوښتنو ته پاملرنه وکړي.

دا د درک وړ ده چې د ممبې ترهګریز برید هند غمگین کړی و، د ممبې په برید کې ۱۶۶ تنه وژل شوي وو او د هند سوداګریزه پلازمینه تر برید لاندې راغلې وه له همدې امله ټول هنديان نارامه شوي وو. د ممبې برید د هندي امنیتي چارواکو ناکامي هم څرګنده کړې وه. لس تنه د کشتۍ په وسیله د ممبې ښار ته داخل شوي وو او په یو وخت کې یې په څو ځایونو بریدونه ترسره کړي وو. د ممبې د بریدونو د پیل پرمهال هندي امنیتي ځواکونو چټک غبرګون نه و ښودلی او دبرید په درېیمه ورځ هندي امنیتي ځواکونه پر دې وتوانېدل چې حالات اداره او کنټرول کړي.

## پاکستاني لید لوری

پاکستان ترهګري یوه پراخه او څو اړخیزه ستونزه ګڼي او یوازې یې د ممبې په برید پورې تړلې نه ګڼي. پاکستان مجبور دی چې د څلور ډوله ډلو پر وړاندې اقدامات ترسره کړي:

۱- د پاکستان د طالبانو تحریک: د پاکستان د طالبانو تحریک د څو کوچنیو ډلو یوه مجموعه ده چې د پاکستان په قبایلي سیمو کې مېشتې دي. په همدې قبایلي سیمو کې بهرني جنګیالي او د القاعدې شبکې غړي هم مېشت دي.

۲- هغه کوچنۍ سیمه بیزه ډلې دي چې په قبایلي سیمو کې مېشتې دي او تر خپل اغیز لاندې سیمو د ساتلو لپاره له یو بل سره جګړې کوي. دغه ډلې د پاکستان د امنیتي ځواکونو پرضد هم جګړه کوي.

۳- هغه مذهبي ډلې دي چې له خپلو پخوانیو ډلو څخه جلا شوي او یوازې د پاکستان دننه فعالیت کوي. د هغوی ډېره برخه د پاکستان په پنجاب کې مېشت دي.



د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

۴- هغه بېلابېلې ډلې دي چې د پاکستان په پنجاب او د پاکستان تر واک لاندې کشمیر کې مېشتې دي او ډېر تمرکز یې په کشمیر باندې دی. جیش محمد، لشکر طیبہ او جماعت الدعوة په پنجاب کې مېشتې مشهورې مذهبي ډلې دي. پورتنۍ څلور ډلې له یو بل سره اړیکې لري، د دې ډلو ځینې غړي د نورو ډلو غړیتوب هم لري، په پنجاب کې له مېشتو ډلو څخه ځینو وگړي جلا شوي او نوې ډلې یې جوړ کړي دي. دغه نوې ډلې د پخوانیو ډلو په پرتله ډېرې افراطي دي. په ۲۰۰۳ ز. کال کې د پاکستان پوځ د پورتنیو ډلو پر ضد په قبایلي سیمو کې پوځي عملیات پیل کړل، پاکستان په ۲۰۰۷ ز. کال کې یو ځل بیا د پورتنیو ډلو پرضد عملیات پیل کړل، په ۲۰۰۹ ز. کال کې د پاکستان پوځ د عملیاتو په پایله کې وسله والې ډلې له سوات، ملکنډ او جنوبي وزیرستان څخه وشړل شوې. په ۲۰۰۹ ز. کال کې د پاکستان پوځ، هوايي ځواک او نیمه امنیتي ځواکونو په باجوړ، خیبر، مومند او اورکزۍ ایجنسیو کې د توند لارو ډلو پرضد پوځي عملیات پیل کړل، خو دغه سیمې تر اوسه پورې د توند لارو ډلو له شتون څخه په بشپړ ډول پاکې شوې نه دي.

د ۲۰۱۱ ز. کال په جولای کې کره ایجنسی کې د توند لارو ډلو پرضد د پاکستان پوځ له لوري پراخ عملیات پیل شول. په ورته وخت کې د پاکستان پوځ په شمالي وزیرستان کې د عملیاتو له ترسره کولو ډډه وکړه، خو د پاکستان پوځ په تېر کې د شمالي وزیرستان په ځینو سیمو کې پوځي عملیات ترسره کړي وو. له ۲۰۰۷ ز. کال راهیسې له وسله والو ډلو سره په نښتو کې ۳۰۰۰ پاکستانی پوځیان او ملیشې وژل شوې وې، پورتنۍ شمېرې د ترهگرۍ د گوانښ کچه چې پاکستان ورسره مخامخ دی څرگندوي. په همدې موده کې په ټول پاکستان او قبایلي سیمو کې د سرک غاړې چاودنو، ترهگریزو او ځانمرگو بریدونو په پایله کې نږدې ۳۵۰۰۰ ملکي پاکستانی وگړي وژل شوي وو.

په پاکستان کې د ترهگرو پر ضد جگړه پای ته نه ده رسېدلې، له همدې امله داسې ښکاري چې په دغه هېواد کې به د مرگ ژوبلې په اوسنۍ کچه کې زیاتوالی رامنځ ته شي.

پاکستاني طالبان او نورې وسله والې ډلې پر حکومتي ادارو او عامه ځایونو خپلو بریدونو ته دوام ورکوي، پاکستانی طالبانو په راولپنډۍ کې د پوځ پر مرکزي قرارگاه، د پوځ، ملېشو او پولیسو د روزنې پر مرکزونو او ادارو، حکومتي بنسټونو، جوماتونو، هوټلونو او مارکیتونو باندې بریدونه ترسره کړي دي. د ۲۰۰۹ ز. کال په مارچ کې په لاهور کې د سريلانکا د کرکټ په لوبډلې هم د وسله والو ډلو له لوري برید ترسره شو.

### نه همکاري او پخ پرمختگ

د ممبې له بریدونو وروسته د لشکر طیبه او جماعتالدعوة ډلو پر وړاندې د پاکستان له لوري د جدي اقداماتو د نه ترسره کېدو اصلي دليل د هند او پاکستان ترمنځ د همکاري نه شتون دی

د دواړو هېوادونو تحقیقاتي ادارو په گډه کار کاوه چې دقیق اسناد ترلاسه کړي، خو سره له دې هم محاکم به د هند په غوښتنه هغه اشخاص چې په برید کې په لاس لرلو تورن دي محکوم نه کړي. کوم اسناد چې هند پاکستانی لوري ته سپارلي وو ډېر کمزوري و او د اسنادو د قوت او پیاوړتیا لپاره د هند او پاکستان د تحقیقاتي ادارو ترمنځ همکاري ته اړتیا لیدل کېده. اوسمهال د دواړو هېوادونو ترمنځ له سیاسي او بیروکراتیکو دعوو او بحثونو وروسته هند دغه هېواد ته د یو قضایي پاکستانی پلاوي له ورتگ سره هوکړه کړې چې دغه پلاوی له هندي لوري سره په گډه د ممبې د بریدونو په اړه خبرې وکړي. داسې هیله کېږي چې پاکستانی پلاوی به ډېر ژر هند ته سفر وکړي او په دې توگه به د دواړو هېوادونو ترمنځ د عملي همکاري لپاره زمینه برابره کړي.

د هندي او پاکستانی چارواکو ترمنځ منظمه همکاري به د ترهگرو ډلو د فعالیتونو له کنټرول سره ډېره مرسته وکړي. ویل کېږي چې د پاکستان ای. ایس. ای. په پنجاب کې مېشتې ځینې ډلې چې موخه یې په کشمیر کې د بریدونو ترسره

د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

کول دي جوړې کړي دي. همدارنگه ځينو ډلو ته يې اجازه ورکړې وه چې په ۱۹۹۰ مه لسيزه کې په خپلواکه توگه رامنځ ته شي او د ځينو نورو ډلو په جوړولو کې يې هڅوونکي رول ترسره کړی و. د وخت په تېرېدو سره د پورتنیو ډلو او ای. ایس. ای. ترمنځ مستقیمو او نا مستقیمو اړیکو پراختیا پیدا کړې وه، خو سره له دې هغه کوچنۍ ډلې چې له پورتنیو توندلارو ډلو څخه جلا شوي دي د پاکستان استخباراتي ادارې پرې ډېر اغېز او کنټرول نه لري که پاکستان په دغو توندلارو ډلو بشپړ کنټرول درلودلای، نو په دې صورت کې دغو ډلو نه شول کولای چې د پاکستان په لویو ښارونو کې ترهگریز بریدونه او فعالیتونه ترسره کړي.

څارگرې او امنیتي ادارې د توند لارو ډلو د فعالیتونو څارنه کوي، د ځينو دغو ډلو له مشرانو سره خبرې کوي، خو دا په دې معنی نه ده چې د پاکستان څارگرې ادارې توند لارې ډلې اداره او رهبري کوي، ډېری دغه توندلارې ډلې خپلواکې دي او د خپلو محدودو مذهبي او سیاسي لید لوریو له مخې فعالیتونه ترسره کوي.

په پنجاب کې مېشتې د لشکر طیبه او جیش محمد ډلې د هند او پاکستان ترمنځ له کړکېچ څخه گټه پورته کوي، د هند او پاکستان ترمنځ کړکېچ دغو ډلو ته د دې زمینه برابره کړه چې د هند ضد احساساتو د خپرولو له لارې د خلکو ملاتړ ترلاسه کړي، هغوی د کشمیر ستونزې په نه حل کېدو او په کشمیر کې د هندي ځواکونو له لوري له کشمیریانو سره په ناوړه چلند نیوکې کوي. په ۲۰۱۰ ز. کال کې په کشمیر کې د تاوتریخوالي رامنځ ته کېدو د جیش محمد او لشکر طیبه ډلو لپاره د دې زمینه برابره کړه چې له هند څخه د کشمیر د ازادولو لپاره د خلکو ملاتړ ترلاسه کړي.

اسلامي مذهبي ډلې د پاکستان او هند ترمنځ د اړیکو د پراختیا ملاتړ نه کوي او له هند سره د خبرو اترو له پروسې سره مخالفې دي. حافظ محمد سعید په تکراري توگه څرگنده کړې چې هند لهوالتیا نه لري له پاکستان سره د کشمیر په شمول ټولې ستونزې حل کړي. نوموړی پر دې اند دی چې پاکستان باید د هند پر وړاندې توند موقف او دریغ ولري.

که د هند او پاکستان ترمنځ خبرې په منظمه او سمه توگه ترسره شي او دواړه هېوادونه وکولای شي خپلې ځينې دوه اړخيزې ستونزې د خبرو له لارې حل کړي په دې صورت کې به توند لارې ډلې په پاکستان کې د عادي خلکو له ملاتړ څخه بې برخې شي او د پاکستان د حکومت لپاره به ددې زمينه برابره شي چې گواکې له هند سره خبرې مثبتې پایلې لري په دې صورت کې به د پاکستان حکومت د مذهبي ډلو له اغېز او فشار څخه ځان خلاص کړي.

د پاکستان پوځ او استخبارات دې پایلې ته رسېدلې، ټولې هغه توند لارې ډلې چې په پاکستان کې مېشتې دي د دغه هېواد داخلي امنيت يې له گواښونو سره مخامخ کړی او له بل لوري له ځينو هېوادونو سره د پاکستان په اړیکو کې د ستونزو د رامنځ ته کېدو سبب شوي، خو سره له دې هم د پاکستان لپاره ممکنه نه ده چې په يو وخت کې د ټولو توندلارو ډلو پرضد اقدامات ترسره کړي او يا هم د ترهگرۍ پرضد مبارزه کې خپل لومړيتوبونه د هند او امريکا د غوښتنو له مخې وټاکي.

پاکستان تر اوسه پورې په قبایلي سيمو کې د امنيتي وضعيت د ادارې او کنټرول په برخه کې بريالی شوی نه دی، خو په ورته وخت کې پاکستان په پنجاب کې د مېشتو ډلو پر وړاندې سخته او تونده پالیسي تعقيبوي. د پاکستان پوځ او ملېشه ځواکونه په ټولو قبایلي سيمو او سوات کې د امنيتي وضعيت د ښه کولو لپاره پر فعاليت بوخت وو. د دې ترڅنگ هغوی د افغانستان او پاکستان ترمنځ د ډيورنډ پر کرښه امنيتي حالات څارل له ۲۰۱۱ ز. کال راهيسې وسله والې ډلې د افغانستان له کونړ او نورستان ولايتونو څخه د پاکستان قبایلي سيمو ته اوښتلې او هلته به يې د پاکستاني ځواکونو پر پوستو بريدونه کول.

دوی پاکستاني طالبان او نورې وسله والې ډلې دي کله چې د پاکستان پوځ په سوات، ملکنډ او جنوبي وزيرستان کې پوځي عمليات ترسره کړل د همدې عملياتو په پايله کې پاکستاني طالبان له خپلو مرکزونو پر شا شول او د افغانستان په کونړ او نورستان ولايتونو کې مېشت شول.

## د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

که په ساده ډول يې ووايو، نو پاکستان په قبایلي سيمو کې ډېر بوخت او مصروف دی. پاکستان د لشکر طيبه او جماعتالذعوة په گډون په پنجاب کې د مېشتو وسله والو ډلو له لوري له ستونزو سره مخامخ دی. په پنجاب کې مېشتو توندلارو ډلو د خلکو په منځ کې خپلې اغېزې ته پراختيا ورکړې، له خلکو سره يې ټولنيزې اړیکې رامنځ ته کړې او د دوی غړي په ښارونو او کلیو کې ژوند کوي.

جماعتالذعوة ډلې د خيريې او ټولنيزو چارو د ترسره کولو له لارې د خلکو ترمنځ د پام وړ ملاتړ ترلاسه کړی دی د دې ترڅنگ دې ډلې په ۲۰۰۵ ز. کال کې په کشمير کې له زلزلې څپلو او په ۲۰۱۰ ز. کال کې له سيلابونو څخه له اغېزمنو خلکو سره خيريې مرستې کړې وې. له زيانمنو شويو خلکو سره د دوی د مرستو اندازه سمه وه، خو سره له دې دغه مرستې ددې سبب شوې چې جماعتالذعوة ډله د خلکو ټولنيز ملاتړ ترلاسه کړي. په پنجاب کې د مېشتو لشکر طيبه او جماعتالذعوة پرضد هغه ډول پوځي عمليات نه شي ترسره کېدای کوم چې د پاکستان د پوځ له لوري په قبایلي سيمو کې ترسره شول او د هغې اصلي دليل دادی چې د دې ډلو غړي په گڼ مېشتو سيمو او د خلکو په منځ کې ژوند کوي. د دې ډلو پرضد هر ډول پوځي عمليات کولای شي درانه مالي او ځاني تلفات له ځانه سره ولري او ممکن دا ډول عمليات هېڅ ډول مثبتې پایله هم ورنه کړي.

په پنجاب کې د مېشتو توندلارو ډلو د کنټرول لپاره يوې دقيقې او هدفمندې پالیسۍ ته اړتيا ليدل کېږي. د دې ډول يوې پالیسۍ له مخې پوليس او استخباراتي ادارې کولای شي د يادو ډلو غړي تر څارنې لاندې ونيسي او په دې توگه پر هغوی فشار راوړي، د دې ترڅنگ امنيتي ادارې بايد له يادو توندلارو ډلو سره د دولتي او نيمه دولتي چارواکو د مستقيم او نا مستقيم تماس او اړیکو مخه ونيسي او اجازه ورنه کړي چې دغه ډلې بيا ځانونه منظم کړي. ددې ترڅنگ امنيتي ادارې کولای شي د دقيقو اسنادو او ثبوتونو د شتون په صورت کې د وسله والو ډلو غړي ونيسي او محاکمه يې کړي.

پاکستان بايد په قبایلي سيمو کې پوځي فشارونه کم کړي او په قبایلي سيمو کې بهرني او پاکستاني وسله وال او جنگيالي کنټرول کړي. د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو ښه کېدل به له پاکستان سره مرسته وکړي چې د وسله والو ډلو پر وړاندې جدي اقدامات ترسره کړي. د هند له لوري په ښکاره توګه له پاکستان څخه هغه غوښتنې چې له مخې يې بايد پاکستان د هغو وسله والو ډلو پر ضد اقدامات وکړي چې په کشمير کې د نامنيو تر شا لاس لري تر اوسه پورې ګټورې تمامې شوې نه دي. د هند له لوري د دې ډول بيانونو خپرول د دې سبب کېږي چې توند لارې ډلې په پاکستان کې د خلکو همدردي او ملاتړ ترلاسه کړي.

پاکستان د پورتنیو ډلو پر وړاندې د جدي اقداماتو له ترسره کولو څخه ډډه کوي، د پاکستاني مشرانو اساسي وېره دا ده چې د دې ډلو پرضد چې په قبایلي سيمو کې له پاکستاني طالبانو سره نږدې کاري اړیکې لري د پاکستاني طالبانو د غبرګون ښودلو سبب به شي.

د لشکر طيبه او جماعتالذعوة ډلو په تکراري توګه څرګنده کړې ده که د پاکستان حکومت د هند په غوښتنه د دوی پرضد توند او جدي اقدامات ترسره کړي، نو په دې صورت کې به دغه ډلې په هند کې دننه بریدونه ترسره کړي او په هند کې به د تاوتریخوالي د رامنځ ته کېدو سبب شي. د پاکستاني وسله والو ډلو له لوري په هند کې د بریدونو ترسره کول به د پاکستان او هند ترمنځ د پوځي ټکر لپاره زمينه برابره کړي او په دې صورت کې به د پاکستاني چارواکو پاملرنه په دغه هېواد کې د مېشتو توند لارو ډلو پرځای د هند لوري ته واوړي.

### راتلونکې تگلاره

دا يو مثبت پرمختګ دی چې د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو پروسه بيا پيل شوې او هيله ده چې بې له کوم ځنډ څخه به د دواړو هېوادونو ترمنځ خبرې دوام پيدا کړي په دې توګه به دواړه هېوادونه وکولای شي په راتلونکي کې د مختلفو کاري ډلو د فعاليتونو مثبتې پایله ترلاسه کړي.

د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

د ممبې له بریدونو وروسته د هند له لوري د خبرو پروسې ځنډولو کومه خاصه پایله نه درلوده، بلکې د هند د حکومت له لوري دغه اقدام د عادي هندیانو د خوشحالی او رضایت سبب شوی و. د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو د پروسې ځنډېدو د سیاحت، سرکریک پولې او کشمیر په گډون د ځینو جنجالي موضوعاتو د حل لپاره له ۲۰۰۴ ز. کال څخه بیا تر ۲۰۰۸ ز. کال پورې د هند او پاکستان له لوري ترسره شویو هڅو او تمایلاتو ته د پام وړ زیان ورساوه. د دوه اړخیزو اړیکو د عادي کولو لپاره بهلا بهلا اقدامات سرچپه او برعکس شول او په دې توگه هند او پاکستان یو ځل بیا د کشمیر په تړاو په خپلو پخوانیو دودیزو دریځونو ټینگار کول پیل کړل پاکستان غوښتنه کوله چې د ملگرو ملتونو سازمان د ۱۹۴۸ - ۱۹۴۹ ز. کلونو پرېکړه لیکونو له مخې باید په کشمیر کې ټولپوښتنه ترسره شي هند په تکراري توگه د کشمیر په اړه خپل پخوانی رسمي دریځ بیا تکرار کړ او هغه دا چې کشمیر د هند یوه نه جلا کېدونکې برخه ده.

په ۲۰۱۰ ز. کال کې د ملگرو ملتونو د عمومي اسمبلې په کلنۍ غونډه کې هند او پاکستان د کشمیر په اړه متضاد او مخالف دریځونه څرگند کړل د ۲۰۱۱ ز. کال په جون کې د هند او پاکستان ترمنځ د دوه اړخیزو خبرو ځنډېدو د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو پر بیا پیل کېدو منفي اغېزې درلودې. د هند او پاکستان ترمنځ خبرې عادي ډیپلوماتیکې خبرې وې او د دواړو هېوادونو اړونده چارواکو لواتیا نه درلوده چې دوه اړخیزې خبرې بېرته له هغه ځایه پیل کړي په کوم ځای کې چې په ۲۰۰۸ ز. کال کې درېدلې وې. دې ته اړتیا لیدل کېږي چې دواړه لوري د پخوانیو خبرو د دوام پرځای دوه اړخیزو جنجالي موضوعاتو ته بیا له سره کتنه وکړي، خو له دې سره باید وویل شي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ جنجالي موضوعات به ژر او په کم وخت کې حل نه شي.

## په زړه پورو هڅو ته اړتیا

ددې لپاره چې د خبرو پروسې د ځنډېدلو منفي اغېزې له منځه یوړل شي د هند او پاکستان چارواکي باید د اړیکو د عادي کېدو او د کرکېچ د حل په موخه فعالې هڅې ترسره کړي، د دواړو هېوادونو لوړ پوړي مشران باید په روښانه ډول خپلو چارواکو ته لارښوونه وکړي چې هغوی باید ټولو جنجالي موضوعاتو ته د منلو وړ حللارې پیدا کړي او په داسې یو میکانیزم موافقه وکړي چې له مخې به یې د دواړو هېوادونو ترمنځ دوه اړخیزه همکاري پراختیا پیدا کړي. لاندې موضوعات او مسایل جدي پاملرنې ته اړتیا لري:

### ۱- د ویزې رژیم اسانول

د دواړو هېوادونو مشران باید د هند او پاکستان د اوسېدونکو ترمنځ ټولنیزو اړیکو ته د ویزې رژیم د اسانتیا او د سوداګرۍ د پراختیا له لارې پراختیا ورکړي، افراد او سازمانونه باید وهڅول شي چې له یو بل سره اړیکې رامنځ ته کړي، د ګروپي سیاحت نوبت باید رامنځ ته شي، د کالجونو او پوهنتونو محصلین باید د یو بل هېواد ته سفرونه وکړي او په دې توګه د یو بل ټولني وپېژني، دا ډول لیدني کتنې به دوی ته روښانه او څرګنده کړي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اختلافي مسایلو او موضوعاتو پرځای مشترکات زیات دي، په دې توګه به هغه ناسم پوهاوی چې د اړیکو د نه شتون له امله رامنځ ته شوی له منځه لاړ شي.

### ۲- د محصلینو او استادانو د تبادلې پروګرامونه

د جنوبي اسیا پوهنتون د ۲۰۱۰ ز. کال له سپتمبر څخه فعالیت پیل کړی دی، ددې پوهنتون جوړېدل ځانګړی اهمیت لري که هغو پاکستانی محصلینو ته چې د جنوبي اسیا پوهنتون کې د لوړو زده کړو ترلاسه کول غواړي، د ویزې ورکولو په برخه کې محدودیتونه رامنځ ته شي، نو په دې صورت کې به د دې پوهنتون د جوړېدو او فعالیت نظریه له ګواښ سره مخامخ شي.



د پاکستان او هند اړیکې، زرې ستونزې او نوي نوښتونه

د دې ترڅنگ وړ پاکستانیان باید د سوېلي اسیا په پوهنتون کې د استادانو په توګه ومنل شي.

یوه بله ستراتیژي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د ټولنیزو اړیکو له پراختیا سره مرسته کولای شي هغه د هند او پاکستان له لوري د یو بل د هغو زندانیانو خوشې کول دي چې د بند موده یې پوره کړې وي او یا یې نه وي پوره کړي. په دې زندانیانو کې باید هغه هندي وګړي هم شامل واوسي چې د پاکستان د حکومت له لوري د مرګ په سزا محکوم شوي دي. ماهي نیونکو او هغو کسانو سره چې په تېروتنې له پولې اوږي باید له مهربانۍ څخه ډک چلند وشي. هند او پاکستان په ۲۰۱۰ او ۲۰۱۱ ز. کلونو کې ډېر زندانیان خوشې کړل. خو له دې سره د دواړو هېوادونو په زندانونو کې ډېر اشخاص اوس هم زندانیان دي. د زندانیانو په اړه د هند او پاکستان د قضایي کمېټې رول باید پراختیا پیدا کړي او په دې توګه په چټک ډول د زندانیانو د خوشې کولو لپاره زمينه او شرایط برابر شي.

### ۳- د وړو مسئلو حل کول

د ۲۰۰۸ ز. کال په نومبر کې د دوه اړخیزو خبرو له ځنډېدو وړاندې د سیاجین او سرکریک پولو د ستونزو د حل په موخه د پام وړ پرمختګ ترسره شوی و، د سرکریک په اړه وروستی سروې بشپړه شوې وه او دواړو لورو هوکړه کړې وه چې هندي ځواکونه به د پولې وروستی په نښه شوې نقطې، NJ 9842 کې بیا ځای پرځای کېږي، خو دغه پرېکړه د هند د مخالفت له امله عملي نه شوه. هند پر دې ټینګار کاوه چې په سیاجین کې د مېشتو هندي ځواکونو د شتون له منلو وروسته به هندي ځواکونه NJ 9842 نقطې ته بېرته ستانه شي، دغه غوښتنه لومړی د هندي پوځونو د لوړ پوړو چارواکو له لوري مطرح شوه او وروسته بیا د هند حکومت پورتنۍ غوښتنه د ځواکونو د بېرته په شا کولو لپاره د شرط په توګه مطرح کړه.

د ۲۰۱۱ ز. کال د مې پر ۳۰ - ۳۱ مه د هند او پاکستان د دفاعي چارو د سکرترانو په غونډه کې د پورتنیو موضوعاتو په اړه خبرې وشوې، خو د دې خبرو په پایله کې دواړه لوري کومې پایلې ته ونه رسېدل.

د سرکریک پوله او په سیاجین کې د ځواکونو بیا ځای پرځای کول د حل وړ موضوعات دي. د هند د پوځ له لوري له پاکستان څخه د تایید موضوع په حقیقت کې د خبرو د ځنډولو یو تکتیک و. په هر ډول حالت کې د نقشی له لوري د هندي ځواکونو اوسنی او نوی موقعیت معلومېدلای شي. د هند او پاکستان ترمنځ د موضوعاتو نه حل کېدل په پاکستان پورې اړونده موضوعاتو کې د هند د پوځ رول څرگندوي که د دواړو هېوادونو لوړ پوړي مشران وغواړي، نو پورتنی موضوعات او ستونزې حل کېدلای شي.

#### ۴- د ترهگری کنټرولول

د ممبې له ترهگریز برید وروسته د هند لپاره تر ټولو مهم لومړیتوب د ترهگرو ډلو کنټرول دی، هند غواړي چې پاکستان په خپله خاوره کې مېشتې د لشکر طیبه او جماعتالذو توند لارې ډلې چې په کشمیر او په هند کې ترهگریز بریدونه ترسره کوي، کنټرول او مهار کړي.

د هند لپاره سخته ده چې درک کړي پاکستان د ترهگری له یوې پیچلې ستونزې سره مخامخ دی، هند په تکراري توګه پاکستان ته د ځینو اشخاصو د نومونو لیستونه سپارلي او له پاکستان څخه یې غوښتنه کړې چې په هند کې د ترهگریزو فعالیتونو ترسره کولو له امله د دغو افرادو پر وړاندې جدي اقدامات ترسره کړي او یا دغه افراد هند ته وسپاري. د هند له لوري په سپارل شویو لیستونو کې په تکراري توګه د افرادو نومونه بدل شوي دي. د هند تونده او سخته ډیپلوماسي به ددې سبب نه شي چې پاکستان د ترهگری په تړاو د دغه هېواد غوښتنې ومني او نه به د هند له لوري کوچني بریدونه په دې برخه کې کومه مرسته وکړي.

دا ډول ستراتیژي به سیمه له خطرناکو بحرانونو سره مخامخ کړي، هند او پاکستان باید د بېلابېلو توند لارو ډلو پر وړاندې د اقداماتو په ترسره کولو هوکړه

## د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

وکړې، د ترهگریزو فعالیتونو په اړه له یو بل سره معلومات شریک کړي او د ترهگری پر ضد خپلې ستراتیژۍ همغږې کړي. هند باید د ممبې پېښې ته د ترهگری د داسې یو اړخ په توګه وګوري چې له همدې اړخه پاکستان هم اغېزمن شوی دی. په پاکستان کې په مېشتو توند لارو ډلو د هند زیات تمرکز د دې سبب شوی چې په کور دننه د فعالو توند لارو ډلو پر وړاندې د دغه هېواد پاملرنه لږه شي د ۲۰۱۱ ز. کال په جولای کې په ممبې کې د ترسره شویو بریدونو ترشا په هند کې د مېشتو سیمه ییزو ډلو لاس و.

که هند د ترهگری پر وړاندې خپله تګلاره بدله کړي په دې صورت کې به د پاکستان لپاره اسانه وي چې د توند لارو او وسله والو ډلو پرضد جدي اقدامات ترسره کړي پاکستان باید هند او نورې نړۍ ته قناعت ورکړي چې دغه هېواد له توند لارو ډلو څخه د خپل بهرني سیاست د اهدافو په لاس ته راوړلو کې د وسیلې په توګه استفاده نه کوي. په پنجاب کې مېشتې توند لارې ډلې ولې باید د دې اجازه ولري چې په ښاري سیمو کې خپل فعالیتونه ترسره کړي؟ د جماعت‌الدعوة مشر حافظ محمد سعید ته ورکول شوې ازادې حیرانونکې ده، نوموړی په ښکاره توګه تګ او راتګ کوي او په سیمینارونو او کنفرانسونو کې ویناوې کوي. د نشه یي توکو قاچاق، د خوراکي توکو لېږد رالېږد او په ناقانونه توګه له پولو څخه د خلکو تګ راتګ هغه ستونزې دي چې باید پاملرنه ورته وشي.

### ۵- په اوبو پورې تړلي مسایل

په ۲۰۱۰ ز. کال کې د پاکستان په هغو سیندونو کې چې له کشمیر څخه سرچینه اخلي د اوبو کمښت په پاکستان کې د اندېښنې وړ په یوې موضوع بدله شوه، د هند له لوري په کشمیر کې د اوبو د زېرمه کولو په موخه د بندونو جوړولو له امله په پاکستان کې اندېښنې مخ په زیاتېدو دي، هند او پاکستان باید د سیندونو د اوبو په اړه خبرې وکړي او د اوبو په اړه د ایندوس تړون له مخې له اوبو استفاده وکړي. که دغه اوبه د اقلیم د بدلون له مخې کمې شوې وي، نو په دې صورت کې

بايد دواړه هېوادونه دا موضوع درک کړي. د دې ترڅنگ هند او پاکستان بايد په گډه د اوبو د مديريت، د کرنې په موخه له اوبو څخه د استفادې، په بندونو کې د اوبو زېرمه کولو او د اوبو د جريان په اړه يو ليد لوري رامنځ ته کړي. هند او پاکستان د کشين گانا پروژې په اړه د خپلو اختلافونو په حل کولو کې ناکام شول او دغه موضوع يې نړيوال منځگړيتوب ته وړاندې کړه دا په ښکاره توگه څرگندوي چې هند او پاکستان د اوبو پرسر د ستونزو د حل په برخه کې پاتې راغلي دي.

## ۶- اقتصادي او سوداگري اړيکې

سوداگري چې يوه مهمه برخه ده او په دې برخه کې د همکاريو د پراختيا لپاره زيات فرصتونه او امکانات شته د وخت په تېرېدو سره د دوه اړخيزې سوداگري په کچې کې زياتوالی رامنځ ته شوی دی، خو له دې سره د دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداگري اندازه د دواړو هېوادونو د نړيوالې سوداگري کوچنۍ برخه جوړوي. هند او پاکستان اړ دي چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اقتصادي اړيکو او سوداگري پر وړاندې پرتو تخنيکي، اداري او بيروکراتيکو خنډونو او ستونزو ته جدي پاملرنه وکړي، دواړه لوري بايد د خپلو سوداگري له خونو غوښتنه وکړي چې له يو بل سره مشورې وکړي او د سوداگريزو اسانتياوو رامنځ ته کولو په موخه خپلو حکومتونو ته وړاندیزونه وکړي. دواړه حکومتونه بايد د هغوی وړاندیزونه ومني، که چيرې دغه موضوعات د دواړو هېوادونو بيروکراسيو ته پرېښودل شي، نو په دې صورت کې به د هند او پاکستان ترمنځ د سوداگري د پراختيا امکان ډېر لږ وي.

## ۷- باور او اعتماد رامنځ ته کوونکې کړنې

د امنيت او ثبات د ټينگښت لپاره هند او پاکستان اړ دي چې د اټومي امنيت په اړه باور رامنځ ته کوونکې کړنې ترسره کړي، په تېرو وختونو کې په دې اړه ځينې مهم اقدامات ترسره شوي وو او داسې هيلې موجودې دي چې دواړه هېوادونه په راتلونکي کې باور رامنځ ته کوونکو کړنو ترسره کولو ته دوام ورکړي. د اعتماد او باور رامنځ ته کولو په وسيله د دواړو هېوادونو ترمنځ د اټومي جگړې مخه نيول کېدای شي.

## ۸- د کشمیر مسئله

د کشمیر شخړې ته باید داسې یوه حللار ولټول شي چې هند او پاکستان دواړو ته د منلو وړ وي. د کشمیر موضوع دوه اړخونه لري، د کشمیر د موضوع لومړی اړخ په کشمیر کې د تاوتریخوالي په رامنځ ته کولو او د هندي ځواکونو له لوري د بشري حقوقو تر پښو لاندې کولو پورې تړاو لري او د کشمیر موضوع دوهم اړخ د ټول کشمیر په سیاسي راتلونکي پورې اړه لري. په ۲۰۰۸ ز. کال کې له خبرو وړاندې هند او پاکستان په دې هوکړه کې وه، چې د کشمیر موضوع د حل لپاره به یو لړ اقدامات ترسره کوي، د دې اقداماتو له مخې به نه خاوره او ځمکه بدلېده او نه به د کنټرول پر کرښه کوم بدلون رامنځ ته کېده. د هند او پاکستان له لوري رامنځ ته شویو اقداماتو په څلورو موضوعاتو تمرکز درلود:

۱- د کنټرول پر کرښه د خلکو، توکو او خدماتو په لېږد رالېږد کې د زیاتوالي رامنځ ته کول؛

۲- د کشمیر دواړو برخو ته د خپلواکۍ ورکول او دواړو برخو ته حق ورکول چې په خپله حکومتولي وکړي؛

۳- د هند او پاکستان له لوري مرحله په مرحله د ځواکونو پرشا کول؛

۴- او د کنټرول پر کرښه د ځینو موضوعاتو په تړاو د گډ میکانیزم رامنځ ته کول.

هند او پاکستان دواړو د پورتنیو وړاندیزونو په عملي کولو کار کاوه، خو په همدې مهال د دواړو هېوادونو ترمنځ به خبرو کې خنډونه او ستونزې رامنځ ته شوې. د پورتنیو نظریاتو د تعقیب په پایله کې د هند او پاکستان ترمنځ د کنټرول پر کرښه د وضعیت د عادي کېدو په موخه یو لړ کړنې ترسره شوي وې. د ۲۰۰۵ ز. کال په اپریل کې د مظفر اباد او سرینگر ترمنځ د لومړي ځل لپاره د بسونو تگ راتگ پیل شو او په ۲۰۰۵ ز. کال کې د کنټرول پر کرښه د تگ راتگ پنځه نوې لارې پرانیستل شوې.

د تگ راتگ له پورتنیو ټولو لارو اوس مهال استفاده نه ترسره کېږي. د ۲۰۰۸ ز. کال په اکتوبر کې د کنټرول پر کرښه د سوداگریزو توکو د لېږد او رالېږد نوښت

رامنځ ته او عملي شوی و، د بسونو تگ راتگ پر وړاندې هم ستونزې موجودې وې، سخت اداري طرزالعملونه، د هند او پاکستان د استخباراتي ادارو له لوري شدید امنیتي نظارت او د ترانسپورت د ملاتړ میکانیزمونو نه شتون د کنترول پر کرښه د بسونو د تگ راتگ پر وړاندې مهمې ستونزې وې.

داسې ښکاري چې هند او پاکستان دواړه د کشمیر شخړې د حل لپاره له هغو هڅو او کار سره چې له ۲۰۰۴ ز. کال څخه بیا تر ۲۰۰۷ ز. کال پورې ترسره شوي وو کومه لواتیا نه لري، خو له دې سره هند او پاکستان هوکړه وکړه چې د کنترول پر کرښه د بسونو او د سوداګرۍ د پراختیا لپاره به اقدامات ترسره کوي که هند او پاکستان د کشمیر په تړاو یو ځل بیا د خپلو پخوانیو دودیزو تگلارو تعقیب ته دوام ورکړي په دې صورت کې به د کشمیر د ستونزې حل ناممکن وي.

## ۹- افغانستان

هند او پاکستان باید د امریکا هغې پرېکړې ته په پام سره چې په ۲۰۱۴ ز. کال کې به له افغانستان څخه امریکایي او ناتو ځواکونه وځي، د افغانستان د وضعیت په اړه خبرې وکړي. امریکا تر دې مهاله په افغانستان کې د اوو (۷) سیمو امنیتي مسؤولیت افغان امنیتي ځواکونو ته سپارلی دی، ډېر څېړونکي په دې اند دي چې له افغانستان څخه د بهرنیو ځواکونو د وتلو په صورت کې به دغه هېواد له داخلي بحرانونو سره مخامخ شي.

په افغانستان کې د داخلي جګړو او بحران په صورت کې به د دغه هېواد ګاونډي هېوادونه په افغانستان کې د خپلې اغېزې د پراختیا په موخه له یو بل سره سیالی پیل کړي. په افغانستان کې د بحران پراختیا به د پاکستان قبایلي سیمې ډېرې بې ثباته کړي له همدې امله پاکستان د افغانستان د وضعیت په اړه اندېښنې لري، پاکستان له افغانستان، سعودي عربستان او ایران سره له افغانستان څخه د امریکایي ځواکونو له وتلو وروسته د رامنځ ته کېدونکي وضعیت په اړه بحثونه او خبرې پیل کړي دي. پاکستان باید له هند سره چې د افغانستان په چارو کې دخپل دی هم خبرې وکړي، هند په افغانستان کې د بیارغونې په چارو کې پراخه او

د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

فعاله برخه اخیستې او د شمالي ټلوالې له لارې یې د افغانستان له حکومت سره نږدې اړیکې رامنځ ته کړي دي.

هند او پاکستان کولای شي د افغانستان په تړاو په دوه موضوعاتو خبرې وکړي:

۱- په افغانستان کې د ثبات د ټینګښت په موخه د هند او پاکستان ترمنځ د همکارۍ رامنځ ته کول؛

۲- د پاکستان د هغو اندېښنو په تړاو چې ګواکې هند په افغانستان کې له خپل شتون څخه په استفادې له بلوڅ بېلتونپالو ډلو سره همکاري کوي.

د پورتنیو موضوعاتو په اړه خبرې په افغانستان کې د هند او پاکستان د ګټو ترمنځ د ټکر مخه نیسي.

## پایله

دا یو مثبت پرمختګ دی چې هند او پاکستان یو ځل بیا له یو بل سره خبرې پیل کړي دي. د ۲۰۱۱ ز. کال د جولای پر ۲۷ مه د هند او پاکستان د بهرنیو چارو وزیرانو د دواړو هېوادونو ترمنځ د ټولو شته موضوعاتو په اړه د خبرو د بیا پیل کېدو په تړاو خپله ژمنه تکرار کړه، اساسي پوښتنه داده چې ایا د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پیل کېدل به د بحران له حل کېدو پرته د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو د عادي کېدو سبب شي.

پاکستان د اړیکو د عادي کېدو او د اعتماد او باور د رامنځ ته کېدو په اهمیت او ارزښت پوهیږي، خو له دې سره د پاکستان دغه ډول لید لوری د ستونزو د حل لپاره یو بدیل نه ګڼل کیږي. د پاکستان لپاره د جنجالي موضوعاتو حل د اهمیت وړ موضوع ده. پاکستان غواړي له هند سره د خبرو پروسه بریالی شي، د هند او پاکستان ترمنځ د اړیکو ښه کېدو په صورت کې به د پاکستان په پنجاب کې مېشتې توند لارې ډلې کمزورې شي، دغه توند لارې ډلې د هند او پاکستان ترمنځ د کرکېچ د رامنځ ته کېدو سبب شوې دي.

د هند او پاکستان ترمنځ ځینې کوچنۍ ستونزې شته که د دواړو هېوادونو لور پورې چارواکي وغواړي، نو دغه ستونزې په څو میاشتو کې حل کولای شي د سیاجین او د سرکریک د پولو د ستونزې حل کول، د زندانیانو تبادلې، د ویزې اسانول او د سوداګرۍ پر وړاندې د شته ستونزو حل کول په کم وخت او لنډه موده کې ترسره کېدای شي د پورتنیو موضوعاتو او په ځانګړې توګه د سیاجین او سرکریک د ستونزو حل کول به په پاکستان کې د هند پر وړاندې د مثبت ذهنیت له رامنځ ته کولو سره ډېره مرسته وکړي او په پاکستان کې دننه به له هند سره د خبرو لپاره د پام وړ ملاتړ رامنځ ته کړي.

په پاکستان کې اوسمهال داسې یو ذهنیت موجود دی چې ګواکې هند غواړي د جنجالي موضوعاتو د حل کولو پرځای یوازې د اړیکو له عادي کولو سره لوالتیا لري. د ټولو موضوعاتو او ستونزو په اړه خبرو اترو ته اړتیا لیدل کېږي. البته د ځینو موضوعاتو په پرتله باید ځینو نورو موضوعاتو ته ژر رسیده ګي ترسره شي، خو که هند هڅه وکړي چې د خبرو پروسه د ترهګرۍ په اړه په خپلو غوښتنو پورې وتړي او پاکستان د کشمیر موضوع حل د خپل لومړیتوب په توګه وټاکي په دې صورت کې د هند او پاکستان ترمنځ د ستونزو او موضوعاتو د حل امکان به ډېر لږ او محدود وي.

داسې ښکاري چې هر هېواد مختلف لومړیتوبونه لري، خو د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پروسه باید د دواړو هېوادونو په کوم ځانګړي لومړیتوب پورې مشروطه ونه ګڼل شي. د کشمیر او ترهګرۍ ستونزې مختلف اړخونه لري او ددې دواړو موضوعاتو د حل لپاره دوامداره خبرو او حوصلې ته اړتیا لیدل کېږي.

د خبرو پروسې د بریالیتوب لپاره د رسنیو ملاتړ مهم ګڼل کېږي، سیاسي او ټولنیز شخصیتونه چې د عامه ذهنیت په بدلون کې مهم رول لري باید له دواړو حکومتونو سره مرسته وکړي چې د ستونزو د حل لپاره انعطاف پذیرې څرګنده کړي او د ستونزو د حل لپاره داسې حللارې پیدا کړي چې د دواړو هېوادونو لپاره د منلو وړ وي.

ټول لوري باید دا خبره درک کړي چې د هند او پاکستان ترمنځ د شپږو لسیزو کړکېچ او بحران د دواړو هېوادونو مادي او فزیکي سرچینې ضایع کړي دي، د



د پاکستان او هند اړیکې، زړې ستونزې او نوي نوښتونه

ټولنيزو بدنيتيو او د افراطي تمايلاتو د رامنځ ته کېدو سبب شوي دي، دواړه هېوادونه له لورې، فقر او وروسته پاتې والي سره مخامخ دي، پوښتنه داده چې ولې بايد دا ډول يو ناوړه حالت او چارې دوام پيدا کړي اوسنی حالت په دواړو هېوادونو کې د خلکو د ژوند له بڼه کېدو سره هېڅ ډول مرسته نه شي کولای د هند او پاکستان ترمنځ د خرابو او کړکېچنو اړیکو گټه يوازې محدودو افرادو ته رسېږي، له اوسني حالت څخه د هند او پاکستان د خلکو خلاصون په دې پورې اړه لري چې دواړه هېوادونه څرنگه کولای شي خپلې دوه اړخيزې جنجالي مسئلې حل کړي او د گاونډيو هېوادونو په توگه د عادي اړیکو رامنځ ته کولو لپاره زمينه برابره کړي. هند او پاکستان نه جغرافيه او گاونډيتوب بدلولای شي او نه هم له پوځي لارې خپلې ستونزې حل کولای شي، خبرې د ستونزو د حل لپاره يوازینۍ حللاره ده او بايد په هر ډول شرايطو کې د کړکېچ د حل په موخه د دواړو هېوادونو ترمنځ خبرې اترې دوام پيدا کړي.

د هند او پاکستان د پارلمان غړي کولای شي د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پروسې د پيل او د کړکېچ د حل په برخه کې د پام وړ مرسته وکړي، د پارلمان غړي پر حکومتي چارواکو اغېز لري، له عادي خلکو سره اړیکي لري له همدې امله هغوی کولای شي سياسي گوندونه او حکومتونه د اړیکو عادي کېدو او د دوه اړخيزو جنجالي موضوعاتو حل ته وهڅوي.

د پارلمان غړي د عامو خلکو استازي دي د پارلمان غړي کولای شي پارلمان کې د وينا پر مهال، غونډو کې د خبرو او له رسنيو سره د مرکو پر مهال د هند او پاکستان ترمنځ دخبرو له لارې د ستونزو د حل او د ښو اړیکو د رامنځ ته کولو د اړتيا پر اهميت ټينگار وکړي. د پارلمان غړي کولای شي د خبرو پروسې څخه د خلکو د ملاتړ د جذب په برخه کې مهم رول ترسره کړي او د يو بل پر وړاندې د اوسني منفي ذهنيت له منځه وړلو سره مرسته وکړي.

همدارنگه د پارلمان غړي کولای شي د دواړو هېوادونو د اوسېدونکو ترمنځ د مثبت ذهنیت او لید لورو د رامنځ ته کولو په برخه کې مهم رول ترسره کړي او د یو بل پر وړاندې د مثبت او عادي ذهنیت رامنځ ته کولو لپاره زمینه برابره کړي. د هند او پاکستان ترمنځ د خبرو پروسه د عامو خلکو، سیاسي گوندونو او مدني ټولني له ملاتړ پرته بریالی کېدای نه شي د دواړو هېوادونو ترمنځ د خبرو پروسې د بریالیتوب لپاره د سیاسي گوندونو او په ځانگړي توگه د دواړو هېوادونو د پارلمان د غړو بشپړ ملاتړ ته اړتیا لیدل کیږي.

محقق عبدالشکور سالنگی

## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

(بخش دوم)

### افغانستان و وضعیت آب در آسیا مرکزی

آنطوریکه در مقدمه این جستار یاد آوری شده است، افغانستان به لحاظ طبیعی از رهگذر آب بخشی از حوزه دریاچه آرال به شمار می‌رود. در این بخش از مطالب به این موضوع پرداخته خواهد شد که این کشور چگونه در زمینه آب با منطقه آسیای مرکزی مرتبط بوده و سهم این کشور در تأمین آب حوزه دریاچه آرال چه مقدار است. موضوع مهم‌تر دیگر اینکه، افغانستان تا چه حد می‌تواند از آب‌های جاری خود که با کشورهای آسیای مرکزی شریک است بهره‌برداری کرده و در صورت بهره‌برداری این کشور از سهم خود، چه آینده‌ای تعاملی با کشورهای منطقه در انتظار آن خواهد بود؟

### ارتباط طبیعی آب در آسیای مرکزی با افغانستان

به لحاظ جغرافیایی افغانستان موقعیت جالب و خاصی دارد. قرار گرفتن سلسله کوه‌های هندوکش و زیر شاخه‌های آن در مناطق مرکزی این کشور و وجود سرزمین‌های هموار و پست در اطراف آن، مسیر جریان آب‌های جاری را از مرکز به حاشیه جهت داده است. لذا می‌توان گفت که وضعیت خاص جغرافیایی افغانستان به گونه‌ای است که به انباشت برف در زمستان در این کشور انجامیده تا در فصول گرم آب شده و به جاهای دیگر سرازیر شود. این وضعیت در مناطق شمالی بیشتر از هر بخش دیگر این کشور دیده می‌شود. در این مناطق وضعیت

جغرافیایی به گونه‌ای است که مسیر جریان آب از شرق به غرب و از جنوب به طرف شمال است. این وضعیت را می‌توان در مسیر جریان دریای آمو به راحتی مشاهده کرد. دریای آمو، در مسیر خود حوزه آبرگیری را تشکیل داده است که آب‌های جاری از صفحات شمالی کوه‌ها هندوکش و زیرشاخه آن و بخش غربی کوه‌های پامیر را در یک مسیری دالان‌مانند جمع کرد و به سوی دریاچه آرال انتقال می‌دهد.

در حوزه شمال غرب نیز آب‌های جاری افغانستان یا مستقیماً مانند دریای مرغاب به طرف شمال جریان دارد یا مانند هری‌رود پس از پیمودن مسیر شرق - غرب راه شمال پیش گرفته و مسیر حوزه آبی دریاچه آرال را می‌پیماید.\* مطابق به نقشه‌های آبی افغانستان نیز حوزه دریایی کشور که در مناطق شمالی و شمال غربی قرار دارد به سه حوزه دریایی پنج - آمو، حوزه دریایی شمال و حوزه دریای هری‌رود - مرغاب تقسیم شده است. هر سه این حوزه‌های آبی در حوزه آبرگیر دریاچه آرال به عنوان حوزه آبرگیر کل آسیای مرکزی قرار دارند. در تقسیمات کلان آبی نیز آب کل منطقه آسیای مرکزی که همه در دو رود کلان منطقه (آمودریا و سیر دریا) جمع می‌شوند، به حوزه آبی دریاچه آرال می‌ریزند. از همین‌رو در تقسیمات جغرافیای طبیعی ناظر به آب‌های جاری منطقه آسیای مرکزی، صفحات شمالی و شمال غربی افغانستان نیز بخشی از منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود. شایان ذکر است که از میان سه حوزه دریایی شمال و شمال غربی افغانستان، صرفاً آب‌های حوزه دریایی شمالی به خارج از مرزهای افغانستان جریان نمی‌یابد؛ اما دو حوزه دیگر که مجموعاً ۶۰ درصد منابع آبی کشور را تشکیل می‌دهد، (۱) با عبور از مرزها به ازبکستان و ترکمنستان سرازیر می‌شوند.

### سه‌م تأمین آب آسیای مرکزی توسط افغانستان

چنانکه در مبحث قبلی توضیح داده شد، تمام آب‌های صفحات شمال و شمال غربی افغانستان که به سه حوزه دریایی تقسیم می‌شوند، در ارتباط طبیعی با حوزه آبرگیر دریاچه آرال در آسیای مرکزی قرار دارند. از میان سه حوزه دریایی پنج - آمو، شمال و هری‌رود - مرغاب،

---

\* هر چند نه مرغاب و نه هری‌رود به آمودریا نرسیده و در بیابان‌ها جذب می‌شوند اما به لحاظ مسیرشناسی در حوزه آبرگیر آمو قرار می‌گیرند.

## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

حوزه دریایی شمالی به عنوان تنها حوزه دریایی بسته است که تماماً در داخل خاک افغانستان جریان داشته و قبل از رسیدن به دریای آمو در قلمرو افغانستان متوقف می‌شود. این حوزه دریایی با ظرفیت دو میلیارد مترمکعب آب در سال، نظر به دو حوزه دریایی دیگر صفحات شمالی کشور خیلی کم آب است. دو حوزه دریایی دیگر پنج - آمو و هریرود - مرغاب که دارای ظرفیت بالای آبی هستند به کشورهای ازبکستان و ترکمنستان سرارزیر می‌شوند.

حوزه آبریز پنج - آمو با مساحت ۹۰۶۹۲ کیلومتر مربع، ۱۲۵۰ کیلومتر مرز مشترک افغانستان را با کشورهای تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان تشکیل می‌دهد. در خصوص تخمین سهم افغانستان در تأمین آب آمودریا آمارها و ارقام زیادی از طریق منابع مختلف ارائه شده است که روی هم رفته از ۲۳ الی ۴۰ درصد در نوسان است. اگر به صورت تخمینی اوسطی برای سهم افغانستان در تأمین آب آمودریا را در نظر بگیریم چیزی حدود ۳۰ درصد با ظرفیت نزدیک به ۲۴ کیلومتر مکعب در سال می‌شود. معاونین دریای آمو در جانب افغانستان رودخانه‌های واخان، کوکچه، کندز و در بخش فرعی تر رودخانه‌های مانند تالقان، اندراب، خنجان، پلخمیری و پنجاب و ده‌ها رود کوچک دیگری... می‌باشد. این حوزه آبی در مجموع آب‌هایی را که از کوه‌هایی هندوکش و پامیر در ولایات بدخشان، تخار، بغلان، کندز و بخش‌های از ولایت بامیان سرارزیر می‌شود از طریق دریای آمو به طرف آسیای مرکزی و حوزه آبگیر دریاچه آرال می‌کشاند. با توجه به تقسیم‌بندی‌های وزارت انرژی و آب، حوزه مزبور به شش حوزه فرعی: پنج بالایی، پنج پایینی، کوکچه، تالقان، کندز بالایی، کندز پایینی و آموی پایینی تقسیم شده است. در مجموع نفوسی که در جانب افغانستان به این حوزه آبریز وابسته است، مطابق به آمار احصائیه‌ای سال ۲۰۱۵، حدود ۵/۴ میلیون نفر برآورد شده است. (۲)

حوزه دریایی دیگری که میان افغانستان و آسیای مرکزی به شمول بخش شمال شرقی ایران مشترک است، حوزه دریایی هریرود - مرغاب می‌باشد.

هرچند نه آب مرغاب و نه هم آب هریرود به دریای آمو می‌رسند و در ریگزارهای کشور ترکمنستان فرو می‌روند، اما با توجه به جهت جریان این دو رودخانه به طرف دریای آمو به مقصد ریختن به دریاچه آرال، شامل حوزه آبریز آرال می‌باشند. مساحت مجموعی حوزه آبریز هریرود در داخل افغانستان که به چهار حوزه فرعی هریرود بالایی، هریرود پایینی، کشک رود کوشان رود و

رود مرغاب تقسیم شده به ۷۷۶۰۴ کیلومتر مربع می‌رسد که در سال ۲/۵ میلیارد متر مکعب آب در آن تولید می‌شود. بر اساس گزارش اداره احصائیه مرکزی افغانستان در سال ۲۰۱۵، جمعیت ساکن در این حوزه ۳/۶ میلیون نفر برآورد شده است. (۳) شایان ذکر است که حوزه دریایی هریرود - مرغاب در اصل دو حوزه دریایی جداگانه بوده و هیچ‌گونه پیوند هیدرولوژیکی میان آنها وجود ندارد، اما دولت افغانستان به جهت مدیریتی هر دو را در یک حوزه شامل ساخته است.

هریرود به عنوان یکی از دو شاخه اصلی حوزه دریایی هریرود - مرغاب با گرفتن سرچشمه از مناطق مرکزی افغانستان، جهتی شرقاً و غرباً را تقریباً در یک مسیر مستقیم به طول ۵۶۰ کیلومتر در داخل خاک افغانستان پیموده و در شصت کیلومتر دیگر با تغییر مسیر - به طرف شمال مرز طبیعی میان افغانستان و ایران را طی می‌کند. این رود در مسیر حرکت خود در دهانه ذوالفقار خاک افغانستان را ترک کرده و مرز مشترک میان ترکمنستان و ایران را می‌سازد و سپس وارد خاک ترکمنستان شده و با طی کردن مسافتی ۱۱۰۰ کیلومتری بالاخره در ریگزارهای قره‌قوم جذب می‌شود. تمام منابع تأمین‌کننده آب هریرود تا جایی که در داخل خاک افغانستان جریان دارد حتی در مسیری که مرز مشترک افغانستان و ایران را می‌سازد، از داخل افغانستان تأمین می‌شود. پس از پیوستن چند رود کوچک از ایران در ناحیه سرخس، هریرود نام تجن به خود می‌گیرد. از سه کشور مشترک در این رود، کشور ترکمنستان هیچ سهمی در تأمین آب آن ندارد.

شاخه دیگر حوزه دریایی مرغاب - هریرود را دریای مرغاب و معاونین آن تشکیل می‌دهد. دریای مرغاب که از نقطه اتصال سفید کوه و تیربند ترکستان سرچشمه می‌گیرد، در مسیری شمال غربی در حرکت است. رودهای چون قیصار، کشک، کاشان و چند رود کوچک دیگر، از مهم‌ترین معاونین این رود هستند که همه از خاک افغانستان سرچشمه می‌گیرند. ظرفیت اوسط رود مرغاب ۴۸/۷ مترمکعب در ثانیه برآورد شده است. رود مرغاب با طی کردن مسافتی مجموعی ۹۹۰ کیلومتر که ۴۴۳ کیلومتر آن در خاک افغانستان جریان دارد، در ریگزارهای قره‌قوم در خاک ترکمنستان فرو می‌رود. (۴)

\_\_\_\_\_ وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

## میزان حق بهره‌برداری افغانستان از آب‌های دو حوزه دریایی شریک با آسیای مرکزی

در خصوص اینکه افغانستان تا چه اندازه و مقدار حق بهره‌برداری از آب‌های دو حوزه دریایی مشترک با آسیای مرکزی یعنی حوزه‌های دریایی پنج - آمو و هریرود - مرغاب را دارد، ملاک و حد معینی نمی‌توان به راحتی تعیین کرد. با آنهم با ملاحظه چند متغیر مهم از جمله اسناد حقوقی بین‌المللی موجود،\* میزان سهم تأمین آب رودخانه‌ها، نیازمندی به مقدار آب برای مصارف اولیه و زراعتی و نوعیت استفاده از آب، می‌توان حد متعادلی را تعیین کرد.

معطوف به اسناد بین‌المللی موجود که مهم‌ترین آنها کنوانسیون ۱۹۹۷ ملل متحد در خصوص استفاده غیر کشتی‌رانی از آبراه‌های بین‌المللی می‌باشد، یک دولت حق دارد از آبراه‌های بین‌المللی تحت دو شرط اساسی «استفاده معقول و منصفانه» و «التزام به عدم آسیب‌رسانی جدی» استفاده کند. در روشنایی این فرمایشات، افغانستان در حال حاضر مقدار آبی را که برای مقاصد زراعتی، تولید انرژی و سایر مصارف از آب این دو حوزه تحت قواعد مزبور مصرف می‌کند، بسیار ناچیز است. مطابق به آمارهای موجود [که البته آمارهای دقیق هم نمی‌باشند] کل استفاده افغانستان از آب حوزه پنج - آمو برای مقاصد زراعتی حدود ۲ کیلومتر مکعب در سال است (۵) در حالیکه افغانستان مدت‌ها پیش یعنی در سال ۱۹۷۷ درخواست ۹ کیلومتر مکعب آب در سال از اتحاد شوروی مطالبه کرده بود. (۶)

در زمینه حوزه دریایی هریرود - مرغاب هم باید گفت که هر چند افغانستان از آب هریرود تا حدودی استفاده می‌کند، اما این مقدار موجود به هیچ وجه تکافوی نیازمندی‌های زراعتی و تولید انرژی در کشور را نمی‌کند.\*

در خصوص حوزه فرعی مرغاب که وضعیت خیلی بدتر بوده و به جز استفاده ناچیزی که از گذشته معمول بوده (حدود ۱۰۰۰۰ هکتار زمین)، (۷) در حال حاضر استفاده مطلوب از آب

---

\*. در این بحث تنها به اسناد تقنینی بین‌المللی رسمی استناد صورت می‌گیرد نه نظریه‌های چهارگانه حقوقی موجود در زمینه.

\*. هرچند افغانستان در زمینه استفاده از آب هریرود طرح‌های بزرگی را (پنج بند آبگردان) روی دست دارد که با عملی شدن آنها بخش عمده از آب این رودخانه استعداد مصرفی پیدا خواهد کرد.

این حوزه صورت نمی‌گیرد. مطابق به آنچه به عنوان استفاده معقول و منصفانه و التزام به عدم آسیب‌رسانی جدی در کنوانسیون آمده است\* حقایق افغانستان از آب‌های دو حوزه مشترک خیلی به مراتب بیشتر از آنچه می‌باشد که کشورهای همسایه در حال حاضر از آب‌های مزبور استفاده می‌کنند.

مطابق به ملاک «استفاده آب از یک آبراه بین‌المللی در تناسب به میزان تأمین آب آن»، افغانستان می‌تواند از دو حوزه دریایی مشترک خود استفاده‌ای حتی در مواردی بالاتر از پنجاه درصد داشته باشد. در خصوص حوزه پنج - آمو باید گفت که مطابق به آمارهای تخمینی موجود، افغانستان می‌تواند از حوزه پنج - آمو تا ۳۰ درصد و یا ۹ کیلومتر مکعب استفاده کند.\* در خصوص حوزه مرغاب - هریرود دست افغانستان در استفاده از آب رودخانه‌های این حوزه به مراتب بازتر از حوزه پنج - آمو است. افغانستان تقریباً تأمین‌کننده تمام آب حوزه فرعی مرغاب و تقریباً ۹۰ درصد آب حوزه هریرود را تأمین می‌کند. بر علاوه آن، آب‌های جاری این کلان‌حوزه در بخش‌های زیادی در خاک افغانستان به صورت مستقلانه جاری است.

مطابق به ملاک «نیازمندی‌ها یا وابستگی‌ها به آب» اگر مسئله را بررسی کنیم، افغانستان در هر دو حوزه دریایی شدیداً نیاز به آب‌های جاری جریان‌های اصلی و فرعی دارد.\* در حوزه پنج - آمو افغانستان چه در طول مسیر جریان اصلی آب و چه در مسیر معاونین و رودخانه‌های فرعی آن، زمین‌های زیادی برای آبیاری شدن دارد. به علاوه افغانستان به انرژی برق زیادی ضرورت دارد که همگی در جریان آب‌های پنج - آمو موج می‌زند. در حوزه هریرود - مرغاب هم، بخش بزرگی از سرزمین‌های غربی و شمال‌غربی وابسته به آب‌های رودهای اصلی و فرعی این حوزه دریایی است که امر استفاده زیاد از این حوزه را توجیه می‌کند. روی هم‌رفته، بیشتر از ۲۵

\* افغانستان هنوز کنوانسیون ۱۹۹۷ را امضاء نکرده اما در اسناد موجود آنرا مورد احترام قرار داده است.

\* چنانچه افغانستان در سال ۱۹۷۷، تقاضای استفاده ۹ کیلومتر مکعب آب در سال را از اتحاد شوروی کرده بود.

\* هرچند افغانستان با داشتن حدود ۲۰ میلیارد متر مکعب ذخایر آبی زیر زمینی نسبت به کشورهای همسایه در وضعیتی خوبی قرار دارد اما به میزانی که آب‌های سطحی می‌تواند برای مقاصد اقتصادی به خصوص آبیاری و تولید انرژی قابل استفاده باشد، آب‌های زیر زمینی چنان کارایی‌هایی را ندارد.



## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

درصد جمعیت افغانستان به لحاظ زراعتی و مصارف اولیه وابسته به این دو حوزه دریایی می‌باشد (۸) که طبیعتاً مقدار زیاد مصرف آب از این دو حوزه را نشان می‌دهد. ملاک دیگری که می‌توان برای استفاده از آبراه‌های بین‌المللی برای یک کشور قابل توجیه دانست، نوعیت استفاده از آب بین‌المللی جاری در یک کشور است. مطابق به این الگو؛ افغانستان می‌تواند از این رهگذر بیش‌ترین استفاده و بهره را ببرد. در هر دو حوزه دریایی پنج - آمو و هریرود - مرغاب، رودخانه‌های زیادی وجود دارد که هرچند برای مقاصد زراعتی کاربرد چندانی ندارند، اما برای تولید انرژی برقی ظرفیت‌های بسیار بالایی دارند. از جمله رودخانه‌هایی که در حوزه دریایی پنج - آمو استعداد بسیار زیاد برای تولید برق دارند از جمله می‌توان به رودهای پنج و کوکچه اشاره کرد و همین طور در حوزه هریرود - مرغاب، رود مرغاب و معاونین آن از استعداد بسیار بالایی برای تولید برق برخوردار هستند. در حال حاضر، افغانستان تنها در حوزه فرعی هریرود طرح‌هایی برای تولید برق و استفاده زراعتی روی دست دارد. همچنین برای رودهای فرعی حوزه پنج آمو نیز طرح‌هایی روی دست داشته؛ اما در خصوص حوزه فرعی مرغاب کم‌ترین توجه شده است.

### آب موضوع منازعه میان افغانستان و همسایه‌های شمالی

قبل از هر چیز این نکته جالب قابل یادآوری است که در حال حاضر در داخل افغانستان، افکار عامه در خصوص آب بیشتر مصروف دو کشور پاکستان و ایران بوده و هیچ ذهنیت در قبال آب‌های فرامرزی مشترک میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی وجود ندارد. در اینکه چه دلایلی در خلق چنین ذهنیتی وجود دارد، جدا از موضوعات مربوط به آب، بیشتر جنبه‌ها و نگاه‌های سیاسی در خلق ذهنیت‌های عامه علیه آب‌های مشترک میان افغانستان و کشورهای پاکستان و ایران تأثیر دارد.\* ناگفته نماند که یادآوری این مطلب بدین معنا نیست که افغانستان با پاکستان و تاحدودی با ایران هیچ مشکلی در قبال آب‌های فرامرزی خود ندارد، اما برجسته بودن مسئله آب‌های مشترک میان افغانستان و کشورهای

\*. این درحالی است که افغانستان و ایران معاهده‌ای در خصوص تقسیم آب حوزه دریایی هلمند نیز دارند.

(ایران و پاکستان) نسبت به موضوع مشابه با کشورهای آسیای مرکزی اندکی تأمل برانگیز است. به هر صورت، در اینجا بحث ما مربوط به موضوع آب میان افغانستان و همسایه شمالی می‌باشد نه کل همسایه‌های افغانستان؛ که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

اگر موضوع را با این پرسش دنبال کنیم که تا چه میزان آب میان افغانستان و همسایه‌های شمالی به شمول ایران\* تبدیل به موضوعی منازعه‌برانگیز و احتمالاً امنیتی\* خواهد شد؟ با توجه به شواهد و قراین موجود احتمال زیادی وجود دارد که در آینده افغانستان در دو حوزه دریایی شمال و شمال غربی خود با کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و ایران وارد نزاع شود. در ادامه این بحث به مهم‌ترین مواردی که زمینه منازعه‌برانگیز شدن آب میان افغانستان با کشورهای مشترک در دو حوزه دریایی را فراهم می‌آورند درنگی صورت می‌گیرد:

## الف- قوانین داخلی

همان‌گونه در مباحث قبلی نیز اشاره شد، کشورهای آسیای مرکزی پس از کسب استقلال، اقدام به تدوین قوانین جدید در رابطه به تعریف آب‌های داخلی خود که فراتر از مرزهای ملی آنها می‌رود، کردند. این قوانین که ناظر به نیازهای داخلی توسعه‌ای در سطح ملی هر کدام از کشورهای منطقه تصویب شد، در مواردی مقابل هم قرار دارد که می‌تواند عاملی برای منازعه‌برانگیز شدن آبراه‌های بین‌المللی باشد. پس از رویکار آمدن نظام جدید در افغانستان، این کشور نیز در صدد تدوین و تصویب قوانین در خصوص تعریف، مدیریت و نحوه استفاده از آب‌های خود شد. نخستین ذکر از آب در قوانین افغانستان مربوط به قانون اساسی جدید (۱۳۸۲) افغانستان و مطابق به ماده نهم آن است که در آن آب به‌عنوان یکی از منابع طبیعی، ملکیت دولتی شناخته شده است. (۹) به تاسی از این حکم قانون اساسی، دولت

\*. جدا از حوزه دریایی هلمند، افغانستان و ایران در حوزه دریایی هریرود باهم شریک هستند.

\*. در این جا میان منازعه‌برانگیز شدن و امنیتی شدن تفاوت قایل شده ایم؛ منازعه برانگیز شدن را وضعیتی می‌دانیم که ممکن افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی بر سر تقسیم آب دچار معضل شوند نه اینکه از آب به‌عنوان وسیله برای مقاصد دیگر استفاده کنند؛ اما امنیتی شدن آب به وضعیتی گفته می‌شود که افغانستان و یا کشوری همسایه بخواهد از آب به عنوان اهرم فشار برای تمکین کشور طرف مقابل در مقابل سایر خواست‌ها استفاده کند. به عنوان نمونه موضوع آب میان افغانستان و پاکستان به چنین وضعیتی تبدیل شده است.

## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

افغانستان قانون آب را در سال ۱۳۸۸ هجری شمسی نافذ ساخت. در این قانون که دارای هفت فصل و چهل ماده است، دو ماده آن به آب‌های فرامرزی پرداخته است. در ماده دوم چنین حکم می‌دارد: «آب ملکیت عامه بوده و دولت مسئول حفاظت و اداره آن می‌باشد.» همچنین در بند یک ماده هشتم چنین آمده است: «تمام آب‌های کشور ملکیت مردم افغانستان بوده و دولت مکلف به حفاظت، کنترل، اداره و استفاده مؤثر از آنها در مطابقت به قانون می‌باشد.» بند ۹ ماده هشتم چنین اشعار می‌دارد: تنظیم و پلانگذاری آب‌های مرزی مشترک میان افغانستان و کشورهای همسایه و تغییر جهت آن به توافق وزارت‌های امور خارجه، امور داخله و امور سرحدات از وظایف وزارت انرژی و آب می‌باشد. (۱۰) در سند «چارچوب کلی پالیسی آب‌های فرامرزی سال ۱۳۹۵» نیز آمده است که: «افغانستان به قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی آب‌های فرامرزی احترام می‌گذارد و تنها در مورد تعیین حق‌آبه و استفاده از آب دریای هلمند با کشور ایران معاهده دارد. همچنان جهت تأمین حقوق آب خویش در حوزه پنج - آمو، معاهده ۱۹۵۸ و سایر معاهدات نافذ بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سابق را اساس قرار می‌دهد.» (۱۱)

چنانکه ملاحظه می‌شود افغانستان هم، مانند اکثر کشورهای آسیای مرکزی در قوانین خود آب را موضوعی ملی دانسته و از اینرو صلاحیت تام در نوع مدیریت و مصرف آن را به خود محفوظ می‌دارد و فقط در مورد حوزه آمو است که در اسناد قانونی افغانستان معاهدات و توافق‌نامه‌ها با اتحاد شوروی اساس قرار گرفته است. اما معاهده ۱۹۵۸ چه می‌گوید و سایر معاهدات میان دو کشور حاکی از چه مواردی است؟ مشخصاً بین اتحاد شوروی سابق و دولت افغانستان در خصوص تعیین رژیم حقوقی حوزه پنج - آمو، از سال ۱۹۴۶ میلادی موافقت‌نامه‌ها و معاهداتی منعقد شد. این معاهدات با پذیرش خط منصف آمودریا به عنوان مرز دو کشور، استفاده هر دو کشور را از آب آمو به رسمیت شناخت.

اولین موافقت‌نامه میان دو دولت در سال ۱۹۴۶ میلادی امضاء شد. این موافقت‌نامه پنج ماده‌ای بیشتر روی تعیین مرز و مالکیت جزایر متمرکز شده و در ضمن کار مرزبندی را به کمیسیون واگذار کرده بود. (۱۲) پس از موافقت‌نامه مزبور، در سال ۱۹۵۸ معاهده‌ای نیز میان دو طرف امضا شد. این معاهده را می‌توان

مهم‌ترین سندی دانست که میان افغانستان و اتحاد شوروی، در خصوص تعیین رژیم حقوقی حوزه آمودریا منعقد شده است. در این معاهده ۵۱ ماده‌ای، ۴ ماده آن به موضوع تعیین رژیم حقوقی آب حوزه پنج - آمو اختصاص دارد. این معاهده به صورت مفصل به چگونگی بهره‌برداری از دریای آمو میان دو طرف پرداخته است. (۱۳) با آنهم هیچ اشاره‌ای در زمینه میزان حق آبه دو طرف نکرده است. موافقت‌نامه دیگری نیز در سال ۱۹۶۲، اتحاد شوروی متعهد به همکاری‌های تخریکی در زمینه توسعه زیربناها و تأسیسات آبی شد. (۱۴) در سال ۱۹۶۵ نیز موافقت‌نامه دیگری به منظور تشریک مساعی بیشتر میان دو طرف برای بهره‌برداری از منابع آمو میان دو دولت امضا شد. (۱۵)

با وجود معاهدات و موافقت‌نامه‌های مزبور، آنچه میان افغانستان و اتحاد شوروی مشخص نشد و تا امروز نامشخص باقی مانده است، تعیین مقدار حق آبه افغانستان از حوزه دریایی پنج - آمو می‌باشد. هرچند در زمینه دولت افغانستان در سال ۱۹۷۷ خواهان تعیین سهم خود به مقدار ۹ کیلومتر مکعب در سال از آب حوزه آمو شد، اما در مقابل اتحاد شوروی صرفاً حاضر به واگذاری ۶ کیلومتر متر مکعب در سال به افغانستان شد که مورد قبول هیئت افغانی قرار نگرفته و مذاکرات بدون نتیجه پایان یافت. (۱۶)

در کنار این وضعیت تاحدودی مبهم حق آبه که از دهه ۱۹۷۰ به این سو باقی مانده، آنچه بیشتر به عمق معضله می‌افزاید، قرار گرفتن سه کشور به جای یک کشور از دهه ۱۹۹۲ میلادی به این سو در همسایگی افغانستان است. طبیعتاً در چنین حالتی بایست افغانستان مشکل تعیین رژیم حقوقی و تقسیم حق آبه را با سه کشور انجام دهد (هرچند توسط دولت افغانستان موافقت‌نامه‌های قبلی هنوز مرعی‌الاجرا دانسته شده) که متأسفانه در طی تقریباً ۳۰ سال گذشته هیچ اقدامی میان افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی صورت نگرفته است. در حال حاضر تنها میان افغانستان و جمهوری تاجکستان تعامل همکاری جویانه در خصوص آب پنج یا بخش علیای آمودریا تحت حمایت «کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا» و دو کشور روسیه

## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

و فنلاند وجود دارد. این همکاری در زمینه‌هایی چون تبادل اطلاعات در مورد وضعیت منابع آب و محیط زیست میان دو کشور و ایجاد زمینه‌های همکاری میان دو طرف برای استفاده بهینه از آب موجود می‌باشد. (۱۷)

برعکس حوزه پنج - آمو، در حوزه هریرود - مرغاب، وضعیت به مراتب پیچیده‌تر است. در این حوزه افغانستان نه با ترکمنستان و نه با ایران در هیچ زمانی معاهده و یا قراردادی ندارد. صرفاً در زمان اتحاد شوروی نامه‌های در خصوص استفاده و بندسازی در حوزه مرغاب میان مقامات دو دولت رد و بدل شده است اما این نامه‌ها عقد قرارداد و یا موافقت‌نامه‌ای را در قبال نداشتند. (۱۸) در خصوص این حوزه دولت افغانستان با دو شریک خود (ترکمنستان و ایران) می‌بایست از اساس وارد مذاکره برای تعیین رژیم حقوقی و حق‌آبه این حوزه شود. از گذشته‌ها بدینسو هم افغانستان و هم دو کشور شریک دیگر در آبراه بین‌المللی هریرود - مرغاب طرح‌هایی را برای استفاده از آب این حوزه عملی کرده و حتی در حال حاضر روی دست دارند؛ که طبیعتاً بدون تعیین رژیم حقوقی و توافقات قانونی و هماهنگی میان طرف‌های ذی‌دخل، به موضوعی درد سرساز تبدیل خواهد شد.

## ب- عدم حضور افغانستان در کنوانسیون‌ها، کمیسیون‌ها و سازمان‌های منطقه‌یی معطوف به آب در آسیای مرکزی

با اینکه افغانستان یکی از سهم‌داران برجسته یا به عبارتی واضح‌تر، دومین کشور تأمین‌کننده آب حوزه آمو و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده آب‌های مرغاب و هریرود می‌باشد، در تمام توافقت‌نامه‌ها، کمیسیون‌ها و کنوانسیون‌های منطقه‌یی در خصوص آب حوزه آرال غایب می‌باشد. این موضوع می‌تواند تبعات منفی داشته باشد. اول اینکه عدم حضور افغانستان در ترتیبات منطقه‌یی در خصوص آب حوزه آرال به معنای نادیده گرفتن رسمی سهم افغانستان در آب‌هایی است که به صورت طبیعی سرچشمه بخش مهمی از آن است. ثانیاً؛ عدم حضور افغانستان در ترتیبات منطقه‌یی مزبور، نشان‌دهنده نقص بسیار کلان در تمام آنها می‌باشد؛ زیرا در صورت عدم حضور یکی از شرکاء و طرف‌های ذی‌دخل در اصل قضیه، هر فیصله‌ای که در غیاب آن صادر می‌شود، فاقد رسمیت و پذیرش حقوقی می‌باشد. و ثالثاً؛ افغانستان

می‌تواند بدون رعایت مقررات موجود، اقدامات یک‌جانبه در رابطه به مدیریت آب‌های مربوط به خود چه در حوزه‌های فرعی جاری در داخل افغانستان و چه در بخش‌های اصلی اتخاذ نماید.

### ج- تضاد برنامه‌های توسعه‌ی در افغانستان با سایر کشورهای شریک در آبراه‌های پنج - آمو و هریرود - مرغاب

چنانکه در مباحث پیشین هم اشاره شد، کشورهای آسیای مرکزی هر کدام به صورت جداگانه اقدام به توسعه استفاده از آب رودخانه‌ها کردند که خود به بحرانی شدن بیشتر وضعیت آب در منطقه انجامید. با این حال دو کشور ازبکستان و ترکمنستان به توافقاتی در زمینه تقسیم آب آمو رسیده‌اند که مطابق به یکی از آن توافق‌نامه‌ها، آب آمو بین آنها به صورت مساویانه تقسیم شده است. افغانستان علی‌رغم اینکه هنوز هم در وضعیت دشوار سیاسی و امنیتی قرار دارد که فرصت سرمایه‌گذاری‌های بزرگ را در این کشور از بین برده، اما از سال ۱۳۸۵ به این سو دولت افغانستان با در نظر داشت قوانین تصویب شده جدید و مطابق به استراتژی‌های توسعه‌ای، طرح‌های زیادی را برای بهره‌برداری از آب پنج - آمو و هریرود - مرغاب روی دست گرفت که متأسفانه بخش زیادی از آنها تا هنوز هم عملی نشده است؛ اما در صورت بهره‌برداری افغانستان از حق‌آبه‌های خود در این دو حوزه دریایی، وضعیت موجود آب در کشورهای پایین دست به شدت کاهش یافته و منجر به بروز اخلاص برنامه‌های توسعه‌ای و حتی مصرف فعلی در آنها خواهد شد.\*

نکته قابل ذکر در خصوص طرح‌های اقتصادی کشورهای شریک در حوزه‌های دریایی مشترک با افغانستان این است که کشورهای شریک هیچ اطلاع قبلی به دولت افغانستان در خصوص عملی ساختن برنامه‌های خود نداده‌اند.\* هرچند معطوف به اسناد بین‌المللی حقوقی استفاده قبلی می‌تواند تاحدودی توجیه‌گر استفاده فعلی آب توسط کشور یا کشورهای دیگر شریک در آب باشد، اما این توجیه زمانی می‌تواند محرز باشد که استفاده قبلی سابقه تاریخی

\* به عنوان نمونه اقدامات افغانستان در حوزه دریایی هریرود بارها اعتراض کشور ایران را در پی داشته است.

\*، یکی از موارد جدید، ساختن سدی به نام دوستی بر روی هریرود (تجن) مشترکاً توسط ایران و ترکمنستان است که هیچ اطلاعی به افغانستان توسط این دو کشور داده نشده است.

## وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

زیادی داشته باشد با این قید که آن استفاده هم منصفانه باشد و هم بدون وارد کردن آسیب جدی. در حالیکه افغانستان هیچ اطلاع قبلی از کشورهای شریک دریافت نکرده و حتی در مواردی سه کشور ازبکستان، ترکمنستان و ایران بدون رعایت حق آبه کشور افغانستان به صورت دل‌بخواهی و حتی غیر منصفانه آب‌های مشترک را مصرف می‌کنند.

### د- کاهش آب رودخانه‌ها

کاهش آب رودخانه‌ها را که در گذشته هم مورد بحث قرار دادیم، یک پیش‌آمد جهانی است که تهدید همگانی محسوب می‌شود. براساس آمارهای جهانی آب شیرین و قابل استفاده به خصوص آب‌های جاری رو به کاهش است. چنانکه تنها در حوزه آمو منابع اولیه و سرچشمه‌های این رودخانه تا چهل درصد کاهش را نشان می‌دهد. این وضعیت که به خودی خود یک تهدید همگانی حساب می‌شود، در حوزه دریاچه آرال ضمن مصرف بی‌رویه و غیر منصفانه آب؛ برای منابع تأمین‌کننده آن خطرات جدی را به بار آورده است. به موازات کاهش آب‌های جاری رودخانه‌ها طبیعتاً دولت‌ها برنامه‌های بیشتری برای بهره‌کشی از آب باقی مانده روی دست می‌گیرند. این موضوع که میان کشورهای آسیای مرکزی در آینده می‌تواند به یک معضل تبدیل شود، اگر افغانستان هم به این معرکه وارد شود، قضیه جدی‌تر از گذشته بغرنج خواهد شد. به عبارتی واضح‌تر، درحالی که افغانستان از آب‌های جاری حوزه‌های مشترک خود با کشورهای آسیای مرکزی و ایران استفاده نمی‌کند، وضع وخیمی حاکم است، اما در صورت استفاده افغانستان از سهم خود، به میزان زیادی از آب‌های موجود کاسته خواهد و اگر کاهش طبیعی آب‌ها را نیز به آن علاوه کنیم، چشم‌انداز بسیار ناخوشایندی در روابط و تعامل افغانستان با کشورهای شریک در حوزه‌های دریایی دیده می‌شود.

آنچه واضح است، آسیای مرکزی یکی از مناطق کم آب جهان می باشد. وابستگی شدید این منطقه به آب های جاری محدود به تنهایی یکی از مسائل نگران کننده حساب می شود. مضافاً، سیستم مدیریتی که در زمان اتحاد شوروی تطبیق شد، ضمن به جاگذاری میراث ناگوار تخریب محیط زیست به عاملی درد سرساز برای کشورهای مستقل آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد، تبدیل شد. پس از استقلال نیز انبوهی از مسائل به معضله ساز شدن آب در این منطقه بیشتر کمک کرد. با این وجود آنچه توانسته در نزدیک به سه دهه گذشته به نحوی جلوگیری بروز بحران در این منطقه باشد، توافقات زیادی است که هم در سطح منطقه‌یی و هم به صورت دوجانبه در پرتو حقوق بین الملل موجود و در مواردی به کمک بازیگران بیرونی، منعقد شده است. در ضمن، به عنوان دو عامل دیگر، وجود وابستگی شدید به هم دیگر و تغییر رهبری ها در منطقه هم توانسته به نحوی روحیه همکاری میان کشورهای این منطقه را بیشتر سازد. بنابراین، در روشنایی این توافقات و عوامل تا حدودی می تواند آینده خوش بینانه تری را در خصوص وضعیت آب در منطقه آسیای مرکزی در انتظار بود.

نتیجه کلی دیگری که می توان از مباحث این رساله دریافت کرد، در زمینه ارتباط افغانستان با آب های جاری در آسیای مرکزی است. چنانکه روشن است، افغانستان تأمین کننده بخش عمده ای از حوزه آبی آرال را به دوش دارد، اما استفاده بسیار ناچیزی از آب این حوزه می کند. گذشته از اینکه به دلایل داخلی در حال حاضر افغانستان مصرف چندانی از آب های موجود نمی کند، این کشور به عنوان یک طرف مهم که بخش عمده ای از آب حوزه دریاچه آرال را تأمین می کند، در هیچ یک از معاهدات، کنوانسیون ها و سازمان های موجود در زمینه آب حوزه دریاچه آرال حضور ندارد. هرچند در زمینه آمودریا یک سری توافقات کلی میان افغانستان و اتحاد شوروی انجام شده بود؛ اما لازم است تا افغانستان به عنوان عضوی از حوزه دریاچه آرال در ترتیبات معطوف به این حوزه آبی حضور داشته باشد. در ضمن از آنجای که افغانستان در دهه ۱۹۷۰ م. خواهان تعیین مقدار



وضعیت آب در آسیای مرکزی و ارتباط آن با افغانستان

حق‌آبه خود با اتحاد شوروی بود، در حال حاضر نیز ضروری است که چنین درخواستی با کشورهای ذیدخل مطرح شود. چنانکه در مباحث این جستار توضیح داده شد، در صورت تداوم وضعیت موجود که عدم توجه کشورهای منطقه به سهم افغانستان در آب‌های فرامرزی را نشان می‌دهد، چشم‌انداز معطوف به آینده تعامل افغانستان با کشورهای شریک در حوزه‌های آبی شمال و شمال غربی، به شدت معارضت‌آمیز خواهد بود. از اینرو، لازم است تا افغانستان با طراحی و اجرایی کردن طرح‌های کلان آبی، کشورهای شریک در حوزه‌های آبی پنج - آمو و هریرود - مرغاب را وا دارد که تا آنها وارد گفتگو و مذاکره برای تعیین رژیم حقوقی و استفاده از آب‌های این دو حوزه دریایی با افغانستان شوند. چه اینکه افغانستان در زمینه مدیریت آب‌ها اقدامات اولیه‌ای انجام داده است. هرچند طرح‌ها و برنامه‌های افغانستان در خصوص بهره‌برداری از آب دو حوزه دریایی مزبور تا هنوز مشکل خاصی را رقم نزده، اما در صورت عملی شدن طرح‌های کلان‌تر در این دو حوزه آبی، طبیعتاً شرایط موجود باقی‌مانده و اعتراض کشورهای شریک بلند خواهد. آنجاست که افغانستان می‌تواند ابتکار عمل را به دست گرفته با تعیین رژیم حقوقی، میزان حق‌آبه خود و دیگران را مشخص سازد.

## پیشنهادات

از آنجاییکه کشورهای آسیای مرکزی در زمینه آب‌های مشترک در یک بستر تاریخی در تعامل هستند و تا حدودی با وضعیت موجود کنار آمده و حتی تمهیداتی نیز سنجیده اند، پیشنهادات ذیل صرفاً متوجه دولت افغانستان می‌باشد:

1. دولت افغانستان به عنوان کشوری بالادست در حوزه‌های آبی، باید حق آبه خود را با توجه به نیازهای مصرف داخلی از حوزه‌های آبی خود که جنبه بین‌المللی دارد را محرز کند.
2. دولت افغانستان در روشنایی قوانین و مقررات بین‌المللی و الزامات مصرفی خود، طرح‌های مدیریت آبی در دو حوزه دریایی مشترک را از طریق کمیسیون‌های باصلاحیت با کشورهای همسایه در میان بگذارد.
3. دولت افغانستان با هر چهار کشور همسایه (تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان و ایران) در دو حوزه آبی، وارد گفتگو شده و در زمینه شفاف‌سازی استفاده و تعیین حق آبه، معاهدات و قراردادهای دوجانبه منعقد کند.
4. دولت افغانستان درخواست بازنگری معاهدات چندجانبه موجود در سطح منطقه‌یی را مطرح نماید که در خصوص آب‌های مشترک با افغانستان بدون حضور و موضع این کشور میان دولت‌های آسیای مرکزی منعقد شده است.
5. تعیین مجدد رژیم حقوقی آمودریا با توجه به وضعیت موجود آب با کشورهای آسیای مرکزی، توسط دستگاه دیپلوماسی افغانستان در دستور کار دولت قرار بگیرد.
6. تعیین رژیم حقوقی و میزان حق آبه کشورهای مشترک در حوزه دریایی هریرود باید در دستور کار دولت افغانستان قرار گیرد.
7. لازم است تا قبل از اینکه آب تبدیل به موضوعی امنیتی میان افغانستان و کشورهای همسایه شود، در قالب اقداماتی پیشگیرانه دولت افغانستان با استفاده از امکانات حقوقی و سیاسی وارد تعامل با تمام همسایگان خود شود.
8. هر چند سمینارها و کنفرانس‌هایی در زمینه آب‌های فرامرزی برگزار شده، اما برای روشن شدن هر چه بیشتر جنبه‌های گوناگون موضوع آب‌های فرامرزی، ضرورت برگزاری یک سمینار بین‌المللی کلان با محوریت آب‌های فرامرزی افغانستان احساس می‌شود که در این راستا اکادمی علوم افغانستان می‌تواند ابتکار عمل را به‌دست گیرد.

- 1: Dursun Yildiz, "Afghanistan's Transboundary Rivers and regional Security", [May 2017], available at: [www.researchgate.net/publication/321297554](http://www.researchgate.net/publication/321297554) [accessed January 12, 2019].
- ۲: حسینی، سید علی، هریرود (مروری بر حوزه آبریز)، انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان: کابل، ۱۳۹۷، ص ۹.
- ۳: همان، ص ۱۰.
- 4: Murghab River, available at: [www.cawater-info.net/afghanistan/data/murghab\\_e.htm](http://www.cawater-info.net/afghanistan/data/murghab_e.htm) [accessed February 6, 2020].
- 5:.....? Central Asia Water: Social, economic, environmental and governance puzzle. Helsinki University of Technology. Available at: [www.amudaryabasin.net](http://www.amudaryabasin.net) [accessed January 5, 2020].
- 6: Dursun Yildiz, Afghanistan's Transboundary Rivers and regional Security, [May 2017], available at: [www.researchgate.net/publication/321297554](http://www.researchgate.net/publication/321297554) [accessed January 12, 2020].
- 7: Murghab River, available at: [www.cawater-info.net/afghanistan/data/murghab\\_e.htm](http://www.cawater-info.net/afghanistan/data/murghab_e.htm) [accessed February 6, 2020]
- ۸: مروری بر حوزه دریایی آمو، سایت پورتال آب‌های افغانستان. قابل دسترس در: <https://afghanwaters.net/fa/> [مراجعه ۱۲، ۱۸، ۱۳۹۸]
- ۹: افغانستان، قانون اساسی، ناشر کمیسیون نظارت به قانون اساسی، محل: کابل، ۱۳۸۲ افغانستان، ماده نهم.
- ۱۰: افغانستان، قانون آب، جریده رسمی شماره (۹۸۰) مورخ ۶ ثور ۱۳۸۸.
- ۱۱: چارچوب کلی پالیسی آب‌های فرامرزی، بخش تعاریفات شماره ۶، ص ۲.
- 12: Frontier Agreement (with protocol and exchange of notes). Signed at Moscow, on 13 June 1946.

13: Treaty (with annexes and Protocols) concerning the regime of the Soviet-Afghan state frontier. Signed at Moscow, on 18 January 1958.

14: International water issue, FAO, available at:

[http://www.fao.org/nr/water/aquastat/countries\\_regions/Profile\\_segments/AFG-IntIss\\_fra.stm](http://www.fao.org/nr/water/aquastat/countries_regions/Profile_segments/AFG-IntIss_fra.stm) .[accessed March 10, 2020]

۱۵: موافقت‌نامه بین حکومت پادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع به مطالعه استفاده مشترک و متنوع‌المرام از آب و انرژی دریای پنج و دریای آمو در طول سرحد مشترک افغانستان و اتحاد شوروی، جریده رسمی، شماره ۲۲، ۲۹ حوت ۱۳۴۳ هجری شمسی.

16: Dursun Yıldız, Afghanistan's Transboundary Rivers and Regional Security, [http://yadda.icm.edu.pl/yadda/element/bwmeta1.element.psjd-6b7fc256-4870-4e5b-b542-eab20e88cc00/c/WSN\\_16\\_2015\\_40-2.pdf](http://yadda.icm.edu.pl/yadda/element/bwmeta1.element.psjd-6b7fc256-4870-4e5b-b542-eab20e88cc00/c/WSN_16_2015_40-2.pdf) [accessed March 10, 2020].

17: UNECE, projects in Central Asia. Available at: [www.unece.org/water/centralasia.html](http://www.unece.org/water/centralasia.html) [accessed March 12, 2020]

18: Masood Ahmad Mahwash Wasiq, Water Resource Development in Northern Afghanistan and Its Implications for Amu Darya Basin, The World Bank, printed on recycled paper, 2004, p 37.

څېړندوی جلال الدین نجیم

## د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان جیوپولیتیک ارزښت

### **Afghanistan's Geopolitic Value in India - Uzbekistan Relations**

Researcher Jalaluddin Najeem

#### **Abstract**

The relations between India and Uzbekistan began in year 1987, with inauguration of India consulate in Tashkand. Since 1987 both countries have signed many treaties, agreements and memorandum with each other, which played significant role in the development of their relations.

Currently day by day, India's economy is growing very fast, so this country needs energy and is interested to import it from Central Asia, particularly from Uzbekistan. In order to access to this energy, India has two options: the first one is through Afghanistan and Chabahar port and the second is Air Corridors. As air corridors are more expansive comparing to the first option, therefore; India has use Afghanistan's territory in this regard because it is cost saving alternative. Afghanistan play an important role in strengthening relations between these nations and its geopolitical value raised as India-Uzbekistan relations move toward development.

## لنډیز

د هند او ازبکستان د اړیکو پیل هغه مهال ته ورگرځي، کله چې هند پر ۱۹۸۷ ز. کال په تاشکند کې خپله قونسلګري پرانېسته. له همدې کال راهیسې د دواړو هېوادونو ترمنځ په بېلابېلو برخو کې د همکارۍ ګڼ تړونونه، هوکړه لیکونه او یادښتونه لاسلیک شوي، چې د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو پر پیاوړتیا یې ژورې اغېزې کړې دي.

اوسمهال د هند اقتصادي وده ورځ تر بلې د پراختیا په حال کې ده، دغه هېواد انرژۍ ته ډېره اړتیا لري او غواړي د مرکزي اسیا له هېوادونو په ځانګړې توګه له ازبکستان څخه یې ترلاسه کړي. د دې لپاره چې هند له یادو هېوادونو انرژي په اسانه ترلاسه کړي، دوه لارې په مخ کې لري: لومړی د چاپهار بندر له لارې افغانستان او بل هم هوايي دهلیزونه دي. دا چې هوايي دهلیزونه د ځمکنیو هغو پرتله ګران تمامیږي، نو هند اړ دی چې په دې برخه کې د افغانستان له خاورې ګټه واخلي. په هره کچه چې د هند او ازبکستان اړیکې پراختیا پیدا کوي په هماغه کچه ورته د افغانستان جیوپولیتیک\* ارزښت زیاتېږي، افغانستان کولای شي د هند او مرکزي اسیا هېوادونو ترمنځ د اړیکو پراختیا کې مهم رول ترسره کړي.

## سریزه

دولتونه نشي کولای په یواځې ځان خپلې ټولې اړتیاوې پوره کړي، نو له همدې امله اړ دي، د نړۍ له نورو دولتونو سره خپلې اړیکې ټینګې کړي او له یو بل سره د

\* د جیوپولیتیک عبارت له دوه کلمو (جیو او پولیتیک) څخه جوړ شوی، چې جیو یې د ځمکې او پولیتیک یې د سیاست په معنی دی. د نړیوالو اړیکو پوهانو ورته بېلابېل تعریفونه کړي، چې غوره یې دا دی: جیوپولیتیک د دولتونو پر کړنو د جغرافیایي لاملونو د اغېزو څېړل دي، په دې معنی چې یو دولت چېرته پروت دی، څه ډول اقلیم، طبیعي زېرمې او نفوس لري، چې له له امله یې په نړیواله کچه، همدې موضوعاتو ته په کتنو اهمیت پیدا کوي.

د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

همکارۍ له لارې دغه اړتیاوي پوره کړي. هند او ازبکستان په سیمه کې هغه هېوادونه دي، چې له ۱۹۹۲ ز. کال راهیسې له یو بل سره رسمي اړیکې لري.

له کله نه چې د دوی ترمنځ اړیکې پیل شوي، بېلابېلو چارواکو یې د یو او بل هېوادونو ته سفرونو کړي او د خپلو اړیکو د پیاوړتیا لپاره یې ګامونه پورته کړي دي. هند او ازبکستان د ۱۹۹۲ ز. کال په ترڅ کې د دېپلوماتیکو اړیکو د پیلولو تړون لاسلیک کړ او په هماغه کال په تاشکند کې د هند قونسلګري د سفارت کچې ته لوړه شوه. که څه هم له همدغه کال راهیسې د دوی اړیکې دوستانه پاتې شوي دي، خو په ازبکستان کې د شوکت میرضیايوف په مشرۍ د نوي حکومت په راتګ سره دا اړیکې نورې هم پراخې شوې او لا پر مخ روانې دي.

افغانستان چې په سیمه کې له ځانګړي جغرافيو موقیعت څخه برخمن دی، د دغو هېوادونو په نښلولو کې پوره مرسته او د دوی ترمنځ د پله په توګه کار ورکولای شي. په دې برخه کې مهمه خبره دا ده چې هند او ازبکستان هم د افغانستان له لارې سوداګرۍ ته لېوالتیا لري، چې د ازبکستان له لوري د حیرتان - مزارشريف د وسپنې پټلۍ او د هند له لوري پر چابهار بندر پانګونه یې ژوندۍ بېلګې دي. دا چې د هند او ازبکستان اړیکې په دې ورستیو کلونو کې له کومو لوړو ژورو تېرې شوي او دا مهال څرنگه پرمخ روانې دي او د افغانستان جیوپولیتیک موقیعت د دوی په اړیکو کې کوم ډول اغېز لری دی هغه پوښتنې دي، چې په دې لیکنه کې یې د ځواب ویلو هڅه شوې ده.

## د څېړنې مبرمیت

هند هغه هېواد دی چې له افغانستان سره ستراتیژیکې اړیکې لري له بل لوري ازبکستان د افغانستان ګاونډی دی، دا دواړه هېوادونه په خپلو کې ښې اړیکې لري، چې د دوی د اړیکو په پراختیا کې د افغانستان جیوپولیتیک موقیعت ځانګړی ارزښت

لرلای دی، نو د دغو هېوادونو د اړیکو خپرل او په هغې کې د افغانستان جیوپولیتیک روښانه کول له مهمو موضوعاتو څخه دي، چې باید په اړه یې خپرنه ترسره شي.

### د خپرني موخه

د دې خپرني موخه د هند او ازبکستان د اړیکو خپرل او په هغې کې د افغانستان د جیوپولیتیک موقعیت ارزښت روښانه کول دي.

### د خپرني فرضیه

داسې ښکاري چې د هند او ازبکستان اړیکې د یو او بل د متقابلو (دوه اړخیزو) اړتیاوو د پوره کولو له امله ښې پاتې شوي، له جیوپولیتیکي پلوه د دوی په اړیکو کې افغانستان غوره ارزښت ترلاسه کړی دی او داسې ښکاري چې په راتلونکي کې به نور هم ډېر شي.

### د خپرني مېتود

د دې خپرني مېتود توصیفي - تحلیلي دی.

### هند او مرکزي اسيا

هند په جنوبي اسيا کې له اقتصادي، پوځي، کلتوري او سیاسي پلوه لومړنی، د اقتصادي ودې له پلوه په نړۍ کې څلورم، د صنعتي تولیداتو له پلوه یوولسم او د کارپوهې او تحصيلي انساني ځواکمنتیا له پلوه په نړۍ کې درېیم پیاوړی هېواد دی. دا هېواد په کلني توګه اووه سلنه اقتصادي وده لري او کلني عاید یې دوه تریلیونه امریکایي ډالره دی، داسې وړاندوینه کېږي چې دا هېواد به په ۲۰۳۰ز. کال کې د پانګونې د ودې له امله د ناخالص تولید کچه ۱۰ تریلیون ډالرو ته پورته کړي او له چین وروسته به د نړۍ درېیم اقتصادي ځواک شي.<sup>۱</sup>

مرکزي اسيا د هغو سیمو له ډلې څخه ده، چې د هند په بهرني سیاست کې د لرې ګاونډي په توګه د پاملرنې وړ ده، د دې سیمې له هېوادونو سره د هند اړیکو له



۱۹۹۰ ز. کال راهیسې نوی رنگ خپل کړی او د همکارۍ یوه نوي پړاو ته ننوتلې دي، چې نن په لوړه کچه روانې دي، هند په سیمه کې د لا ځواکمنتیا لپاره په مرکزي اسیا کې لاندې درې موخې تعقیبوي:

**۱- د اقتصادي موخو لپاره د مرکزي اسیا د انرژۍ زېرمو ته خوندي لاسرسی:** مرکزي اسیا د هند لپاره د جیواکونوميک، جیوپولیتیک او جیوستراتیژیک ځای له پلوه ډېره مهمه ده. مرکزي اسیا په سیمه کې د یوې څلورلارې په توګه پرتله ده او د نړۍ ۱۳ ديارلس سلنه طبيعي سرچینې لري، چې له دې ډلې ازبکستان د یورانیمو د درلودلو له امله د نړۍ په کچه درېیم هېواد دی، تاجکستان او قرغیزستان د برېښنايي انرژۍ پراخې زېرمې لري. ترکمنستان په مرکزي اسیا کې هغه هېواد دی چې په کلنۍ توګه ۳۶۰ زره متره مکعب ګاز تولیدوي.<sup>۲</sup>

له بلې خوا د هند کلنۍ اقتصادي ودې ته په کتو سره دا هېواد په نړۍ کې د انرژۍ د لګښت له امله په څلورم کتار کې راځي، له دې سره سره د مرکزي اسیا له طبیعي سرچینو څخه د هند سوله ییزه ګټه اخیستنه د دې هېواد د پوځي او هستوي ځواک د پیاوړتیا لامل ګرځي، چې په دې برخه کې له چین او پاکستان سره سیالي کولای شي او له هغوی سره نظامي او امنیتي موازنه را منځ ته کولی شي.

اوسمهال هند له چین، روسیې او د مرکزي اسیا له هېوادونو سره په کال کې د ۱۰۰ میلیارده ډالرو په ارزښت سوداګري لري، چې له دې ډلې یې ۹۰ میلیارده له چین، ۸ میلیارده له روسیې، یو میلیارد له قزاقستان او یو میلیارد له ازبکستان، تاجکستان او ترکمنستان سره ده. همدا راز شمېرې ښيي چې د دې لپاره چې هند د مرکزي اسیا د هېوادونو له طبیعي سرچینو څخه ډېره ګټه واخلي، نو د سوداګرۍ دا کچه به په راتلونکو کلونو کې نوره هم پورته ولاړه شي.<sup>۳</sup>

**۲- په ملي امنیت پورې د اړوندو ستونزو له منځه وړل:** هند په مرکزي اسیا کې د سخت دریځۍ وده، د نشه یي توکو لېږد او د وسلو ډېروالی د خپل ملي امنیت پر وړاندې ګواښ بولي او په دې اړه اندېښنې لري، دا هېواد په دې باور دی چې په

مرکزي اسيا کې د ترهگرو ډلو وده په ځانگړې توگه هغه ډلې چې د هند په شمال لوېديځ او د کشمير په سيمو کې فعاليت او نفوذ لري، د دې هېواد د سيمه یيزو گټو او ملي امنيت پر وړاندې ستره ستونزه ده، نو له همدې امله يې د مرکزي اسيا له هېوادونو سره له وړاندې امنيتي همکارۍ ډېرې کړي دي.

د بېلگې په توگه هند له امريکا او روسيې وروسته درېيم هېواد دی، چې له خپل قلمرو څخه يې د باندې په ۱۹۹۶ ز. کال کې په تاجکستان کې د فرخور (Farkhor) په نوم يوه پوځي هډه جوړه کړې ده، دغه راز يې له تاجکستان او قزاقستان سره گډې امنيتي کاري ډلې جوړې کړي، په ۲۰۱۱ ز. کال کې يې له قرغيزستان سره د نظامي زده کړو او د ياد هېواد د پوځيانو د روزولو لپاره د يوه گډ پوځي څېړنيز مرکز د طرحې پر جوړولو کار پيل کړی و او هغه يې بشپړه کړې ده.<sup>۴</sup>

همدارنگه هند له ازبکستان سره هم په پوځي برخو کې همکارۍ پيل کړي، چې تر ډېره د دواړو هېوادونو د فوځيانو ترمنځ گډ تمرينات او د ازبکستان فوځيانو ته پوځي زده کړې پکې راځي.<sup>۵</sup> پورته لاملونه ته په کتو سره ويلی شو، چې سره له دې چې هند د مرکزي اسيا له هېوادونو سره خپلې اړيکې پراخوي ترڅنگ يې د خپل ملي امنيت د خوندي کولو لپاره هم په هونښارتيا سره گامونه اخلي.

**۳- سيمه یيزې موخې:** هند له چين او پاکستان سره له پخوا راهيسې ستراتيژيکه دښمني لري، نو په مرکزي اسيا کې د مخکيتوب لپاره له دې دواړو هېوادونو سره سيالي کوي او غواړي چې ځان تر دوی ډېر په دې سيمه کې ښکېل کړي.

### د هند او ازبکستان د اړيکو څرنگوالی

د هند او ازبکستان اړيکې له تاريخي پلوه پخوانۍ او ژورې دي، هغه مهال چې ازبکستان د شوروي اتحاد يو جمهوريت و، له هند سره يې ښې اړيکې درلودې. هندي مشرانو به ځينې وختونه تاشکند ته سفرونه کول او له ازبک مشرانو سره به يې ليدنې کولې.

په ۱۹۶۵ ز. کال کې د هند او پاکستان ترمنځ د کشمير د مالکيت پر سر جگړه وشوه او د دوی اړيکې ډېرې ترينگلې شوې، شوروي اتحاد هغه هېواد و چې ترمنځ

د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

یې منځګړی شو او د دوی ترمنځ یې د یوې اعلامیې لاسلیک کولو ته اسانتیاوې رامنځته کړې، هماغه و چې په ۱۹۶۶ ز. کال کې د هند لومړی وزیر لعل بهادر شاستري تاشکند ته په سفر ولاړ او هلته یې د یاد اتحاد په منځګړتوب د پاکستان له ولسمشر جنرال ایوب خان سره د تاشکند اعلامیه لاسلیک کړه، د یادولو ده چې د دې اعلامیې له لاسلیک کېدو یوه ورځ وروسته شاستري په همدې ښار کې د ناروغۍ له امله مړ شو.<sup>۶</sup>

د هند او ازبکستان اړیکې له پخوا څخه د دوه اړخیزو همکاریو پر مټ تر دا مهاله ښې روانې دي. د ازبکستان خلک هند له ډېرې مودې را پدېخوا د یو ښه هېواد په توګه پېژني او له دغه هېواد سره سیاسي، اقتصادي او کلتوري اړیکې لري، چې تر ډېره د دوستانه پيوندونو په درلودلو سره روانې پاتې شوي دي. دا چې دا اړیکې له ۱۹۹۱ ز. کال څخه را پدېخوا څنګه روانې وې او له کومو لوړو ژورو تېرې شوې دي، په لاندې توګه یې په لنډ ډول تر بحث او څېړنې لاندې نیسو:

### لومړی: سیاسي اړیکې

ازبکستان له شوروي اتحاد څخه د خپلواکۍ تر اخیستلو مخکې هم له هند سره ښې اړیکې درلودې، د بېلګې په توګه د ۱۹۸۷ ز. کال په اپرېل میاشت کې هند په رسمي توګه خپله قونسلګري په تاشکند کې پرانېسته، کله چې د ۱۹۹۱ ز. کال په اګست میاشت کې شوروي اتحاد له منځه لاړ، ازبکستان د هغو هېوادونو له ډلې څخه وو، چې د همدې کال د سپتمبر په لومړۍ نېټه یې خپلواکي اعلان کړه. هند د لومړنیو هېوادونو له ډلې و، چې د ازبکستان حاکمیت یې په رسمیت و پېژانده او رسمي اړیکې یې ورسره پیل کړې، له دغه هېواد سره یې د ۱۹۹۲ ز. کال د مارچ پر ۱۸ مه نېټه په تاشکند کې د دېپلوماتیکو اړیکو د پیلولو پروتوکول لاسلیک کړ. د دې پروتوکول تر لاسلیک کېدو وروسته په تاشکند کې د هند قونسلګري سفارت ته لوړه شوه. له دې وروسته د ازبکستان ولسمشر اسلام کریموف په رسمي سفر هند ته ولاړ او هلته یې د یاد هېواد له چارواکو سره په بېلابېلو موضوعاتو بحثونه وکړل.<sup>۷</sup>

هند ته د ازبکستان د ولسمشر له دې سفر څخه وروسته د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو نوی څپرکی پرانېستل شو او ترمنځ یې د چارواکو سفرونه ډېر شول، په ۱۹۹۳ ز. کال کې د هند لومړی وزیر ناراسیمهارائو او ورپسې په ۲۰۰۶ ز. کال کې د هند بل لومړی وزیر من موهن سنگ په رسمي سفرونو ازبکستان ته ولاړل. په مقابل کې یې د ازبکستان ولسمشر په ۱۹۹۴، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵ او ۲۰۱۱ ز. کلونو کې په جلا جلا سفرونو هند ته ولاړ.

کله چې په ۲۰۱۱ ز. کال کې د ازبکستان ولسمشر اسلام کریموف په رسمي سفر هند ته ولاړ، د یاد هېواد له چارواکو سره یې د هند او ازبکستان ترمنځ د ستراتیژیکو همکاریو تړون لاسلیک کړ،<sup>۸</sup> د دې تړون تر لاسلیک کېدو وروسته د دواړو هېوادونو ترمنځ د سیاسي، اقتصادي، کلتوري او بشردوستانه اړیکو او همکاریو د پراختیا فرصت را منځته او د دواړو هېوادونو اړیکې پیاوړې شوې.

په ۲۰۱۵ او ۲۰۱۶ ز. کلونو کې د هند لومړی وزیر نرېندرا مودي په پرله پسې توګه دوه ځله ازبکستان ته ولاړ، لومړی ځل د دواړو هېوادونو ترمنځ د دوه اړخیزو اړیکو د پیاوړتیا او په دوهم ځل په تاشکند کې د شانګهای د همکاریو سازمان په کلني غونډه کې د ګډون لپاره.

په ۲۰۱۶ ز. کال کې د ازبکستان ولسمشر اسلام کریموف ومړ، له هغه وروسته شوکت میرضیايوف د دغه هېواد ولسمشر شو، نوموړي په خپل بهرني سیاست کې ژور بدلونونه راوستل له ګاونډیانو او د سیمې له هېوادونو سره یې اړیکې پراخې کړې. د اسلام کریموف د واکمنۍ پر مهال که څه هم د هند او ازبکستان اړیکې ښې روانې وې، خو څومره چې تمه وه، پرمختللي نه شوې. اوسمهال هند او ازبکستان پخوانیو اړیکو ته په کتو سره په بېلابېلو برخو کې له یو بل سره ګډو همکاریو ته لېواله دي او په دې اړه یې یو له بل سره کلکې ژمنې هم کړې دي.

د ۲۰۱۷ ز. کال د جولای پر ۹ مه د هند لومړي وزیر نرېندرا مودي په استانه کې د شانګهای د همکاریو سازمان د کلني غونډې په څنډه کې د ازبکستان له ولسمشر شوکت میرضیايوف سره وکتل، په دغه لیدنه کې دواړو مشرانو هوکړه وکړه

## د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

چې خپلې اړیکې به نورې هم پراخوي، د شانگهای د همکاریو سازمان په یاده غونډه کې هند د دغه سازمان دایمي غړیتوب هم تر لاسه کړ او د همدې میاشتې پر ۱۵ مه نېټه یې بیرغ د یاد سازمان ځای (تاشکند) کې پورته شو.<sup>۱</sup> په مقابل کې د هند لومړي وزیر په لومړي سر کې د ازبکستان د ولسمشر په توګه د ټاکل کېدو له امله هغه ته مبارکي ورکړه او بیا یې په دې اړه (په شانگهای سازمان کې د دایمي غړیتوب) د ازبکستان له ملاتړ څخه قدرداني او مننه وکړه او ویې ویل: دا تاریخي پېښه به د هند او ازبکستان په اړیکو کې د همکاریو لا ډېر فرصت برابر کړي، چې له امله به یې د دواړو هېوادونو دوه اړخیزې اړیکې لا غښتلې او په سیمه کې به د امنیت، اقتصاد او پانګونې په برخو کې همکاریو لا ډېرې شي.

دغه راز د هند او ازبکستان د بهرنیو چارو وزارتونو د پلاوو ترمنځ کله کله په منظم ډول ګډې سیاسي غونډې تر سره کېږي، چې په ترڅ کې یې د دواړو هېوادونو د اړیکو د پرمختګ لپاره میکانیزمونه جوړېږي.

د ۲۰۱۷ ز. کال د اګست میاشتې له ۲۰-۲۳ مې نېټې د ازبکستان د بهرنیو چارو د وزیر عبدالعزیز کاملوف په مشرۍ یو لوړپوړی ازبک پلاوی په رسمي سفر هند ته ولاړ، پلاوي هلته له بېلابېلو هندي چارواکو سره کتنې وکړې. د دغه سفر په لړ کې ازبک پلاوي د هند - ازبکستان په ګډه سوداګریزه غونډه کې ګډون وکړ، چې په پای کې یې د هند او ازبکستان ترمنځ د سوداګرۍ خونه هم پرانېستل شوه. د دې غونډې په څنډه کې د ازبک او هندي چارواکو ترمنځ د ۸۰ میلیونو ډالرو په ارزښت ۲۲ صادراتي او د ۷۰ میلیونو ډالرو په ارزښت د پانګونې ۲۰ قراردادونه لاسلیک شول. دغه راز پلاوی په ډیلي کې د هند ملي موزیم ته هم ولاړ او هلته یې د مرکزي اسيا لپاره له ځانګړې شوې ګالری څخه لیدنه وکړه، د دغې لېدنې په څنډه کې د هندي او ازبک پلاوو ترمنځ هوکړه وشوه چې له مخې به یې هندي چارواکي د بابر د دیوان یوه کاپي ازبکستان ته و سپاري.<sup>۱۰</sup>

د ۲۰۱۷ ز. کال په نومبر میاشت کې د ازبکستان په سمرقند ښار کې د (مرکزي اسيا - گډ تاریخ او گډه راتلونکې) تر عنوان لاندې کنفرانس جوړ شو، ازبک چارواکو په دې کنفرانس کې هندیانو ته هم د گډون بلنه ورکړه، چې د هند له لوري پکې د هند د بهرنیو چارو وزیرې سوشما سوراج گډون وکړ، د یادولو ده چې نوموړې د دې کنفرانس په څنډه کې له یو ځینو ازبک چارواکو سره د دوه اړخیزو اړیکو د پراختیا په هکله د پام وړ بحثونه لرل.

د هند او ازبکستان اړیکې دا مهال د یو گډ بین الحکومتي کمیسیون له لوري د ځانگړې مېکانیزم له مخې پر مخ روانې دي چې پر سیاسي اړیکو سربېره په سوداگریزو هغو هم څارنه کوي. یاد کمیسیون تر دا مهاله لس غونډې کړې، چې وروستی هغه یې د ۲۰۱۷ ز. کال د مارچ په میاشت کې په ډیلي کې جوړه شوې وه، د دې غونډې په ترڅ کې د دواړو هېوادونو ترمنځ د سوداگرۍ، پانگونې، روزنې، هوايي لېږد رالېږد، توریزم، ټکنالوژۍ، اړیکو او کرهڼې په برخو کې یو شمېر هوکړه لیکونه، پروتوکولونه او گډې بیانيې لاسلیک شوې.<sup>۱۱</sup>

پر دې سر بېره د ۲۰۱۸ ز. کال په سپتمبر میاشت کې د ازبکستان ولسمشر شوکت میرضیایوف د یوه رسمي سفر په ترڅ کې هند ته ولاړ او د یاد هېواد له چارواکو سره یې په پوځي، سیاسي، اقتصادي او کلتوري برخو کې د همکارۍ ۱۷ هوکړه لیکونه لاسلیک کړل.<sup>۱۲</sup>

### دوهم: اقتصادي اړیکې

د هند او ازبکستان ترمنځ د همکاريو د پراختیا ستر لاملونه د دواړو هېوادونو ترمنځ سوداگریزې اړیکې او اقتصادي همکارۍ دي، چې دا مهال په دې اړه یو له بل څخه خوښ او دوه اړخیزه گټه ترلاسه کوي.

د دې هېوادونو ترمنځ اقتصادي او سوداگریزې اړیکې د هغې هوکړې له مخې پر مخ روانې دي، چې په ۱۹۹۳ ز. کال کې د دواړو هېوادونو د چارواکو له لوري په تاشکند

## د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

کې لاسلیک شوي وه. په دغه هوکړه کې له اضافي (مضاعف\*) ماليو څخه د مخنيوي په اړه بحث شوی دی. دغه راز په ۱۹۹۹ز. کال کې د دواړو هېوادونو ترمنځ د پانګونې د پراختیا په اړه یو تړون لاسلیک شو، چې تر دا مهاله پاتې شوی دی.<sup>۱۳</sup>

ډېر هندي سوداګر په ازبکستان کې د کار او پانګونې د فرصتونو د پیدا کولو لپاره کله کله په دغه هېواد کې د بېلابېلو نندارتونونو لیدو ته ورځي او ګډون کوي. له ۲۰۱۶ز. کال را پدېخوا د ځینو مهمو هندي کمپنیو مشران په بېلابېلو سفرونو ازبکستان ته تللي، چې په لاندې توګه په لنډ ډول یې یادونه کېږي:<sup>۱۴</sup>

۱- د هند د صنعتي ګازو د تولید د ټولني په مشرۍ ۲۰ کسيز پلاوی.  
۲- د Elcom Innovation private limited کمپنۍ په مشرۍ د هند د درمل جوړولو د کمپنیو ۲۸ کسيز پلاوی.

۳- د هند د څرمنو د صادراتو د کمپنۍ په مشرۍ ۲۲ کسيز پلاوی.

۴- د هند د چرخند ایالت د سوداګرۍ او صنایعو خونې پلاوی، چې په جوړښت کې یې د روغتونونو او روغتیايي کمپنیو مشران هم راتلل.

له بلې خوا (دې ته ورته) ازبک سوداګر هم خپلو محصولاتو ته په هند کې د بازار موندنې په لټه کې دي او کله کله په دغه هېواد کې په جوړېدونکو سوداګریزو نندارتونونو کې ګډون کوي.

## الف: په ازبکستان کې د هند مهمې پانګونې

د ازبکستان د سوداګرۍ، پانګونې او اقتصادي اړیکو د وزارت په خبره هندي سوداګرو او پانګوالو په دې هېواد کې ډېره پانګونه کړې چې له هغې ډلې شاوخوا ۱۱۳ سهامي کمپنیو له ازبکستانۍ هغو سره په ګډه او ۱۹ هندي کمپنیو په یواځې

\* مضاعف مالیات: هغه مالیات دي چې د دوه یا څو هېوادونو له لوري پر یوه عاید، یوې شتمنۍ یا معاملې وضع کېږي، دا چې دا مالیات عرفاً یو نا عادلانه کار شمېرل کېږي، نو ځکه یې هېوادونو د مخنيوي په اړه هوکړې کوي، چې په ترڅ کې یې یا نه اخلي او یا یې هم کموي.

خان ( له شریک پرتہ) پانگونې کړې دي، په لاندې برخه کې به د هغوغوره هندي کمپنیو یادونه وشي، چې په ازبکستان کې یې پانگونې کړي او خپله سوداګري پر مخ بیايي: <sup>۱۵</sup>

۱- **مېندا ګروپ:** دغې کمپنۍ په ۲۰۱۱ز. کال کې له یوه ازبکستاني سوداګریز شرکت سره په ګډه د ناوې په ازاده اقتصادي سیمه کې د ۵ میلیونو ډالرو په ارزښت د ( U Zminda ) په نوم یوه کارخونه جوړه کړې، چې د ازبکستان د جنرال موټورز کمپنۍ لپاره پکې د موټرو پرزې جوړېږي.

۲- **پولو تفریحي پارک:** د Gurgaon په نوم یوې هندي کمپنۍ په ۲۰۱۱ز. کال کې د ۴ میلیونو ډالرو په ارزښت په تاشکند کې دا پارک جوړ کړ، په دې پارک کې د لامبو وهلو ډنډونه او شنه ځایونه شته.

۳- **نوا فارما:** په دې کمپنۍ کې هندیانو او ازبکانو په ګډه پانگونه کړې چې ټوله اندازه یې تر ۸ میلیونو ډالرو پورې رسېږي. دا کمپنۍ د ازبکستان په ترمز ښار کې فعالیت کوي او تر ډېره درمل او روغتیايي توکي تولیدوي.

۴- **براوو فارما:** دې کمپنۍ په ازبکستان کې تر ۵،۵ میلیونو ډالرو پانگونه کړې او تر ډېره روغتیايي خدمتونه وړاندې کوي.

۵- **د تاشکند راماد مېلمستون:** دا مېلمستون په ۲۰۰۹ز. کال کې د یوه ډیلي میشتي هندي سوداګر له لوري په تاشکند کې جوړ شوی، ۱۲۰خونې، هندي رستورانټونه، دوه سوداګریز مرکزونه او اسانتیاوې لري.

۶- **شایانه فارم:** دا فارم یوه هندي سوداګر په ۲۰۱۷ز. کال کې د ۴ میلیونو ډالرو په ارزښت په تاشکند کې جوړ کړی، چې تر ډېره پکې د درملو اړوند توکي تولیدېږي.

۷- **Orion Medicity:** دغه مرکز په ۲۰۱۱ز. کال کې جوړشوی چې ازبکستانیانو ته روغتیايي خدمتونه وړاندې کوي، دې مرکز د VITAMED په نامه په تاشکند کې یو روغتون جوړ کړی چې د MEDANTA هندي روغتون یوه څانګه ده او هلته فعالیت کوي.



د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

کله چې په ۲۰۰۶ ز. کال کې د هند لومړی وزیر منموهن سنگ ازبکستان ته په سفر ولاړ، له ازبک چارواکو سره یې د کارموندنې د یو لوی مرکز د جوړېدو په موخه یو هوکړه لیک لاسلیک کړ، د دې هوکړې موخه د ازبکستان د اقتصادي پرمختیا لپاره د یاد هېواد له وړو او خصوصي شرکتونو سره د هندي کمپنیو د همکارۍ پراخول او له هغوی سره په دې اړه د تجربو شریکول وو.<sup>۱۶</sup>

د هند او ازبکستان ترمنځ د روغتیا په برخه کې هم همکارۍ فعالې دي، د دواړو هېوادونو روغتیايي متخصصین په دوه اړخیزو تخصصي زده کړو کې همکارۍ کوي او د یو بل هېوادونه ته د سفرونو تر څنګ په خپلو کې روغتیايي مشورې هم شریکوي.

د هند او ازبکستان د سوداګرۍ د پراختیا لپاره څو هوايي دهلبزونونه پرانیستل شوي، چې د همدغو دهلبزونو له لارې توکي د یو او بل هېواد ته لېږدوي. له تاشکند څخه ډیلي او امریتسر ته د ازبکستان الوتکې منظمې الوتنې کوي، دغه راز ټاکل شوې چې د تاشکند اوممبېي ترمنځ هم ډېر ژر هوايي دهلبز پرانیستل شي.<sup>۱۷</sup>

هند ازبکستان ته درمل، ماشیني توکي او تجهیزات، د موټرو پرزې، خدمات، او ځینې نور توکي صادروي او له یاد هېواد څخه انرژي (یورانیم)، تازه مېوې، سبزیجات، خدمات، کیمیاوي او حیواني سرې، د تازه مېوو اوبه (جوس) او تېل ترلاسه کوي.

په لاندې جدول کې د هند او ازبکستان ترمنځ له ۲۰۰۶ څخه تر ۲۰۱۸ ز. کال پورې د صادراتو او وارداتو کچه ښودل شوې ده:<sup>۱۸</sup>

توليز ارقام	له ازبکستان څخه د هند واردات ( په ميليون ډالرو)	ازبکستان ته د هند صادرات ( په ميليون ډالرو)	کال
۱۴,۵۸	۷,۱۲	۷,۴۶	۲۰۰۶
۶/۵۴	۵,۹	۰۰,۶۴	۲۰۰۷
۳,۷۸	۱,۱۱	۲,۶۷	۲۰۰۸
۹,۱۲۴	۱,۲۳	۸,۱۰۱	۲۰۰۹
۱۰/۳۹۳	۲,۲۷	۸,۱۲۳	۲۰۱۰
۶,۸۹	۵,۱۰	۱,۷۹	۲۰۱۱
۱۲/۵۳۳	۸,۳۷	۴,۱۶۳	۲۰۱۲
۶/۶۳۷	۲,۴۲	۴,۲۱۷	۲۰۱۳
۰/۹۱۹	۰,۶۷	۰,۲۴۹	۲۰۱۴
۱۲/۸۴	۶,۵۸	۶,۲۶۰	۲۰۱۵
۱۰/۸۲۸	۹,۵۱	۱,۳۱۸	۲۰۱۶
۶/۶۱۱	۶,۳۲	۰,۲۹۱	۲۰۱۷

### درېم: کلتوري اړيکې

هند او ازبکستان له پخوا څخه په خپلو کې نښې کلتوري اړيکې لري، د دواړو هېوادونو خلک د دوستانه تړاوونو له امله د چکر او سيل لپاره د يوبل هېوادونو ته ځي. له بلې خوا د هنر او موسيقۍ په برخه کې هم دواړه هېوادونه گډ جشنونه جوړوي، چې د دواړو هېوادونو هنرمندان او سندرغاړي پکې گډون کوي، تر ټولو مهمه دا چې هند هرکال ډېر ازبکان په خپلو تحصيلي بنسټونو کې روزي او هغوی ته کلني تحصيلي بورسونه ورکوي.

د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

د لعل بهادر شاستري کلتوري مرکز چې د هند د کلتوري اړیکو د شورا تر څار لاندې په ۱۹۹۵ ز. کال کې په تاشکند کې جوړ شوی، هر کال په تاشکند کې د هند په کلتور پورې اړوند سیمینارونه او د هندي ژبې منظم درسي ټولګي جوړوي، په ټول ازبکستان کې درې تعلیمي مؤسسې له لومړنیو تر لوړو زده کړو د هندي ژبې درس ورکوي.<sup>۱۹</sup>

د دې ترڅنګ ځینې ازبک تلویزیونونه په خپلو خپرونو کې هندي فلمونه او سریالونه هم خپروي. په ۱۹۹۲ ز. کال کې د ټولنیزو رسنیو په اړه د هند او ازبکستان ترمنځ د همکاریو تړون لاسلیک شو، له دې تړون وروسته په ۲۰۰۰ ز. کال کې د ازبکستان ولسمشر اسلام کریموف هند ته لاړ، د یاد هېواد له چارواکو سره یې یو ځل بیا د اطلاعاتو او ټولنیزو رسنیو په برخه کې د همکاری پروتوکول لاسلیک کړ. د دغه پروتوکول پر بنسټ دواړه لوري د تلویزیوني خپرونو، د رسنیو د کارکونکو له لیدنو کتنو، د فلمونو په نړیوال جشنونو، د فلمونو د جوړولو په برخه کې د همکاریو او داسې نورو په اړه اوس هم فعالیت کوي.<sup>۲۰</sup>

د سمرقند، بخارا، خیوا او شاخربزیاب لرغونې معماري اثار (چې د یونسکو د کلتوري میراثونو په کتاب کې ثبت دي)، هغه موارد دي چې لیدو ته یې ډېر هنديان د سیل لپاره ازبکستان ته ځي او له دغه هېواد سره لېوالتیا لري، دا مهال ازبکستان ته د هندي سیلانیانو تګ دومره ډېر شوی چې پخوا یې ساری نه درلود، د بېلګې په توګه په ۲۰۱۶ ز. کال کې ۱۶ زره او په ۲۰۱۷ ز. کال کې ۱۰ زره هندي سیلانیان دغه هېواد ته د چکر او سیل لپاره تللي وو.<sup>۲۱</sup>

همدارنګه د ازبکستان د لوړو زده کړو ځینې مؤسسات په هند کې له لسو څخه له ډېرو پوهنتونونو، څېړنیزو مؤسسو او څېړنیزو مرکزونو سره په بېلابېلو برخو کې علمي همکاری لري، دغه راز د ازبکستان د علومو اکاډمي ځینې څانګې د هند په ډیلي، ممبئی او پونه ښارونو کې له ځینو پوهنتونو مرکزونو سره ګډې څېړنیزې پروژې هم تر سره کوي.

له ۱۹۹۳ ز. کال را پدېخوا هند له ازبکستان سره د ITEC پروگرامونو په هکله هم مرستې کوي او هرکال په همدې پروگرامونو کې د گډون لپاره ۱۳۰ تنه ازبکان خپل هېواد ته ورغواړي، په دې پروگرام کې د انگلیسي ژبې د زده کړې، اطلاعاتو، د مهارتونو د زده کولو، مدیریت، ورځپاڼو لیکنو، بانکوالۍ، دېپلوماسۍ، ژورنالېزم او ځینو نورو برخو کې گډونوالو ته لنډ مهالې زده کړې ورکول کېږي. د دې ترڅنگ هند هرکال ازبکستان ته د ICCR پروگرام له لارې ۲۵ بورسونه ورکوي چې په دې کې یو بورس یوازې د هندي ژبې زده کړې ته ځانگړی شوی دی.<sup>۲۲</sup>

په ۲۰۱۷ ز. کال ځینې ازبک هنرمندان د هند د هریانا ایالت په سورج کند کلنۍ مبله کې د گډون لپاره هند ته ولاړل او هلته یې خپل هنرونه نندارې ته وړاندې کړل، په همدې کال د هند او ازبکستان د دېپلوماتیکو اړیکو د پیلېدو ۲۵ کاله پوره شول، هماغه وو چې په تاشکند کې د هند سفارت ځینې ازبک هنرمندان را وغوښتل او له دې مراسمو څخه یې د یوې میلیې په ترڅ کې نمانځنه وکړه. په ۲۰۱۸ ز. کال کې په تاشکند کې د جاز موسیقۍ درېیم نړیوال نندارتون جوړ شو، چې د هند له لوري په کې د دغه هېواد د مشهورې سینما (بالیووډ) ځینو ستورو گډون وکړ او خپل هنرونه یې نندارې ته وړاندې کړل.

په ازبکستان کې د هند وړه، خو مهمه ټولنه فعالیت کوي، چې د ټولنیزو شبکو له لارې له خپل هېواد سره په اړیکه کې وي، هغه جشنونه چې د هند په اړه په ازبکستان کې تر سره کېږي، دا ټولنه یې د ترتیب او تنظیم واگي په لاس کې لري. له بلې خوا هند په ازبکستان کې ځینې اطلاعاتي مرکزونه هم لري، چې مهم هغه یې (د هند - ازبک جواهر لعل نهرو د اطلاعاتو مرکز) دی، چې په ۲۰۰۶ ز. کال د ۳ میلیونه هندي پیسو په لگښت سره په تاشکند کې جوړ شو او په هماغه کال کې د هند د لومړي وزیر من موهن سنگ له لوري پرانستل شو.<sup>۲۳</sup>

## د افغانستان د جیوپولیتیکي ارزښت رول

افغانستان د جیوپولیتیک له نظره د نړۍ په ستراتیژیکه سیمه کې پروت دی او د درې مهمو سیمو (مرکزي اسیا، سویلي اسیا او منځني ختیځ) ترمنځ د پیوستون کړۍ په سترګه ورته کتل کېږي. دغه راز دا هېواد د جیواکانومیک له اړخه هم د دغې سیمې د هېوادونو ترمنځ د ښه موقعیت درلودونکی دی. دغه موقعیت د شمال - سویل او ختیځ - لویدیځ ترمنځ د دهلېزونو د جوړېدو له اړخه د برق او ګازو د انرژيو د ترانزیت او سوداګریزو توکو د صادراتو او وارداتو لپاره ډېر فرصتونه برابرولای شي.

له بلې خوا دا چې د منځني اسیا هېوادونه د نړۍ په کچه د ګازو او تېلو پراخې زېرمې لري او د دوی اقتصاد په همدې زېرمو ولاړ دی، نو اړ دي چې دا ګاز او تېل نورو هېوادونو ته صادر کړي. همدا راز د منځني اسیا هېوادونه له روسیې سره اوږده پوله لري او د روسیې له لارې له اروپایي هېوادونو سره نښلي. کله چې د منځني اسیا هېوادونه غواړي خپل ګاز او تېل اروپایي هېوادونو ته صادر کړي، نو اړ دي چې د روسیې له لارې دا کار سرته ورسوي، دا چې روسیې اروپایي هېوادونو ته د ګازو او تېلو نللیکې غځولي دي، نو د منځني اسیا له هېوادونو غواړي چې خپل ګاز او تېل د یادو نللیکو له لارې اروپا ته صادر کړي، چې د منځني اسیا هېوادونو ته له معمولي قیمت څخه ډېر ارزانه تمامېږي. اروپایي هېوادونو ته د منځني اسیا د ګازو او تېلو د صادرو له لار د کسپین بحیرې له لارې یادو هېوادونو ته د نل لیکې غځول دي چې د دې کار سر ته رسول ډېرو پیسو ته اړتیا لري، چې د منځني اسیا هېوادونه یې مالي توان نه لري. بالاخره د منځني اسیا هېوادونه دې پایلې ته رسیږي چې دې زېرمو ته په سویلي اسیا کې مارکېټ پیدا کړي، نو دا چې د منځني اسیا او سویلي اسیا ترمنځ افغانستان د پله حیثیت لري یاد هېوادونه اړ دي چې د افغانستان له لارې خپل ګاز او تېل سویلي اسیا ته صادرې کړي. دا چې د افغانستان اړیکې د منځني اسیا له زیات شمېر هېوادونو سره ښې دي د منځني اسیا هېوادونه په اسانۍ سره کولای شي چې خپل ګاز او تېل له دې لارې سویلي

اسیا ته ولیري، چې په دې ځای کې د افغانستان جیوپولیتیک ځانگړی اهمیت پیدا کوي او له هند یا د سویلي اسیا له نورو هېوادونو سره د رېښتیني نښلونکي په توگه واقع کیږي.

د افغانستان جغرافیه د ازبکستان او هند د اړیکو لپاره لنډه، کم لگښته، اسانه او د سوداگریز پیوستون مهمه لار گڼل کیږي.

که څه هم هند دا مهال د مرکزي اسیا له هېوادونو په ځانگړې ډول له ازبکستان سره نښې اړیکې لري، خو له دغو هېوادونو سره د اړیکو د لا پراختیا لپاره له درې غټو ستونزو سره مخامخ دی. لومړۍ ستونزه یې دا ده چې د منځنۍ اسیا هېوادونو ته د ځمکې یا اوبو له لارې مستقیم لاسرسی نه لري، دوهمه ستونزه یې بیا یادو هېوادونو ته د رسېدو لپاره په افغانستان کې د سولې او ثبات نه شتون او د امنیتي حالت خرابوالی دی او درېیمه هغه یې بیا په مرکزي اسیا کې له چین او پاکستان سره دښمني او سیالي ده. لکه مخکې مو یادونه وکړه چې مرکزي اسیا د انرژۍ پرېمانه زېرمې لري او دغو زېرمو ته هند او پاکستان ډېره اړتیا لري، خو د دغې سیمې هېوادونو ته د ځان نژدې کېدو او له هغوی سره د اړیکو ښه کېدو ته تل د دوی ترمنځ سیالی روانې وي، چې دغه سیالی د افغانستان پر ثبات او امنیت مستقیم تاثیر لري، د دې لپاره چې افغانستان د غو هېوادونو (هند او پاکستان) له سیالی ځان خلاص کړي ښه به داوي چې د افغانستان، هند، پاکستان او د منځنۍ اسیا د کوم هېواد ترمنځ په گډه د ټاپي په څېر گډې پروژې عملي شي، چې له دې سره د دوی ترمنځ د باور فضا رامنځته کېدلای شي.

پورته موضوعاتو ته په کتو سره ویلای شو د دې لپاره چې هند د مرکزي اسیا په هېوادونو کې خپلو ټاکل شویو موخو ته ورسېږي او د دې برعکس د منځنۍ اسیا هېوادونه په هند کې خپلو موخو ته ورسېږي نو له جغرافیایي پلوه افغانستان ته ډېره اړتیا لري.

هند د مرکزي اسیا له هېوادونو سره د څلورو ټرانزیتی مسیرونو له لارې نښلي. لومړۍ لار یې د چین له خاورې تېرېږي، دوهمه لار یې د پاکستان د گوادرنډر له لارې د افغانستان له خاورې څخه، درېیمه لار یې د ایران او روسیې له خاورو څخه

تېرېږي (په دې اړه يې له ايران او روسيې سره په ۲۰۰۰ ز. کال کې د ځمکنۍ لارې د پرانيستلو لپاره هوکړه لیک هم لاسلیک کړی دی، دا دهلېز د شمال - سویل کاریدو په نوم یادېږي چې تر اوسه يې کارنه دی پیل شوی).<sup>۲۴</sup> څلورمه او وروستۍ هغه يې د ايران چابهار بندر دی چې د افغانستان له خاورې څخه له تېرېدو وروسته له مرکزي اسيا سره نښلي.

له بلې خوا هند په دې باور دی چې (چېرته چين او پاکستان وي، هلته هند نشته)، نو د پورته یادو شويو لارو له ډلې لومړنۍ دوه هغه يې د هند لپاره د چين او پاکستان د شتون له امله د پلي کېدو وړ نه دي. د ايران او روسيې لارې تر اوسه پورې عملي بڼه نه ده خپله کړې او گټه ترې نه ده اخیستل شوې. د دې لپاره چې هند ځان مرکزي اسيا او په تېره بيا ازبکستان ته ورسوي او د مرکزي اسيا هېوادونه ځان سويلي اسيا ته ورسوي، نو تر ټولو اسانه، ارزانه، اغېزناکه، پلي کېدونکې او له دښمنۍ پاکه لار د چابهار او افغانستان لاره ده، چې هند له دې لارې څخه د گټې اخیستلو لپاره هڅې هم کړي، د زرنج - دلارام د سرک جوړېدل يې ژوندۍ بېلگه ده. هندي او ازبکستاني چارواکي د دې موضوع په اړه بشپړه پوهه لري او هماغه ده چې هند په چابهار بندر کې پانگوني ډېرې کړي او هڅه يې کړې چې دا بندر د امريکا له بنديزونو خوندي وساتي. د مرکزي اسيا هېوادونه په ځانگړې توگه ازبکستان هم د سويلي اسيا هېوادونو ته د خپلې انرژۍ او توليدي توکو د رسولو لپاره د افغانستان لارې ته لومړيتوب ورکوي، نو ځکه يې له هند او افغانستان سره د گډو پروژو ودانولو او پيلولو ته زړه ښه کړې دی. د بېلگې په توگه یاد هېواد له هند سره د ايران تر زیدان پورې د ۶۱۰ کیلومتره او له افغان دولت سره د مزارشريف - هرات د رېل پټليو په گډو پروژو کې ونډه اخیستې ده او پر دې پروژه يې د ۵۰۰ ملیونه ډالرو د پانگوني ژمنه هم کړې ده.<sup>۲۵</sup>

هند او ازبکستان له دې لارې څخه د عملي گټې اخیستنې په برخه کې په افغانستان کې له امنيتي ستونزو څخه انډېنمن دي، خو که چېرې په دې هېواد

کې سوله او ثبات راشي، نو لري نه ده چې دا لار به د دې هېوادونو لپاره په سیمه بیز پیوستون بدله شي او خپلو موخو ته به ورسېږي. د دې ترڅنگ د هند او ازبکستان په بهرنیو سیاستونو کې د افغانستان ځای ورځ تر بلې ارزښت پیدا کوي، چې په دې هېواد کې به د سولې په راتګ سره د دې درې واړو هېوادونو (هند، ازبکستان او افغانستان) ترمنځ د دوستۍ او همکارۍ یو نوی او پیاوړی مثلث جوړ شي چې دا به بیا په خپل وار سره د درېیو واړو هېوادونو لپاره ګټور وي.

د دې بحث په پای کې غواړم ووايم چې په هره کچه چې د هند او ازبکستان اړیکې پراخېږي د افغانستان جیوپولیتیک ارزښت به پکې پیاوړې کېږي او دې هېواد ته به لا ډېر ارزښت ورکوي.

## پایله

هند او ازبکستان له ۱۹۹۱ - ۲۰۱۸ ز. کال پورې په خپلو کې ښې اړیکې پاللې دي، په یاده موده کې د دوی د سیاسي او کلتوري اړیکو په پرتله اقتصادي اړیکې یو څه پرمختللي تر سترگو کېږي او د سوداګرۍ په برخه کې یو بل ته منظم صادرات لري.

دا چې ازبکستان د یورانیمو د زېرمو د لرلو له پلوه د نړۍ په کچه درېیم هېواد دی، نو هند غواړي د خپلې اړتیا وړ ډېره انرژي له همدې هېواد څخه ترلاسه کړي، ځکه چې ایران دا مهال له بندیزونو سره مخامخ دی. که څه هم په ازبکستان کې د اسلام کریموف د واکمنۍ پرمهال د دواړو هېوادونو اړیکې ښې روانې وې، خو څومره چې تمه کېده هومره پرمختللي نه وې. کله چې نوموړی په ۲۰۱۶ ز. کال ومړ او پرځای یې شوکت میرضیایوف د دغه هېواد ولسمشر شو، په خپل هونښار او ځیرک مشرتوب سره یې د نویو سیاسي او اقتصادي برنامو له لارې په کلک هوډ له هند سره دوه اړخیزې اړیکې د پانګونې، سیاحت، د سوداګرۍ ډېروالي، د سیاسي اړیکو پراختیا او له ګډو امنیتي ګواښونو سره د مبارزې په برخو کې پراخې کړې او په کمه موده کې یې یاد هېواد ته دوه ځله رسمي سفرونه وکړل.



## د هند او ازبکستان په اړیکو کې د افغانستان...

هند هم تر ډېره له دې فرصت څخه ښه ګټه پورته کړې او د نوموړي (شوکت میرضیایوف) په دوره کې یې له دغه هېواد سره په سوداګرۍ او ځینو نورو برخو کې تر ۲۰ ډېر هوکړه لیکونه لاسلیک کړي، چې د دوی د دوه اړخیزو اړیکو د لاپیاوړتیا لامل شوي دي.

له بلې خوا هند او ازبکستان دې ته هیله من دي، چې خپله سوداګري د چاپېرې بندر او افغانستان له لارې ترسره کړي، ځکه چې دا د دوی لپاره هم اسانه او هم ارزانه پروژې، خو په افغانستان کې د ښه امنیت نه شتون هغه موضوع ده چې دوی یې په دې برخه کې اندېښمن کړي دي. که په نژدې راتلونکې کې په دې هېواد کې تل پاتې سوله راشي، نو د دې هېوادونو دا اندېښنې به له منځه ولاړې شي له دې لارې به خپله سوداګري نوره هم چټکه کړي او افغانستان به د دوی د اړیکو د رېښتوني پله حیثیت غوره او جیو پولیټیک ارزښت به یې ورته لا ډېر ارزښتمن شي.

په هره کچه چې هند او ازبکستان د افغانستان له لارې خپله سوداګري او پیوستون پراخوي، د افغانستان لپاره ډېرې ګټې لري، د بېلګې په توګه په افغانستان کې به معیاري سرکونه او د وسپنې پټلۍ جوړېږي دغه راز به به د دوی له سوداګریزو توکو د ترانزیت له امله ډېرې پیسې ترلاسه کوي او تر ټولو مهمه دا چې د مرکزي اسیا نور هېوادونه به باوري شي چې د افغانستان له لارې له سویلي اسیا سره خپله سوداګري نوره هم پراخه کړي.

### وړاندیزونه

۱- لکه مخکې مو چې ترې یادونه وکړه چې اوسمهال د هند او ازبکستان ترمنځ اړیکې تر بل هر وخت پراخې شوي او په دې پوه دي چې د دوی د نښلېدا اسانه او ارزانه لار د چاپېرې - افغانستان لاره ده، نو وړاندیز کېږي چې دا دواړه هېوادونه له یو بل سره د لاینې همکارۍ له لارې په افغانستان کې د لویو لارو (په ځانګړې توګه د مزارشریف - فاریاب او یو شمېر نورو لویدیځو ولایتونو) جوړولو ته چټکتیا ورکړي.

۲- دوهم وړاندیز دادی چې افغانستان باید د سیمې د هېوادونو ترمنځ د ښو اړیکو له رامنځته کېدونکو فرصتونو ګټه پورته کړي او پرېنږدي چې دغه فرصتونه د سیمې د ځینو نورو هېوادونو له لوري ضایع او د سیالی لوري ته یوړل شي.

۳- هند او ازبکستان ته په کار ده چې د سیمې د نورو هېوادونو په مرسته په افغانستان کې د تل پاتې سولې او ثبات لپاره کار وکړي او د دغه بهیر ملاتړ وکړي.

۳- د دې لپاره چې هند او ازبکستان د افغانستان له لارې خپله سوداګري په ډاډه زړه تر سره کړي، افغان حکومت ته په کار ده چې د هغو لویو لارو امنیت ته جدي پام وکړي چې د دغو هېوادونو توکي پرې وړل کېږي.

## مأخذونه

- ۱: ایسنا، هند به زودی سومین اقتصاد بزرگ جهان می شود، سایت ایسنا ایر، ۱۹ حمل ۱۳۹۸، دسترسی: <https://www.isna.ir/news/98011906491> ] مراجعه ۹ اسد ۱۳۹۸ هـ ش].
  - ۲: عمار، محمد غنی، جایگاه جیوپولیتک افغانستان در روابط هند به آسیای میانه، هشت صبح، ۲۲ عقرب ۱۳۹۷ هـ ش، ص ۲.
  - ۳: هماغه اثر ۳، مخ.
  - ۴: اسلامیک، معرفی تنها پایگاه نظامی هند در خارج از قلمرو این کشور، سایت اسلامیک ونا، دسترسی: <http://www.islamicwna.com/tjcv5> ] مراجعه ۱۲ اسد ۱۳۹۸ هـ ش].
- 5: Dipanjan Roy Chaudhury, India signs 17 pacts with Uzbekistan: economic times site, Oct 02, 2018, accessed from: <https://economictimes.indiatimes.com> [ referral August 19, 2019].

6: Amb D P Srivastava, India-Uzbekistan Relations: New Opportunities, November 13 , 2017 , accessed from: <https://www.vifindia.org/article/2017/november/13/india-uzbe> [referral August 29, 2019].

7: Uzbek-Indian Relations, Embassy of Uzbekistan in India, accessed from: <http://www.uzbekembassy.in/uzbek-indian-relations> [referral Sep 2, 2019].

8: Ibd.

9: Uzbek-Indian Relations, Embassy of Uzbekistan in India, accessed from: <http://www.uzbekembassy.in/uzbek-indian-relations> [referral Sep 4, 2019].

10: India-Uzbekistan Relations, India Embassy in Uzbekistan, page 2.

11: Amb D P Srivastava, India-Uzbekistan Relations: New Opportunities, November 13 , 2017 , accessed from: <https://www.vifindia.org/article/2017/november/13/india-uzbe> [referral Sep 7, 2019].

12: Dipanjan Roy Chaudhury, India signs 17 pacts with Uzbekistan, Updated: Oct 02, 2018, accessed from: <https://economictimes.indiatimes.com> [referral Sep 7, 2019].

13: India-Uzbekistan Relations, India Embassy in Uzbekistan, page 2.

۱۴: تسنیم، پایه‌گذاری روابط نوین اقتصادی هند و ازبکستان در سفیر میرضیایف به دهلی‌نو، خبرگزاری تسنیم، ۰۸ میزان ۱۳۹۷، دسترسی: <https://www.tasnimnews.com> [مراجعه ۱۸ سنبله ۱۳۹۸].

15: Uzbek-Indian Relations, Embassy of Uzbekistan in India, accessed from: <http://www.uzbekembassy.in/uzbek-indian-relations> [referral Sep 5, 2019].

16: Ramakant Dwivedi, Indian Prime Minister's Visit to Uzbekistan, April 25, 2006, accessed from: <https://idsa.in/idsastrategiccomments/IndianPrimeMinistersVisittoUzbekistan>, [referral Sep 8, 2019].

17: Uzbek-Indian Relations, Embassy of Uzbekistan in India, accessed from: <http://www.uzbekembassy.in/uzbek-indian-relations>, [referral Sep 10, 2019].

18: India-Uzbekistan Relations, India Embassy in Uzbekistan, page3. And India \_ Uzbekistan relation, January 2012, <http://www.mea.gov.in/Portal/ForeignRelation/Uzbekistan-January-2012.pdf>

19: Ibd, page 4.

20: India \_ Uzbekistan relation, January 2012, page 2.

۲۱: عمار، محمد غنی، جایگاه جیوپولیتک افغانستان در روابط هند به آسیای میانه، هشت صبح، ۲۲ عقرب ۱۳۹۷ هـ ش، ص ۲.

22: Uzbek-Indian Relations, Embassy of Uzbekistan in India, accessed from: <http://www.uzbekembassy.in/uzbek-indian-relations>, [referral Sep 10, 2019].

23: India-Uzbekistan Relations, India Embassy in Uzbekistan, page4.

۲۴: عمار، محمد غنی، جایگاه جیوپولیتک افغانستان در روابط هند به آسیای میانه، هشت صبح، ۲۲ عقرب ۱۳۹۷ هـ ش، ص ۳.

۲۵: شانه نیوز، علاقه مندی ازبکستان در اتصال به هند از طریق افغانستان و ایران، ۵ جدی ۱۳۹۸، لاسرسی: <https://shana.news> [مراجعه ۱۲ جدی ۱۳۹۸].

محمد طارق اعظم

دانشجوی مقطع دکتری روابط بین الملل

نقش هویت در روابط ترکیه و اسرائیل

## **The Role of Identity in Turkish-Israeli Relations**

Mohammad Azam Tariq

PhD Student / International Relations

### **Abstract**

The AKP took power in 2002; it marks the beginning of a new stage in Turkish-Israeli relations. In this stage, a new model of foreign policy-making "neo-Ottomanism" by Turkish political leaders was formed. In addition to the material interests that in the past determined the main indicators of Turkey's foreign policy with Israel, this model also introduced the phenomenon of semantics such as identity. The goal of Turkey's new identity is to restore its cultural, religious, political, economic, and even military influence in the region, which is in contradiction with Israel's regional policy. The findings of this study indicate that the identity and norms of the Turkish government are in conflict with the identity and action plan of Israel in the Middle East, and this will lead the two countries to political divergence.

## خلاصه

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲م. سر آغاز فصل جدید در روابط ترکیه و اسرائیل به شمار می رود. در این فصل الگوی جدیدی از سیاست گذاری خارجی توسط رهبران سیاسی ترکیه تحت عنوان «نوعثمانی گری» شکل گرفت. این الگو علاوه بر منافع مادی که در گذشته تعیین کننده شاخص های اصلی سیاست خارجی ترکیه با اسرائیل بود، پدیده معناگرایی همچون هویت را نیز وارد این حوزه ساخت. هدف هویت جدید ترکیه احیای نفوذ فرهنگی، دینی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی این کشور در منطقه می باشد که در تضاد با سیاست منطقه‌یی اسرائیل قرار دارد. یافته‌های تحقیق حاضر گویایی آن است که هویت و هنجارهای دولت ترکیه با هویت و برنامه عمل اسرائیل در خاورمیانه در تضاد است و این امر موجب رفتن این دو کشور به سمت واگرایی سیاسی خواهد بود.

## مقدمه

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، ترکیه شاهد گرایش‌های اسلامی در سیاست داخلی و خارجی خود بود. بعد از روی کار آمدن این حزب در سال ۲۰۰۲م. در عرصه سیاست خارجی رویکرد و جهان بینی متفاوت از حکومت‌های پیشین متبازر گردید. در واقع، حزب عدالت و توسعه در صدد بود به عنوان حزبی دارای خط مشی اسلامی، در عرصه سیاست خارجی در قیاس با حکومت‌های پیشین که خط مشی لائیک داشتند، برنامه و استراتژی‌های متمایزی را ارائه کند.

هرچند در این دوره نیز، همه چیز در عرصه سیاست خارجی ترکیه محدود و مقید به جهت گیری اسلامی نیست؛ اما ترکیه با اتخاذ این رویکرد تلاش می ورزد تا به عنوان یک کشور اسلامی خاورمیانه‌ای جایگاه شایسته تری در جهان اسلام و عرصه روابط بین الملل پیدا کند. این سیاست جدید «نوعثمانی گرای» نامیده شده است. بدین معنا که ترکیه پس از چند دهه دنباله روی سخت از غرب و گرایش یک جانبه به سمت اروپا، بعد از ۲۰۰۲م. سیاست متعادل تری را نسبت به جهان در

پیش گرفت و در چارچوب این سیاست روابط خود با جهان اسلام و غرب را از نو تعریف و گسترش داد.

تا قبل از پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سیاست خارجی ترکیه انزواگرایی منطقه‌یی و تأکید مطلق بر غربگرایی حکمفرما بود. این سیاست، ترکیه را از جهان اسلام و مخصوصاً از همسایه‌های مسلمانش به لحاظ تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک دور ساخته بود؛ اما بعد از فروپاشی جهان دو قطبی و به ویژه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به سیاست فعال منطقه‌یی و همکاری استراتژیک با کشورهای مسلمان و خاورمیانه پرداخت، که این امر جایگاه ترکیه را به عنوان یکی از بازیگران قوی در منطقه و مخصوصاً جهان اسلام ارتقا داد. الگوی سیاست خارجی ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ م دقیقاً در مخالفت با سیاست کمالیست‌ها بعد از تأسیس ترکیه جدید در سال ۱۹۲۴ م. قرار دارد. سیاست‌گذاران آن دوران تلاش می‌کردند تا خود را از تحولات جهان اسلام و خاورمیانه به دور سازند و در همین راستا ترکیه نخستین کشور اسلامی بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت. شالوده آرمان‌های کمال آتاتورک رد اندیشه‌های آرمان‌گرایانه پان‌ترکی و پان‌اسلامی و تأکید بر ملی‌گرایی بود. این سیاست با به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان جای خود را به هویت جدیدی زیر عنوان نوع‌ثمانی‌گرایی داد. اکنون این هویت شالوده‌سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه را تشکیل می‌دهد. نکته‌ی دیگر در رابطه با روی آوردن ترک‌ها به هویت نوع‌ثمانی‌گری، شکست ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا و ضعف سیاسی آن در سطح جهانی از نظر سیاسی است. به همین دلیل مشاهده می‌شود که سیاست‌گذاران جدید ترکیه که اکثراً اسلام‌گرا هستند، تلاش دارند این افت موقعیت را با طرح ایده‌های تاریخی و بلندپروازانه دنبال کنند. در تحلیل چرایی و چگونگی نقش هویت نوع‌ثمانی‌گری ترکیه در قبال اسرائیل، این سوال مطرح می‌گردد که هویت در روابط ترکیه با اسرائیل از سال ۲۰۰۲ م به بعد چه نقشی ایفا کرده است؟ فرضیه‌ی مقاله این است که سیاست خارجی جدید ترکیه به دلیل صورت‌بندی هویتی مبتنی بر سابقه‌ی دینی، تاریخی و فرهنگی خاص،

در تضاد با عمل کرد و اهدافی است که اسرائیل در قبال خاورمیانه دارد؛ هنجارهای شکل دهنده هویت جدید دولت ترکیه پس از ۲۰۰۲م. باعث شکل گیری منافع این کشور و نهایتاً منجر به شکل گیری رفتار سیاست خارجی آن با اسرائیل گردیده است. این اتخاذ سیاست جدید بر خلاف روال گذشته تأثیر مستقیمی بر روابط ترکیه با اسرائیل داشته و موجب واگرایی سیاسی در روابط این دو کشور خواهد شد.

### هدف و مبرمیت

ترکیه نخستین کشور جهان اسلام بود که در سال ۱۹۴۹م. اسرائیل را به رسمیت شناخت و روابط دوستانه و استراتژیک با این کشور برقرار کرد. بعد از تغییر مدل تصمیم گیری و مطرح شدن هویت جدید در سیاست خارجی ترکیه در سال ۲۰۰۲م. این روابط دچار فراز و نشیب و در برخی مواقع شاهد تنش بود. بررسی چرایی تحول در روابط این دو کشور و نقش آفرینی هویت در آن و همچنان شناخت مبانی اتخاذ سیاست جدید بر خلاف روال گذشته از مسایلی مهمی هستند که واکاوی و کنکاش آن امری مهم و مبرم می باشد.

### روش تحقیق

روشی که در راستای تکمیل و تحقیق این مقاله به کار برده شده توصیفی-تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات آن کتابخانه‌یی است. در این مقاله ضمن توضیح چارچوب نظری، موضوعاتی چون: چگونگی شکل گیری هویت جدید در ترکیه؛ زیربنای هویت جدید و تأثیر آن بر شکل گیری سیاست خارجی ترکیه با اسرائیل پس از سال ۲۰۰۲ مورد واکاوی و بررسی قرار خواهد گرفت.

### توضیح چارچوب نظری

پژوهش حاضر بر مبنای مفروضه‌های نظریه‌ساز انگاری (Constructivism) انجام خواهد یافت. سازه انگاری یکی از نظریه‌های اجتماعی سیاست بین الملل و



رویکرد معناگرایی است که عوامل غیر مادی و فرهنگی را به عنوان موتور محرک سیاست خارجی قلمداد می‌کند. این نظریه رفتار دولت را در متن اجتماعی آن دولت، مورد بررسی قرار می‌دهد. از منظر سازه‌انگاران جهان از طریق تعامل بین‌ذهنی به شکل اجتماعی برساخته و پرداخته می‌شود، کنشگران و ساختارها متقابلاً یکدیگر را می‌سازند. سازه‌انگاران از پیوند و در هم تنیدگی سیال تاریخ، هویت و کارگزاری دولت‌ها صحبت می‌کنند.<sup>۱</sup> تحلیل سازه‌انگاران متوجه تأثیر تاریخ در شکل دادن سیاست خارجی نیز هست. سازه‌انگاران بدین باوراند که هویت یک دولت با توجه به ارزش‌های گذشته و آینده کشور شکل می‌گیرد. دولت‌ها و دولت‌مردان روایت تاریخ را به شیوه خاص و ویژه آن پشتوانه عمل کرد امروزی خود قرار می‌دهند. بدون شک تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی به دنبال کنار گذاشتن الگوی سنتی نیست؛ بلکه باگرفتن وسایل تحلیل آن، به زنده کردن روشمند نقش باورها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی می‌پردازند.<sup>۲</sup>

بر مبنای این نظریه عنصر هویت نقش اساسی در شکل دهی هویت و منافع دولت‌ها داشته و در نتیجه دولت‌ها در عرصه سیاست بین‌الملل بیشتر از ساختارهای اجتماعی بین‌المللی که ویژگی بین‌الذهنی (Intersubjective) دارند متأثر می‌شوند. بخش مهمی از منافع و هویت دولت‌ها به وسیله این ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شوند.<sup>۳</sup> علاوه بر آن رویکرد سازه‌انگاری در فهم سیاست خارجی کشورها و آگاهی از نقاط ضعف و قوت آنها و به طور خاص برای مطالعه سیاست خارجی اسرائیل و ترکیه می‌تواند بسیار مؤثر و تعیین‌کننده باشد، زیرا این رویکرد به شکل تاریخی‌تر، جامعه‌شناختی‌تر و عملی‌تر نسبت به سایر رویکردها، روابط بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. از سویی دیگر سازه‌انگاری نگرشی جدیدی است که نقش عقلانیت را در وضعیت‌ها و پدیده‌های دسته‌جمعی انسان‌ها مؤثر می‌داند.<sup>۴</sup>

بر مبنای تحلیل سازه‌انگاری، اسلام‌گرایان ترکیه از سال ۲۰۰۲ میلادی تاکنون، با برساختن هویت اسلامی و تاریخی خود تلاش کرده‌اند تا سیاست خارجی

یکجانبه گرایانه ترکیه در قرن بیستم را با گردش به شرق و به ویژه به کشورهای اسلامی و خاورمیانه متوازن سازند. این رویکرد که در چارچوب تئوری عمق استراتژیک احمد داود اوغلو پیگیری می‌شود، با عنوان نوع‌ثمنی‌گرایی معروف است. این نگرش همانگونه که بر ساختارهای مادی - اجتماعی تأکید می‌ورزد، ساختارهای هنجاری و معنوی را نیز دارای اهمیت تلقی می‌کند، این ویژگی‌ها هم با عملکرد دستگاه دیپلوماسی اسرائیل در قبال خاورمیانه و هم با هویت نوع‌ثمنی - گری ترکیه هماهنگی دارد. بنابراین، می‌توان تحول روابط ترکیه با اسرائیل را در چارچوب مفروضه‌های اصلی سازه‌انگاری مورد تحلیل قرار داد؛ زیرا هویتی که مبنای سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد، در تضاد آشکار با هویتی قرار دارد که ترکیه در سیاست خارجی اش مدنظر قرار داده است.

### چگونگی شکل‌گیری هویت جدید ترکیه

کمالیست‌های ترک در قرن بیستم (۱۹۲۴-۲۰۰۲) تلاش کردند تا اسلام‌گرایی و عثمانی‌گرایی را که هویت دینی، تاریخی و فرهنگی ترکیه را تشکیل می‌دهد، از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی خود حذف و هویت ملی‌گرایی سیکولار را که بیشتر شبیه سیاست شوروی دوره جنگ سرد بود، جایگزین آن سازند. قانون‌گذاری بر اساس آرمان‌هایی همچون جدایی دین از سیاست و تلاش در جهت حذف نمادهای مذهبی و قومی، از قبیل: به کارگیری الفبای لاتین، اتخاذ تقویم میلادی به جای تقویم عربی و تلاش در جهت ترکی‌سازی اسلام از عمده‌ترین نمونه‌های آن می‌باشد. اما تحقق این رویکرد آرمان‌گرایانه به دلیل تاریخ گذشته ترکیه در داخل جامعه ترک زمینه‌ای مساعدی نداشت، از این رو، با فروپاشی شوروی و تغییرات در نظام بین‌الملل با چالش‌های متعددی نیز روبرو شد.<sup>۵</sup> این تحول دقیقاً همان چیزی است که مفروضات سازه‌انگاری پیش‌بینی کرده است.

به عبارت دیگر، سیاست بدبینانه کمالیست‌ها با گذشته اسلامی - عثمانی ترکیه و قطع رابطه با هویت دینی و فرهنگی آن دوران همه بیانگر آن بود که دولت ملی - گرا و سکولار ترکیه طی قرن بیستم تلاش داشت تا خود را از گذشته تاریخی

امپراطوری عثمانی جدا سازد، اما این سیاست آنها نه تنها این که با موفقیت همراه نشد، بلکه زمینه‌های خواست تغییر در هویت ملی این کشور را نیز ایجاد کرد.<sup>۶</sup> خواستی که به دنبال ارزش‌ها و هنجارهای جدید برای ارتقای موقعیت ترکیه در اروپا و خاورمیانه بود و با برساخته شدن هویت اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲م. این کشور فرصت عملیاتی شدن یافت. این خواست دقیقاً در مطابقت با رویکرد سازه‌انگارانه بود؛ بر مبنای این رویکرد ارزش‌ها و هنجارهای تاریخی که در فرهنگ یک جامعه حضور دارند، را نمی‌توان با تبلیغ ارزش‌ها و هنجارهای جدید و وارداتی جایگزین کرد؛ چرا که هویت ملی و هویت فرهنگی یک ملت وابسته به ارزش‌ها و هنجارهایی است که آن را از دیگر ملت‌ها جدا می‌سازد.<sup>۷</sup>

نظریه سازه‌انگاری عنوان می‌کند که بازیگران براساس معانی ذهنی، زبان و باورهای خود که برآمده از تلقی هویتی آنهاست، دست به کنش متقابل می‌زنند که طبق آن واقعیت را می‌سازند و خود نیز ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این مسأله در بررسی رفتار سیاست خارجی یک کشور این است که یک دولت بر اساس نوع تعریف از هویت خود، جهان اطراف خود را تعریف می‌کند و بر اساس آن دست به کنش می‌زند و در این واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازد و متقابل نیز ساخته می‌شود.<sup>۸</sup>

بنابراین برگشت عثمان‌گرایی به عرصه سیاست ترکیه از منظر سازه‌انگاری کاملاً قابل پیش‌بینی و پذیرش است. نوع‌ثمانی‌گرایی یا توأمیت اسلام و هویت ترکی و تاریخ خلافت عثمانی در تحولات سیاسی ترکیه سابقه طولانی دارد. برای اولین بار این سیاست از طرف سلطان عبدالحمید دوم و در قالب تز یوسف آچچورا (۱۹۰۴) برای نجات خلافت مطرح گردید. «دکترین عثمانی‌گری پیش از روی کار آمدن عبدالحمید دوم رواج بیشتری داشت و هدف آن خلق ملت عثمانی بود. در این نوع از ملت‌سازی مؤلفه اصلی نه ریشه قومی و ملی بلکه ریشه‌های تاریخی و عضویت در امپراتوری بزرگ اسلامی بود. بر این اساس بر محور یک مفهوم مشترک از وطن ملت عثمانی همانند ملت آمریکا شکل می‌گرفت که هدف از آن نجات

امپراتوری از زوال و تجزیه بود».<sup>۹</sup> در این تحلیل دیده می‌شود که سازه‌های نوع‌ثمنی‌گری ضمن اشاره به خواست تاریخی جهت استمرار خلافت عثمانی‌ها، نه اسلام‌گرایی محض است و نه ملی‌گرایی محض، بلکه هویت تاریخی است که به‌دنبال برساخت هستی‌شناسی ملی‌گرایانه - اسلام‌گرایانه است. این امر در مطابقت با پیش‌بینی سنت سازه‌انگاری قرار داشته و می‌تواند در سیاست خارجی ترکیه نقش تعیین‌کننده ایفا کند. در این دکتترین، هستی‌شناسی سیاست‌گذاران ترکیه بر این نکته باور دارد که این کشور توانایی کنترل منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌یی و یا حتی تنها قدرت منطقه خاورمیانه را دارد. چنان که داوود اغلو در دکتترین عمق اسراتژیک خود می‌گوید: «نوع‌ثمنی‌گری سیاستی است مبتنی بر بازتولید بعضی تجربه‌های کاربردی در دوران امپراتوری عثمانی و احیای عظمت ترکیه جدید با تکیه بر مفروضات برآمده از کارآمدی رویکرد دولت عثمانی در دوره تنظیمات».<sup>۱۰</sup>

بُعد هستی‌شناسانه این دکتترین به نظام فکری و نه مادی یا خردگرایانه حاکمان عثمانی باز می‌گردد که به منظور جلوگیری از تأثیر امواج ملی‌گرایی گسترده شده در اروپا بر تمامیت داخلی عثمانی ناشی از انقلاب فرانسه اتخاذ گردیده است. عثمانی‌گری «با هدف ایجاد موازنه میان مجموعه تحولات جدید بین‌المللی با فرهنگ سیاسی داخلی وارد حرکت‌های اصلاحی هدایت شده مطرح گردید».<sup>۱۱</sup> این دکتترین در زمان تورگوت اوزال میان سال‌های (۱۹۸۷-۱۹۹۳) به دلیل شرایط جدید بین‌المللی یعنی فروپاشی شوروی و برآمدن نظام تک قطبی و نظم نوین جهانی دوبار مطرح گردید و رسماً با پیروزی اسلام‌گرایان دنبال شد. دکتترین نوع‌ثمنی‌گری در داخل تلاش دارد تا با هویتی جدید و تعریف جدیدی از تابعیت، مسائل داخلی این کشور همانند قوم‌گرایی را مرتفع نموده و از تجزیه طلبی آنها جلوگیری نماید و در خارج از ترکیه نیز برای گسترش سیاسی متناسب با ارزش‌های رو به رشد جهانی، تغییرات اساسی در سیاست خارجی خود ایجاد کند.<sup>۱۲</sup>

## مبنای سیاست هویت مدارانه ترکیه در برابر اسرائیل

اگرچه جمهوری ترکیه اصولاً بر مبنای تفکر سکولار و اندیشه ضد دینی شکل گرفت و در چارچوب این نگرش حضور دین در عرصه سپهر عمومی به صورت قطع ممنوع گردید؛ اما این رویکرد و ساختار سیاسی ملهم از آن هیچ گاه نتوانست هویت اسلامی را از مردم این کشور به طور کامل بزدايد. به قدرت رسیدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه در این کشور با وجود تمام کارشکنی‌های نیروهای کمالیست علیه آنها خود نشانه بارز این مسأله است. اگرچه این حزب هیچ گاه خود را اسلامی ندانسته و با شعار دمکراسی خواهی در عرصه سیاست کشور به فعالیت پرداخته؛ ولی با نگاهی به نیروهای پشتیبان این حزب همچون جنبش فتح الله گولن [در اوایل] می‌توان حقیقت این ادعا را ثابت کرد. حزب حاکم عدالت و توسعه به جای رویکرد امنیت محور دولت‌های قبلی، روی به استراتژی توسعه محور آورده است. با روی کار آمدن عدالت و توسعه و گسترش آزادی‌های سیاسی در این کشور و به تبع اهمیت یافتن رأی و نظر مردم، دیگر نظام سیاسی موجود نمی‌تواند نسبت به افکار عمومی بی‌توجه باشد و به عنوان دولتی برآمده از جامعه بی‌مسلمان مجبور به تعدیل روابط خود با اسرائیل به عنوان واحدی سیاسی گردید که قبله اول مسلمانان را به اشغال خود درآورده و بسیاری از مردمان مسلمان آن را آواره و یا به قتل رسانده است.<sup>۱۳</sup>

رهبان جدید اسلام‌گرای ترکیه «در این اندیشه‌اند که چگونه از برگه اعمال نفوذ منطقه‌یی برای ارتقای پرستیژ جهانی خود بهره بگیرند. سیاست نوع‌نمان‌گرایی نخبگان ترکیه گرچه براساس نوعی هویت‌جویی جدید شکل گرفته است، دو هدف دارد: بازبانی هویت منطقه‌یی براساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته که خواستگاه اجتماعی استواری در مصر، تونس، مراکش، سوریه و کشورهای عرب دارد؛ و دوم ارتقای نقش جهانی ترکیه؛ که از یک سو عضو ناتو و از طریق دیگر روابط نزدیکی با ایالات متحده آمریکا و اسرائیل دارد».<sup>۱۴</sup>

نوعثمانی گرایبی ایده‌ای است که هویت جدید ترکیه را به معرفی می‌گیرد. این چارچوب در واقع هویت اسلامی را به عنوان الگوی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه به ویژه در حوزه خارومیانه به صورت جدی در محافل سیاسی و بررسی‌های استراتژیک مطرح نموده است. در جمهوری ترکیه با افزایش سطح آموزش طبقه‌ای به نام "بورژوازی اسلامی" به وجود آمد. این هویت اسلامی در جریان دموکرات شدن ترکیه این فرصت را داد تا افرادی مانند تورگوت اوزل با ایده وطن، تانسون چیلر با حزب راه درست و نجم الدین اربکان با حزب رفاه انتخاب‌های سیاسی و نخبگان جدید را پیش روی مردم قرار دهد. این حزب (ANA، DYP، RP) باعث کشیده شدن اندیشه‌های اسلامی از حاشیه به متن شدند؛ برای مثال در انتخابات ۱۹۹۵م. حزب رفاه ۲۱ درصد از آراء را به دست آورد و با ائتلاف حزب راه درست یک حکومت ائتلافی تشکیل داد. بدین ترتیب برای اولین بار دولتی تشکیل شد که به طور آشکار از اصول عثمانی الهام می‌گرفت.<sup>۱۵</sup>

تورگوت اوزل در یکی از سخنرانی‌های خود در باره اسلام چنین می‌گوید: «قویترین عنصر این ائتلاف را بدون شک اسلام تشکیل می‌دهد. دین است که مسلمانان آناتولی را با بالکان پیوند زده است. به همین دلیل اسلام برای تمام گروه‌های مختلف مسلمان یک عنصر قوی و با ارزش و تکمیل کننده برای با هم زندگی کردن است» به وضوح این امر تاثیرپذیری تورگوت اوزل از عثمانی را نشان می‌دهد. ولی وی هیچ وقت به این که سیاست خود را بر این اصول قرار داده باشد اذعان و به طور آشکار بیان نکرده است.<sup>۱۶</sup>

با روی کار آمدن حزب عدالت توسعه در ترکیه و پیروزی آقای اردوغان در این کشور بار دیگر گفتمان نوعثمانی گرایبی به محافل سیاسی برگشت و حالا سیاست‌های ترکیه به طور آشکار به میراث عثمانی- اسلامی تکیه دارد؛ ولی این موج زمانی تقویت شد که احمد داوود اوغلو به عنوان وزیر امور خارجه ترکیه منسوب شد؛ داوود اوغلو در کتاب خود با عنوان «عمق استراتژیک» مؤلفه‌های دکتربین خود را مشخص می‌سازد:

نخست- ترکیه در خاورمیانه باید نقش فعال تری به عهده بگیرد. در غیر این صورت کشورهای خاورمیانه ترکیه را تبدیل به حوزه نفوذ خود خواهند کرد. پ.ک.ک مثال روشنی برای این ادعا است. دوم- دولت ترکیه میراث دار دولت عثمانی است. هر چند حکومت‌های قبلی این حقیقت را رد کرده‌اند؛ ولی با این وجود هنگامی که به جغرافیای خاورمیانه نظر شود، چیزی جز جغرافیای امپراتوری عثمانی به چشم نمی‌آید. سوم- ترکیه از نظر ژئوپلیتیک دارای عمق استراتژیک بوده و از جمله کشورهای است که آن‌ها را "قدرت‌های مرکزی" می‌نامند. بنابراین ترکیه می‌تواند نقش رهبری را در چندین منطقه از جمله خاورمیانه، شمال آفریقا، آسیای میانه و قفقاز بازی کند. در این مسیر ترکیه می‌تواند از قدرت نرم خود بهره‌برداری نماید.<sup>۱۷</sup> در کل مؤلفه‌های سیاست‌های نوعثمانی‌گرایی در ترکیه را می‌توان این گونه نام برد:

۱. ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق جغرافیایی خود ایفا کند.
۲. برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ زیرا به نظر او کشورش با مناطق (اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان) دارای روابط تاریخی و فرهنگی است.
۳. نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند.
۴. اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است.
۵. باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌یی و بین‌المللی، نقش مهمی را ایفا نمود.
۶. با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه می‌توان نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین برد.

۷. به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه گذاری کند؛ به ویژه کشورهای که زمانی جزو امپراتوری عثمانی بودند.<sup>۱۸</sup>

در اصل گفتمان نوعثمانی گرایی آن گونه که احمد داوداوغلو بیان نموده است، به دنبال تحقق این موارد است: ۱. ایفای نقش ایدئولوژیک در منطقه خاورمیانه و تبدیل شدن به یک الگو برای کشورهای منطقه؛ ۲. چندجانبه گرایی؛ ۳. به صفر رساندن مشکلات با کشورهای همسایه؛ ۴. ایفای نقش به عنوان یک کشور میانجی در منطقه؛ ۵. ایجاد تعادل در سیاست‌های منطقه‌یی، اروپایی و آمریکایی.<sup>۱۹</sup> از دیدگاه داوداوغلو، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد: ۱. انطباق ساختار دولت با شرایط بین المللی ۲. شکل دهی به هویت سیاسی و فرهنگی جدید و یکپارچه برای جلوگیری از به خطر افتادن تمامیت ارضی ۳. هماهنگی میان ارزش‌های غربی و سنتی ۴. پیگیری راهبرد هماهنگ با قدرت برتر کشور ترکیه بعد از اینکه چرخش چشمگیری در سیاست خارجی خود داشت و سعی کرد نگاه به غرب را همسو و در کنار نگاه به شرق و علی الخصوص منطقه خاورمیانه داشته باشد، سال ۲۰۰۷ را سال خاورمیانه در سیاست خارجی خود نامید.<sup>۲۰</sup>

علاوه بر آن زمینه‌های ظهور نوعثمانی گرایی را باید در بطن جامعه ترکیه جستجو کرد. پیروزی و اقبال عام به حزب عدالت و توسعه در واقع نتیجه منطقی جامعه سنتی ترکیه بود. بر اساس نظر سنجی اطلس ارزش‌ها در ترکیه در سال ۲۰۱۲ میلادی درصد کسانی که در برگه‌های نظر سنجی خود را به عنوان فردی مومن و مسلمان معرفی کرده بودند با افزایش ۱۰ درصدی در بیست سال گذشته به ۸۵٪ رسیده است. در این نظر سنجی تعداد کسانی که در ماه رمضان روزه می‌گیرند ۸۶٪، تعداد مردهای که حداقل یک بار در هفته به مسجد می‌روند ۵۷٪ اعلام شده است. بر اساس این اطلس تقریباً از هر سه تن یک نفر در ماه رمضان روزه می‌گیرند و روزانه پنج نوبت نماز می‌خوانند. همین طور میزان پایبندی به ارزش‌ها در میان شهروندان ترکیه همچنان بالاست. بنابراین می‌توان ترکیه را یک



جامعه محافظه کار، مذهبی و دست راستی دانست و حزب عدالت و توسعه به خوبی می توانست اکثریت چنین جامعه‌ای را نمایندگی کند.<sup>۲۱</sup>

از همین رو نقش یا اولویت هویت اسلامی در هویت ترکی را افزایش و نقش و ارزش نظامی گری را کاهش داد. پیروزی اردوغان در انتخابات پارلمانی مصادف شد با اعلان علنی سیاست‌های نوعثمانی گرایی وی. طیب اردوغان در سخنرانی پس از پیروزی، آن را به مردم اردن، مصر، تونس، شام، ساریوو و قبرس تبریک گفت و تاکید کرد که امروز نه تنها از میر و دیار بکر، بلکه نابلس، جنین، رام الله، غزه و بیت المقدس نیز پیروز شده اند.<sup>۲۲</sup> بدین سان واکنش‌هایی که ترکیه بعد از ۲۰۰۲م. در قبال اسرائیل نشان داده است، بیانگر این است که متکی بر هویت جدید دیگر ترکیه از تحركات بعدی اسرائیل حمایت نخواهد کرد. این نگاه تازه که از سوی دستگاه دیپلوماسی ترکیه پیگیری می‌شود می‌خواهد تعریف جدیدی از روابط خود با اسرائیل داشته باشد و این سوال را مطرح کند که محدوده رابطه با اسرائیل چگونه است؟ برای ایجاد این تغییر باید چینش جدیدی را وارد دستگاه دیپلوماسی کرد.

دقت در اصول عثمانی گرایی حزب عدالت و توسعه، سبب می‌شود که آن را روایت «احمد داوود اوغلو» از مفهوم عثمانی گری در حوزه سیاست خارجی - با تأثیرپذیری از روایت اوزال - دانست. سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲م. به بعد، توسط داوود اوغلو نظریه پردازی شد. دیدگاه تمدنی وی بر سه پیش فرض استوار است: ۱. تمدن اسلامی تفاوت‌های معرفت شناختی و هستی شناختی خاص خود با غرب را دارد؛ ۲. ترکیه بخشی از تمدن اسلامی است؛ ۳. و با احراز رهبری کشورهای مسلمان منطقه می‌تواند بر هویت دوگانه خود چیره شود.<sup>۲۳</sup>

داوود اوغلو در وهله اول بیانگر نگاه شرقی وی در برابر نگاه غربی رویکرد کمالیسم است. وی در تلاش است تا دوباره عوامل جامعه را با عوامل محیطی هماهنگ سازد. به همین سبب بر مفهوم اسلام (عامل جامعه) که هماهنگ با محیط پیرامون ترکیه کنونی نیز هست تأکید دارد. اما دقت در نوشته‌های داوود اوغلو موجب می‌شود تأکید دوگانه وی بر هویت شرقی و ارزشهای غربی را دریابیم.

این تأکید خود را در پیش فرض سوم دیدگاه تمدنی داوود اوغلو نیز نشان می‌دهد. این مسئله چنانکه بیان شد، در روایت اوزال نیز جلوه گر است.<sup>۲۴</sup>

باتوجه به تحلیل فوق، هویتی که سیاست خارجی ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲م را تشکیل و تعریف می‌کند، در تضاد آشکار با عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی قرار دارد؛ زیرا ایدئولوژی که مبنای سیاست خارجی اسرائیل تشکیل می‌دهد، بر سه رکن استوار است: قوم برگزیده یهود، کتاب مقدس و سرزمین یهود.<sup>۲۵</sup> هر یکی از این رکن‌ها علاوه بر این که تبعیض آمیز، خشونت‌زا، نفرت انگیز و برتری طلبانه است، با هویت جدید حاکم بر سیاست خارجی ترکیه سازگاری ندارد.

به دیگر بیان، هویت حاکم بر سیاست خارجی رژیم اسرائیل، صهیونیسم است. صهیونیسم به جنبشی اطلاق می‌شود که خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت یهود است. یهودیان بر این باورند که مسیح رهایی بخش در آخرالزمان ظهور خواهد کرد تا به سرزمین موعود باز گردد و از کوه صهیون بر جهان حکمرانی کند. صهیونیست‌ها این اعتقاد دینی را به یک برنامه سیاسی تبدیل کردند. البته صهیونیسم صرفاً یک جنبش سیاسی نیست بلکه به صهیونیسم سیاسی و فرهنگی و نیز دینی و غیردینی تقسیم می‌شود. مشهورترین تقسیم صهیونیسم، طبقه بندی آن به دو بخش سیاسی و فرهنگی (دینی) است. صهیونیسم سیاسی خواهان بازگشت یهودیان به فلسطین است که با تدوین کتاب «دولت یهود» توسط هرتزل در سال ۱۹۴۸ میلادی زاده شد.<sup>۲۶</sup> بر اساس یک نگرش «یهودیان مردمانی هستند که با سنت‌های شان زندگی می‌کنند و صهیونیست‌ها خود را جنبشی شورشی علیه تاریخ می‌دانند. جنبش صهیونیسم و دولت اسرائیل در پاسخ به چالش‌های رو به رو با نگرش یهودی مآبانه سعی نموده اند یک دولت سیاسی را شکل دهند. صهیونیست‌ها بر این باورند که باید به آوارگی و محرومیت در دو هزار سال گذشته پایان داد و ضمن تقویت معنوی و روحی یهودیان به سازماندهی و ساماندهی اوضاع آنان اقدام کرد و لذا تشکیل یک دولت یهودی از جمله اهداف و آرمان‌های احیای قوم یهود بوده و اکنون که این دولت

شکل گرفته می باید با یک سیاست یهودی در جهت اجرای فرهنگ یهود قدم برداشت. در راستای رسیدن به این آرمان و در جهت حفظ دولت یهودی، اصولاً رفتار خارجی خاصی متجلی خواهد شد و البته اسرائیل به عنوان یک دولت آن هم با این میراث، مشکلات بسیاری را با جامعه بین المللی خواهد داشت که منشأ آن یک منشأ هویتی است».<sup>۲۷</sup>

بنابراین، بروز نشانه هایی از تضاد و تنازع در سیاست خارجی ترکیه با اسرائیل و متقابلاً واکنش های رژیم صهیونیستی در برابر آن در مطابقت با مفروضه های اصلی نظریه سازه انگاری قابل پیش بینی و محتوم است.

### نشانه های بارز هویت جدید در رفتار ترکیه با اسرائیل

#### ۱. حمایت از مردم فلسطین

همزمان با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ۳ نومبر ۲۰۰۲م. در ترکیه جهت گیری جدیدی در سیاست خارجی این کشور آغاز گردید. این امر توأم با استمرار روابط سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی میان ترکیه و اسرائیل، باعث بروز تنش و بحرانهایی در روابط دو طرف گردید، که سردی روابط سیاسی و دیپلماتیک دو کشور را در پی داشت. برای مثال نخست وزیر اجویت در سال ۲۰۰۲م. کشتار فلسطینی ها توسط اسرائیل را نسل کشی آشکار عنوان کرد.<sup>۲۸</sup>

در همین راستا رجب طیب اردوغان حملات اسرائیل به مناطق فلسطین در ماه می ۲۰۰۴م را جنایت علیه بشریت خواند. بدینسان اردوغان قتل شیخ احمدیاسین، رهبر حماس، در ۱۹ مارس ۲۰۰۴م. توسط اسرائیل را تروریسم دولتی نامید.<sup>۲۹</sup> اردوغان گفت: «ما کشوری هستیم که در قرن ۱۵ یهودیان را که از اروپا رانده می شدند، به دامن خود پذیرفتیم؛ اما در حال حاضر اسرائیل همین بلا را بالای سر فلسطینی ها آورده است. ما تأکید داریم که اسرائیل به این عمل خود پایان دهد».<sup>۳۰</sup> همچنین ترکیه در مقابل حملات اسرائیل در ۱۲ جولای ۲۰۰۶م. به لبنان و در ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۸م. به نوار غزه واکنش شدیدی نشان داد. در پی جنگ

اسرائیل و غزه (۲۰۰۹-۲۰۰۸م) رجب طیب اردوغان از اسرائیل خواست که این جنگ را متوقف و دست از عملیات نظامی بردارد. وی عمل اسرائیل را جنایت علیه بشریت نامید و اسرائیل را با کلمات تند مورد خطاب قرار داد و گفت: «این عملیات باعث افزایش تنش بین کشورهای مسلمان خواهد شد.»<sup>۳۱</sup>

مردم ترکیه در واکنش به این درگیری که باعث از میان رفتن روابط اسرائیل با ترکیه شد تظاهرات گسترده‌ای علیه اسرائیل در شهرهای مختلف به راه انداختند. در تظاهرات ترک‌ها شعارهایی نظیر «اسرائیل قاتل»، «اسرائیل نازی» و «ارتش ترکیه به سوی بیت المقدس برو» به گوش می‌رسید. علاوه بر این مردم ترکیه خواستار تحریم کالاهای اسرائیلی و ملغی شدن توافقنامه‌های نظامی اسرائیل و ترکیه بودند.<sup>۳۲</sup> هفته‌ها پس از آتش بس، روابط این دو رژیم به طور روزافزونی رو به وخامت گرائید.

در ترکیه جریانهای اسلام‌گرا و جامعه هرچند مخالف جدی داشتن رابطه با اسرائیل نیستند؛ اما حملات اسرائیل علیه مردم فلسطین را به شدت محکوم می‌کنند که این مسأله بر روابط دو طرف تأثیرگذار بوده است. «در یک نظر سنجی در ترکیه نشان داده است که ۳۹/۲ فیصد مردم علاقه مند به مسأله فلسطین هستند و ۳۲/۴ فیصد هم تاحدودی علاقه مند اند. در مورد وظیفه ترکیه راجع به موضوع فلسطین ۱۵٪ معتقد اند که ترکیه باید حامی فلسطین باشد ۳۴/۵ فیصد معتقد اند که ترکیه باید بدون دخالت در جنگ آنها، از فلسطین حمایت کند و ۴٪ معتقد اند که از اسرائیل باید حمایت کند.»<sup>۳۳</sup> همچنین از موارد مهم تأثیرگذار بر روابط دو طرف این است که تمرینات نظامی که از سال ۲۰۰۱م. با موفقیت انجام می‌شد، در سال ۲۰۰۹ به تعلیق در آمد. اردغان علت آن را مسأله غزه عنوان کرد.<sup>۳۴</sup> همچنین در ۳۰ جنوری ۲۰۰۹م. در اجلاس مجمع جهانی داووس میان اردغان و شیمون پریز درگیر لفظی رخداد. اردوغان در این اجلاس به حملات اسرائیل بر غزه اعتراض کرد. اردوغان در این اجلاس، رئیس جمهور اسرائیل را به آدم کشی و جنایت متهم کرد. این واکنش اردوغان که به جنجال «ون مینوت» (یک دقیقه) مشهور شد در جامعه بین‌المللی، به خصوص نزد عرب‌ها بازتاب خوبی

داشت. اردوغان در این نشست خطاب به شیمون پرز گفت: «بالا رفتن صدای شما ریشه در احساس روانی گناه دارد. پای کشتار که وسط بیاید، شما خوب بلدید بکشید. من خوب می دانم که شما در سواحل چطور بچه‌ها را هدف می گیرید و می کشید». او سپس سالن کنفرانس را ترک کرد.<sup>۳۵</sup>

از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش ترکیه نیز با صدور بخشنامه‌ای که در آن از مدارس می خواست از دانش آموزان بخواهند به یاد کودکان فلسطینی یک دقیقه سکوت اختیار کنند، تا حدودی اسرائیلی‌ها را آزار داد. از سوی دیگر اسرائیل نیز به پخش برنامه پی در مدارس اسرائیل پرداخت که به نسل کشی آرامنه در جریان جنگ جهانی اول پرداخته شده بود. همچنین با پخش سریال «آیرلیق» در کانال تلویزیون تی.آر.تی ترکیه که در آن حملات اسرائیل به غزه به نمایش گذاشته شده بود، روابط طرفین تیره تر شد و بسیاری مقامات و سفرا و حتی مطبوعات اسرائیل به این مسأله اعتراض کردند. معاون وزیر خارجه اسرائیل، سفیر ترکیه در اسرائیل را به وزارت امور خارجه آن کشور احضار و وی را در پائین ترین مکان نشانند و پرچم ترکیه را روی میز خود قرار نداد. ترکیه این عمل را اهانت آمیز توصیف کرد.<sup>۳۶</sup>

بدین ترتیب حادثه حمله سربازان اسرائیل به کشتی ماوی مرمه (Mavi Marmara) حامل کمک‌های بشردوستانه به غزه تحت محاصره در آب‌های بین‌المللی در تاریخ ۳۱ می ۲۰۱۰ و کشته شدن ۱۰ تن از سرنشینان آن نیز میان دو کشور، عامل رکود دیگری در روابط دو کشور شد. ترکیه پس از این حادثه سفیر خود در تل ابیب را فراخواند از اسرائیل خواستار عذرخواهی و پرداخت ضمانت برای خانواده‌های قربانیان این حادثه و برداشت محاصره علیه غزه شده بود، اما به دلیل عدم اجابت اسرائیل روابط خود را با این کشور در کمترین حد قرار داده بود و تمام قراردادهای نظامی را به تعلیق در آورد.<sup>۳۷</sup> بدین سان ترکیه در جدیدترین سند امنیت ملی خود از «رژیم صهیونیستی به عنوان تهدید اصلی امنیت این کشور» نام برده است. این سند همچنین سیاست‌های رژیم صهیونیستی را عامل ایجاد بی‌ثباتی در منطقه دانسته است، روزنامه صهیونیستی هآرتص

مدعی است که این اقدام ترکها در ادامه سیاست‌های ضداسرائیلی انقره پس از حمله صهیونیست‌ها به کاروان آزادی است.<sup>۳۸</sup>

همچنان آقای اردوغان در دیدار خود با نیکولاس سرکوزی رئیس جمهوری فرانسه در پاریس گفت: «این اسرائیل است که تهدید اصلی برای صلح منطقه‌ای است» آقای اردوغان در این سفر به خبرنگاران گفت: اگر کشوری بیشتر از حد نیاز به قوه قهریه متوسل شود و علیه فلسطینی‌ها از بمب فسفری استفاده کند، ما به او آفرین نخواهیم گفت. بدین ترتیب بنیامین نتانیاها، نخست وزیر اسرائیل در پاسخ به سخنان آقای اردوغان، از «حملات مکرر ترکیه» علیه کشورش انتقاد کرد. همچنان آویگدور لیبرمن، وزیرخارجه اسرائیل در مواردی آقای اردوغان را به هوگو چاوز، رئیس جمهوری ونزوئلا و معمر قذافی، رهبر لیبی تشبیه کرده است.<sup>۳۹</sup>

همچنان مطابق گزارش رویترز، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه بیت المقدس را «خط قرمز» مسلمانان دانست و گفت به رسمیت شناختن آن به عنوان پایتخت اسرائیل، «نقض قوانین بین المللی» و «ضربه‌ای بزرگ به وجدان بشریت» است. بیسرائل کاتز وزیر اطلاعات اسرائیل در واکنش به تهدید رئیس جمهوری ترکیه در مورد احتمال قطع مناسبات فیما بین، در توئیتر خود نوشت: «ما از کسی نه دستور می‌گیریم نه از تهدیداتش می‌ترسیم؛ اسرائیل کشوری با حاکمیت ملی با پایتختی اورشلیم است؛ هیچ گامی عادلانه‌تر از این نیست که اورشلیم که سه هزار سال پایتخت ملت یهود بوده به عنوان پایتخت کشور اسرائیل به رسمیت شناخته شود». این وزیر اسرائیلی به طعنه در مورد رئیس جمهوری ترکیه افزود: «ایام سلاطین و امپراطوری عثمانی به سر آمده است».<sup>۴۰</sup>

همچنان رئیس جمهوری ترکیه در سخنانی تأکید کرد که کشورش علیه کسانی است که در کنار رژیم صهیونیستی ایستاده و از آن حمایت می‌کنند. به گزارش ایسنا، به نقل از سایت النشره لبنان، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در سخنانی در حضور روسای گروه‌های تشکیل دهنده حزب حاکم عدالت و توسعه تأکید کرد که کشورش در برابر جنایات رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی

فلسطین سکوت نخواهد کرد و انقره علیه کسانی است که در کنار این رژیم ایستاده و از آن حمایت می‌کنند. وی افزود: کسانی که گوششان را بر روی فریاد فلسطینی‌های آواره شده از خانه و کاشانه‌شان بسته‌اند و نسبت به تعرض به مسجدالاقصی بی تفاوت هستند، در واقع ارزش‌های خود را پایمال می‌کنند. اردوغان در ادامه ضمن هشدار به اروپا، گفت: آینده قاره کهن توسط نژادپرستی، اسلام ستیزی و افزایش خصومت‌ها علیه ترک‌ها در کشورهای اروپایی و تعدی‌هایی که یکی از مظاهر آن است، تهدید می‌شود و ترکیه همچنان بهترین نامزد برای دوستی در اروپا در تمامی بخش‌ها به شمار می‌رود.<sup>۴۱</sup> پس از سقوط صدام در عراق، نفوذ اسرائیل در شمال عراق و فعالیت‌های اقتصادی آنها باعث شد تا ترکیه در بهار ۲۰۰۴ م به انتقاد سخت از اسرائیل بپردازد. از یک سو همدردی ترکیه با فلسطینی‌ها، نزدیکی به ایران و سوریه، و از سویی دیگر نگاه نرم اسرائیل به کردها، باعث واگرایی هرچه بیشتر در روابط این دو کشور نسبت به گذشته شد.<sup>۴۲</sup>

در نتیجه ترکیه نگران بحران عراق و مسأله کرد است. بنابراین، حمایت از مردم فلسطین یکی از مواردی است که زمینه‌های بروز تنش را در روابط ترکیه و اسرائیل مساعد ساخته است. این تحول ناشی از سیاستی است که بر ساخته بی اجتماعی بوده و ریشه در هویت دینی، فرهنگی و تاریخی ترکیه دارد. این جهت گیری که در راستای ایجاد یک سیاست خارجی فعال اتخاذ گردیده و موضوع اشغال فلسطین و مظلومیت مردم آن را به صورت آشکار در نظر می‌گیرد، کاملاً مبنای سازه انگارانه دارد و در این چارچوب می‌توان آن را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

## ۲. بهبود و گسترش روابط با کشورهای عربی و اسلامی

یکی دیگر از جهت گیری‌های جدید هویت مدارانه دولت اسلام گرای حزب عدالت و توسعه که باعث تنش در روابط این کشور با اسرائیل شد، گسترش روابط با جهان اسلام مخصوصاً کشورهای عربی بود؛ زیرا تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، همواره در این کشور، اسرائیل، اروپا، آمریکا و در حالت کلی آن غرب از اولویت اول برخوردار بود. ولی بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت

و توسعه و با تعدیل سیاستهای این کشور، چرخشی چشمگیر نسبت به سیاستهای خاورمیانه‌ای انجام شد. نمود این تحرک را می‌توان در گسترش روابط ترکیه با کشورهای اسلامی و خاورمیانه مشاهده کرد. با وجود اینکه مؤسسان این حزب را اسلامگرایان تشکیل می‌دادند، همچنان بر سکولاربودن دولت و اصول پیشینی سیاست خارجی ترکیه که برگرفته از ایده کمالیسم بود، صحنه گذاشتند، ولی برای کسب جایگاه یک کشور مسلمان در منطقه خاورمیانه، توجه به سیاستهای منطقه‌یی را نیز مد نظر قرار داده و بر آن تاکید کردند.<sup>۴۳</sup>

این بزرگترین آزمون در روابط ترکیه با اسرائیل به شمار می‌رود. ترکیه به دیپلوماسی فعال منطقه‌یی و مذاکره با سران کشورهای عربی از جمله ایران، مصر، سوریه، اردن و عربستان سعودی پرداخت. این عملکرد دقیقاً در تضاد با رویکردی است که فلسفه وجودی اسرائیل را تشکیل می‌دهد. زیرا اسرائیل رژیم‌ی است که درصدد تسلط بر سرزمین‌های عرب و دستیابی به "اراضی موعود" سرزمینی از نیل تا فرات است و برای رسیدن به آن می‌کوشد تا مانع پیشرفت فرهنگی و تکنولوژیک کشورهای عرب شده و توان نظامی، اقتصادی و سیاسی آنها را درهم شکند تا هیچ قدرت عربی نتواند تهدیدش کند.<sup>۴۴</sup>

نکته جالب این است که با وجود انتقادات و اعتراضات ترکیه به اسرائیل به دلیل مسئله فلسطین، اسرائیل در بسیاری از مواقع سکوت را در پیش گرفته و سعی در کاهش تنش کرد. اما با نزدیک شدن ترکیه به اعراب در دولت اردوغان، تنش بین ترکیه و اسرائیل فزونی گرفت. توأم با این اردوغان اعلام کرد که روابط ترکیه با اسرائیل گسترش و توسعه می‌یابد و در این راستا مقامات عالیرتبه هر دو کشور نیز سفرها و ملاقات‌های داشتند. مانند سفر شاول مفاز وزیر دفاع اسرائیل، در ماه می ۲۰۰۳م و سفر رییس ستاد ارتش ترکیه به اسرائیل در جون ۲۰۰۳م. ملاقات اردوغان با آریل شارون در ماه می ۲۰۰۵م در اسرائیل و سفر عبدالله گل در ۳-۵ جنوری ۲۰۰۵م. به اسرائیل.<sup>۴۵</sup>

همچنان ترکیه در راستای رسیدن به اهداف خود در قالب هویت جدید تلاش کرد تا به خاورمیانه، اعراب و فلسطین نزدیک شود. «در دیدار خالد مشعل از ترکیه



در سال ۲۰۰۶م. سخنگوی دفتر نخست وزیر اسرائیل به شدت به این دیدار اعتراض داشت و اظهار کرد که این دیدار روابط ترکیه و اسرائیل را صدمه خواهد زد. همچنین گفت که این دیدار به مثابه این است که اسرائیل با عبدالله اجالان که در زندان به سر می‌برد، دعوت به مذاکره در اسرائیل کند. اما در این مورد عبدالله گل وزیر خارجه ابراز داشت که دعوت خالد مشعل به ترکیه برای راندن او به سمت تحقق صلح با اسرائیل صورت گرفته است و این یک مسئولیت بین المللی ترکیه است.<sup>۴۶</sup>

بنابراین، در روشنایی این رخدادها می‌توان گفت که ترکیه بعد از ۲۰۰۲م می‌خواهد با حفظ روابط خود با اسرائیل، همزمان مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش را با کشورهای اسلامی بیش از پیش توسعه بخشیده، هویت ملی، تاریخی و اسلامی خود را احیا، نماید. این دقیقاً در مخالفت با سیاستی قرار دارد که قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه به پیش برده می‌شد. به دیگر بیان، سیاست خارجی ترکیه همانند بیشتر کشورهای اسلامی بر اساس بنیادهای هویتی آن شکل گرفته است. مهمترین عناصر ساخت هویت ترکیه در فرهنگ ملی آن کشور در سه لایه متکثر مذهبی، ملی و تاریخی متجلی شده است. از تأثیر و تأثر این سه لایه هویتی، سیاست خارجی چند وجهی برای حزب عدالت و توسعه شکل گرفته است. یکی از مهمترین شاخص‌های گفتمانی حزب عدالت و توسعه گسترش روابط با کشورهای اسلامی باشد.

### نتیجه

از بررسی‌های انجام شده در این مقاله به دست می‌آید که هویت مبتنی بر نوع‌ثمانی‌گری، خواست اجتماعی جامعه ترکیه و سیاست‌گذاران آن پس از سال ۲۰۰۲م. می‌باشد. این هویت از نظر محتوا رقیب جدی کمالیسم یعنی هویت ترکیه قبل از سال ۲۰۰۲م. به شمار می‌رود. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، این هویت باعث تغییر در سیاست خارجی این کشور با اسرائیل شد و این تغییر، روابط این دو کشور را تحت الشعاع قرار داد. منفعت محوری و

مصلحت اندیشی مهمترین اصول این هویت هستند که در سطح داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی دنبال می‌شود.

اگرچه سیاست مبتنی بر این هویت از نظر اقتصادی تاحدی توانست ترکیه را به جایگاه بلندی ارتقا دهد، اما از نظر سیاسی و امنیتی، برای این کشور هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه‌ای چالش‌هایی ایجاد کرده است. مثلاً در سطح داخلی موجب دو قطبی شدن جامعه ترکیه و شکاف بین اسلام‌گراها و کمالیست‌ها شده است و در سطح منطقه‌یی باعث بروز تنش در روابط ترکیه با اسرائیل گردیده که از منظر سازه‌انگاری در سیاست خارجی خود اولویت‌های هویتی مخصوص به خود را دنبال می‌کند. سیاست هویت‌مدارانه ترکیه در قبال اسرائیل موجب شده تا این کشور به عنوان شریک مطمئن در دستگاه سیاست خارجی ترکیه پنداشته نشود. این رویه بیش از آنکه ناشی از عامل صرفاً مادی باشد موضوعی هویتی است. به این دلیل که اگرچه روابط استراتژیک دو کشور از رویارویی مستقیم تاکنون جلوگیری نموده است، اما در بعد بین‌المللی سیاست هویت‌مدارانه ترکیه موجب نگاه بدبینانه اسرائیل نسبت به این کشور شده است.

جهت‌گیری نوین ناشی از هویت جدیدی که ترکیه برای خود تعریف کرده؛ از منظر تحلیل سازه‌انگاری اسرائیل را در برابر آن قرار می‌دهد؛ زیرا این هویت در تضاد با هویت حاکم بر سیاست خاورمیانه‌ای اسرائیل قرار دارد. از این رو، کنش‌ها و واکنش‌های که در روابط و سیاست خارجی این دو کشور از سال ۲۰۰۲م. بدین سو صورت گرفته، متأثر از همین هویت است. موقف‌گیری‌های عصبانیت‌آمیز اردغان در برابر سیاست‌های عصیبت‌گرایانه رژیم صهیونیستی و متقابلاً انتقادات شدید رهبران این رژیم از ترکیه از سال ۲۰۰۲م بدین سو ناشی از همین نوع نگرش است.

واکنش شدید اردغان نسبت به کشته شدن شیخ احمد یاسین رهبر حماس در ۲۴ مارچ ۲۰۰۴م. و تروریست خواندن کشور اسرائیل، دعوت از خالد مشعل رهبر حماس به ترکیه در سال ۲۰۰۶م. و به رسمیت شناختن این جنبش، انتقاد شدید ترکیه در مقابل حملات اسرائیل در ۱۲ جولای ۲۰۰۶م. به لبنان و در ۲۷ دسامبر

۲۰۰۸ م. به نوار غزه و متهم نمودن اسرائیل به جنایت علیه بشریت در واکنش به کشتن فلسطینی‌ها، حمله شدید اردغان علیه شیمون پریز در نشست اقتصادی داووس سوئیس در ۲۰۰۹ م. و ترک نشست به نشانه اعتراض. همچنان گنجاندن نام اسرائیل به عنوان اصلی‌ترین تهدید در سند امنیت ملی ترکیه، تظاهرات ضداسرائیلی در خیابان‌های ترکیه و شعارهایی نظیری «اسرائیل قاتل»، «اسرائیل نازی» و «ارتش ترکیه به سوی بیت المقدس برو» و درخواست تحریم کالاهای اسرائیلی و ملغی شدن توافقنامه‌های نظامی اسرائیل و ترکیه. بدین سان پخش سریالی ضد اسرائیل در مدارس ترکیه و دعوت از دانش‌آموزان برای یک دقیقه سکوت به یاد از کودکان فلسطین، متقابلاً پخش سریال دیگر در مدارس اسرائیل که موضوع نسل‌کشی ارمنه در جریان جنگ جهانی اول را به نمایش می‌گذاشت. احضار سفیر ترکیه از طرف وزارت خارجه اسرائیل در پاییز سال ۲۰۰۹ م و اوایل سال ۲۰۱۰ م. و اهانت به وی. کشتن ۹ نفر از سرنشینان کشتی ماوی مرمه که به مقصد بشردوستانه به غزه فرستاده شده بود توسط اسرائیل در ماه می ۲۰۱۰ م. اعتراض شدید اسرائیل نسبت به دیدار خالد مشعل از ترکیه و... این همه نمونه‌ها ناشی از هویت جدیدی است که بر روابط این دو کشور حاکم است.

لُبُّ کلام این که هویت نوعثمانی‌گری به عنوان یک مدل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ترکیه در بلندمدت باعث بروز تنش در روابط سیاسی این کشور با اسرائیل و بالتبع زمینه‌ساز کاهش یا قطع مناسبات اقتصادی میان دو کشور خواهد شد.

- ۱- مشیرزاده، حمیرا، حیدرعلی مسعودی، «هویت و حوزه های مفهومی روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، تهران، ۱۳۸۷ هـ، ص ۲۵۴.
- ۲- ونت، الکساندر، «نظریه اجتماعی سیاست بین الملل»، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۴ هـ، ص ۲۳.
- ۳- برگر، پترل. و توماس الکنن، ساخت اجتماعی واقعیت (رساله یی در جامعه شناسی شناخت). ترجمه: فریبرز مجیدی. ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ هـ، ص ۳۸۴.
- ۴- قهرمانپور، رحمن، هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، ناشر: روزنه، تهران، ۱۳۹۴ هـ، ص ۱۲۳.
- ۵- چگینی زاده، غلام علی و خوش اندام، بهزاد، «تعامل و تقابل پیرامون گرایی و غربگرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵، تهران، ۱۳۸۹ هـ، ص ۵۴.
- ۶- دانش نیا، فرهاد، قدرت احمدیان، هاشمی، مسعود، «هویت تاریخی نو عثمانی گرایی و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)، سال دوم، شماره هفتم، تهران، ۱۳۹۲ هـ، ص ۳۲.
- ۷- اقبال، اسماعیل، «فرایند تحول در جریان اسلام گرایی در ترکیه: از آرمان گرایی تا عمل گرایی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۰، شماره ۱، ایران، ۱۳۹۲ هـ، ص ۶۵.
- ۸- امیدی، علی و رضایی، فاطمه، «عثمانی گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه روابط خارجی ایران، سال سوم، شماره سوم، پاییز، تهران، ۱۳۹۰ هـ، ص ۲۳۵.

۹- گوهری مقدم، ابوزر، مددلو، رامین، «ریشه‌های عثمانیگرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان، تهران، ۱۳۹۵هـ، ص ۱۲۷.

۱۰- داوداوغلو، احمد، عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی. ترجمه: محمدحسین نوحی نژاد ممقانی. ناشر: انتشاراتامیرکبیر، تهران، ۱۳۹۱هـ، ص ۸۹.

۱۱- واعظی، محمود، «سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه»، گردآوری شده توسط حسین نقدی نژاد. ناشر: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۸۷هـ، ص ۸۷.

12 -Taspinar, Omer (2012). *Turkey; the new model? From the book, theIslamists Are coming: who they Really Are, c-* published by the Wilson center and the U.S. institute of peace April.p 192.

۱۳- جعفری، علی اکبر، منافع استراتژیک واتحاد آمریکا-اسرائیل، ناشر: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۹هـ، ص ۲۳.

۱۴- کوزه‌گر، ولی، «پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور». ناشر: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی. مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۸۶هـ، ۱۷۹.

۱۵- اقبال، اسماعیل، «فرایند تحول در جریان اسلام‌گرایی در ترکیه: از آرمان‌گرایی تا عمل‌گرایی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۰، شماره ۱، ایران، ۱۳۹۲هـ، ص ۸۷.

۱۶- چگینی زاده، غلام علی و خوش اندام، بهزاد، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵، تهران، ۱۳۸۹هـ، ص ۹۸.

۱۷- سیف‌الدینی، سالار، نوکمالیسم در برابر نوع‌ثمانی‌گری؛ آینده سیاسی ترکیه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۲۵، قابل دسترس به

نشانی: <https://www.peace-ipsc.org/fa> ۱۳۹۱/۹/۱۰

- ۱۸- امیددی، رضایی ۱۳۹۰: ۱۱.
- ۱۹- حسینی، سیده مطهره و دیگران، «اتحادیه اروپا در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، تهران، ۱۳۹۱، هـ، ۲۶.
- ۲۰- داوداوغلو، ۱۳۹۹: ۹۵-۹۶.
- ۲۱- سیف الدینی، ۱۳۹۱.
- ۲۲- ملاکی، محمدحسین، گفتمان نوعثمانی گری و تشدید تقابل ترکیه و اسرائیل، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۱۹، قابل دسترس به نشانی:  
<https://www.Malakihasan.blog.fa.com/post..۱۳۹۲/۲/۱۱>
- ۲۳- یاووز، هاکان، «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه»، ترجمه: احمدعزیزی، ناشر: نشر نی، تهران، ۱۳۸۹، هـ، ص ۳۶۶.
- ۲۴- گوهری مقدم ۱۳۹۵: ۱۳۱.
- ۲۵- افتخاری، اصغر، بابایی، ابوالفضل، «تحلیل عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی رژیم صهیونیستی»، (با تأکید بر نظریه جیمز روزنا)، جستارهای سیاسی معاصر، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره سوم، پاییز، تهران، ۱۳۹۷، هـ، ص ۶۱.
- ۲۶- سویدان، دایره المعارف مصور تاریخ یهودیت و صهیونیسم، ناشر: سایان، چاپ پنجم، ۱۳۹۰، هـ، ص ۲۵۰.
- ۲۷- اسلامی، محسن، سیاست خارجی اسرائیل، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۹۳، هـ، ص ۲۵.
- ۲۸- حاجی یوسفی، امیرمحمد، همت ایمانی، «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن بر ایران»، فصلنامه روابط خارجی ایران، سال سوم، شماره دوم، تهران، ۱۳۹۰، هـ، ص ۱۰.

<sup>۲۹</sup>- مرکز مطالعات و هم‌اندیشی زیتونه- بیروت، تحقیقات راهبردی- ترکیه و مسئله فلسطین، ۱۳۹۰ هـ تاریخ دسترسی: ۲۷ / ۸ / ۱۳۹۸، قابل دسترس به نشانی:

<https://www.isrjournals.com/fa/special-articles/farsi/1231>.

<sup>۳۰</sup>- حاجی یوسفی، امیرمحمد، همت ایمانی، «تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن بر ایران»، فصلنامه روابط خارجی ایران، سال سوم، شماره دوم، تهران، ۱۳۹۰ هـ، ص ۱۱.

<sup>۳۱</sup>-Bengio, Ofra. 2009. "Turkey and Israel in the Aftermath of the Gaza War Relations at a Crossroad?", *TEL AVIV NOTES*, February 8, 2009.

<sup>۳۲</sup>- گوهری مقدم ۱۳۹۵ هـ: ۱۳۴.

<sup>۳۳</sup>-Bacik, Gokhan. 2001. "THE LIMITS OF AN ALLIANCE:TURKISH- ISRAELI RELATIONS REVISITED". *Arab Studies Quarterly (ASQ)*, Volume 23, Number 3 Summer , 49, pp.49-63.

<sup>۳۴</sup>- حاجی یوسفی، امیر محمد، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱م)» ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴ هـ، ص ۸۶-۸۷.

<sup>۳۵</sup>- پژوهشسرای دانش آموز، درگیری لفظی اردوغان و شیمون پرز در اجلاس داووس ۲۰۰۹. تاریخ دسترسی: ۱۶ / ۸ / ۱۳۹۸، قابل دسترس به نشانی: ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۸۷ هـ

<https://www.bonab-research.blogfa.com/post/31-12/11/1398>.

<sup>۳۶</sup>- اعتماد: روابط ترکیه و اسرائیل در بدترین شرایط، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۸۷ هـ، تاریخ دسترسی: ۱۳ / ۸ / ۱۳۹۸، قابل دسترس به نشانی:

<https://www.magiran.com/article/۱۸۰۴۲۷۵/>

<sup>۳۷</sup>-TRT، سیر تحول روابط ترکیه و اسرائیل؛ تاریخ دسترسی: ۲۰ / ۸ / ۱۳۹۸، قابل

دسترس به نشانی: <https://www.trt.net.tr/persian/> ۲۸ / ۶ / ۲۰۱۶

<sup>۳۸</sup>- مهر، سند امنیت ملی ترکیه رژیم اسرائیل را اصلی ترین تهدید این کشور دانست، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۲۴، قابل دسترس به نشانی: ۸ عقرب

<https://www.mehrnews.com/news> ۱۳۸۹هـ

<sup>۳۹</sup>- بی بی سی، ترکیه: اسرائیل تهدید اصلی برای صلح در منطقه است، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۱۸، قابل دسترس به نشانی: ۳۱ جنوری ۲۰۱۰ - ۱۱

<https://www.bbc.com/Persian/بهن>

<sup>۴۰</sup>- رادیوفردا، تهدید اردوغان به قطع رابطه با اسرائیل در ارتباط با مسئله بیت المقدس؛ ۱۶ قوس/۱۳۹۶هـ، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۸/۱۴، قابل دسترس به نشانی:

<https://www.radiofarda.com/a/erdogan-threatens-cutting-ties->

<sup>۴۱</sup>- ایسنا، اردوغان: ترکیه علیه کسانی است که از اسرائیل حمایت کند، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۹/۱۲، قابل دسترس به نشانی: ۵ جوزا ۱۳۹۸هـ،

<https://www.isna.ir/news>

<sup>۴۲</sup>- Kibaroglu, Mustafa. 2005. "Clash of Interest Over Northern Iraq Drives Turkish Israeli Alliance to a Crossroads", *MIDDLE EAST JOURNAL*, VOLUME 59, NO. 2, SPRING, pp.246-264.

<sup>۴۳</sup>- فضلی خانی، اکرم، «سیاست خارجی ترکیه در قبال بیداری اسلامی در جهان عرب» (مطالعه موردی: مصر، تونس و لیبی)، پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد، ناشر:

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۹۱هـ، ۱۰۷.

<sup>۴۴</sup>- زیسر، آیل، «سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح»، گروه تحقیق و بررسی مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، فصلنامه خاورمیانه، شماره ۵،

تهران، ۱۳۷۴هـ، ص ۵۰۵.

<sup>۴۵</sup>- Murinson, Alexander. 2006. "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy", *Middle Eastern Studies*, Vol. 42, No:6, November.

<sup>۴۶</sup>- جعفری، ۱۳۹۰: ۴۳.



خبرندوی عبدالخالق فردوس

د ایران او اذربایجان د سیاسی اړیکو څرنگوالی

## **The Nature of Political Relations between Iran and Azerbaijan**

Researcher Abdul Khaliq Ferdaus

### **Abstract**

Azerbaijan got independence soon after the collapse of Soviet Union in 1991 and strived to find a place in the global structure. In addition to Iran Azerbaijan established diplomatic ties with many other countries of the world and raised as independent country at international level. At the same year it was recognized as independent state by Iran, but the diplomatic relations between the two countries established a year later. Azerbaijan and Armenia fought with each other during Abo Fazal Elchbik government, at that time Azerbaijan maintained close relations with the United State of America; however Iran took the side of Armenia and supported that country in various ways. So such actions have damaged the relations between two countries. When Haider Aliyev reached to power in Azerbaijan, he paid attention to Iran and improved relations up to some extent. In 2003 the relations between two states further improved while Elham Aliyev came in to power and reduced cooperation with Israel, but in second term of his presidency Azerbaijan acquired some weapons from Israel which negatively affected the relations. At the present, relations between the two states look good, but the root causes of the strained relation still exist.

## لنډیز

پر ۱۹۹۱ ز. کال د شوروي اتحاد له منځه تلو سره سم اذربایجان خپلواکي ترلاسه کړه او هڅې یې پیل کړې چې په نوي نړیوال نظام کې ځان ته ځای پیدا کړي، پر ایران سربېره یې د نړۍ له نورو هېوادونو سره ډیپلوماتیکې اړیکې رامنځ ته کړې او په نړیواله کچه د یوه خپلواک هېواد په توګه را ښکاره شو، په همدې کال اذربایجان د ایران له لوري په رسمیت وپېژندل شو، خو د دواړو هېوادونو ترمنځ ډیپلوماتیکې اړیکې له یادې نېټې یو کال وروسته رامنځ ته شوې، په اذربایجان کې د ابوفضل ایلچي بیګ د حکومت پرمهال د دغه هېواد او ارمنستان ترمنځ جګړه وشوه، دغه مهال اذربایجان له امریکا متحده ایالاتو سره نږدې اړیکې ټینګې کړې، چې مقابل کې یې ایران د ارمنستان لوری ونیوه او په بېلابېلو برخو کې یې ورسره مرستې وکړې، په متقابل توګه دې کړنو د دواړو هېوادونو اړیکې ترینګلې کړې، خو کله چې په اذربایجان کې حیدر علي اوف واک ته ورسېد د نورو هېوادونو ترڅنګ یې ایران ته هم پاملرنه وکړه او د دواړو هېوادونو اړیکې تر یوه حده ښې شوې، خو کله چې په ۲۰۰۳ ز. کال کې الهام علي اوف واک ته ورسېد، په لومړۍ دوره کې یې ایران سره اړیکې ښې وې، ځکه چې هغه په خپله لومړۍ دوره کې له اسرائیلو سره خپلې همکارۍ کمې کړې، خو د واکمنۍ په دوهمه دوره کې، کله چې اذربایجان له اسرائیلو څخه ځېنې جنګي وسایل وپېرل، د ایران او اذربایجان پر اړیکو یې منفي اغېز وکړ، اوسمهال د دواړو هېوادونو اړیکې په نمایشي ډول ښې دي، خو د اړیکو د ترینګلتیا بنسټیز لاملونه یې لا تر اوسه شته دي.

## سریزه

څرنګه چې ایران او اذربایجان د یو بل ګاونډیان دي او یو له بل سره ګډه پوله لري، نو کېدای شي چې د یو بل متحد هېوادونه یا لږ تر لږه د ښه ګاونډیتوب اړیکې ولري. ایران په نړۍ کې ستر شيعه مذهبه هېواد دی او د دغه مذهب پلوه روحانیونو له لوري اداره کېږي، ایران هڅه کوي، خپل مذهبي پیغامونه نورې نړۍ ته ولېږدوي ترڅو له ځان سره هم مذهبه بهرني ملګري ولري، اذربایجان له ایران

وروسته په نړۍ کې دوهم ستر شیعیه مذهبه هېواد دی، په ایران کې د مېشتو اذربایانو شمېر په اذربایجان کې د ټولو مېشتو اذربایانو له شمېر څخه ډېر دی؛ سربیره پر دې دواړه هېوادونه تاریخي مشترکات هم لري، ځکه چې اذربایجان د تزاري روسیې او ایران ترمنځ د گلستان د تړون ۱۸۱۳ ز. کال او ترکمانچای د تړون ۱۸۲۸ ز. کال د مخه د محلي خانانو له لوري اداره کېده او د ایران د مرکزي حکومت تابع و. له دې تړونونو وروسته اذربایجان په دوه برخو وویشل شو چې یوه برخه یې په ایران پورې و تړل شوه چې اوس هم هلته اذربایان هستوگنه کوي او بله برخه یې په روسیې پورې و تړل شوه، چې بالاخره د شوروي اتحاد پرمهال د دې اتحاد په یوه کور واکه جمهوریت بدل شو او د شوروي اتحاد له ړنګېدو وروسته یې خپلواکي ترلاسه کړه او پر ایران سربیره یې نورو هېوادونو سره ډیپلوماتیکې اړیکې پیل کړې.

### د څېړنې موخه

د دې څېړنې موخه داده چې د اذربایجان او ایران سیاسي اړیکې روښانه شي.

### د څېړنې اهمیت

ایران د سویلي قفقاز هېوادونو په ځانګړي توګه د اذربایجان ګاونډی هېواد دی او یو له بل سره مذهبي، قومي او تاریخي مشترکات لري. ایران هڅه کوي چې په دې سیمه کې د نورو هېوادونو ملاتړ ترلاسه کړي، چې یو له دغو هېوادونو څخه د اذربایجان جمهوریت دی، چې د ایران د سیاسي نظام پر خلاف سیکولر نظام او له امریکا متحده ایالاتو او اسرائیلو سره نږدې اړیکې لري؛ دا چې پر ځینو مشترکاتو سربیره د ایران او اذربایجان اړیکې ترینګلې دي؛ نو د دې څېړنې پر اساس به یې دلایل روښانه شي؛ نو ویلای شو چې د دغو هېوادونو د ترینګلو اړیکو د دلایلو روښانه کول، د دې څېړنې اهمیت په ګوته کوي.

### د څېړنې پوښتنه

د اذربایجان له خپلواکۍ راهیسې د اذربایجان او ایران سیاسي اړیکې څه ډول

وې او اوس څرنگه دي؟

## د خپرنې فرضیه

داسې فکر کېږي چې د ایران او اذربایجان د اړیکو د ترینګلتیا اساسي لاملونه نه دي حل شوي او د دواړو هېوادونو د سیاسي اړیکو پر پراختیا یې ژوره اغېزه کړې ده.

## د خپرنې مېتود

دغه خپرنه له تشریحی - تحلیلي مېتود څخه په ګټې اخیستنې ترسره شوې.

## د ابو فضل ایلچي بیګ د حکومت پرمهال د اذربایجان او ایران

### سیاسي اړیکې (۱۹۹۲-۱۹۹۳ ز. کال)

اذربایجان د ۱۹۹۱ ز. کال د اکتوبر پر ۱۸ مه نېټه د شوروي اتحاد له لمنځه تلو وروسته خپلواکي ترلاسه کړه<sup>۱</sup> او د همدغه کال د ډسمبر میاشتې پر ۲۵ مه نېټه د ایران له خوا په رسمیت و پېژندل شو، د دواړو هېوادونو ترمنځ ډیپلوماتیکې اړیکې د ۱۹۹۲ ز. کال د مارچ میاشتې پر ۱۲ مه نېټه پیل شوې، په همدې مهال ایران خپله هغه قونسلګري چې پر ۱۹۶۹ ز. کال یې د شوروي اتحاد پر مهال د اذربایجان په پلازمېنه باکو کې پرانېستې وه، په ۱۹۹۲ ز. کال یې د سفارت کچې ته پورته کړه او د اذربایجان په نخجوان ښار کې یې قونسلګري پرانېسته، همدارنګه اذربایجان په ۱۹۹۲ ز. کال په تهران کې خپل سفارت پرانیست.<sup>۲</sup> د سیاسي، اقتصادي او فرهنګي اړیکو د پیاوړتیا په موخه تر ټولو اساسي ټکی د یوه دولت په رسمیت پېژندنه او ورسره د اړیکو ټینګول دي، د هېوادونو ترمنځ په متقابل توګه د سفارتونو او کونسلګریو جوړول، پر یو بل د اعتماد او باور فضا د رامنځ ته کېدو سربېره د دولتونو ترمنځ د هر اړخیزو اړیکو د پیاوړتیا لپاره فرصتونه برابروي.

اذربایجان او ایران یو بل ته عادي هېوادونه نه ګڼل کېږي، تر ټولو لومړی ایران د اذربایجان سویلي ګاونډی هېواد شمېرل کېږي، دواړه هېوادونه یو له بل سره ۶۱۸ کیلو متره ځمکنۍ او د کسپین په سمندر کې سمندري ګډه پوله لري، سربېره پر دې دا هېوادونه ګډ خپلمنځي ارزښتونه او د کلتور ځینې ګډ عناصر لري.

اذربایجان په نړۍ کې له ایران وروسته دوهم ستر شيعه مذهبه هېواد دی، په اسلامي او سیمه ییزو سازمانونو لکه: د اسلامي هېوادونو کنفرانس سازمان او ایکو کې د دواړو هېوادونو غړیتوب د دوی لپاره د نږدې کېدو نښه گڼل کېږي.<sup>۳</sup> د بین المللي اړیکو د پراختیا لپاره گډه پوله، کلتوري ارزښتونه او په نړیوالو سازمانونو کې غړیتوب ډېر مهم گڼل کېږي، ځکه همدا لاملونه دي چې د هېوادونو گټې سره شریکوي او هېوادونه د خپلو گټو ترلاسه کولو لپاره یو له بل سره همکاري کوي. که څه هم ایران او اذربایجان ډېر مشترکات لري، چې ډېر مهم یې مذهبي اړخ دی، خو یو ټکی چې دلته د یادونې وړ دی هغه دادی چې د اذربایجان حکومت غیر دیني (سیکولر) دی<sup>۴</sup> او د ایران حکومت دیني او مذهبي اړخ لري، دغه موضوع د دغو هېوادونو ترمنځ د اړیکو په ترینګلتیا کې اساسي رول لري، ځکه چې په اذربایجان کې شخصي ازادې له ایران زیاته ده او ډېر ایرانیان د راحت ژوند او سیاحت په موخه، په ځانگړې ډول په ایران کې مېشت اذربایجان ته سفر کوي، چې پر اساس یې له یوې خوا د اذربایجان فرهنگ ایران کې نفوذ کوي او د اذربایجان ترمنځ (په اذربایجان کې مېشت اذربایجان او ایران کې مېشت اذربایجان) د بیوالي روحیه زیاتوي.

کله چې د ۱۹۲۲ ز. کال په ټاکنو کې ابوفضل ایلچي بیگ د اذربایجان د ولسمشر په توګه وټاکل شو، لوېدیځ او په ځانگړې توګه د امریکا متحده ایالاتو لور ته یې ډېره پاملرنه وکړه.<sup>۵</sup> نوموړي د ایران حکومت په ایران کې د اذري مېشتو قومونو د حقوقو په نه ورکړې تورن کړ، نو ځکه ایران هغه مهال د ارمنستان ترڅنګ ودرېد او ارمنستان ته یې اقتصادي مرستې واستولې او په دې سره یې د قره باغ په جگړه کې له ارمنستان سره همکاري وکړې.<sup>۶</sup>

داسې فکر کېږي چې لوېدیځ ته د ایلچي بیگ ډېره پاملرنه د دې لپاره وه ترڅو په سیمه کې د روسیې او ایران له نفوذ څخه ځان خلاص کړي، دا داسې مهال و چې له یوې خوا اذربایجان تازه له پخواني شوروي اتحاد څخه خپلواکي اخیستې وه او له بلې خوا په سیمه کې د ایران اسلامي انقلاب بریالي کېدل د سیمې او ایران

ګاونډیو هېوادونو اندېښنې را پارولې وې، دوی په دې فکر کې شول چې د ایران د اسلامي انقلاب رېښې به ورته ولېږدول شي، اذربایجان چې له ایران وروسته په نړۍ کې دوهم ستر شیعیه مذهبه هېواد دی تر نورو ګاونډیو هېوادونو یې دا اندېښنه لا ډېره وه، د اذربایجان دغه اندېښنه د شوروي اتحاد له را پرځېدو او د یو خپلواک اذربایجان له رامنځ ته کېدو وروسته نوره هم زیاته شوه، نو ځکه یې د روسیې د پخواني نفوذ د بیا را ژوندي کېدو د مخنیوي او د ایران د اسلامي انقلاب د اغېزو د مخنیوي په موخه لوېدیځ او د امریکا متحده ایالاتو ته پاملرنه زیاته کړه، چې دا کار د مسکو او تهران لپاره یو ګواښ ګڼل کېده؛ له بلې خوا ایران د فشار د یوې وسیلې ترلاسه کولو په موخه د اذربایجان له ګاونډي هېواد ارمنستان سره چې د قره باغ سیمې پر سر ورسره تاریخي شخړه لري همکاري پیل کړه، خو دغو فشارونو د ایران پر وړاندې د اذربایجان د بهرني سیاست په نرمولو کې مرسته ونه کړه، نو ځکه د ایلچي بیګ د ولسمشرۍ په دوره کې د دواړو هېوادونو اړیکې سړې شوې. پر دې سربیره ایران له دې هم وېره درلوده که چیرې اذربایجان د قره باغ په جګړه کې د ارمنستان پر وړاندې بریالی شي، نو د واحد اذربایجان رامنځ ته کېدو لپاره به زمینه مساعده شي.

پر دې سربیره، د ایلچي بیګ د حکومت پرمهال نوموړي هڅه کوله چې شمالي او سویلي اذربایجان سره یوځای کړي، له سویلي اذربایجان څخه یې موخه د ایران اذري مېشته ښارونه وو، چې د ایران ۲۴ سلنه نفوس پکې هستوګنه لري.<sup>۷</sup> د ایلچي بیګ د حکومت پرمهال نوموړي ویلي وو: هر ځای کې چې اذربایجان هستوګنه لري سفر وکړئ او هلته تبلیغ وکړئ، په ځانګړي ډول د ایران اذربایجان ته او د اذربایجان یوه واحده نقشه رسمه کړئ، موږ ته توپیر نه کوي چې په باکو کې اوسېږو یا تبریز کې زموږ موخه د یو واحد اذربایجان رامنځ ته کول دي. د هغه د حکومت پرمهال د واحد اذربایجان نقشې رسم شوې او په درسي کتابونو کې ځای پرځای شوې.<sup>۸</sup> د ایلچي بیګ له خوا دا ډول هڅې د دواړو هېوادونو د اړیکو د سړېدو لامل شوې، ځکه دا هغه هڅې دي چې د واحد اذربایجان د رامنځ ته کېدو لپاره ګټورې

تمامېري، د واحد اذربایجان رامنځ ته کېدل او دغه هېواد ته د خپلې خاورې بېرته سپارل ایران ته هېڅکله هم د منلو وړ نه دي.

سویلي اذربایجان چې اوسمهال د ایران تر ولکې لاندې دی او ټول وگړي یې اذریان دي؛ اذربایجان هڅه کوي چې دا سیمه بېرته ترلاسه کړي، ترڅو ټول اذریان چې گډه ژبه، تاریخ او کلتور لري د یوه بیرغ تر چتر لاندې ژوند وکړي، د شمالي اذربایجان (د اذربایجان جمهوریت) وگړي سویلي اذربایجان (د ایران تر ولکې لاندې اذربایجان) ته د یوه زندان په سترگه گوري. ایران ته د شمالي او سویلي اذربایجان یوځای کېدل او یا په خپلواکه توگه د جنوبي اذربایجان رامنځ ته کېدل د منلو وړ نه ده، نو ځکه په دې سیمه ډېر جدي کنټرول لري او نه پرېږدي چې دا سیمه (جنوبي اذربایجان) یې له لاسه ووځي. دغه فکتور د دواړو هېوادونو د اړیکو په ترینګلتیا کې اساسي رول لري. په دې اړه د ایران اندېښنه له هغه مهال لایزاته شوه، کله چې د دوهم نړیوال جنگ پرمهال په سویلي اذربایجان کې د شوروي اتحاد په مرسته د اذربایجان ملي حکومت رامنځ ته شو، چې مشري یې جعفر پشوازی ته سپارل شوې وه، خو دا حکومت له ایران څخه د شوروي پوځیانو له وتلو وروسته له ماتې سره مخامخ شو.<sup>۹</sup>

## د حیدر علي اوف د حکومت پرمهال د اذربایجان او ایران سیاسي اړیکې (۱۹۹۳-۲۰۰۳ ز. کال)

په ۱۹۹۳ ز. کال کې حیدر علي اوف د اذربایجان د ولسمشر په توگه و ټاکل شو.<sup>۱۰</sup> د نوموړي د حکومت پرمهال د دواړو هېوادونو ترمنځ ستونزې تر یوې کچې کمې شوې.<sup>۱۱</sup> نوموړی چې تر ۲۰۰۳ ز. کال پورې یې دوه ځله د اذربایجان د ولسمشر په توگه دنده ترسره کړې، پنځه ځله ایران ته سفرونه وکړل.<sup>۱۲</sup> په همدې دوره کې د ایران د هغه مهال ولسمشر اکبر هاشمي رفسنجاني اذربایجان ته یو ځل سفر کړی دی.<sup>۱۳</sup> فکر کېږي چې هغه مهال د اذربایجان د ولسمشر له لوري ایران ته د ډېرو سفرونو موخه د نورو هېوادونو ترڅنګ دغه هېواد ته پاملرنه کول او ورسره

د ښو اړیکو جوړول و، خو له اسرائیلو او امریکا سره د اذربایجان د اړیکو درلودل هغه دوه نیوکې وې، چې هم د ایران د دولت او هم په دغه هېواد کې د فکري بهیرونو له لوري مطرح کېدې. د دغو نیوکو په اړه باید وویل شي چې هر هېواد په خپلواکه توګه د بهرني سیاست په برخه کې د پربکړې بشپړ واک لري او نور هېوادونه باید ورته درناوی وکړي.

په ۲۰۰۱ ز. کال کې چې د حیدر علی اوف د حکومت دوهمه دوره وه، د دواړو هېوادونو اړیکې یوځل بیا د پخوا په څېر ترینګلې شوې، دغه مهال د اذربایجان یوه جیو فزیکل (geophysical vessel) بېړۍ، چې د کسپین د سمندر د تېلو په یوه ساحه کې یې د زلزلې اړوند چارې څارلې، د ایران د پوځي بېړیو له لوري وګواښل شوه او هماغه مهال د اذربایجان هوايي حریم د ایران له لوري تر پښو لاندې شو، په مقابل کې یې د اذربایجان دولت په دغه هېواد کې د هغو اسلامپالو په نیولو لاس پورې کړ چې تر شا یې د ایران ملاتړ و، او ایران یې پر وړاندې له ارمنستان سره خپلې دوستانه اړیکې لا پسې پراخې کړې.<sup>۱۴</sup>

## د الهام علي اوف د حکومت پرمهال د اذربایجان او ایران سیاسي اړیکې

له حیدر علی اوف وروسته د هغه زوی الهام علی اوف په ۲۰۰۳ ز. کال د اذربایجان د ولسمشر په توګه و ټاکل شو، چې تر اوسه د دغه هېواد چارې پرمخ وړي، نوموړي د خپلې واکمنۍ په پیل کې ایران ته ځانګړې پاملرنه وکړه، د علي اوف د حکومت پرمهال د دواړو هېوادونو اړیکې تر یوې کچې عادي حالت ته وګرځېدې، په دغه مهال اذربایجان له اسرائیلو سره خپلې همکارۍ کمې کړې او د ملګرو ملتونو په سازمان کې یې د ایران د اتومي پروګرام په اړه د دغه هېواد په ګټه رایه وکاروله، په مقابل کې یې ایران د قره باغ په اړه له ارمنستان سره همکارۍ ودرولې او د اذربایجان له جغرافیوي قلمرو څخه یې ملاتړ اعلان کړ.<sup>۱۵</sup> د اذربایجان او ایران پورتنۍ کړنې د دې لامل شوې چې یو د بل پر وړاندې د دواړو هېوادونو باور پیاوړی شي او په دوه اړخیزه توګه خپل بهرني سیاستونه نرم کړي.



اذربایجان پر ۲۰۰۴ ز. کال په تبریز کې کونسلگری پرانېسته<sup>۱۶</sup> د دواړو هېوادونو د بهرنیو سیاستونو د نرم والي پایله همدا شوه، چې ایران په تبریز کې د اذربایجان د کونسلگری له جوړېدو سره هوکړه وکړه، اذربایجان دا غوښتنه له ډېر پخوا کوله، ځکه چې د تبریز ښار کې اذربایجانیان هستوگن دي، په اذربایجاني ژبه خبرې کوي او فرهنگ یې هم له اذربایجانیانو سره یوشان دی، اذربایجان د خپلواکۍ له ترلاسه کولو وروسته هلې ځلې کولې ترڅو په دې ښار کې خپله کونسلگری پرانېزي؛ خو د دې لپاره چې ایران په خپل هېواد کې د اذربایجان د نفوذ د پراختیا مخه ډب کړي د کونسلگری له پرانېستلو سره یې هوکړه نه کوله.

کله چې اذربایجان په ۲۰۱۱ ز. کال له اسرائیلو څخه د یو اعشاریه شپږ میلیونه ډالرو په ارزښت بې پیلوټه الوتکې او ډرون وپلورلې، له ایران سره یې سیاسي اړیکې ترینګلې شوې او په دې اړه د ایران اندېښنې را پورته شوې، د اذربایجان حکومتي چارواکو وویل چې دا وسلې یې د ایران پر ضد نه، بلکې د ارمنستان پر وړاندې د گټې اخیستنې په موخه ترلاسه کړي دي. په داسې حال کې چې له دې وسلو څخه یې ځینې داسې وسلې دي چې د ارمنستان پر وړاندې د استفادې وړ نه دي. د بېلگې په توګه د بېړۍ ضد مزایل چې یوازې د اذربایجان له خوا د کسپین په سمندر کې د گټې اخیستنې وړ دي او د اس - ۳۰۰ د مزایلو ضد سیستم په ډېره ستونزمنه توګه د ارمنستان پر وړاندې د گټې اخیستنې وړ دی.<sup>۱۷</sup>

داسې ښکاري چې اذربایجان د ایران پر وړاندې د شونې راتلونکې جګړې لپاره چمتووالی نیسي، اذربایجان د دې لپاره هم چمتووالی نیسي، که چېرې د امریکا - ایران یا د اسرائیلو - ایران جګړه نښلي، نو د دې لپاره چې اذربایجان د اسرائیلو او امریکا نږدې ملګری هېواد دی او له دې احتمالي جګړو زیان ویني، نو باید ورته چمتووالی ولري. که څه هم اذربایجان په پوځي برخه کې دومره ځواک نه لري چې د ایران د پوځي برید مخه پرې ونیسي، خو دا وړتیا لري چې ایران ته ډیر جدي زیانونه واړوي او یا هم پرې د ایران هوايي او سمندري ځواکونه له منځه یوسي.

د دواړو هېوادونو اړیکې هغه مهال نورې هم ترینګلې شوې چې داسې خبرونه خپاره شول چې اسرائیلو د اذربایجان هوایي هډو ته لاره پیدا کړې، که څه هم دا خبرونه د اذربایجان د حکومتي چارواکو له خوا رد شوي وو،<sup>۱۸</sup> خو داسې فکر کېږي، که چېرې اسرائیل د اذربایجان له هوایي هډو څخه په ګټه اخیستنې پر ایران برید وکړي، نو په دې صورت کې به د ایران له ډېر جدي غبرګون سره مخامخ شي چې اذربایجان به یې د مقابلي توان ونلري.

په ۲۰۱۲ ز. کال د اذربایجان له خوا ۲۲ تنه د دغه هېواد پر ضد د جاسوسي په تور ونیول شول، داسې ویل کېږي چې دا کسان د ایران د اسلامي انقلاب د ساتونکو له خوا ګومارل شوي وو. د دې په مقابل کې ایران د اذربایجان دوه تنه شاعران چې ایران ته د سیاحت لپاره ورغلي وو، اسرائیلو ته د جاسوسی په تور ونیول، په مقابل کې یې اذربایجان په خپلو اتباعو ایران ته د سفر بندیز اعلان کړ، پر دې سربېره اذربایجان د ایران رویال بانک چې په اذربایجان کې یې فعالیت درلود ناقانونه اعلان کړ او په اذربایجان کې یې د ناقانونه بانکي کړنو په ترسره کولو تورن کړ.<sup>۱۹</sup> دا کړنې د دې لامل شوې چې د دواړو هېوادونو اړیکې نورې هم ترینګلې شي.

د همدې کال په اوږدو کې د اذربایجان د ملي امنیت وزارت درې تنه په یوه یهودي مکتب چې درې تنو اسرائیلیانو پکې دندې ترسره کولې د برید په تور ونیول. د اذربایجان امنیتي ځواکونو د دې پلان شوي ترهګریز برید په تړاو ایران تورن کړ او ویې ویل چې دې ډلې ته په اذربایجان کې د ایراني استازو له لوري وسلې او تجهیزات ورکول شوي دي. په دې اړه د اذربایجان ولسمشر الهام علي اوف ته نږدې کس وفا گل زاده چې یو سیاسي شنونکی دی، ویلي وو: د ایران له لوري ترهګریزو ډلو ته په اذربایجان کې د لوړ پوړو بهرنیو چارواکو د وژلو په موخه پلان جوړول او له هغوی سره په دې اړه مرسته کول، د اذربایجان پر ضد دښمنۍ ته ورته هڅې شمېرل کېږي.<sup>۲۰</sup>

په اذربایجان کې د ایران له لوري د داسې فعالیتونو ترسره کول د دواړو هېوادونو اړیکې لا خرابوي، دا کړنې د دې لامل ګرځي چې د دواړو هېوادونو

ډیپلوماتیکي اړیکې یو له بل سره پرې کړای شي، خو د اذربایجان او ایران د اړیکو پر وړاندې دا ډول کړنو د دې هېوادونو ترمنځ اړیکې په بشپړ ډول پرې نه کړې، خو د ترینګلتیا لوړې کچې ته یې ورسولې.

کله چې د ۲۰۱۳ ز. کال په وروستیو کې حسن روحاني د ایران د ولسمشر په توګه وټاکل شو، د دواړو هېوادونو اړیکې تر یوې کچې نېټې شوې، د ۲۰۱۴ ز. کال په ډسمبر میاشت کې ایران اعلان وکړ چې د باکو او اردبیل ښارونو ترمنځ به د خلکو د لېږد په موخه ملي بسونه تګ را تګ کوي، د ایران د اردبیل ښار چارواکو دا کار یوه اړتیا وبلله او ویې ویل چې هر کال د اذربایجان او ایران له نورو ښارونو څخه اردبیل ته ۶۰۰۰۰۰ مسافر سفر کوي. پر دې سربیره په ۲۰۱۵ ز. کال د ایران د اسلامي انقلاب د دفتر د بین المللي اړیکو مرستیال محسن قمي، له اذربایجان څخه د خپل هېواد ملاتړ اعلان کړ، هغه وویل چې ایران په هرمهال د اذربایجان ملاتړ کوي، نوموړي اذربایجان د ایران لپاره د دوست او ورور هېواد په توګه و باله، او زیاته یې کړه چې د ایران د اسلامي انقلاب رهبران د مسلمانو هېوادونو په ځانګړې توګه له اذربایجان سره د اړیکو د پیاوړتیا ملاتړ کوي.

په ۲۰۱۵ ز. کال کې د اذربایجان ولسمشر الهام علي اوف وویل چې د اذربایجان او ایران دوستي د له منځه تلو نه ده او هېڅ بهرنی ځواک نه شي کولای چې دې دوستۍ ته د پای ټکی کېږدي. د همدې کال په اوږدو کې په اذربایجان کې د ایران سفیر وویل: مور د قره باغ سیمه د یوه خپلواک هېواد په توګه په رسمیت نه پېژنو. هغه زیاته کړه چې په نړۍ کې د غرنی قره باغ په نوم کوم خپلواک هېواد نشته او هغه ټاکنې چې په نوموړې سیمه کې ترسره شوې، هغه هم په رسمیت نه پېژنو، مور د بین المللي حقوقو په چوکاټ کې چې د اذربایجان ځمکنۍ بشپړتیا پکې په پام کې نیول شوې وي، په سوله ییزه توګه د قره باغ د شخړې د حل غوښتونکي یو.<sup>۲۱</sup>

د ایران له خوا له اذربایجان سره د اړیکو د بیا را ژوندي کولو په موخه دا کړنې د دې لامل وګرځېدې چې د دواړو هېوادونو په اړیکو کې مثبت بدلون را منځ ته شي، په هغه لیدنه کې چې د ۲۰۱۸ ز. کال د مارچ میاشتې پر ۱۸ مه نېټه د اذربایجان

د ولسمشر الهام علي اوف او حسن روحاني ترمنځ په باکو کې وشوه، د اذربايجان ولسمشر وويل: حسن روحاني د خپلې واکمنۍ په دوره کې له مور سره يوولس ځله ليدلي دي، نوموړي اذربايجان ته درې ځله سفرونه کړي، همدارنگه مور هم ايران ته څلور رسمي سفرونه ترسره کړي او نورې ليدنې د دواړو لوريو له خوا د بين المللي غونډو په څنډه کې ترسره شوې دي او اوسمهال د دواړو هېوادونو اړيکې ډېرې پراخې شوې دي.<sup>۲۲</sup>

که څه هم په دې وروستيو کې د دواړو هېوادونو اړيکې ښې شوي، لکه څرنگه چې د اذربايجان ولسمشر الهام علي اوف ورڅخه يادونه وکړه، خو په بنسټيزه توگه تر دې دمه د دواړو هېوادونو د اړيکو د ترينگلتيا اساسي لاملونه شته، فکر کېږي چې دا کړنې به په نمايشي ډول وي ترڅو هر لوری مقابل لوری په دې قانع کړي، چې پر وړاندې يې بهرنی سياست مثبت لوري ته بدل کړي.

د دې لپاره چې د دواړو هېوادونو اړيکې ښې شي، نو دواړه لوري بايد د نړيوالو پرنسيپونو په رڼا کې خپلې ملي گټې په بل هېواد کې ولټوي، دواړه هېوادونه چې يو له بل سره پراخ گډ فرهنگي ارزښتونه لري، پر اساس يې کولای شي چې خپلې فرهنگي اړيکې پياوړې کړي، د هېوادونو د فرهنگي اړيکو پراختيا د عامه ذهنيت او د دولتونو د پاليسيو په بدلولو ښه اغېزه کولای شي، چې يا به دولتونه دې ته اړباسي ترڅو خپل اختلافات د مذاکرې له لارې حل کړي او يا هم د وخت په تېرېدو دغه اختلافاتو ته ډېر اهميت نه ورکول کيږي. په حقيقت کې يوه همکاري د دې سبب گرځي ترڅو په نورو برخو کې هم همکاري پيل شي او يوه ستونزه د دې سبب گرځي ترڅو نورې ستونزې وزېږوي، تر ټولو لومړی بايد دا دواړه هېوادونه هڅه وکړي چې خپله ستونزه په خپل منځ کې حل کړي او که چېرې هغه هېوادونه چې اوسمهال له ايران سره ستونزه لري (امريکا او اسرائيل) او يا له ايران سره سيالي لري (ترکيه) ياده موضوع کې ښکيل شي، نو د دواړو هېوادونو اړيکې به لا ترينگلې شي.

## پایله

په سیمه کې د اذربایجان او ایران اړیکې په هغه ډول چې باید مطلوبې وای او د ښه ګاونډیتوب پر اساس یې باید له یو بل هېواد سره اړیکې لرلې نه دي، ایران اسلامي جمهوریت دی او اذربایجان سیکولر حکومتي نظام لري، ایران هڅه کوي چې په اذربایجان کې اسلامپال تر یوه حده قدرت ته ورسوي، خو مقابل کې اذربایجان په دې اړه کلک تدابیر نیولي چې په خپل هېواد کې د ایران د نفوذ مخنیوی وکړي، ایران په خپل ګاونډ کې سیکولر نظام نشي زغملای، هر کال په زرګونو ایرانیان د خپلو رخصتیو تېرولو په موخه اذربایجان ته ځي، ایران له دې وېره لري چې د اذربایجان فرهنگ به ایران ته ولېږل شي، چې له مخې به یې په ایران کې د اذربایجان نفوذ زیات او د اذریانو د یووالي روحیه به لا قوي شي، چې دا کړنه به د ایران د ویش او د سوېلي اذربایجان د خپلواکۍ یا له شمالي اذربایجان (د اذربایجان جمهوریت) سره د یو ځای کېدو سبب وګرځي. پر دې سربېره ایران د امریکا متحده ایالاتو او اسرائیلو سره د بېلابېلو دلایلو پر اساس اوږده شخړه لري، نو په خپل ګاونډ کې داسې هېواد نشي زغملای چې له اسرائیلو او امریکا متحده ایالاتو سره ښې اړیکې ولري، ایران فکر کوي چې له اذربایجان سره د امریکا متحده ایالاتو او اسرائیلو ښې اړیکې په سیمه کې د ایران د نفوذ مخنیوی وکړي، نو ځکه په سیمه کې د ایران او اذربایجان اړیکې ترینګلې دي.

<sup>۱</sup> فردوس، عبدالخالق، د افغانستان او اذربایجان د دولتونو اړیکې (۲۰۰۹-۲۰۱۶ ز. کال) د افغانستان د علومو اکاډمۍ علمي - څېړنیزه پروژه، ۱۰ مخ، ناچاپ اثر.

<sup>۲</sup> Embassy of the Republic of Azerbaijan to the Islamic Republic of Iran, Azerbaijan - Iran relations, available at : <http://tehran.mfa.gov.az/content/37> [access date: 1/7/2019]

<sup>۳</sup>Nassibli, Nasib. "Azerbaijan- Iran Relations: Challenges and Prospects." Harvard Kennedy School, November 30, 1999, available at: <https://www.belfercenter.org/publication/azerbaijan-iran-relations-challenges-and-prospects-event-summary> ,[access date: 1/8/2019]

<sup>۴</sup> Constitution of Azerbaijan, Article 18, date of edition 1995, date of access 2016/5/3, [http://azerbaijan.az/portal/General/Constitution/doc/constitution\\_e.pdf](http://azerbaijan.az/portal/General/Constitution/doc/constitution_e.pdf)

<sup>۵</sup> فرهاد، عطایی، ایران و کشورهای قفقاز جنوبی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۳۹۱ هـ ش، ۱۲۴ مخ.

<sup>۶</sup> Anar M. Valiyev, Azerbaijan-Iran Relations, Azerbaijan Diplomatic Academy , PONARS Eurasia Policy Memo No. 244, September 2012.page 2, available at: [http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/pepm\\_244\\_Valiyev\\_Sept2012.pdf](http://www.ponarseurasia.org/sites/default/files/policy-memos-pdf/pepm_244_Valiyev_Sept2012.pdf) ,[access date: 10/18/2020]

<sup>۷</sup> فرهاد، عطایی، مخکینی مأخذ، ۱۲۵ مخ.

<sup>۸</sup> مرتضی، ابادری، حسیب موسی زاده، محمد کریم زاده، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، قوم گرایی و تاثیرات ان بر روابط ایران و آذربایجان، ۱۳۹۱ هـ ل کال، ۴ دوره، ۱۳ گڼه، ۲۲۲ مخ، د لاس رسی لینک

<http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=209784>

<sup>۹</sup> Anar M. Valiyev, Azerbaijan-Iran Relations, page 2.

<sup>۱۰</sup> President of Republic of Azarbaijan Elham aliyev, National leader Haider aliyev, available at : <https://en.president.az/> [ access date 19/8/2019].

<sup>۱۱</sup> فرهاد، عطایی، مخکینی مأخذ، ۱۲۶ مخ.

<sup>۱۲</sup> Embassy of the Republic of Azerbaijan to the Islamic Republic of Iran, BILATERAL RELATIONS, Chronology of high level visits and meetings, available at: <http://tehran.mfa.gov.az/en/content/37> [ access date 23/8/2019]

<sup>۱۳</sup> Ibid.

<sup>۱۴</sup> Anar M. Valiyev, Azerbaijan-Iran Relations, page 2.

<sup>۱۵</sup> Ibid.

<sup>۱۶</sup> Embassy of the Republic of Azerbaijan to the Islamic Republic of Iran, Azerbaijan - Iran relations, available at : <http://tehran.mfa.gov.az/content/37> [ access date: 1/7/2019]

<sup>۱۷</sup> Ibid.

<sup>۱۸</sup> معصومه رادگودرزی، روابط استراتژیک اسراییل و آذربایجان: بنیادها و الزامات، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره سوم، سال ۱۳۹۵، ۱۸۵ او ۱۸۶ مخونه.

<sup>۱۹</sup> Anar M. Valiyev, Azerbaijan-Iran Relations, page 4.

<sup>۲۰</sup> Haaretz , Azerbaijan Thwarts Terror Attack Against Israeli, Jewish Targets, publish date Jan 23, 2012 online link <https://www.haaretz.com/jewish/1.5171015>[ access date 10/12/2019].

<sup>21</sup> News.Az, Iran does not recognize self-proclaimed “Nagorno-Karabakh Republic” – ambassador , online line link : <https://www.news.az/articles/karabakh/97725>. [ access date 24/11/2019].

<sup>22</sup> Hydropower central Asia and Caspian, President Ilham Aliyev: “Iran-Azerbaijan relations are at the highest level” online link <https://hydropowercongress.com/en/news-en/president-ilham-aliyev-iran-azerbaijan-relations-are-at-the-highest-level/> [ access date 22/8/2019].



محقق نعمت الله اخگر

## وضعیت حقوق بشر در ایران

# Status of Human Rights in Iran

Researcher Neamatullah Akhgar

### **Abstract**

After the 1979 Islamic revolution, such a government took the power, which was governed by the divine principle of Velayat-e-Faqih, means that all power is at the disposal of one person and only a few institutions run the state.

Dictatorship and tyranny of the system, Mafiatization of politics and economy, attempt to survive the system and the interpretation of laws based on the interests of ruling system, has caused widespread human rights violations in Iran.

The extent of human rights violations in Iran is widespread such as violation of citizens' political rights, rights of the religious minorities and rights of children, women and refugees (drowning and burning immigrants).

Torture, arbitrary arrests, censorship of information, torture of political prisoners and even the targeted killing of the political opponents of the system and leader of religious minorities are another part of this widespread violation of human rights standards in Iran.

## خلاصه

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هـ ش، حکومتی در ایران قدرت را به دست گرفت که به اساس ولایت مطلقه فقیه اداره و تمام قدرت در اختیار یک شخص قرار دارد و چند نهاد محدود، دولت را کنترل می‌کنند. تمامیت‌خواهی و استبداد نظام، مافیایی شدن سیاست و اقتصاد، کوشش برای بقای نظام و تفسیر قوانین به اساس مصالح نظام باعث نقض گسترده حقوق بشر در ایران گردیده است. ابعاد نقض حقوق بشر در ایران گسترده و وسیع است که از نقض حقوق سیاسی شهروندان گرفته تا حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و حقوق کودکان، زنان و مهاجرین (غرق کردن و به آتش کشیدن) را در بر می‌گیرد. شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، سانسور اطلاعات، شکنجه زندانیان سیاسی و حتی کشتار هدفمند مخالفین سیاسی نظام و رهبران اقلیت‌های دینی و مذهبی، بخش‌های دیگری از این نقض گسترده موازین حقوق بشری در ایران می‌باشند.

## مقدمه

بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تأمین حقوق بشر همواره یکی از خواست‌های اساسی شهروندان این کشور بوده و تبدیل به یک چالش در روابط جمهوری اسلامی ایران و جامعه جهانی نیز شده است. کارنامه حقوق بشری این کشور در بسیاری موارد، مورد پذیرش سازمان‌های حقوق بشری نبوده و از این جهت نظام حاکم در ایران، در فهرست نظام‌های ناقض موازین حقوق بشری قرار دارد.

در نظام بین‌المللی حقوق بشر، افراد صاحب حق بوده و دولت‌ها مکلف به احترام، حمایت و اجرای موازین حقوق بشری در قلمرو تحت حاکمیت خود می‌باشند، بنام جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضوی از جامعه جهانی، مکلف به تأمین و صیانت از حقوق و آزادی‌های بشری شهروندانش است.

با توجه به کارنامه حقوق بشری ایران که در آن مواردی از نقض حقوق بشری افراد و گروه‌های انسانی دیده می‌شود، در تحقیق حاضر در صدد آن هستیم، تا موارد نقض حقوق بشر و عوامل آن را در جمهوری اسلامی ایران بررسی و تبیین نمائیم.

با توجه به دغدغه و مسأله فوق، پرسش‌های اساسی که مطرح می‌شود، عبارت‌اند از اینکه عوامل اساسی نقض حقوق بشر در این ایران چیست؟ و کدام بخش‌های حقوق و آزادی‌های شهروندان را در بر می‌گیرد؟ فرضیه قابل طرح در زمینه این است که تفسیر وسیع از مصلحت و منافع نظام و امنیت ملی در قوانین جمهوری اسلامی، کوشش برای بقای نظام، تمامیت‌خواهی و استبداد، مافیایی شدن سیاست و اقتصاد در آن کشور از جمله عوامل مهم نقض حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق کودکان و زنان، حقوق زندانیان سیاسی، حقوق مهاجرین، پنداشته شده و باعث نقض حقوق اولیه شهروندان شده است.

### هدف تحقیق

هدف از تحقیق حاضر؛ شناسایی عوامل و موارد نقض حقوق بشر در ایران می‌باشد.

### اهمیت و مبرمیت

بررسی وضعیت حقوق بشر در عین حالی که یک موضوع مهم در حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است، بررسی این موضوع به لحاظ وجود اسناد متعدد حقوق بشری، حایز اهمیت تئوریک و عملی بوده و مبرمیت موضوع نیز ناشی از اهمیت مسائل حقوق بشری در عصر حاضر است، چون حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری، مؤلفه‌های تعیین کننده در برقراری روابط میان بسیاری از کشورها دانسته می‌شوند.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده که با استفاده روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری معلومات به پایه اکمال رسیده است. در این تحقیق کوشش به عمل آمده است تا مطالب مرتبط به موضوع در طی دو قسمت بررسی گردد، در قسمت نخست عوامل مؤثر در نقض حقوق بشر در ایران و در قسمت دوم به موارد نقض حقوق بشر در آن کشور که شامل نقض حقوق سیاسی شهروندان، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق کودکان و زنان،

حقوق زندانیان سیاسی، حقوق مهاجرین و نقض حقوق اولیه شهروندان و قواعد منع شکنجه می‌شود، به ترتیب بررسی شده‌اند.

## اول- عوامل مؤثر نقض حقوق بشر در ایران

انقلاب ۱۳۵۷ هـ ش در ایران باعث ایجاد نظام جمهوری اسلامی به اساس اصل ولایت فقیه در این کشور گردید، به مرور زمان تمامی اختیارات در امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در اختیار رهبر یا همان ولی فقیه (بیت رهبر)، قوه قضائیه و سپاه پاسداران به عنوان بازوی نظامی نظام قرار گرفت. تمرکز اختیارات منجر به تمامیت‌خواهی و دیکتاتوری گردیده و تنها افراد وابسته به این نهادها امور را کنترل و مدیریت می‌کنند که در سایه چنین نظام تمامیت‌خواه، نمی‌توان از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری حرف زد و این مسئله از جمله نخستین عامل نقض حقوق بشر در ایران دانسته می‌شود چون کلیه امور در ید ولی فقیه متمرکز است که نماینده امام غایب دانسته می‌شود. چنانچه به اساس اصل پنجم قانون اساسی ایران "در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدبر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد." (۱)

در کنار اصل فوق با مراجعه به قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌توان دریافت که مقام رهبری در ایران از اختیارات وسیعی برخوردار است و حتی می‌تواند رییس جمهور را که از طریق رأی مردم انتخاب می‌شود را عزل نماید و کلیه خطوط اساسی سیاست و استراتژی نظام تحت قیادت مقام رهبری قرار دارد. به اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی وظایف و اختیارات مقام رهبری قرار ذیل اند:

۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

۳- فرمان همه‌پرسی.

۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح.

- ۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها.
  - ۶- نصب و عزل و قبول استعفا:
    - الف: فقهای شورای نگهبان.
    - ب: عالی‌ترین مقام قوه قضائیه.
    - ج: رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
    - د: رئیس ستاد مشترک.
    - ه: فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
    - و: فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
  - ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه.
  - ۸- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
  - ۹- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون درج است، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
  - ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخطی وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی.
  - ۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه. (۲)
- بناءً از یکطرف به اساس ولایت فقیه که از لحاظ مذهبی جایگاه خاصی برای مقام رهبری تعریف می‌کند و از طرف دیگر صلاحیت وسیع مقام رهبری به اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، زمینه را برای تمامیت خواهی و انحصار قدرت فراهم می‌سازد و به هر میزانی که اختیارات در ید یک شخص متمرکز یابد، استبداد و خودکامگی نیز بیشتر گردیده و افزایش خودکامگی و استبداد در

جهان از عوامل بارز نقض حقوق شهروندان دانسته می‌شود و خیلی بدیهی و طبیعی است که موازین و قواعد حقوق بشری، در تضاد با انحصار طلبی و استبداد است. با توجه به موضوع فوق، نظام‌های تمامیت‌خواه، مصلحت و منافع نظام را که متمرکز بر بقای قدرت چند نهاد محدود است، تعیین و تفسیر می‌کنند به همین دلیل است که مصلحت و منافع نظام (مصالح و منافع نهادهای محدود شریک قدرت) به عنوان منافع ملی و منافع حیاتی نظام دانسته می‌شود و هر نوع حرکتی که باعث تهدید اختیارات این نهادها گردد، به عنوان تهدید علیه مصلحت و منافع کشور دانسته شده و شدیداً سرکوب می‌شوند و این فی‌نفسه باعث تحدید آزادی‌های بنیادین شهروندان و حقوق بشر در ایران می‌شود و تحت عنوان منافع نظام و مصلحت نظام و بدون رعایت موازین قانونی و حقوقی، حقوق شهروندان نقض می‌گردد. مقام رهبری در رأس، سپاه به عنوان بازوی نظامی بیت رهبری و قوه قضائیه در بخش عدلی و قضایی، هر گونه اعتراض به عملکرد نظام را سرکوب کرده و این خود یکی از عوامل بارز در نقض حقوق بشر در ایران پنداشته می‌شود. در نهایت تمامی قوای حاکم در نظام، تابع و مطیع مقام رهبری می‌باشد. به اساس اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی "قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت و بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند" (۳)

در عمل برخلاف فقره اخیر ماده ۵۷ که هر سه قوه را مستقل دانسته است، قوای مذکور ابزاری در اختیار بیت رهبری جمهوری اسلامی ایران می‌باشند عزل و نصب رئیس و اعضای دادگاه عالی، اعطای اعتبارنامه به رئیس جمهوری مبنی بر تأیید نتیجه انتخابات، در مجلس شورای اسلامی (پارلمان) که در مجلس شورای اسلامی، شخصی به ریاست مجلس می‌رسید که رابطه خوب و نزدیکی با بیت رهبری داشته باشد به همین دلیل است که از خانواده لاریجانی که نزدیک به بیت رهبری است، علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی است و صادق لاریجانی برای مدت مدیدی رییس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران بود. پس در عمل رأی

شهروندان و حق سیاسی شهروندان برای مقام رهبری ارزشی ندارد و فقط دارای جنبه نمادین و استفاده ابزاری بیت رهبری می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق؛ مافیایی شدن اقتصاد در ایران به دلیل تمرکز اختیارات و فساد موجود در دولت که توسط بیت رهبری و سپاه کنترل و مدیریت می‌شود، باعث گردیده که دارایی‌های ملی (منابع طبیعی و غیرطبیعی)، به جای اینکه در جهت رفاه و آسایش شهروندان به مصرف برسد، توسط چند نهاد محدود، حیف و میل می‌شود (پرونده‌های فساد مالی از بابک زنجانی گرفته تا قراردادهای نفتی چنان فربه و قطور است که بررسی آن در این مقال نمی‌گنجد)، این وضعیت فی‌نفسه نقض بارز حقوق اقتصادی شهروندان را در پی داشته است. به همین اساس است که "رانت خواری اساساً محصول اقتصاد دولتی است و چون نهادهای نظارتی هم دولتی هستند، حکومت نمی‌تواند، خود بر فعالیت‌های اقتصادی خود نظارت کند." (۴)

مافیایی شدن اقتصاد در یک کشور، باعث نقض حقوق اقتصادی شهروندان می‌شود که در نظام بین‌الملل حقوق بشر (International Human rights Law) به عنوان حقوق رفاهی شناخته می‌شود، منابع مالی به جای اینکه برای فراهم کردن رفاه و آسایش شهروندان به مصرف برسد، به دلیل فساد و مافیایی شدن اقتصاد به جیب عده معدودی می‌رود که نهادهای قدرت از آنها حمایت می‌کند.

بناءً مافیایی شدن اقتصاد در جمهوری اسلامی ایران که عمدتاً توسط بیت رهبری و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی کنترل می‌شود، از دایره نظارت حکومت خارج است و حکومت نه توانایی کنترل این مورد را دارد و نه چنین اختیار و صلاحیتی نزد حکومت ایران وجود دارد؛ این امر سبب گردیده که منابع طبیعی و غیرطبیعی که برای رفاه و آسایش شهروندان و آرایه خدمات باید استفاده شود؛ به شکل مافیایی در اختیار چند نهاد محدود قرار گیرد.

علاوه بر عوامل فوق، یکی از خصوصیات نظام‌های مستبد و خودکامه؛ تقابل با شهروندان است، شهروندان که خواهان تغییر وضع موجود اند و رژیم که با هر ابزاری می‌کوشد، وضع موجود را حفظ کند چون تداوم وضع موجود و ساختارهای

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به مثابه بقای سلطه نهادهای متذکر در قدرت می‌باشند که این عامل همواره در نقض حقوق شهروندان نقش بارزی را ایفا نموده است؛ جلوه بارز این تقابل و برخورد قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی با شهروندانش را می‌توان در اعدام کودکان تا شکنجه زندانیان سیاسی مشاهده نمود.

برخورد ایدئولوژیک نظام با اقلیت‌های دینی و مذهبی؛ یکی دیگر از مصادر بارز نقض حقوق بشر در ایران می‌باشد؛ نظام با اتخاذ رویکرد تقابل با اقلیت‌های دینی و مذهبی، آنها را از حقوق شهروندی و انسانی شان محروم نموده است؛ اقلیت‌های چون مسلمانان اهل سنت، بهائی، زرتشتی، یهودی، مسیحی و ... از کلیه حقوق شهروندی خود در چوکات نظام جمهوری اسلامی، محرومند. چنانچه در سال ۲۰۱۶ دست کم ۱۱۵ سنی، ۸۰ بهایی، ۲۶ مسیحی، ۲۸ نفر از اقلیت‌های مذهبی دیگر، صرف به خاطر تعلق به اقلیت‌های مذهبی و فعالیت در موضوعات مذهبی شان، خودسرانه بازداشت و زندانی شده‌اند. (۵)

بناء تمرکز صلاحیت و اختیارات نظام جمهوری اسلامی ایران در ید چند نهاد محدود، توجیه مصالح و منافع نظام به عنوان منافع و مصالح نظام، بقای نظام به هر وسیله ممکن، مافیایی شدن اقتصاد و تسلط نهادهای اصلی قدرت در این روند، رویکرد تقابل محور نظام در قبال شهروندانش که شامل مواردی چون شکنجه و آزار مخالفین می‌گردد و برخورد ایدئولوژیک جمهوری اسلامی با شهروندان این کشور، از جمله عوامل بارز نقض حقوق بشر در این کشور می‌باشد.

## دوم- موارد نقض حقوق بشر در ایران

عواملی که در فوق بررسی گردید باعث نقض گسترده‌ای موازین حقوق بشری در ایران گردیده است. از آنجائیکه بررسی تمامی موارد نقض حقوق بشر در چوکات یک مقاله امکان‌پذیر نیست بناء در این قسمت ما به موارد مهمی نقض حقوق بشر در ایران اشاره خواهیم نمود و بطور نمونه به مواردی نقض حقوق بشر چون نقض حقوق سیاسی، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی، شکنجه، حقوق کودکان و زنان، حقوق زندانیان سیاسی و حقوق مهاجرین خواهیم پرداخت.



## ۱- نقض حقوق سیاسی

بارزترین مصداق حقوق سیاسی؛ حق مشارکت افراد در پروسه‌های سیاسی است و برجسته‌ترین مورد این مشارکت، استفاده از حق رأی در انتخابات می‌باشد و انتخابات به عنوان یک ابزار دموکراتیک برای اعمال اراده مردم در سیاست دانسته می‌شود. هرچند در چوکات نظام جمهوری اسلامی در ایران، حق رأی مردم به عنوان مصداق بارز حقوق سیاسی به رسمیت شناخته شده است، ولی در عمل این رأی مردم نیست که تعیین کننده پروسه‌های کلان سیاسی می‌باشد، بلکه در نهایت این مقام رهبری است که اعمال صلاحیت می‌کند و فرد مورد نظر را تأیید یا رد می‌کند. چون به اساس "فقره ۹ و ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انتخابات تأیید یا رد نتیجه انتخابات و صلاحیت رییس جمهور و عزل آن از صلاحیت رهبر جمهوری اسلامی ایران می‌باشد." (۶)

به اساس آنچه گفته شد، اعمال اراده مقام رهبری در مقابل اراده مردم که پای صندوق‌های رأی می‌روند؛ روند دموکراتیک را به یک روند غیر دموکراتیک تبدیل می‌کند و در نهایت مقام رهبری رییس جمهور را منصوب می‌کند و یا می‌تواند به بهانه مصلحت نظام وی را عزل کند و رأی مردم را به بازی بگیرد؛ موارد متعددی از نقض حقوق سیاسی شهروندان ایران را می‌توان برجسته ساخت، بارزترین مورد آن نقض حقوق سیاسی شهروندان در انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌باشد که باعث شکل گیری جنبش سبز در این کشور گردید و به اساس برخی "گزارش‌ها نزدیک به ۸ میلیون رأی تقلبی از طرف جناح اصولگرا و وزارت کشور (وزارت داخله) به نفع احمدی نژاد استفاده شده بود." (۷)

همانطوری که در فوق تذکر رفت مداخله وزارت داخله در مهمترین پروسه سیاسی در ایران بدون اجازه بیت رهبر غیر ممکن است چون بیت رهبری با تشکیلات منسجم و وسیعی که دارد، نهاد مسلط بر نیروهای نظامی و انتظامی ایران می‌باشد و هیچ نهادی بدون مجوز بیت رهبری نمی‌تواند در چنین یک پروسه کلان کشوری مداخله نماید. این مسئله در واقع نادیده گرفتن اراده مردم بوده و

حقوق سیاسی آنها نقض می‌گردد. نقض این دسته از حقوق شهروندان، به اساس مداخله شورای نگهبان در تأیید یا رد صلاحیت کاندیدان می‌باشد و شورای نگهبان به دلیل تعلق به جناح محافظه کار و ارتباط نزدیک با بیت رهبری، همواره مورد انتقاد اصلاح طلبان قرار داشته است و انتقاداتی مبنی بر حذف اشخاص مشخصی از فهرست کاندیدان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری مطرح شده است. "در آخرین مورد حسن روحانی با انتقاد از عملکرد شورای نگهبان بیان کردند که نهادی حق مداخله در اعتبارنامه منتخبان را ندارد." (۸)

## ۲- نقض حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های موجود در آن کشور، به اقلیت‌های دینی و مذهبی تقسیم بندی شده است و این اقلیت‌ها بر اساس اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی آن کشور چنین مشخص و بیان گردیده است: "دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذهب دیگر اسلام اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. همچنان در اصل سیزدهم آمده است که: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند." (۹)

همچنان در مورد اصل عدم تبعیض نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صراحت عام و تام وجود دارد و اصل تساوی افراد در برابر قانون در قانون اساسی این کشور به رسمیت شناخته شده است و از این جهت تمامی افراد اعم از اقلیت و اکثریت در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند. چنانچه در

اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است که "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود." (۱۰)

به اساس موارد فوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل تساوی افراد در برابر قانون به رسمیت شناخته شده است و از لحاظ قانونی هیچگونه تمایزی میان شهروندان وجود ندارد. اصل تساوی افراد و منع تبعیض میان شهروندان از جمله اصولی است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تأکید گردیده است. این مسئله در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد چنین آمده است "هر دولت عضو این میثاق متعهد می‌شوند که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده دیگر و همچنین اصل و منشأ اجتماعی یا ملی، دارایی، نسب و یا وضعیت‌های دیگر محترم شمرده و تضمین نماید." (۱۱)

تأکید اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قانون اساسی ایران بر برابری شهروندان در مقابل قانون، در عمل نظام جمهوری اسلامی رفتار ظالمانه‌ای با اقلیت‌های دینی و مذهبی در این کشور داشته است. این اقلیت‌ها در نظام سیاسی و قضایی این کشور جایگاهی ندارند، مورد سوء قصد قرار می‌گیرند و محدودیت‌های زیادی در اجرای مناسک مذهبی و دینی خود دارند. به اساس گزارش وزارت خارجه امریکا در مورد آزادی مذهبی در ایران، از سال ۱۹۷۹م بدین سو، به دلیل تعصب مذهبی، پیروان بسیاری از ادیان و مذاهبی که در اقلیت هستند، مجبور به فرار از ایران شده‌اند. در این میان پیروان مذهب اهل سنت تحت فشار بیشتری قرار دارند. به اساس این گزارش از سال ۱۹۷۹ به اینطرف نظام جمهوری اسلامی ایران بیش از ۲۰۰ هزار تن از رهبران دین‌بهای را یا به قتل رسانده یا به زندان انداخته است و بیش از ۱۰ هزار نفر از پیروان آن از مشاغل دولتی و تحصیلی اخراج شده‌اند. همچنان به اساس این گزارش تنها در فاصله ماه می تا اگست ۲۰۱۶ نزدیک به ۸۰ مسیحی به طور خودسرانه بازداشت و به زندان انداخته شده است. به اساس

این گزارش یهودیان به ظن ارتباط با اسرائیل تحت فشار مضاعف قرار دارند و همواره بازداشت و شکنجه می‌شوند. (۱۲)

افزون بر موارد فوق یکی از امور بدیهی، ادای مناسک و فرایض مذهبی در اماکن مذهبی است و داشتن اماکن مذهبی یکی از حقوق اولیه برای افراد پنداشته می‌شود و این حق حتی در نظام‌های غیردینی نیز احترام می‌شود ولی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران، اهل سنت این کشور از داشتن مسجد در تهران محرومند، یعنی ۳۸ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، مسلمانان اهل سنت، ایران علی‌رغم تلاش زیاد، در احداث مسجدهای خود در تهران، پایتخت ایران، ناکام مانده‌اند. این در حالی است که به اساس اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اقلیت‌های دینی و مذهبی در حدود قانون در برگزاری مراسم مذهبی خود آزاد اند. مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان و از معتبرترین شخصیت‌های اهل سنت ایران می‌گوید که برای هیچ یک از نامه‌هایی که در مورد احداث مسجد یا جلوگیری از تخریب نمازخانه‌های اهل سنت در تهران برای رهبری جمهوری اسلامی نوشته، پاسخی دریافت نکرده است. (۱۳)

هرچند نظام جمهوری اسلامی شعار انکشاف متوازن را مطرح می‌کند ولی در قبال اقلیت‌ها، آنرا اعمال ننموده و رویه تبعیض‌آمیز را دنبال می‌کند. این موضوع تا اندازه‌ی حد بوده که حتی برخی مناطق به آب آشامیدنی دسترسی ندارد. این مشکل در سیستان و بلوچستان به یک معضل حاد اجتماعی تبدیل شده است و برای بدست آوردن آب آشامیدنی، در روزهای اخیر ۳ کودک جان خود را از دست داده‌اند. (۱۴)

بنابراین اقلیت‌های دینی و مذهبی تحت سیطره نظام جمهوری اسلامی، از بسیاری حقوق مدنی و سیاسی و حتی اقتصادی خویش که قوانین خود نظام بر آنها تأکید دارند، محرومند. نقض گسترده حقوق بشر، ساحات مختلف زندگی اقلیت‌های دینی و مذهبی را در بر می‌گیرد از تعلیم و تحصیل گرفته تا فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و این به ذات خود نقض اصول مطروحه در قوانین داخلی و نقض صریح تعهدات حقوق بشری است که جمهوری اسلامی آنرا پذیرفته است ولی

متأسفانه به دلیل خودکامگی نظام، حکومت در هیچ موردی در برابر چنین نقض گسترده حقوق بشری پاسخگو نبوده است.

### ۳- نقض حقوق کودکان و زنان

کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر جامعه؛ در جوامع مختلف مورد عنایت و توجه قوانین و ساختارهای دولتی و حکومتی می‌باشد. این مسئله به دلیل شکل‌گیری بنیان‌های شخصیتی افراد در دوران کودکی، حایز اهمیت و در خور تأمل است و باید شرایط زندگی را برای این قشر آسیب‌پذیر بطور سالم محیا نمود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی بر حقوق کودک تأکید فراوانی شده است. سازمان ملل متحد نیز با تلاش‌هایش بالاخره موفق شد تا کنوانسیون حقوق کودک را به تصویب برساند. "در این کنوانسیون اطفال را اشخاص زیر سن ۱۸ سال میدانند و در خصوص تضمین حقوق کودکان در فقره ۱ و ۲ ماده دوم این کنوانسیون چنین آمده است: کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات بر اساس موقعیت، فعالیتها، ابراز عقیده و یا عقاید والدین، قیم قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد." (۱۵)

تاکید کنوانسیون حقوق کودک بر تضمین حقوق و امتیازات کودکان است ولی در عمل بسیاری از کودکان در جمهوری اسلامی از بسیاری مزایای یک زندگی سالم در این کشور محروم می‌باشند. مهمتر از همه بحث تعلیم و تربیه کودکان است؛ آمار کودکانی که از تعلیم محرومند شاید خیلی بالا باشد ولی به اساس آمار رسمی دولت ایران حدود "۳۲۷ هزار کودک ایرانی تنها در تهران مرکز ایران از شرایط سالم زندگی و بطور ویژه از حق تعلیم محرومند." (۱۶)

علاوه بر موارد فوق، آنچه که قابل نگرانی نهادهای حقوق بشری بین‌المللی بوده افزایش تعداد اعدام کودکان در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر اطفال به کسانی گفته می‌شود که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشد اما در جمهوری اسلامی ایران اطفال زیادی زیر سن ۱۸ سال

اعدام شده اند. به اساس آمارهای موجود "بیش از نیمی اعدام هایی که در سراسر جهان در سال ۲۰۱۷ از سوی سازمان عفو بین المللی به ثبت رسیده، در ایران به اجرا گذاشته شده است. ۵۰۷ متهم در این کشور اعدام شدند. حداقل پنج تن از محکومین در زمان وقوع جرم زیر سن قانونی بوده اند. ایران تنها کشوری است که در آن مجرمان زیر سن به مجازات اعدام محکوم می شوند." (۱۷)

افزون بر کودکان، زنان نیز مورد ستم نظام جمهوری اسلامی در ایران قرار می گیرند، گرچه آزادی های زنان در ایران نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه، بیشتر است ولی در اکثر موارد با حقوق زنان در ایران برخورد سیاسی می شود. بررسی تمامی موارد نقض حقوق زنان در ایران از حوصله این نوشتار خارج است ولی نمونه درشت از نقض حقوق زنان در ایران برخورد سیاسی نظام جمهوری اسلامی با شیرین عبادی برنده جایزه نوبل حقوق بشر است؛ حکومت ایران طی یک اقدام خلاف موازین حقوق بشری "جایزه نوبل صلح شیرین عبادی را که در سال ۲۰۰۳ م. به او اعطا شد ضبط نمود و شماری از همکاران و نیز همسر خانم شیرین عبادی در ایران دستگیر و مورد بدرفتاری قرار گرفته اند." (۱۸)

ضبط و مصادر معتبرترین جایزه حقوق بشری توسط دستگاه عدلی و قضایی جمهوری اسلامی ایران، مورد دیگری در کارنامه حقوق بشری آن کشور می باشد، مصدوره جایزه ای که به هزاران مشقت و فعالیت های نفس گیر، یک زن ایرانی توانسته بود به آن دست پیدا کند.

#### ۴- نقض حقوق مهاجرین افغان

مهاجرین افغان در ایران در بخش اعمار و بهسازی ایران نقش برجسته ای داشته است و ایرانی ها همواره از کارگران افغانی به خاطر مزد کم بهره جسته اند؛ تعداد مهاجرین افغان در ایران بیشتر از مهاجرین سایر کشورها می باشد که به اساس گفته های وزیر امور مهاجرین افغانستان، تعداد مهاجرین افغانی در ایران "بیش از ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر می باشد که از این میان ۴۵۰ هزار تن دارای گذرنامه

خانوادگی و اقامت کوتاه مدت هستند و ۳۰ هزار نفر دارای اقامت طولانی مدت و حدود یک میلیون افغان نیز در ایران هستند که فاقد هرگونه مدرک هستند." (۱۹)

حقوق کارگران مهاجر از دیر زمان مورد بحث نهادهای حقوق بشری قرار داشته و این نهادها همواره کوشیده اند تا حقوق و آزادی‌های انسانی مهاجرین را در پرتو یک سند بین‌المللی تدوین کنند که در این راستا با کوشش و جدیت سازمان ملل متحد کنوانسیون تحت عنوان کنوانسیون بین‌المللی حقوق همه کارگران مهاجر و خانواده‌های آنان در سال ۱۹۹۰م. به تصویب رسید که در این کنوانسیون به حقوق انسانی مهاجر و خانواده آنها و بخصوص حیثیت انسانی مهاجرین تأکید گردیده است. ماده ۱۶ تا ۲۰ این کنوانسیون حقوق و آزادی‌های اساسی مهاجرین و خانواده‌های آنان را چنین بر می‌شمارد "آزادی ترک و ورود به دولت مبدأ، حق حیات، حق جلوگیری از رفتار تنبیه‌آمیز، شکنجه و تخفیف حیثیت انسانی، آزادی مذهب، وجدان، حق بیان عقاید، حق مالکیت، عدم بازداشت خودسرانه و تأمین عدالت قانونمند برای کارگران." (۲۰)

پس به اساس گفته‌های فوق تعداد مهاجرین افغان در ایران قابل ملاحظه می‌باشد که به عنوان نیروی کار در بخش‌های مختلف در این کشور کار می‌کنند. بناءً به اساس کنوانسیون بین‌المللی متذکره مهاجرین افغان نیز از حقوق و امتیازاتی برخوردار هستند تا حیثیت انسانی آنها و خانواده‌های شان حفظ شود ولی رفتار نظام جمهوری اسلامی در مقابل مهاجرین افغان ظالمانه و توأم با تبعیض بوده است و از این جهت نهادهای حقوق بشری همواره از این عملکرد ناشایست دولت ایران انتقاد نموده اند. چنانچه سازمان دیده‌بان حقوق بشر (Human Rights watch) خواهان توقف هرگونه بد رفتاری با مهاجران افغان از سوی حکومت ایران شده است و از حکومت افغانستان می‌خواهد تا در این باره به گونه‌جدی با حکومت ایران، گفتگو کند. این نهاد نگرانی هایش را بابت حقوق مهاجرین افغان با ایران نیز شریک ساخته است، اما ایران تا کنون هیچ پاسخی در این زمینه نداده است. یافته‌های این نهاد نشان میدهد که اخراج اجباری، لت و

کوب، جدا سازی کودکان از خانواده‌های شان، اعدام افغانان، بازداشت اجباری بدون این که جرمی مرتکب شده باشند، آزار و اذیت در هنگام اخراج و مانند این‌ها به شدت ادامه دارد. (۲۱)

در مورد اخیر، برخلاف تمام موازین حقوق بشری و اسناد بین‌المللی، نیروهای مرزی ایران، با انداختن مهاجرین جویای کار افغان در دریا، باعث جان باختن ۱۶ نفر شدند.

این عملکرد نیروی مرزی ایران در قالب هیچ تفکری قابل توجیه نیست. (۲۲)

دولت جمهوری اسلامی ایران با این عملکرد خود ثابت ساخت که به هیچ اصول و موازین حقوق بشری، پابند نیست و به اقتضای منافع دستگاه حاکمه، تحت عناوین مختلف، مظالمی را در حق مهاجرین افغان روا می‌دارد.

در ادامه اعمال ضد انسانی نظام جمهوری اسلامی ایران با مهاجرین، پولیس مرزی آن کشور با به آتش کشیدن موتر حامل پناهجویان افغان باعث کشته و زخمی شدن بیش از هفت پناهجوی افغان شد که به شمول افغانستان، بسیاری از کشورها و نهادهای بین‌المللی، این عمل غیر انسانی را محکوم کردند. (۲۳)

به دلیل فضای خفقان و سانسور حکومتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، آمار دقیق از بدرفتاری، شکنجه، آزار و اذیت، غصب ملکیت و دارایی مهاجرین افغان، اخراج اجباری، عدم پرداخت مزد بعد از ختم کار، توهین و تحقیر به اساس نژاد و مذهب و غیره، موجود نیست ولی نظام جمهوری اسلامی ممکن بدترین کشور در قطار کشورهایی باشد که با مهاجرین رفتار ظالمانه و غیر انسانی دارد.

این عملکرد نامناسب جمهوری اسلامی در برخورد با مسائل حقوق بشری، باعث موضع‌گیری نهادهای حقوق بشری گردیده و هرکدام با انتقاد از موضع جمهوری اسلامی، خواهان اعاده و تأمین حقوق بشری افراد گردیده است. در جدی‌ترین تصمیم، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در دسامبر سال ۲۰۱۸ با صدور قطعنامه شماره ۶۴ جمهوری اسلامی ایران را محکوم نمود. (۲۴)

افزون بر نهادهای حقوق بشر، دولت‌های مختلف در سطح جامعه بین‌المللی، همواره از عملکرد نامطلوب جمهوری اسلامی ایران در برخورد با مسائل حقوق



بشری انتقاد نموده و رویکرد آنها را نکوهش می‌کند چنانچه پارلمان اتحادیه اروپا که از کل اتحادیه نمایندگی می‌کند، جمهوری اسلامی ایران را یکی از ناقضین عمده موازین حقوق بشری در جهان خواند. (۲۵)

علاوه بر موارد ذکر شده، سیستم سانسور دولتی و عدم دسترسی شهروندان به اطلاعات، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه زندانیان سیاسی، سوء قصدهای هدفمند سیاسی، نبود آزادی بیان و نادیده گرفتن مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موارد دیگری از نقض گسترده موازین حقوق بشری توسط نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که بررسی تمامی این موارد در یک مقاله نمی‌گنجد.

### نتیجه

در نظام بین‌المللی حقوق بشر افراد به عنوان صاحبان حق و دولت به عنوان مکلف اصلی در احترام، حمایت و اجرای موازین حقوق بشری مطرح است، ولی این موازین در قلمرو تحت حاکمیت برخی از دولت‌ها نادیده گرفته می‌شوند که عوامل مختلفی در نادیده انگاری و نقض حقوق بشر نقش دارند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تمرکز اختیارات در نهادهای معدودی چون بیت رهبری، قوه قضائیه و سپاه (انحصار طلبی و تمامیت‌خواهی)، مافیایی شدن اقتصاد، برخورد ایدئولوژیک با شهروندان (بخصوص اقلیت‌های دینی و مذهبی)، چگونگی تفسیر از مصالح و منافع نظام و رویکرد تقابل محور نظام در قبال شهروندان، از جمله عوامل مهم و بارز نقض حقوق بشر در آن کشور دانسته می‌شود.

این عوامل باعث گردیده که شهروندان ایران، با نقض گسترده حقوق انسانی شان مواجه شوند که نقض حقوق سیاسی و اقتصادی، حقوق کودکان و زنان، حقوق انسانی اقلیت‌های دینی و مذهبی و مهاجرین (غرق کردن و به آتش کشانیدن مهاجرین افغان)، شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، سانسور اطلاعات، حصر خانگی و زندانی نمودن، از موارد درشت نقض حقوق بشر در آن کشور می‌باشد.

این موارد در حالی در چوکات نظام جمهوری اسلامی ایران رخ می‌دهند که این کشور بسیاری از اسناد حقوق بشری را امضا نموده و قانون اساسی آن کشور نیز اصولی چون تساوی افراد در برابر قانون، احترام به حقوق کودکان و زنان، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی و حق دسترسی به اطلاعات و حقوق انسانی مهاجرین و اتباع بیگانه را به رسمیت شناخته است.

### پیشنهادات

با توجه به آنچه گفته شد، در حیطة صلاحیت دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

- (۱) دولت جمهوری اسلامی افغانستان باید با عقد توافقنامه دو جانبه با جمهوری اسلامی ایران، به بهبود وضعیت مهاجرین افغان در آن کشور کمک نماید.
- (۲) دولت جمهوری اسلامی افغانستان به کمک نهادهای بین‌المللی باید از حقوق انسانی مهاجرین افغان مقیم ایران حفاظت نماید.

### مآخذ

- ۱- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، اصل ۵.
- ۲- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، اصل ۱۱۰.
- ۳- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، اصل ۵۷.
- 4- Kjetil, bjobrvatn and kjetil, selvik, "Destructive competition: factionalism and rent-seeking in Iran", NHH journal, Oslo: Department of economic, ISSN: 0804-6824, August 08, 2007, pp, 10, 11.
- ۵- دویچه وله فارسی، "انتقاد وزارت خارجه آمریکا از نقض حقوق اقلیت‌های دینی در ایران"، سایت دویچه وله، نشر: ۱۶ اگست ۲۰۱۷، قابل دسترسی در: [www.dw.com](http://www.dw.com) (مراجعه: ۲۰۲۰/۱۱/۲۸)
- ۶- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، فقرة ۹، ۱۰، اصل ۱۱۰.

- 7- Casey L. Addis, "Iran's 2009 presidential Election, congressional Research service, July 6, 2009, Access in: [www.crs.gov](http://www.crs.gov) [Seen: 18/2/2020]
- ۸- صدای آمریکا، " انتقاد روحانی از دخالت شورای نگهبان"، وبسایت صدای آمریکا، نشر: ۹ ثور ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: <https://ir.voanews.com> (مراجعه: ۱۳۹۹/۹/۸)
- ۹- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، اصل ۱۲، ۱۳.
- ۱۰- جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی ۱۳۵۸، تهران: ۱۳۵۸، اصل ۱۹.
- 11- International Covenant on Civil and Political Rights, New York: United Nations, 1966, Article 2.
- 12- U.S Department of Stat, "2019 Report on International Religious Freedom: Iran", December 09, 2019, Access in: [www.state.gov](http://www.state.gov) [Seen: 15/3/2020]
- ۱۳- فرشته قاضی، "سنی‌های ایران و مشکل احداث مسجد"، وبسایت فارسی بی بی سی، نشر: ۹ عقرب ۱۳۹۵، دسترسی در: [www.bbcpersian.com](http://www.bbcpersian.com) (مراجعه: ۱۳۹۹/۹/۹)
- ۱۴- بی بی سی فارسی، "مشکل کمبود آب آشامیدنی در سیستان و بلوچستان چیست که کودکان را به کام مرگ می‌کشد"، وبسایت فارسی بی بی سی، نشر: ۶ سنبله ۱۳۹۹، دسترسی در: [www.bbcpersian.com](http://www.bbcpersian.com) [مراجعه: ۱۳۹۹/۶/۲۴]
- 15- International Convention on the Rights of the Child, 1989, New York: United Nations, paragraph 2, Article 2.
- 16- Iran Focus, "Millions of Iranian Children Deprived of Education", September 09, 2018, Access in: <https://www.iranfocus.com/en/life-in-iran/33045-millions-of-iranian-children-deprived-of-education/> [16/7/2020]
- 17- Dw, "UN criticizes Iran's use of death penalty against minors", October 24, 2019, Access in: <https://www.dw.com/en/un-criticizes-irans-use-of-death-penalty-against-minors/a-50959211> [Seen: 11/6/2020]

- 18-The Guardian, "Iranian authorities seize Nobel peace laureate Shirin Ebadi's medal" The Guardian website, published in: November 26, 2009, Access in: <https://www.theguardian.com/world/2009/nov/26/nobel-laureate-shirin-ebadis-medal-seized> [Seen: 12/8/2020]
- 19-International Convention on the Rights of All Migrant Workers and Their Families, New York: 1990. Article 16-20.
- 20-BBC, "Afghan refugees in Iran face abuse, says HRW", BBC website, published in: November 20, 2013, Access in: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-25007379> [Seen: 13/5/2020]
- 21-Refugee Research Online, "Iran's Mistreatment of AFGHANS: Human rights violations of refugees and asylum seekers." RRO website, published in: 26 January 2019, Access in: <http://refugeeresearchonline.org/irans-mistreatment-of-afghans-human-rights-violations-of-refugees-and-asylum-seekers/> [Seen: 23/6/2020]
- 22-Susannah, George, "Afghanistan and Iran investigate deaths of 16 Afghan migrants near border" The Washington post, published in May 6, 2020, Access in: [www.washingtonpost.com](http://www.washingtonpost.com) [Seen: 14/9/2020]
- 23-Aljazeera, "Afghan denounce Iran police after refugees killed in car blaze", June 06, 2020, Aljazeera website, Access in: [www.aljazeera.com](http://www.aljazeera.com) [Seen: 14/9/2020]
- 24-UN Human rights committee, "Un adopts resolution condemning Iran's violations of Human rights", Cufi, published in April December 12, 2018, Access in: [www.cufi.org](http://www.cufi.org) [Seen: 14/9/2020]
- 25-Yossi, Lempkowicz, "European parliament condemns human rights violation in Iran", EJpress, published in: December 17, 2019, Access in: [www.ejpress.com](http://www.ejpress.com) [Seen: 14/9/2020]

ليکوال: موسى الرضا وحيدى

ژباړن: خېرنيوه عبدالرحيم بختانى خدمتگار

## پوتين او د روسيې راتلونکې تصوير

د کمونيزم له ړنگېدو وروسته، روسيه د دوو دولتي سيستمونو، د لرغونې اسلاو يا تزارې روسيې او د لوېديځ يا اروپايي ټولنې د غوره کولو لپاره په شک او ترديد کې وه. د پانگوالي موډل د کلونو لاسته راوړنې فقر، فساد، جنايات، د طبقاتي واټن رامنځ ته کېدل، د ټولنيز عدالت نشتوالی او بې امنيتي وې. خلک د پرلپسې ناکاميو او ناخوالو څخه ناهيلې شوي وو او له ملي او شخصيتي سپکاوې څخه ځورېدل. په نړيواله کچه هم د لوېديځ او په ځانگړې توگه د امريکا متحده ايالاتو سيستماتيکه بې پروايي او د روسيې د تجزيې لپاره د لارې برابرولو کوښښونه د روسيې په بهرني او کورني سياست کې د ژورو بدلونونو د پيدا کېدو لامل شول.

د روسيې د جمهوري رياست په ټاکنو کې د لومړي ځل لپاره د پوتين بری او په سياسي ډگر کې د هغه چټک پرمختگونه د روسيې د سياسي مسايلو د ناظرانو په منځ کې د ډېرو فرضيو او پوښتنو د رامنځ ته کېدو لامل شو، په ځانگړي ډول د روسيې د راتلونکي سياست، د اصلاحاتو پروگرام او د امنيتي او بهرني سياست د تگلارو په برخو کې ډېرې پوښتنې رامنځ ته شوې.

ځينې شنونکي، پوتين د يو بې هوښه او بې پلانه شخصيت په توگه پېژني او وايي چې هغه د لويو پانگوالو د گټو لپاره کار کوي او د هغوی په ملاتړ واک ته

رسېدلای، خو ځینې نور شنونکي وروستیو تحولاتو ته په پام سره پوتین د یو ملتپال شخصیت په توګه پیژني او وایي چې هغه په نړیواله کچه د روسیې د پرمختګ لپاره هلې ځلې کوي.

د پورتنیو دوو شننو پر بنسټ د دې مقالې اصلي پوښتنه دا ده چې د جمهور رئیس په توګه د پوتین په ټاکل کېدو سره روسیه د پرمختګ او تحولاتو پر لور ځي او که نه؟ بشپړه پوښتنه دا ده، چې د پوتین له ټاکل کېدو سره د روسیې د بهرني سیاست په تگلاره کې څه بدلون راځي؟

د اصلي پوښتنې په احتمالي ځواب کې د مقالې فرضیه داسې ده: روسیه له دې امله چې د پانګوالي اقتصادي موډل په تجربو کې زیانمنه شوې وه، غوښتل یې چې بیا د متمرکزو پروګرامونو او طرح شویو پرېکړو پر بنسټ د بیا رغونې له لارې پخپلو پښو ودرېږي. د سیاسي نظریاتو له مخې هم د روسیې نړیوالو ګټو ته د لوېدیځو هېوادونو د نه پاملرنې له امله د اقتصادي مسایلو په برخو کې د سیاسي او امنیتي رهبران په نظریاتو کې بدلونونه رامنځ ته شوي وو. په دې برخه کې د کرملین مشران کوښښ کوي چې د نړیوالو مرستو او د سیمې او نړۍ له هېوادونو سره د اړیکو پر بنسټ په روسیه کې پانګونې ته پراختیا ورکړي.

په دې مهال د روسیې د پارلمان ډېرې څوکۍ د دولت د پلویانو په لاس کې وې او پخوانۍ سیاسي او ایډیالوژیکي شخړې هم پای ته رسېدلې وې، له همدې کبله د دغو پلانونو د عملي کولو امکانات ډېر وو، دغه مقاله په پنځو برخو باندې وېشل شوې ده: په لومړۍ برخه کې د پوتین پخواني فعالیتونه د دې هېواد د راتلونکو سیاستونو د پېژندنې او عملي کولو لپاره څېړو. په دوهمه برخه کې د پوتین د اهدافو او ستراتیژيو په اړه معلومات وړاندې کوو. په درېمه برخه کې د روسیې دولت د اقتصادي سیاستونو او اصلاحاتو په برخو کې او د دغو سیاستونو د اغیزو په اړه څېړنه ترسره کېږي. په څلورمه برخه کې د روسیې بهرنی سیاست او په پنځمه برخه کې د دغو پروګرامونو په مقابل کې د شته ننگونو په اړه څېړنې ترسره کېږي.

## لومړۍ برخه - د پوتین پخواني فعالیتونه

د روسیې د کورنیو او بهرنیو ناظرانو د اعترافونو له مخې ولادیمیر پوتین کولای شي په لنډه موده کې د مرستو له اخیستلو او یا له کوم سیاسي گوند او ډلې سره له یو ځای کېدو پرته د روسانو اعتماد راجلب کړي له همدې امله په ټولنه کې د راتلونکي لپاره د خلکو هیلې را ژوندۍ شوي دي. دغه اعتماد په ډېرو لږو سیاسي لگښتونو ترلاسه شوی، چې د روسیې په تاریخ کې دا ډول پېښې ډېر لږ تکرار شوې دي.

د تاریخ په اوږدو کې د روسیې د سیاسي برخلیک په ټاکلو کې د ځواکمنو واکدارانو د مرکزي رول په نظر کې نیولو سره کونښن شوی، چې د روسیې د راتلونکي په اړه د ولادیمیر پوتین د مرکزي رول یو روښانه تصویر وړاندې شي.

په کې.جي.بي. کې د ولادیمیر پوتین د وروستیو کلونو د فعالیتونو په اړه ویلای شو، چې هغه د سړې جگړې په وروستیو کلونو کې په څو مهمو امنیتي عملیاتو کې گډون کړی و. هغه یو اقتصادي جاسوس و او ورته دنده سپارل شوې وه، چې له لوېدیځو هېوادونو څخه موډرنه تکنالوژي روسیې ته انتقال کړي او په دې توگه د بهرنیو پانگونو پروسې سره مرسته وکړي. ولادیمیر پوتین په داسې حال کې د کرملین مانۍ ته داخل شو، چې د روسیې سیاسي او اقتصادي سیستم د نړېدو په حال کې و او د روسیې د بیا تجزیه کېدو خطر موجود و.

## ولادیمیر پوتین په کې.جي.بي.کې

ولادیمیر پوتین د ۱۹۵۲ ز. کال د اکتوبر پر ۱۷ مه نېټه د سن پیترزبورگ په ښار کې زېږېدلی او په ۱۹۷۵ ز. کال کې د پیترزبورگ دولتي پوهنتون د حقوقو له پوهنځي څخه فارغ شوی دی. (۱) د پوهنتون له پای ته رسېدو سره سم د کې.جي.بي. د بهرنیو چارو په برخه کې مقرر شو. نوموړی د شلمې میلادي پېړۍ د اتمې لسیزې په لومړیو کلونو کې د المان درسدن (Dresden) ښار ته ولېږل شو. د شلمې پېړۍ د اتمې لسیزې په لومړیو کلونو کې د شوروي اتحاد مهمې امنیتي ادارې له لوېدیځو هېوادونو سره د مقابلي لپاره او همدارنگه د ختیځې اروپا د لوړپوړو کمونیستانو د امنیت ساتلو له امله په ختیځ المان کې ځای پرځای شوی و،

له همدې کبله کله چې پوتین په اروپا کې دنده سرته رسوله، ځان یې د سپرې جگړې په لومړۍ کرښه کې احساسوه.

د هغه اصلي ماموریت دا و، چې په ختیځ المان کې سیاسي نظریات کنټرول کړي او شوروي اتحاد ته د لوېدیځو هېوادونو د پرمختللي تکنالوژۍ د لېږدولو په برخه کې فعالیتونه سرته ورسې، ځکه چې شوروي اتحاد د اقتصاد د بیا رغونې لپاره بهرنۍ پانګونې ته اړتیا درلوده.

### پوتین په سن پیترزبورګ کې

پوتین په ۱۹۸۹ ز. کال کې بېرته سن پیترزبورګ ښار ته ولاړ. (۲) د هغه اصلي دنده د پرسترویکا (بیارغونې) د پروسې کنټرول و. د سن پیترزبورګ ښار د کمونیسټي ضد قوتونو د فعالیتونو مرکز و. همدارنګه اقتصادي اصلاح غوښتونکي آناټولي چوبایس هم په دې ښار کې سیاسي فعالیتونه کول. هغه د بوریس یلتسین د حکومت په لومړیو وختو کې مهم سیاسي رول درلود. پوتین په پیترزبورګ کې د سن پیترز بورګ د دولتي پوهنتون د نړیوالو اړیکو مشاور په توګه په کار پیل وکړ. همدارنګه نوموړي د دې دندې ترڅنګ د سن پیترز بورګ د پارلمان رئیس سوچاک (Sobchak) د مشاور په حیث هم دنده ترسره کوله. له سوچاک سره د پوتین د نږدې اړیکو له امله هغه په دې باندې بریالی شو چې د اصلاحاتو په غورځنګ کې نفوذ وکړي. کله چې په ۱۹۹۱ ز. کال کې سوچاک د پیترزبورګ ښار د ښاروال په توګه مقرر شو، پوتین یې د سن پیترزبورګ د دولتي کمېټې د بهرنیو اړیکو د رئیس په توګه مقرر کړ. سوچاک پر پوتین ډېر باور درلود او مطمئن و چې هغه جاسوس نه، بلکې د هغه ډېر نږدې شاګرد او همکار دی، خو په ډېر لنډ وخت کې دغه نږدې شاګرد او همکار د پیترز بورګ په دولتي چارو کې د یوه غوره لوبغاړي په توګه څرګند شو. د «مسکو نیوز» ورځپاڼې په تائید سره پوتین په ۱۹۹۱ ز. کال کې د مسکو د کودتاچیانو او د سن پیترزبورګ د اصلاح غوښتونکو ترمنځ منځګړیتوب وکړ او په دې توګه یې سن پیترزبورګ ته د پوځي ځواکونو د ننوتلو مخنیوی وکړ. پوتین په ۱۹۹۱ ز. کال کې د سن پیترزبورګ د ښاروال د مرستیال په توګه مقرر شو او په



پیترزبورگ کې د بهرنیو پانګونو او له اروپایي بانکونو څخه د مرستې اخیستلو په برخه کې ډېر بریالیتوبونه ترلاسه کړل او نوموړی په ډېر لنډ وخت کې د یو اصلاح غوښتونکي شخصیت په توګه وپېژندل شو.

## په مسکو کې د پوتین دندې

په ۱۹۹۶ ز. کال کې پوتین مسکو ته راغی او د کرملین ماڼۍ د مالي او اداري چارو د رئیس د لومړي مرستیال په توګه مقرر شو. (۳) د دغه معاونیت له اهدافو سره سم هغه اجازه ترلاسه کړه، چې په بهرنیو هېوادونو کې امنیتي عملیات ترسره کړي. د ۱۹۹۷ ز. کال په مارچ کې ولادیمیر پوتین د یلتسین په فرمان د فدراتیفي روسیې د جمهوري ریاست د نظارت برخې د رئیس په توګه مقرر شو. د دې ریاست دنده د جمهور رئیس د فرمانونو د اجرائو په برخه کې نظارت کول و. په کې.ګي.بي. کې د پوتین د تجارو له امله نوموړي په دغه دنده کې ډېر بریالیتوبونه ترلاسه کړل. د «مسکو ټایمز» د راپور له مخې پوتین د روسیې د مختلفو سیمو رئیسانو او د کرملین چارواکو ته لارښوونه وکړه، چې د یلتسین له سیاستونو څخه ملاتړ وکړي.

پوتین د ۱۹۹۸ ز. کال د جولای په میاشت کې د اف.اس.بي. (Federal Security Bureau) د رئیس په توګه وټاکل شو. اف.اس.بي. د کې.جي.بي. یا د روسیې استخباراتي ادارې نوی نوم دی. کله چې پوتین د روسیې د استخباراتي ادارې د رئیس په توګه وټاکل شو، نو خپل نږدې همکاران یې د نوموړې ادارې په کلیدي پوستونو کې مقرر کړل. په ۱۹۹۹ ز. کال کې پوتین د روسیې د امنیت شورا د رئیس په توګه وټاکل شو. له دې ټاکنې وروسته پوتین د دفاع وزارت، د کورنیو چارو وزارت او نورو امنیتي ارګانونو ترمنځ د همغږۍ فضا رامنځ ته کړه. په یوګوسلاویا کې د کوزوو جګړو، په شمالي قفقاز کې د بحران د پیل او داغستان ته د چچني ملېشو د داخلېدو پر مهال پوتین د اف.اس.بي. د رئیس په توګه پاتې شوی دی. د روسیې جمهور رئیس یلتسین، پوتین او د روسیې استخباراتي ادارې (اف.اس.بي.) ته دنده وسپارله ترڅو د روسیې په پارلماني او جمهوري ریاست ټاکنو کې د کرملین له متحدینو سره مرسته وکړي، چې ټاکنې د دوی په ګټه پای ته ورسېږي.

د ۱۹۹۹ ز. کال د اگست پر نهمه نېټه سرگي استیپاشن (Sergei Stepashin) چې د روسیې د صدراعظم په توگه دنده ترسره کوله له دندې گوښه او د هغه پرځای ولادیمیر پوتین د روسیې د صدراعظم په توگه وټاکل شو، ترڅو د جمهوري ریاست ټاکنو لپاره ځان چمتو کړي. د روسیې د ځینو ورځپاڼو د لیکنو له مخې پوتین او د روسیې استخباراتي اداره د قفقاز د بحران او د روسیې په اداري چارو کې د یلتسین له مدیریت څخه رضایت نه درلود. له همدې کبله د پوتین پلویانو یلتسین دې ته اړ کړ، چې پوتین د روسیې د لومړي وزیر په توگه مقرر کړي. (۴)

### دوهمه برخه - د پوتین ستراتیژي او موخي

د پوتین له حاکمیت څخه مخکې د روسیې ټولنه د پرلپسې ناکامیو په پایله کې د زوال او ړنگېدو خواته روانه وه. د روسیې خلک له شخصي او ملي سپکاوي څخه ځورېدل. یلتسین د ټولني د رهبرۍ توان نه درلود. په دغو حساسو شرایطو او حالاتو کې د روسیې ټولني یو پیاوړي رهبر ته اړتیا درلوده، ترڅو په ټولنه کې یو ځل بیا امنیت، نظم او پرمختگ لپاره زمینه برابره کړي. د ولادیمیر پوتین د تېرو فعالیتونو او کارنامو له مخې د روسیې د حالاتو د کنترول لپاره نوموړی یو مناسب سیاسي شخصیت و. له همدې کبله د کرملین او د روسیې استخباراتي ادارې د ملاتړ پر بنسټ پوتین واک ته ورسېد.

کله چې پوتین د جمهوري ریاست واک ترلاسه کړ، نوموړي د روسیې له خلکو سره ژمنه وکړه چې د یلتسین د دورې بحران به پای ته رسوي او یو ځل بیا به د روسیې عظمت او شوکت را ژوندی کوي. پوتین په روسیه کې د ډیموکراسۍ او نړیوال اقتصادي بازار عملي کول د خپلې اساسي دندې په توگه اعلان کړل. همدارنگه پوتین د نظم او امنیت رامنځ ته کول، له فساد سره مبارزه او د هغو کسانو پر ضد مبارزه چې د شوروي اتحاد پانگې یې لوټ کړې وې، خپله اساسي دنده وبلله. (۵) نوموړی د روسیې خلکو لپاره د آرام ژوند د تأمینولو په برخه کې کوښښ کوي. (۶) د پوتین له خبرو او فعالیتونو څخه داسې معلومېږي چې هغه د کورنیو او بهرنیو چارو په برخو کې د شوروي اتحاد او د اوسني روسیې له ځینو طریقو او روشونو څخه

کار اخلي. د بېلگې په ډول هغه په دې باور لري چې په یو وخت کې هم نړیوال اقتصادي بازار سیاست ته دوام ورکړي او هم د دې ترڅنګ د هېواد په ټولو چارو کې د دولت نظارت او کنټرول ته پراختیا ورکړي. (۷)

خو دا باید په نظر کې ونیسو چې تر یوې اندازې پورې له کمونیستي نظریاتو او روشونو سره مخالفت هم لري. له همدې کبله د دې هیله مندي نشته چې روسیه بیا د شوروي نظام پر لور حرکت وکړي. پوتین په کې. جی. بی. کې روزل شوی او د ټولو په نسبت هغه د تېرې دورې د کمزورتیاوو او ستونزو په اړه معلومات لري.

### الف - د یو غښتلي دولت رامنځ ته کول

پوتین د یلتسین له دورې څخه یوه ښه تجربه ترلاسه کړې وه، هغه دا چې په نا منظم سیاسي نظام کې هر ډول ستونزه رامنځ ته کېږي. په نا منظم سیاسي نظام کې د اقتصادي اصلاحاتو عملي کول ناممکن کار دی، خو د یو پیاوړي سیاسي نظام په جوړېدو سره د دغو اصلاحاتو عملي کول له امکان څخه لرې خبره نه ده. له همدې کبله د نوموړي له اساسي اهدافو څخه یو دا و چې د روسیې د سیاسي نامنظم سیستم پرځای یو متعادل سیاسي سیستم رامنځ ته کړي. همدارنګه هغه په دې کوشش کې و، ترڅو یو غښتلی او مرکزي دولت رامنځ ته کړي، د دې کار د ترسره کولو په موخه نوموړي د کرملین، امنیتي او پوځي لوړ پوړو پوستونو کې خپل نږدې او د اعتماد وړ کسان مقرر کړل او مطبوعات او رسنۍ یې په خپل کنټرول کې وساتلې. یلتسین د جسماني کمزورتیا له امله د دې توان نه درلود، چې دولت په سمه توګه اداره او خپلې پرېکړې عملي کړي، خو پوتین د پوځي، امنیتي ادارو او د خلکو له ملاتړ څخه برخمن و. پوتین ځینې مهم کارونه د روسیې لومړي وزیر ته وسپارل، په دې کار سره د پوتین لپاره وخت پیدا شو، چې د هېواد پر نورو سیاسي او اداري ستونزو فکر وکړي او د حل لارې ورته پیدا کړي او نوموړي د کابینې غړي له ۶۸ څخه ۳۰ تنو ته راکم کړل. (۹)

پوتین میخائیل کاسیانوف د لومړي وزیر په توګه وټاکه. کاسیانوف اقتصادي کارپوه او په اقتصادي چارو کې د تجربې خاوند و. همدارنګه هغه د روسیې په

سیاسی گوندونو کې غړیتوب نه درلود. له همدې کبله کاسیانوف د پوتین لپاره باوري شخصیت و.

### ب - د الیگارشي<sup>۱</sup> پرضد د پوتین مبارزه

کله چې پوتین د جمهوري ریاست واک ترلاسه کړ، له الیگارشي سره یې په ډېر احتیاط چلند وکړ، ځکه چې د دې ډلې د تند چلند له امله د ستونزو د پیدا کېدو امکانات ډېر وو. پوتین د انحصاري رسنیو په ملاتړ د جمهوري ریاست په ټاکنو کې بریالی شو. کله چې پوتین د روسیې د جمهور رئیس په توګه اعلان شو، د الیگارشي د فعالیتونو ساحه یې محدوده کړه. د پوتین د وینا له مخې د یلتسین په دوره کې د روسیې ډېرې پانګې د الیگارشي تر واک لاندې وې.

همدارنګه په هغه مهال هغوی په دولتي چارو او تشکیلاتو کې هم مداخلې کولې، خو د پوتین د حاکمیت په لومړیو کلونو کې د الیگارشي فعالیتونه یوازې پانګونې ته محدود شول. (۱۰)

د روسیې نوی جمهور رئیس کونسن کوي، چې د حقوقي ځواک د رامنځ ته کېدو، د قانون حاکمیت، له فساد سره د مبارزې او د بهرنیو پانګونو د راجلبولو ترڅنګ د الیگارشي فعالیتونه محدود او کنټرول کړي. په اقتصادي فعالیتونو کې د بهرنیو پانګونو په راجلبولو سره د الیگارشي فعالیتونه محدود او کنټرول شول. د شلمې میلادي پېړۍ د نهمې لسيزې په پرتله د پوتین د حاکمیت پر مهال په روسیه کې د کورنیو پانګوالو پانګونې ډېرې شوې.

### ج - د روسیې د خودمختارو سیمو د زیاتوالي د مخنیوي لپاره مبارزه

د فدراتیفې روسیې د پیچلي تشکیلاتي جوړښت له امله مرکزي دولت د دې وړتیا نه درلوده چې په ارامۍ سره خپل حاکمیت او اصلاحات په نورو سیمو کې

<sup>۱</sup> - الیگارشي یوه ډله ده چې د یلتسین د حاکمیت پرمهال رامنځ ته شوې وه. دغې ډلې د روسیې ډېرې اقتصادي منابع په ناقانونه ډول غصب کړي وې او له دولت نه بهر یې د یو غښتلي ځواک په ډول فعالیت کاوه. د دې ډلې اکثره غړي د پخواني کمونیست ګوند ځینې کسان دي.

## پوتین او د روسیې راتلونکی تصویر

عملي کړي. د فدراتیفې روسیې ځینې خودمختارې سیمې او جمهوریتونه د نورو په نسبت ډېر غښتلي او د ډېر واک خاوندان دي. د یلتسین د حاکمیت پرمهال د مرکزي دولت اړیکې له خودمختارو جمهوریتونو سره یو شان نه وې او ملي بودیجه د دوي ترمنځ په مساوي ډول نه وېشل کېده.

د خودمختارو جمهوریتونو مالیاتي او گمرکي مقررات او سیستم د فدراتیفې روسیې له قوانینو سره په ټکر کې و. د پریماکوف د صدارت پرمهال د خودمختارو جمهوریتونو او مرکزي حکومت ترمنځ د اړیکو د اصلاحاتو په اړه ځینې موضوعات مطرح شول. په دې برخه کې وړاندیزونه وشول چې ځینې خودمختاره جمهوریتونه سره یوځای شي او د دغو جمهوریتونو رئیسان د مرکزي حکومت له خوا وټاکل شي. د روسیې جمهوري ریاست ته د پوتین له انتخابیدو وروسته هم دا موضوعات مطرح شول. (۱۱)

په عمومي ډول په دې برخه کې دوه ډوله نظریات دي: یوه ډله غواړي چې مختلفې سیمې سره یوځای شي او په همدغو سیمو کې انتخاباتي سیستم پای ته ورسېږي، د سیمې مشران د مرکزي دولت له خوا وټاکل شي. بله ډله غواړي چې د هرې سیمې لپاره صلاحیتونه او امتیازات ډېر شي. پوتین د دواړو ډلو ترمنځ یو منځگړې لار وټاکله. پوتین په خودمختارو سیمو او جمهوریتونو کې د انتخاباتي سیستم او د ډېرو امتیازاتو او صلاحیتونو له ورکولو سره خپل مخالفت څرگند کړ. پوتین د یو فرمان په ترڅ کې ټوله روسیه په اوو لویو سیمو باندي ووېشله، چې هره سیمه د یو جمهور رئیس له خوا اداره کېږي. (۱۲)

د دې فرمان له مخې مرکزي دولت ته واک او صلاحیت ورکړل شو، چې په خودمختارو سیمو او جمهوریتونو کې اقتصادي منابع، گمرکي قوانین، مالیاتي سیستم، پولیس او امنیتي ادارې په خپل لاس او کنټرول کې وساتي. د پوتین اصلي هدف دا و چې د روسیې په لویه خاوره کې قوانین یو ډول تطبیق شي او په مهمو چارو کې د مرکزي دولت رول پیاوړی شي.

## درېمه برخه - د پرسترویکا<sup>۲</sup> بیا راژوندی کول

په روسیه کې د پانگوالي اقتصاد له ناکامې تجربې وروسته، د روسیې اقتصاد زوال خوا ته روان شو. د عمومي فساد او نامعقولو اقتصادي سیاستونو له امله په دغه هېواد کې عمومي بحرانونه رامنځ ته شول. (۱۳)

هغو کسانو چې د شوروي اتحاد له ړنگېدو وروسته یې د اصلاحاتو لپاره مبارزه پیل کړې وه، کومه مثبتة پایله ترلاسه نه کړه. د یلتسین د حاکمیت پرمهال ناقانونه او مافیایي فعالیتونه پیل شول، اداري فساد، جرم او جنایتونه ورځ په ورځ ډېرېدل، په ظاهري ډول د اصلاحاتو په نوم ناقانونه کارونه ترسره کېدل. د دغو بې نظميو او جنایاتو په پایله کې الیگارشي د روسیې ۵۰ سلنه اقتصاد په خپل کنټرول کې ونیو. (۱۴)

الیگارشي د ناقانوني پانگې د راټولولو له امله د روسیې د پانگوالو شخصیتونو په توگه راڅرگند شو. له همدې کبله یې په سیاسي او اقتصادي چارو کې ډېر نفوذ پیدا کړ. (۱۵) د ۱۹۹۶ ز. کال د روسیې د جمهوري ریاست په ټاکنو کې یلتسین د الیگارشي په ملاتړ د خپل پیاوړي رقیب زیوگانوف په مقابل کې بریالیتوب ترلاسه کړ. د یلتسین له حکومت سره د الیگارشي د نا مقدس اتحاد په پایله کې اصلاحاتو ته د خلکو ټول امیدونه پای ته ورسېدل. د هغوی واک او صلاحیت دومره ډېر و، چې د مالیاتو اندازه او طریقه یې ټاکله.

په حقیقت کې د روسیې د رهبرانو د ناسالم او نامعقول مدیریت له امله د روسیې ملي پانگه د مافیایي گروپونو له خوا لوټ شوه، له همدې امله د ازاد بازار، د قانون حاکمیت او د ډیموکراسۍ په مقابل کې د خلکو په منځ کې کرکه او نفرت پیدا شو. د ډېرو خلکو له نظره ډیموکراسي د جنایت او نا امنۍ او ازاد بازار د مالي فساد په مفهوم وپېژندل شو.

<sup>۲</sup> - پرسترویکا یو روسي اصطلاح ده، چې په ۱۹۸۵ ز. کال کې د شوروي اتحاد مشر میخائیل گرباچف د اقتصادي اصلاحاتو لپاره استعمالوله. دغه اصطلاح په لغت کې د بیا رغونې معنی لري. دغه اصطلاح د شوروي اتحاد د اقتصاد د بیا رغونې له پاره استعمال شوی ده.

## پوتین او د روسیې راتلونکی تصویر

دېر سیاسي شننونکي په دې باور دي چې د پوتین په مشرۍ د روسیې نوی حکومت کونښن کوي چې د شوروي اتحاد د دورې حاکمیت او د پرسترویکا د بیا ژوندي کولو له لارې موجوده بحرانونه پای ته ورسوي. (۱۶)

په تېرو لسو کلونو کې د روسیې ملي پانګې نږدې پنځوس سلنه بهرنیو هېوادونو ته لیږل شوې وې او له پاتې برخې څخه هم په ناقانونه کارونو کې کار اخیستل کېده. **د پرسترویکا واقعیت:** د روسیې د سیاسي او اقتصادي ستونزو اصلي رېښه د اتیایمې لسیزې د لومړیو کلونو پېښې دي. کله چې د شوروي اتحاد دولتي مشران دې پایلې ته ورسېدل چې په متمرکز اقتصاد کې د لوېدېځو پرمختللو هېوادونو له اقتصادي پرمختګونو سره سیالی نشي کولای، نو پریکړه یې وکړه چې په سیاسي او اقتصادي جوړښتونو کې بدلونونه رامنځ ته کړي. د اتیایمې لسیزې په لومړیو کلونو کې د «کې.ګي.بي.» ادارې اعلان وکړ چې لوېدیځ هېوادونه په پوځي او ناپوځي ټکنالوژيو کې له شوروي اتحاد څخه مخکې روان دي، کېدای شي چې کرملین په سره جګړه کې ناکام شي. له همدې امله د شوروي اتحاد د مشر میخائیل ګرباچوف د پرسترویکا او ګلاسنوست<sup>۲</sup> پروګرامونه پیل کړل. (۱۷)

د ۱۹۸۴ز. کال په لومړیو میاشتو کې د شوروي اتحاد د کمونیست ګوند د سیاسي بیرو ځینو غړو، د «کې.جي.بي.» ځینو جنرالانو او د سوداګرۍ وزارت ځینو کار پوهانو ته دنده وسپارل شوه، ترڅو د بهرنیو پانګو د راجلبولو لپاره نوي اقتصادي بنسټونه جوړ کړي. د دې اصلاحاتو د عملي کولو لپاره د شوروي اتحاد په شرکتونو او کارخانو کې د «کې.ګي.بي.» نامتو پوځیان په اساسي پوستونو کې مقرر شول. د نویو قوانینو له مخې د بهرنیو هېوادونو پانګوالو ته دنده وسپارل شوه چې د خپلو

<sup>۲</sup> - ګلاسنوست یو روسي اصطلاح ده، چې په ۱۹۸۵ز. کال کې د شوروي اتحاد مشر میخائیل ګرباچوف د سیاسي اصلاحاتو له پاره استعمالول. دغه اصطلاح په لغت کې د افشاء کولو معنی ورکوي. دغه اصطلاح د شوروي اتحاد په کمونیست ګوند او د هغه مهال په سیاسي او اداري چارو کې د اصلاحاتو له پاره استعمال شوې ده.

کارونو د ښه تنظیم لپاره یو روسي شریک پیدا کړي، دغه شریکان باید د «کې.جی.بی.» له غړو څخه وي. (۱۸)

کله چې د شوروي اتحاد اقتصادي دروازې د بهرنیو پانگوالو پرمخ خلاصې شوې، په همدې مهال په اداري چارو کې د شوروي اتحاد کمونیست گوند خپل کنترول او حاکمیت له لاسه ورکړ.

له ۱۹۸۹ ز. کال څخه تر ۱۹۹۱ ز. کال پورې په سلگونو میلیونو ډالر د روسیې له ملي پانگې څخه بهرنیو هېوادونو ته لېږدول شوي و، چې دغسې مالي بحران د تزاروي روسیې د پاچا دوهم نیکولای له زمانې څخه تر اوسه پورې بېساری و. د اصلاح غوښتونکو د اقتصادي اصلاحاتو د ناکامۍ او د روسیې د اقتصاد له ړنگېدو وروسته، یلتسین پرېکړه وکړه چې یوځل بیا په روسیه کې د متمرکز پروگرامونو د عملي کولو لپاره شرایط برابر کړي. له همدې امله پریماکوف د لومړي وزیر په توگه وټاکل شو، نوموړی له لنډې مودې وروسته له دندې گوښه شو، خو سره له دې په مهمو عالي رتبه دولتي پوستونو کې د کمونیست گوند پخواني غړي مقرر کړل. په دې کار سره تر ډېرې اندازې الیگارشي وځپل شو. د الیگارشي ځینې ځواکمن کسان لکه یوري اسکوراتف (Yuri Skuratov) او برزوفسکي (Berezovski) د روسیې د حکومت پر ضد دعوا پیل کړه. د ۱۹۹۹ ز. کال د اگسټ پر ۱۹ مه نېټه کله چې پوتین د لومړي وزیر په توگه وټاکل شو، د وروستي ځل لپاره د پرسترویکا د بیا را ژوندي کولو پروسه، پیل شوه.

پرسترویکا یو ځل د شوروي اتحاد د ړنگېدو لامل شوه، په دې مهال یو ځل بیا ورته شرایط برابر شول، چې خپل بخت وازمایي. په چین کې پرسترویکا د یو نوي بریالي موډل په توگه عملي شوه او هغوی وتوانېدل چې خپل نظم او کنترول ټینګ وساتي او په څنګ کې د لوېدیځو هېوادونو په سلگونه میلیونو ډالر راجلب او خپل اقتصاد ته پرمختګ ورکړي.



## څلورمه برخه - د روسیې بهرنی سیاست

د روسیې د نوي جمهور رئیس له ټاکل کېدو سره، دا پوښتنې پیداکېږي، چې د روسیې راتلونکی بهرنی سیاست به څه ډول وي؟ د روسیې بهرنی سیاست به تندراری وي او که منځلاری؟ کرملین به یوازې ختیځو هېوادونو سره خپلو اړیکو ته دوام ورکوي او که له لوېدیځو هېوادونو سره او که له دواړو سره؟ د روسیې اړیکې به له ځینو هېوادونو سره محدودې کېږي او که نه؟ د پوتین له خبرو او تحلیلونو څخه معلومیږي چې د هغه بهرنی سیاست به پر واقعیتونو ولاړ وي او له سیمه ییزو او نړیوالو شرایطو سره به برابر وي. (۱۹)

پوتین غواړي چې روسیه پر یو ځواکمن او ازاد هېواد باندې بدل شي او له خپلو ملي او حیاتي گټو څخه دفاع وکړي، خو دغه هدف ته د رسېدو په لار کې ډېر خنډونه او ستونزې موجودې دي. په روسیه کې داسې حرکتونه او فعالیتونه روان دي، چې د لوېدیځو هېوادونو لپاره د منلو نه دي خو په عین حال کې د اقتصادي بیا رغونې لپاره د لوېدیځو هېوادونو مرستو ته اړتیا لري. په تېرو لسو کلونو کې د روسیې خلک او سیاستپوهان پوه شوي، چې لوېدیځ هېوادونه او په ځانگړې ډول د امریکا متحده ایالات غواړي چې په نړیواله سطحه روسیه په یو کمزوري هېواد بدله کړي. د روسیې بهرنی سیاست مهمه برخه دا ده، چې پوتین له لوېدیځو هېوادونو سره د اړیکو د نږدې کېدو په برخه کې د روسانو د ملتپالنې احساسات هم په نظر کې نیولي دي. په روسیه کې د ملتپالنې تمایلات د فدراتیفې روسیې د ځمکنۍ بشپړتیا په برخه کې ډېره مرسته وکړه. روسیه د لوېدیځو هېوادونو په مقابل کې د خپل موقف د پیاوړتیا لپاره له هند، چین او ایران سره نږدې شوه.

## پنځمه برخه - د روسیې د نوي دولت پر وړاندې مهمې ننگونې

د روسیې جمهوري ریاست ته د پوتین له ټاکل کېدو سره سم د روسیې په تاریخ کې نوې دوره پیل شوه. د روسیې په موجوده شرایطو کې پوتین د خپل جمهوري ریاست په لومړۍ دوره کې د دريو ستونزو سره مخامخ و.

## الف - اليگارشې

د روسيې د نوي حکومت پروړاندې يوه مهمه ننگونه د روسيې د اقتصادي حالت د ښه کېدو لپاره کونښنونه او د اليگارشې د کنټرول او د گټورو اقتصادي فعاليتونو سرته رسول دي. پوتين د اليگارشې د کنټرول لپاره دوه مهمې کړنلارې په نظر کې نيولي دي:

- ۱- پوتين په نظر کې لري چې اليگارشې د روسيې په امنيتي او دولتي تشکيلاتو او جوړښتونو کې جذب شي ترڅو دوی د قوانينو تر سيوري لاندې کنټرول شي.
- ۲- د امنيتي ادارو له واک او صلاحيت څخه په استفادې سره هغوی قانوني چوکاټ ته داخلېږي. کله چې د قانون چوکاټ ته داخل شو مجبور دي، چې له قانوني مقرراتو څخه سرغړونه ونکړي.

## ب - د امنيت تأمينول

د روسيې لپاره دوهمه مهمه ننگونه د امريکا د متحده ايالاتو د زبرځواکۍ پر وړاندې د امنيت تأمينول دي. همدارنگه د امريکا د متحده ايالاتو د ملي توغنديو دفاعي سيستم (National Missile Defence) پر وړاندې د روسيې مبارزه او د امريکا له خوا د بالستیک توغنديو (Anti Ballistic Missile) د تړون ماتول دي. (۲۱)

د اتومي توغنديو ضد سيستم د امريکا له خوا په امريکا او ځينو اروپايي هېوادونو کې د روسيې پر ضد ځای پر ځای شوي، چې هر ډول اتومي بمونه او راکټونه په هوا کې له منځه وړي. امريکا وايي چې دغه پروژه د روسيې پر ضد نه ده، بلکې دا پروژه د امريکا د يو شمېر مخالفينو لکه، شمالي کوريا، عراق او ايران د اتومي توغنديو او بمونو پر ضد جوړه شوي، خو د مسکو له نظره دغه دفاعي سيستمونه د روسيې پر ضد دي او امريکا غواړي چې روسيه په نړۍ کې د دوهم زبرځواک هېواد په توگه بدله شي.

پوتين کونښن کوي چې د ملتپالنې سياست له لارې له يوې خوا د روسيې پوځي ځواکونه بيرته پياوړي کړي او له بلې خوا د بهرنيو پانگونو لپاره شرايط برابر کړي.

## ج - د لوېدیځو هېوادونو غبرگون

د روسیې د جمهور رئیس په توګه د پوتین له ټاکل کېدو سره سم لوېدیځ هېوادونه او په ځانګړې ډول د امریکا متحده ایالات د روسیې پروړاندې د مناسبې ستراتیژۍ د طرح کولو په برخه کې له ځینو محدودیتونو سره مخامخ شو. ایا د امریکا متحده ایالات د روسیې له یو ځواکمن مرکزي حکومت څخه ملاتړ وکړي؟ په دې حالت کې امکان لري چې د روسیې ځواکمن مرکزي حکومت د سرې جګړې د دورې په شان د لوېدیځو هېوادونو ګټې له خطر سره مخامخ کړي؟ ایا امکان لري چې په دې حالت کې د امریکا متحده ایالات پر روسیې باندې خپلې مرستې بندې کړي؟ په دې صورت کې کمزورې روسیه کولای شي چې لوېدیځو هېوادونو او امریکا ته ستونزې پیدا کړي.

روسیه چې په اقتصادي ستونزو کې ډوب هېواد دی کولای شي د خپلو اتومي وسلو په پلورلو سره د لوېدیځو هېوادونو ګټې تهدید کړي. همدې ټکو ته په پام سره امریکا غواړي چې په روسیه کې یو نسبي ثبات او ځواک رامنځ ته شي.

ځینې شننونکي دغو واقعیتو ته په کتنو سره داسې وړاندوینه کوي چې امکان لري پوتین د بهرنیو پانګونو د راجلبولو او اقتصادي اصلاحاتو په برخه کې له ماتې سره مخامخ شي، چې په هغه حالت کې کېدای شي پوتین د لوېدیځو هېوادونو په مقابل کې له تند سیاست څخه کار واخلي (۲۲) او یا له واک څخه لرې شي.

## پایله

د کمونیزم له ړنگېدو وروسته د دولتي چارو د تنظیم لپاره د روسیې په مقابل کې دوه لارې موجودې وې. یوه لاره یې د تزاري روسیې د سیستم بیا را ژوندی کول او بله لاره یې د لوېدیځو هېوادونو او اروپایي ټولني ته نږدې کېدل و. د پانگوالي اقتصادي موډل د تجربې لاسته راوړنې په روسیه کې فقر، فساد او جنایتونه رامنځ ته کړل او په نوموړو کلونو کې ټولنیز عدالت او امنیت پای ته ورسید.

د روسیې خلک د حکومت د پرلپسې ناکامیو په پایله کې د ناهیلۍ او له شخصي او ملي سپکاوي څخه ځورېدل. په نړیوالو اړیکو کې لوېدیځ هېوادونه او په ځانگړي ډول د امریکا متحده ایالات د روسیې په مقابل کې د بې اعتنایي سیاست غوره کړی و او په دې کونښن کې و، چې روسیه په نړۍ کې د دوهم زبرځواک هېواد په توگه بدله شي. روسیه د تجزیې او ړنگېدو خوا ته روانه وه. په دغسې حالاتو کې ولادیمیر پوتین د خپل صدارت او جمهوري ریاست په لومړۍ دوره کې کونښن وکړ چې د پرسترویکا سیاست بیا را ژوندی کړي او د بهرنیو هېوادونو پانگوني جذب کړي. د بهرني سیاست په ډگر کې هم پوتین کونښن وکړ چې د لوېدیځو او ختیځو هېوادونو ترمنځ د اړیکو په برخه کې یو تعادل وساتي او د دغه تعادل د ساتلو ترڅنګ په روسیه کې د لوېدیځو هېوادونو لاسوهنې پای ته ورسوي.

## مأخذونه

1. Stratfor Intelligence Service, Russia 2000 in the Internet, 10 October 1999.
2. Ibid.
3. Ibid.
4. Ibid.
5. Moscow Times, With an Energetic New Tezar, 23 March 2000.
۶. هنري ماير، ايتارتاس، ۲۷ مارس ۲۰۰۰م.
۷. الکساندر والوشين، برنامه خبری ورميا، شبکه تلویزیونی اوارت، مورخ ۱۳۷۹۱۱۱۸
8. Oxford Analytica Daily Brief, Russia: Oligarchical Question, 27 March 2000.
9. Ibid.
10. Oxford Analytica Daily Brief, 27 March 2000.
11. Oxford Analytica Daily Brief, Russia Center Regional Reform, 4 April 2000.
12. Ibid.
۱۳. لس ولسکی، دو هفته نامه قارن افرز، مارس و آوریل ۲۰۰۰م.
14. Ibid.
15. Stratfor Intelligence Service, Russia 2000 in the Internet, 10 October 1999.
16. Ibid.
17. Ibid.
18. Vlademir Kozin, the Moscow Times, No, 1931, 1 April 2000.

19. Global Intelligence Update, After the Election: Putin's Plans for Russia, 27 March 2000.
20. Oxford Analytica Daily Brief, Russia: Start II Ratification, 20 April 2000.
21. Alexander Pikayev, CTBT Ratification might face unexpected delays, Carnegie Moscow Center, in the Internet, 23 April 2000.
22. New Jersey Online: News flash, the Associated Press, 3\6\2000, or Oxford Analytica Daily Brief, United State: Putin Prognosis, 28 March 2000.

محقق محمد موسی حاجی زاده

## بررسی اصل صلاحیت جهانی و نقش آن در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی

### **Evaluation of the Principle of Universal Jurisdiction and Its Role in International Criminal Justice**

Resercher Mohammad Musa Hajizada

#### **Abstract**

A principle that is accepted among countries of the world is the principle of universal jurisdiction based on which a country is able to reach to any crime with in its territory, However, neither the crime is in its territory, nor against its interests, moreover; neither the criminal nor the victim have the nationality this country. This principle, rather than to be a practical one, seems as a hypothetical principle. Because countries are more sensitive to the crime that hurts them in anyway. Also this principle facing many changelings such as: the weak capability of the country with universal jurisdiction, lack of cooperation among countries with stronger competence and especially the country with interior competence. So we can conclude that this principle is not effective in the application of the international criminal justice.

## خلاصه

یکی از اصول و پرنسپ‌های پذیرفته شده در میان کشورها اصل صلاحیت جهانی است که به موجب آن کشوری برای رسیدگی به جرم ذیصلاح شناخته می‌شود که مجرم در قلمرو آن اقامت داشته باشد، این در حالیست که نه جرم در قلمرو آن و نه علیه منافع آن واقع شده و نه مجرم و نه مجنی‌علیه تابعیت آن را دارند. این اصل بیش از آنکه یک اصل عملی باشد، اصل آرمانی بازدارنده و فرضی به نظر می‌رسد، چون کشورها بیشتر در حالاتی حساس‌اند که جرم به نحوی از انحا به آنان ضرری را عاید نموده باشد، همچنین ضعیف بودن صلاحیت کشور دارای صلاحیت جهانی، عدم و یا همکاری کمتر کشورهای دارای صلاحیت قویتر و بخصوص کشوری دارای صلاحیت محلی از جمله چالش‌ها فرازوی این اصل به حساب می‌آیند. بنابراین می‌توان گفت که این اصل، جز نقش بازدارندگی، در عمل نمی‌تواند مؤثریت چندانی در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی داشته باشد.

## مقدمه

در مورد اصل صلاحیت جهانی آنچه که قابل بحث دانسته می‌شود این امر مهم است که کشورها تاچه حدی علاقمند رسیدگی به این قضایا را دارند؛ آیا کشورها مکلف‌اند تا این اصل را رعایت نمایند، همچنین برای تثبیت عمل مجرمانه نیاز به وسایل اثبات جرم وجود دارد، در صورتی که کشوری محل ارتکاب جرم علاقمندی نشان ندهد تا به جرم رسیدگی نماید، چگونه تمایل به آن خواهد داشت تا برای رسیدگی به جرم توسط یک کشوری که دارای ضعیف‌ترین صلاحیت است، وسایل و مدارک اثباتیه جرم را شریک سازد. شرایط پیشبینی شده در این اصل نیز خود مشکل‌آفرین است طوری که اگر یک عمل در یک کشور جرم و در کشور دیگر جرم نباشد و یا اینکه مجرم جرم را در کشور اسلامی مرتکب شده و بعداً در کشور غیر اسلامی اقامت اختیار می‌نماید؛ با این همه چالش‌های موجود واقعاً این اصل می‌تواند در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی مؤثر باشد.



## سوال تحقیق

نقش اصل صلاحیت جهانی در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی چگونه است؟

## فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد که اصل صلاحیت جهانی بیشتر یک اصل آرمانی و فرضی بوده بنابراین نمی‌تواند تأثیرات چندان مثبتی در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی داشته باشد.

## هدف تحقیق

آشکار ساختن موانع و چالش‌های فراروی این اصل به عنوان یک اصل جهانی؛ هدف این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

## مبرمیت تحقیق

بررسی این موضوع که صلاحیت جهانی در جهان کنونی در امر تأمین عدالت جزایی بین‌المللی تا چه حدی مؤثر بوده و این اصل در کود جزای کشور برای اولین بار چگونه بازتاب یافته است؛ مبرمیت تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهد.

## روش تحقیق

روش استفاده شده در این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات در این مقاله علمی-تحقیقی، کتابخانه‌یی است.

## اول-کلیات

در این بحث موضوعات چون تعریف، مبانی و شرایط صلاحیت همگانی (جهانی) مورد بحث و بررسی قرار گرفته که اینک به آن اشاره صورت می‌گیرد:

**الف: مفهوم صلاحیت جهانی (همگانی):** دولتی که صلاحیت جهانی خود را اعمال می‌کند، هیچگاه مدعی نیست که نسبت به عملی که آن را جزا می‌دهد، یا نسبت به مرتکب آن، حق حاکمیتی دارد، هم‌چنین این دولت برای دفاع از منافع خود اقدام نمی‌کند، فقط به این علت که دولتی دیگر اقدامی نکرده است. دخالت او برای آن است که جرمی برخلاف مصلحت انسانیت بدون جزا نماند.

در مورد تعریف این اصل میان دانشمندان حقوق اختلاف نظر جدی وجود ندارد، طوریکه هریک از دانشمندان آن را به الفاظ مختلف و به مفهوم واحد تعریف نموده‌اند که اینک به برخی از تعاریف آن‌ها اشاره می‌شود.

"پرنسیپ صلاحیت جهانی از جمله پرنسیپ صلاحیت تعویضی بوده و به پرنسیپی گفته می‌شود که به اساس آن، کشوری برای رسیدگی به جرم ذیصلاح دانسته می‌شود که مجرم در قلمرو آن کشور اقامت داشته باشد ولو این که جرم در قلمرو آن واقع نشده باشد، همچنان ولو مجرم و یا مجنی‌علیه تابعیت آن کشور را نداشته باشد." (۴: ص ۱۰۳)

به همین ترتیب دیده می‌شود تعریفی دیگری از این صلاحیت با عین مفهوم صورت گرفته است؛ چنانکه در مورد چنین اشاره شده است: "مطابق این اصل، دولت‌ها حق تعقیب برخی از مجرمین را در داخل قلمرو خود دارند، بدون توجه به این که جرم در کجا رخ داده و مجرم یا قربانی تبعه چه کشوری هستند." (۶: ص ۷۶)

در تعریف دیگری صلاحیت همگانی عبارت است از: "اصل صلاحیت جهانی به هردولت اجازه تعقیب مجرمینی را می‌دهد که جرایم خاصی را مرتکب شده‌اند حتی وقتی که دولت تعقیب کننده فاقد رابطه سنتی با جرم، مجرم یا مجنی‌علیه است." (۳: ص ۱۶۵)

کشوری دارای صلاحیت جهانی بوده می‌تواند که مجرم در قلمرو آن کشور اقامت داشته و شرایط این صلاحیت نیز صادق گردد. در مورد وجه تسمیه این صلاحیت که چرا این صلاحیت را همگانی یا جهانی می‌نامند، دلیل این است هرکشوریکه مجرم در قلمرو آن اقامت داشته باشد، می‌تواند از این صلاحیت استفاده نماید، این درحالیست

که دیگر پرنسپ‌های این رشته چنین عمومیت را ندارند. تلاش به عمل آمد تا تعریف این اصل را در کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار داد، اما با بررسی تعدادی از این کنوانسیون‌ها می‌توان گفت که این اصل در کنوانسیون‌های بین‌المللی به صراحت تعریف نشده؛ صرفاً در کنوانسیون منع شکنجه بطور ضمنی به آن چنین اشاره شده است. "هریک از کشورهای عضو که شخص متهم به ارتکاب هرکدام از جرایم مذکور در ماده ۴ را که در قلمرو وی یافت شود، در مواردی مذکور در ماده ۵ چنانچه نخواهد وی را مسترد نماید می‌بایست به اتهام وی در مراجع صلاحیت‌دار رسیدگی نماید." (۵: ص ۱۱۵)

این ماده که در واقع ماده هفتم کنوانسیون منع شکنجه را تشکیل می‌دهد به نکته مهم اشاره نموده است و آن اینکه اگر مرتکب در قلمرو کشوری از کشورهای عضو یافت و مرتکب جرایمی مندرج در ماده ۴ (این ماده به جرم‌انگاری موضوع شکنجه توسط کشورهای عضو اختصاص داده شده است). گردیده باشد و با توجه به فقره دوم ماده ۵ این کنوانسیون نخواهد مرتکب را مسترد نماید؛ خود می‌تواند به اعمال مجرمانه اشخاص رسیدگی نماید. این امر صرفاً برای کشورهای عضو کنوانسیون در نظر گرفته شده است و گویا که به نحوی برای کشورهای که عضو کنوانسیون نمی‌باشند محدودیت‌های را ببار آورده و نمی‌توانند اعمال صلاحیت جهانی نمایند؛ در قبال این موضوع دو مورد قابل تذکر دانسته می‌شود که به نحوی این محدودیت را منتفی می‌سازد. مورد اول اینکه امروز اکثریت کشورهای جهان به این کنوانسیون ملحق شده‌اند، مورد دوم اینکه "دولتهای که به کنوانسیون منع شکنجه نپیوسته‌اند بدون آن که ملزم باشند می‌توانند با استناد به حقوق بین‌الملل عرفی صلاحیت جهانی خود را در رابطه با شکنجه اعمال نمایند." (همان: ص ۱۱۶)

اما در نظام حقوقی کشور و بصورت خاص این اصل در کود جزای افغانستان تعریف نشده؛ آنچه که در مورد این اصل تسجیل گردیده یک ماده (ماده ۲۶) بوده که در آن شرایطی را که افغانستان بتواند این نوع صلاحیت را اعمال نماید، بیان شده است.

**ب- مبانی اصل صلاحیت جهانی:** در مورد اینکه مبانی و منطق این صلاحیت چه بوده و چرا کشوری که نه جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته، نه جرم علیه آن کشور و نه مجرم تبعه آن بوده و نه مجنی علیه؛ پس چرا چنین کشوری که هیچ در قضیه دخیل نیست صلاحیت یابد تا به جرمی که هیچ ضرری از آن به کشورش عاید نگردیده، بآنهم حق رسیدگی به جرم را دارا می‌شود؛ پاسخ به این امر از یک دید ممکن این باشد؛ کشوری که می‌خواهد اعمال صلاحیت جهانی نماید به هیچوجه متضرر نگردیده است و به نظر می‌رسد که این کشور هم علاقه‌ای چندان نشان نخواهد داد تا با جرم رسیدگی نماید، اما تأمین نظم عمومی بین‌المللی و عدالت جزایی بین‌المللی مباحثی است که همه کشورها مکلف اند تا در رسیدن به آن دست به دست هم داده و بخاطر تحقق آن تلاش لازم را نمایند؛ چون فلسفه وجودی این اصل در واقع این امر است که هیچ مجرم نباید در هیچ‌گوشه و کنار دنیا بدون مجازات باقی بماند. در کنار این، امر مهم این است که کشورها تاچه حدی نسبت به این اصل خود را مکلف به رعایت آن می‌دانند، اینک به دلایلی اشاره می‌شود که کشورها به اساس آن می‌توانند اعمال صلاحیت جهانی نمایند:

**۱- ضرورت جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرم:** یکی از نیازمندی‌های موجودیت این اصل، بی‌مجازات نماندن مجرم است. گاهی امکان دارد که تعدادی از کشورها بنا بر علل از عواملی نخواهند و یا نتوانند به جرم رسیدگی نمایند، امکان آن وجود دارد که مجرم بدون محاکمه و مجازات بماند؛ پس برای جلوگیری از بی‌مجازات ماندن مجرمین؛ این صلاحیت نقش مهم و مؤثر داشته، همچنین است که نقش این صلاحیت را در وقایع جرایم در عرصه بین‌المللی تبیین نمود؛ چون باتوجه به این اصل است که سیاست جنایی بین‌المللی نقش وقایعی داشته و بسیاری از مجرمین از ترس و هراس این امر که در صورت ارتکاب عمل مجرمانه در هرجا که فرار کنیم باز هم از عمل مجرمانه خویش مسؤول و پاسخگو بوده و در نهایت مورد محاکمه و مجازات قرار خواهیم گرفت که این امر از منظر سیاست جنایی باعث کاهش آمار و ارقام جرایم می‌گردد.

۲- از حیث غیرقابل تحمل بودن وجود مجرم: مجرم در تمامی جوامع موجودی غیرقابل تحمل است؛ همچنین مجرمین دارای حالت خطرناک بوده و امکان آن وجود دارد تا عمل مجرمانه‌ای دیگری را مرتکب شوند، بنابراین لازم است تا مجرم بدون محاکمه و مجازات نماند. از جمله اصولی که می‌تواند در امر رسیدگی جرم و به محاکمه رساندن مجرم کمک کند، همین اصل صلاحیت جهانی است.

" از لحاظ حقوقی مجرم موجود خطرناک است، بناءً مجرم درهرجاییکه اقامت داشته باشد، غیرقابل تحمل می‌باشد چون درهرجا امکان دست‌زدن مجرم به اعمال جرمی وجود دارد؛ لهذا کشوری که مجرم در آن اقامت دارد صلاحیت دستگیری و محاکمه مجرم را نیز دارا می‌باشد." (۴: ص ۱۰۴)

مجرم در هر جامعه‌ای؛ خواه جامعه ملی باشد و یا بین‌المللی؛ پدیده زشت اجتماعی است که اعمال آن در تقابل نظم عمومی جامعه قرار دارد، بناءً برای جوامع غیرقابل قبول پنداشته شده و نیاز است تا مجرم مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. بنابراین مجرم مورد قبول هیچ یک از جوامع نیست؛ به دلیل اینکه مورد تنفر جامعه بوده و آرامش جامعه را از بین می‌برد.

۳- از حیث تأمین عدالت: " یک وجیزه وجود دارد که بدکننده باید بد ببیند، بناءً هر مجرم باید حتماً مجازات شود و از سوی دیگر تطبیق عدالت مرزهای کشورها را نمی‌شناسد، بلکه درهرجایی که ممکن باشد، عدالت باید تطبیق شود و مجرم در هر جایی که دستگیر شود، محاکمه شده می‌تواند." (همان: ص ۱۰۴ و ۱۰۵)

این موضوع از جمله مهمترین امریست که در مبنای این اصل بازتاب یافته است؛ چون تأمین عدالت جزایی بین‌المللی از محورهای بحث این رشته حقوقی را تشکیل داده که با استفاده از آن می‌توان موضوع عدالت جزایی بین‌المللی را از حالت نظری به حالت عملی [عملی نمودن این اصل هم کار ساده نبوده بلکه چالش‌های جدی در مورد وجود دارد؛ تاحدی که تحقق این اصل را به عنوان یک اصل آرمانی و فرضی مبدل نموده است] نزدیک نمود.

۵- از حیث مبارزه مؤثر علیه مجرمیت: سیاست جنایی بین‌المللی به منظور کاهش آمار و ارقام جرایم ایجاب می‌نماید تا مبارزه دقیق و درست علیه این پدیده زشت اجتماعی صورت گیرد؛ چنانکه موجودیت اصل صلاحیت جهانی بهترین گزینه برای این موضوع است، چون باموجودیت این اصل است که مجرم در هیچ جای خود را امن احساس نکرده و ترس آن را دارد که به زودی دستگیر و مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد؛ همچنین است که مجرمین به آسانی دست به ارتکاب اعمال مجرمانه نخواهند زد، چون می‌دانند که حتماً مورد تعقیب عدلی قرار خواهند گرفت. " برای اینکه علیه مجرمیت مبارزه مؤثر صورت گرفته باشد، ایجاب می‌نماید درنهایت هرکشوریکه بتواند مجرم را دستگیر کند می‌تواند وی را محاکمه و مجازات نماید." (همان: ص ۱۰۵)

۶- **نظم عمومی بین‌المللی:** یکی از مبانی و با اهمیت این اصل را نظم عمومی بین‌المللی تشکیل می‌دهد، آنچه که قبلاً تذکر داده شد اصل صلاحیت جهانی حقوق جزای بین‌المللی را در رسیدن به هر دو هدف که هم نظم عمومی بین‌المللی بوده و هم تأمین عدالت جزایی بین‌المللی است، کمک می‌نماید.

ج- **شرایط اعمال اصل صلاحیت جهانی:** اصل صلاحیت جهانی در کنار آنکه یک اصل مهم و اساسی است، اما بیشتر نقش تکمیلی و فرعی دارد، به این معنی اگر کشورهای که به نحوی از انحاء در قضیه دخیل اند، علاقمند رسیدگی به جرم را داشته باشند، نمی‌توان در آن زمان صلاحیت جهانی را اعمال نمود. اصول و پرنسپ‌های محلی، عینی، شخصی فاعلی و شخصی مفعولی از لحاظ تقدم اعمال، مقدم‌تر از اصل صلاحیت جهانی به شمار آمده در صورت اعمال یکی از آنها، نوبت به اعمال صلاحیت جهانی نمی‌رسد. با این همه؛ این امر به معنای آن نیست که کشور محل دستگیری، ملزم است مجرم را به دولتی که از صلاحیت قوی‌تری برخوردار است، تحویل دهد؛ همانطوری که مشاهده می‌شود، معاهداتی فراوانی براین نکته تأکید دارند که کشور محل دستگیری در صورت عدم استرداد مجرم، خود به تعقیب و محاکمه او خواهد پرداخت. بنابراین منظور از جنبه فرعی و تکمیلی این

اصل، این بوده که مجرم در دست اوست، اگر بتواند به موجب سایر اصول صلاحیتی دیگر، به تعقیب و مجازات مجرم بپردازد، دیگر نوبت به اعمال اصل صلاحیت جهانی نمی‌رسد؛ البته این تقدم می‌تواند چنین تفسیر شود که بهتر است کشور محل دستگیری، مجرم را به کشوری که از صلاحیت قوی‌تری مثل صلاحیت سرزمینی یا صلاحیت عینی، یا صلاحیت شخصی فاعلی و مفعولی است، تحویل دهد و در صورت مسترد نکردن آن، می‌تواند با استفاده از اصل صلاحیت جهانی، خود به آن رسیدگی نماید.

در این بحث تلاش صورت گرفته تا شرایطی را که به موجب آن کشورها صلاحیت جهانی را اعمال می‌نمایند و یا به عبارت بهتر اینکه کشورها تحت چه شرایطی می‌توانند اعمال صلاحیت نمایند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در بعضی از منابع شرایط اعمال صلاحیت جهانی را بطور مختصر ارائه نموده اند، اما در بعضی از منابع این شرایط بطور جامع‌تر بحث گردیده است که اینک به آن اشاره می‌شود. در تعدادی از منابع، شرایط اعمال صلاحیت جهانی را دو شرط دانسته است؛ «شرط اول از حیث جرم و شرط دوم از حیث مجرم است طوریکه در نفس شرط اول دو مورد قابل بحث است و آن اینکه جرم در کشور محل وقوع و کشور محل اقامت، جرم باشد و مورد دیگر اینکه عمل مجرمانه باید از جمله اعمال شدید و وخیم باشد. در مورد شرط دوم تصریح شده است که مجرم باید در کشور مربوط اقامت داشته باشد.» (همان: ص ۱۰۵ و ۱۰۶)

اما در تعدادی از منابع دیگر شرایط اعمال صلاحیت جهانی به طور جامع بیان گردیده است که قرار ذیل به آن اشاره می‌شود:

«۱- وقوع جرم در خارج از قلمرو حاکمیت کشور: جرم در خارج از قلمرو کشوری که ادعای صلاحیت جهانی را دارد ارتکاب یافته باشد.

۲- حضور مجرم در کشور محل دستگیری: شرط است که مجرم در کشور محل دستگیری حضور داشته باشد تا کشور بتواند ادعای صلاحیت جهانی نماید.

۳- وجود عهدنامه‌ای بین‌المللی مبنی بر جرم بین‌المللی بودن عمل و الحاق دولت به آن: لازم است که در عهدنامه‌ای بین‌المللی عمل جرم بین‌المللی تلقی گردیده و دولتی که می‌خواهد ادعای صلاحیت جهانی نماید باید در آن عهدنامه بین‌المللی ملحق گردیده باشد.

برخی از این عهدنامه‌ها عبارتند از: کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹، کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون منع شکنجه مصوب ۱۹۸۴، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با گروگان‌گیری مصوب ۱۹۷۹، کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ و ...

۴- مجرمانه بودن عمل در کشور محل دستگیری: باتوجه به اصل قانونیت جرایم و جزاها لازم دیده می‌شود که عمل در کشور محل دستگیری نیز به عنوان عمل مجرمانه شناخته شده باشد.

۵- عدم رسیدگی قبلی: در صورتی که مجرم قبلاً باتوجه به یکی از پرنسیپ‌های دیگر حقوق جزای بین‌الملل (اصولی چون صلاحیت محلی، صلاحیت عینی، صلاحیت شخصی فاعلی و صلاحیت شخصی مفعولی) مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته باشد؛ کشور محل دستگیری باتوجه به قاعده منع محاکمه مجدد، حق ندارد تا دوباره شخص را مورد محاکمه و مجازات قرار دهد. در ماده ۲۰ دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۱۹۹۸ به این موضوع اشاره شده است. (۳: ص ۱۸۶-۱۹۱) شرایط این اصل در قوانین کشورها به نحوی تسجیل گردیده است که به عنوان نمونه به مواردی از آن اشاره صورت می‌گیرد:

۱- در نظام حقوقی افغانستان و به طور مشخص ماده ۲۶ کود جزای کشور به این صلاحیت اختصاص داده شده است که در آن این شرایط به صراحت چنین پیشبینی شده است: جرایمی که مطابق اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد، مرتکب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلی قرار داده می‌شود، مشروط بر اینکه اینگونه اعمال در این قانون جرم



شناخته شده و برآن مجازات معین و سایر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق نباشد." (۱: ماده ۲۶)

در این ماده به طور مشخص به این شرایط اشاره صورت گرفته است که تفصیلات بیشتر آن در بحث بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به همین ترتیب در نظام حقوقی ایران نیز اصل تسجیل یافته و شرایط این اصل نیز در آن بازتاب یافته است، چنانچه در زمینه ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چنین مشعر است: "مرتکب جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهدنامه و مقررات بین‌المللی، مرتکب در هرکشوری یافت شود، در همان کشور محاکمه می‌شود، اگر در ایران یافت شود، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌گردد." (۳: ص ۹۱)

به همین ترتیب در نظام حقوقی فرانسه نیز به این اصل اشاره صورت گرفته است که تفاوت‌های چندانی با نظام حقوقی افغانستان و ایران در آن ملاحظه نمی‌شود. ماده ۶۸۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه در مورد این اصل چنین تصریح نموده است: "ممکن است در برخی موارد، دادگاه‌های فرانسه به موجب یک قرارداد بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به جرایم را داشته باشد. برای اجرای قرارداد بین‌المللی که در موارد زیر پیشبینی شده، هرشخصی که خارج از قلمرو فرانسه برای یکی از جرایم احصاء شده در این مواد مجرم شناخته شده و در فرانسه یافت شود، به وسیله‌ای دادگاه فرانسه تعقیب و محاکمه می‌شود، مقررات این ماده در مورد شروع به جرمی که قابل مجازات است، قابل اعمال است." (همان: ص ۲۰۵)

## دوم- بازتاب اصل صلاحیت جهانی در کود جزای افغانستان

اصل صلاحیت جهانی به عنوان یک اصل مهم در کنار سایر اصول حقوق جزا، در کود جزای افغانستان انعکاس یافته است؛ چنانچه در مورد چنین مشعر است: "جرایمی که مطابق اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد، مرتکب آن در صورت یافت شدن در افغانستان مطابق احکام قوانین کشور مورد تعقیب عدلی قرار داده

می‌شود، مشروط براینکه اینگونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و برآن مجازات معین و سایر صلاحیت‌های سرزمینی، شخصی یا ذاتی قابل تطبیق نباشد." (۱: ماده ۲۶)

در این ماده قانونگذار اصل صلاحیت جهانی را تعریف ننموده، اما از فحوای ماده می‌توان استنباط نمود که حضور مرتکب یا به عبارت دیگر اقامت مجرم در قلمرو کشور ضروری بوده تا افغانستان بتواند به اساس آن اعمال صلاحیت نماید که این امر در واقع خود بیانگر موجودیت تعریف این اصل دانسته می‌شود؛ آنچه در این ماده بیشتر مورد بحث قرار گرفته است، شرایطی است که در صورت تحقق آن‌ها افغانستان می‌تواند اعمال صلاحیت جهانی نماید. به نظر معقول و منطقی می‌رسد تا قانونگذار در ماده جداگانه این اصل را تعریف و در ماده بعدی شرایط این اصل را بیان می‌نمود. به هر حال، قانونگذار در این ماده به دو نکته مهم در آغاز اشاره نموده و آن اینکه عمل در اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد و مرتکب در قلمرو افغانستان اقامت داشته باشد، مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد، اما این امر زمانی تحقق می‌یابد که دو شرط دیگر وجود داشته باشد؛ طوریکه عمل در این قانون (کود جزا) جرم شناخته شده باشد و برای آن مجازات معین نیز پیشبینی شده باشد، همچنین صلاحیت‌های سرزمینی و شخصی قابل تطبیق نباشد. در مورد تطبیق و یا عدم قابل تطبیق صلاحیت سرزمینی و شخصی دو حالت ذیل را باید مورد توجه قرار داد:

**۱- موجودیت مرتکب در افغانستان و قابل تطبیق بودن صلاحیت سرزمینی، شخصی یا ذاتی (حالت عدم تطبیق اصل صلاحیت جهانی):** هدف در این حالت این است که مجرم عملاً در افغانستان اقامت داشته و در صورتی صلاحیت سرزمینی و یا شخصی قابلیت تطبیق را پیدا نماید (این اصول زمانی قابلیت تطبیق را پیدا می‌نمایند که کشورهای دارای صلاحیت سرزمینی یا شخصی بخواهند به جرم رسیدگی نمایند)؛ کشور ما نمی‌تواند به عنوان کشور ذیصلاح اعمال صلاحیت نماید، چون کشورهای دیگر دارای صلاحیت قویتر بوده می‌توانند در خواست استرداد مجرم از افغانستان را مطرح نمایند؛ براساس قواعد و مقررات حاکم

برموضوع استرداد؛ کشور دارای صلاحیت ضعیف نمی‌تواند از کشوری دارای صلاحیت قوی مطالبه استرداد نماید. در نتیجه می‌توان گفت که اگر کشوری دارای صلاحیت سرزمینی یا عینی و یا شخصی بخواهند به جرم رسیدگی نمایند فرصت برای رسیدگی به جرم به کشور دارای صلاحیت جهانی داده نمی‌شود و توصیه حقوقدانان براین امر استواراند که کشور دارای صلاحیت جهانی در امر استرداد مجرمین با کشورهای دیگر ذیصلاح همکاری لازم را نماید.

**۲- موجودیت مرتکب در افغانستان و عدم قابلیت تطبیق اصل صلاحیت سرزمینی یا شخصی یا ذاتی (حالت تطبیق اصل صلاحیت جهانی):** در این حالت است که کشور دارای صلاحیت جهانی می‌تواند به عمل مجرمانه رسیدگی نماید، چون کشورهای دارای صلاحیت سرزمینی، عینی یا شخصی نمی‌خواهند و یا علاقمندی برای رسیدگی به جرم از خود نشان نداده و یا معاهده استرداد میان کشور دارای صلاحیت جهانی و کشورهای ذیصلاح دیگر وجود نداشته و یا اینکه هرعلتی دیگری مانند موجودیت روابط خصمانه میان کشورها... وجود داشته باشد؛ در این حالت است که کشور دارای صلاحیت جهانی در صورت تحقق شرایط این اصل، اعمال صلاحیت نموده و به جرم رسیدگی نماید؛ به همین اساس است که قانونگذار در ماده ۲۶ کود جزا تصریح نموده است که باید صلاحیت سرزمینی یا شخصی قابل تطبیق نباشد تا کشوری که مجرم در قلمرو آن اقامت دارد به عنوان کشور دارای صلاحیت جهانی اعمال صلاحیت نماید.

طوریکه دیده می‌شود در این ماده یک سلسله حالاتی پیشبینی گردیده است که اینک به آن اشاره می‌شود:

**الف- عمل ارتكابی در اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد:** حالت اولی را که کود جزای افغانستان برای اعمال صلاحیت جهانی کشور پیشبینی نموده این امر است که عمل در اسناد بین‌المللی جرم شناخته شده باشد؛ درصورتیکه عمل جرم بوده، ولی در اسناد بین‌المللی انعکاس نیافته باشد، افغانستان نمی‌تواند علیه

چنین اعمال مجرمانه اعمال صلاحیت جهانی نماید. نمونه‌های از جرایمی که می‌توانند موضوع صلاحیت جهانی را تشکیل دهند، را می‌توان چنین برشمرد: " دزدی دریایی، جنایات جنگی، جنایات ضد بشریت و جنایت نسل‌کشی" (۳: ص ۱۷۰ و ۱۷۳)

دزدی دریایی قبلاً ریشه در حقوق عرفی داشت، اما دولت‌ها متعاقباً این صلاحیت را براساس حقوق قراردادی به رسمیت شناخته‌اند. امروز ماده ۱۰۵ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ در این مورد صراحت دارد، به همین ترتیب جنایات جنگی، جنایات ضد بشریت و جنایت نسل‌کشی باتوجه به ماده پنجم اساسنامه محکمه جنایی بین‌المللی از جمله جرایم مشمول صلاحیت قضایی محکمه جنایی بین‌المللی دانسته شده که به ترتیب در ماده ششم جنایت نسل‌کشی، در ماده هفتم جنایت علیه بشریت و در ماده ۸ جنایات جنگی مورد بحث قرار گرفته است.

**ب- حضور مرتکب در افغانستان:** کشورها زمانی اعمال صلاحیت جهانی نموده می‌توانند که مجرم در قلمرو شان اقامت داشته باشد؛ افغانستان باتبعیت از این اصل موجودیت مرتکب در افغانستان را شرط گذاشته است.

**ج- جرم بودن عمل در افغانستان:** یکی از حالات دیگری که در کود جزای کشور به آن اشاره صورت گرفته است، جرم شناختن عمل در کود جزاست، طوری که اگر یک شخص یک عمل را که به موجب کشور «الف» جرم بوده مرتکب شود و بعد بدون اینکه به جرم آن رسیدگی صورت گرفته باشد، به افغانستان آمده و اقامت نماید، دولت افغانستان زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت جهانی نماید که عمل مجرمانه در کشور «الف» و در افغانستان جرم بوده و مستوجب مجازات دانسته شده باشد.

د- عدم رسیدگی به جرم توسط کشور دارای صلاحیت سرزمینی: به اساس کود جزا، افغانستان زمانی می‌تواند صلاحیت جهانی‌اش را اعمال نماید که کشور دارای صلاحیت سرزمینی (به اساس این پرنسیپ حقوق جزای بین‌الملل کشوری صلاحیت رسیدگی به جرم را دارد که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته باشد). به جرم رسیدگی ننموده باشد.

ه- عدم رسیدگی به جرم توسط سایر کشورهای ذیصلاح: طوری که دیده می‌شود صلاحیت شخصی یا ذاتی در نفسش به دو پرنسیپ جداگانه دیگر تقسیم گردیده که اصل شخصی فاعلی (به اساس این پرنسیپ کشوری ذیصلاح دانسته می‌شود که مجرم تبعه آن کشور باشد). و اصل شخصی مفعولی (به اساس این پرنسیپ کشوری ذیصلاح دانسته می‌شود که مجنی‌علیه تبعه آن باشد). است.

در ماده ۲۶ کود جزا مقنن شرط دانسته تا کشورهای که دارای صلاحیت شخصی اند به جرم رسیدگی ننموده باشند؛ اگر یکی از کشورها که صلاحیت رسیدگی به جرم را دارند و به جرم بخواهد رسیدگی نماید، در این حالت اصل صلاحیت جهانی قابل اعمال دانسته نمی‌شود.

و- عدم رسیدگی قبلی به جرم: از فحوای ماده بیست و ششم کود جزا می‌توان چنین استنباط نمود که افغانستان زمانی می‌تواند صلاحیت جهانی‌اش را اعمال نماید که جرم از قبل توسط کشورهای ذیصلاح مورد رسیدگی قرار نگرفته باشد، چون باتوجه به اصول حقوق جزاست که شخص نباید از یک عمل مجرمانه دوبار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد.

طوری‌که دیده می‌شود در ماده ۲۶ کود جزای افغانستان از صلاحیت عینی یا واقعی (به اساس این پرنسیپ کشوری ذیصلاح دانسته می‌شود که جرم علیه منافع آن واقع شده باشد). اشاره صورت نگرفته است، چون صلاحیت‌ها برای رسیدگی به جرم شامل صلاحیت سرزمینی، واقعی، شخصی فاعلی، شخصی مفعولی بوده و این کشورها درواقع می‌توانند در یک قضیه جنایی دخیل باشند، اما از آنجا که در

بعضی از حالات، مواردی واقع می‌شود که هیچ یک از این کشورها یا تمایل ندارند و یا نمی‌خواهند به جرم رسیدگی نمایند؛ در چنین حالت مجرم بدون محاکمه و مجازات می‌ماند، اما از آنجایی که هدف حقوق جزای بین‌الملل تأمین عدالت جزایی بین‌المللی بوده بنابراین کشورهای دیگر که به قضیه دخیل نبوده صرف مجرم در قلمرو آن اقامت نماید، صلاحیت رسیدگی به جرم را دارا می‌شوند.

در این ماده آنچه که تسجیل گردیده، دیده می‌شود که از صلاحیت عینی یا واقعی تصریح نشده، اما ممکن مقنن به این دلیل که در قسمتی از ماده چنین قید گردیده است: (...مشروط براینکه اینگونه اعمال در این قانون جرم شناخته شده و برآن مجازات معین...).

طوریکه دیده می‌شود در این قسمت از ماده مقنن شرط نموده است که اینگونه اعمال در کود جزای کشور جرم تلقی شده و برای آن مجازاتی نیز معین گردیده باشد؛ اما دیده می‌شود که مقنن صلاحیت عینی را پذیرفته، چنانچه صلاحیت عینی و صلاحیت شخصی مفعولی در ماده دیگری در کود جزای افغانستان چنین تسجیل یافته است: "شخصی که در خارج قلمرو کشور علیه تبعه یا منفعت افغانستان، مرتکب جرم شود؛ احکام این قانون بالایش تطبیق می‌گردد." (۱: ماده ۲۳)

در این ماده مقنن دو اصل را در قالب یک ماده تنظیم نموده طوریکه اگر شخصی در خارج از کشور علیه تبعه افغانستان و یا هم علیه منفعت افغانستان مرتکب عمل مجرمانه گردد، احکام کود جزا بالای آن تطبیق می‌گردد؛ که این امر خود بیانگر جایگاه صلاحیت واقعی یا عینی در کود جزا بوده و آن را جرم‌انگاری نموده است؛ اما صلاحیت عینی که در ماده ۲۶ اشاره نشده به این معنی نیست که افغانستان این اصل را نپذیرفته بلکه این اصل به عنوان یک اصل مهم حقوق جزای بین‌الملل پذیرفته شده است؛ اما آنچه که در این جا هدف بوده این است که نسبت به قضیه مورد نظر کشور دیگری دارای حق اعمال صلاحیت عینی یا واقعی را داشته و به جرم رسیدگی ننموده باشد، باید در متن ماده گنجانیده می‌شد. فرض اول را براین قرار دهید که احمد تبعه پاکستان در قلمرو ایران پول جعلی

هندوستان را به چاپ می‌رساند و بعداً وارد افغانستان گردیده و اقامت می‌نماید؛ فرض دوم به این بنا یافته است که این کشورها بنا بر عللی از عوامل به جرم رسیدگی ننموده‌اند و شرایط صلاحیت جهانی افغانستان تحقق یافته تا اعمال صلاحیت نماید، اما آنچه که در ماده ۲۶ تذکر نرفته صلاحیت کشور هندوستان به عنوان کشوری که دارای صلاحیت عینی است؛ بنابراین در متن ماده ۲۶ از صلاحیت عینی همچنان باید نام برده می‌شد، چون در این نوع صلاحیت کشوری ذیصلاح دانسته می‌شود که جرم علیه منافع آن واقع گردیده است؛ گرچه این نوع جرایم با توجه به ماده ۲۶ و ۲۳ کود جزا بدون محاکمه و مجازات نمی‌ماند.

### **سوم: نقش اصل صلاحیت جهانی در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی**

با بررسی مواردی که تا این مرحله مورد بحث و بررسی قرار گرفت می‌توان گفت که اصل صلاحیت جهانی با وجودی اینکه یکی از اصول مهم در کنار سایر اصول دیگر حقوق جزای بین‌الملل شناخته می‌شود؛ در اوضاع و احوال کنونی و با توجه به اینکه در این اصل نه محل وقوع جرم، نه مجرم و نه مجنی‌علیه و به همین ترتیب نه جرم علیه منافع یک کشور ارتکاب یافته، کشورها کمتر علاقمند خواهند بود تا به این نوع جرایم رسیدگی نمایند. چون از یک طرف با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل حاکم در جامعه بین‌المللی دیده می‌شود که این اصل هیچ بار حقوقی را برای کشورها به وجود نیاورده تا دولت‌ها در قبال رسیدگی به این نوع جرایم احساس تکلیف نمایند؛ به عبارت دیگر اینکه این قاعده از ضمانت اجرایی چندانی برخوردار نبوده و نیست از سوی دیگر دولت‌ها این امر را بیش از آنکه یک امتیاز بدانند برای خود تکلیف می‌دانند؛ همچنین فرض بر این قرار داده شود که اگر کشور دارای صلاحیت همگانی بخواهد به جرم رسیدگی نماید محاکم این کشور همانند سایر محاکم کشورهای دیگر بدون شک نیاز دارد تا وسایل و مدارک اثباتیه برای اثبات جرم در دست داشته باشد تا به اساس آن بتواند حکم عادلانه صادر نماید، در این امر کشور دارای صلاحیت همگانی ناگذیر است تا همکاری کشور محل وقوع جرم را

داشته باشد که بدون همکاری و همیاری آن، رسیدگی به جرم شخص امکان‌پذیر نخواهد بود که این امر در حالتی تحقق می‌یابد که کشور دارای صلاحیت محلی یا به عبارت دیگر کشوری که جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته خود نمی‌خواهد به جرم شخص رسیدگی نماید؛ در صورتی که کشوری محل ارتکاب جرم، قانون آن نقض شده و نظم عمومی جامعه آن صدمه دیده با آنهم علاقمندی برای رسیدگی به جرم نشان نمیدهد؛ این امر خود بیانگر این موضوع است که با کشور دارای صلاحیت همگانی نیز کمک و همکاری نخواهد نمود؛ در چنین حالتی رسیدگی به جرم و تطبیق عدالت در کشور دارای صلاحیت همگانی با چالش‌های جدی مواجه گردیده و گاهی امکان آن وجود دارد که نه تنها عدالت تطبیق نگردیده بلکه خود باعث ایجاد بی‌عدالتی گردد، چون محکمه کشور دارای صلاحیت همگانی نیاز به وسایل و مدارک اثباتیه جرم دارد این امر در حالیست که جرم در قلمرو این کشور واقع نشده بلکه صرفاً مجرم در قلمرو آن اقامت دارد که باموجودیت صرفاً شخص مجرم نمی‌توان حکمی که بتواند عادلانه باشد از طرف محکمه این کشور صادر گردد در قبال این امر؛ موضوعی دیگری که لازم به تذکر دانسته می‌شود کشور دارای صلاحیت محلی است که این کشور وسایل و مدارک اثباتیه جرم را جمع‌آوری و آن را حفظ نموده باشد در صورتیکه این وسایل و مدارک اثباتیه را جمع‌آوری نموده باشد، اما حفظ نموده باشد در این حالت محاکمه شخص و مجازات آن ناممکن می‌شود؛ از سوی دیگر اگر کشور دارای صلاحیت همگانی بخواهد به جرم رسیدگی نماید، اما به دلیل نبود وسایل و مدارک اثباتیه جرم محاکم آن نمی‌تواند عادلانه حکم خویش را صادر نماید؛ چنین چالش‌های حقوقی در زمانی وجود دارد که هدف این اصل را تأمین عدالت جزایی بین‌المللی تشکیل می‌دهد؛ در نتیجه می‌توان گفت که تحقق هدف این اصل با این همه مشکلات و چالش‌های حقوقی بعید بوده و باید راهکار مناسب و معقولی که بتواند جنبه‌های تحقق این اصل را در عمل آماده سازد برای این موضوع ارائه گردد.



همچنین است که در مورد شرایط اصل صلاحیت جهانی و بخصوص شرط اول آن چالش‌های جدی وجود دارد و آن اینکه اگر یک عمل در کشور «الف» جرم باشد و در کشور «ب» جرم نباشد و یا حالتی دیگری اتفاق افتد کشوری که جرم در آن ارتکاب یافته از جمله کشورهای اسلامی و کشوری که دارای صلاحیت جهانی است از جمله کشورهای غیر اسلامی باشد، در چنین وضعیتی راه حل چه خواهد بود؟ بدون شک که در چنین حالتی کشورهای دارای صلاحیت جهانی نمی‌توانند به دلیل عدم تحقق شرایط این صلاحیت به جرم رسیدگی نمایند که خود باعث می‌شود تاجرم از تطبیق عدالت فرار نماید، همچنین است که در جمله شرایط تصریح گردیده است که عمل جرمی باید از جمله جرایم شدید باشد که این موضوع نیز خالی از چالش نیست به دلیل اینکه ممکن عمل جرمی در کشور محل ارتکاب از جمله جرایم شدید باشد و در کشور دارای صلاحیت جهانی از جمله جرایم خفیف باشد و برعکس آن نیز دور از احتمال نیست، طوری که جرم در محل ارتکاب از جمله جرایم خفیف و در کشور محل رسیدگی به جرم یک عمل شدید باشد؛ این امریست که بعید از اتفاق آن نبوده بلکه قضایای اینگونه بیشتر است؛ حال راه حلی که بتواند مورد توافق دولت‌ها باشد و نیز مجرم از محاکمه و مجازات به دور نماند متأسفانه وجود ندارد.

در نتیجه می‌توان گفت که اصل صلاحیت جهانی باتوجه به چالش‌های فراروی آن نمی‌تواند به عنوان یک اصلی که بتواند نقش مؤثر در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی داشته باشد، باشد. در بعضی از حالات این اصل به دلایل چالش‌های موجود بیش از آنکه به عنوان یک اصل عملی و قابل اجرا دانسته شود، یک فرضیه آرمانی دانسته شده و شرایط تحقق آن را کمتر و حتی در بعضی موارد آن را تحقق‌ناپذیر می‌دانند؛ قسمتی از این چالش‌ها از آنجا ناشی می‌شود که صلاحیت جهانی در نفس‌اش یک اصل و صلاحیت ضعیف است و حتی می‌توان گفت که از لحاظ ارزش و اهمیتی که دارد در میان سایر اصول و پرنسپ‌های حقوق جزای بین‌الملل در ردیف پایین قرار داشته و آخرین صلاحیت و ضعیف‌ترین صلاحیت

دانسته می‌شود؛ بنابراین صلاحیت کشور دارای صلاحیت جهانی از آنجا ناشی می‌شود که مجرم در قلمرو آن اقامت دارد و هرگاهی که مجرم از قلمرو آن خارج شود صلاحیت همگانی یا جهانی این کشور خاتمه یافته و دیگر اعمال صلاحیت کرده نمی‌تواند، روی این امر است که بعید و غیر محتمل دانسته نمی‌شود که در بعضی از حالات کشورها برای بعضی از مجرمین ویژه ورود به کشور شان را ندهند تا بعداً در تلاش تعقیب و محاکمه آن شوند همچنان امکان این امر هم وجود دارد که مجرمین قبل از اقدام کشور دارای صلاحیت جهانی کشور را ترک نموده و به کشور دیگر فرار نمایند که این همه موارد دال بر اثبات این پیش فرض قرار می‌گیرد که اصل صلاحیت جهانی با آنچه که امروز حاکم است نمی‌تواند تأثیرات مثبت و مؤثر در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی داشته باشد.

### نتیجه

از بررسی مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که این اصل در کنار سایر اصول حقوق جزای بین‌الملل نقش چندانی نداشته؛ در صورتی که کشورهای ذیصلاح محلی، عینی، شخصی فاعلی و مفعولی نخواهند و یا گاهی نتوانند به جرم رسیدگی نمایند؛ لازم دیده می‌شود تا اصل دیگری وجود داشته باشد تا بتوان به اساس آن به جرم رسیدگی نمود و مجرم را مورد محاکمه و مجازات قرار داد، اما اهمیت این اصل از آنجا ناشی می‌شود که موجودیت این اصل باعث می‌شود که مجرم بدون محاکمه و مجازات نمانده و در هیچ گوشه و کنار دنیا احساس امن و مصوونیت نکند؛ بنابراین اصل صلاحیت جهانی یک اصل مهم بوده، اما مؤثریت چندان در تأمین عدالت جزایی بین‌المللی به دلیل چالش‌های موجود (آنچه که قبلاً توضیح داده شد.) نداشته که در نتیجه حقوق جزای بین‌الملل را در راستای رسیدن به اهدافش نمی‌تواند زیاد یاری رساند.

این اصل در شرایط کنونی به عنوان یک اصل آرمانی دانسته شده و جنبه‌های عملی آن کمتر محسوس بوده؛ بنابراین کوشش به عمل آید تا موضوعات و مباحث این اصل از حالت فرضی و آرمانی بیرون شده و جنبه‌های اجرایی بیشتر پیدا نماید؛

برای تحقق این اصل لازم است تا نکات چند به عنوان پیشنهادات در این مقاله علمی-تحقیقی ارائه گردد.

## پیشنهادات

بامطالعه موضوعات قبلی می‌توان موارد ذیل را به عنوان پیشنهادات غرض تکمیل و غنای بیشتر این اصل ارائه نمود:

۱- شکل‌گیری کنوانسیون بین‌المللی: از آنجایی که بر اساس اصل صلاحیت جهانی، کشوری ذیصلاح دانسته می‌شود که هیچ نوع ضرری متوجه آن نگردیده، کشورها کمتر خود را مکلف به رعایت این اصل می‌دانند؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که در گام نخست دولت افغانستان پیش از آنکه رسیدگی به جرم را به عنوان صلاحیت خود بدانند بهتر است تا آن را به عنوان وظیفه بین‌المللی خویش دانسته و با این ذهنیت به جرم مجرم رسیدگی و از بی‌عدالتی جلوگیری نمایند؛ از سوی دیگر چون ضمانت اجرایی این اصل می‌تواند نقش سازنده را در قبال داشته باشد؛ به دولت افغانستان پیشنهاد می‌گردد که از طریق نمایندگی خود سازمان ملل متحد و بخصوص از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد تلاش نماید تا کنوانسیون بین‌المللی را کشورها به تصویب برسانند تا بر اساس آن در عمل بتوانند جرایمی را که در مورد آن‌ها دارای حق اعمال صلاحیت جهانی‌اند رسیدگی نموده و نیز شرایط تحقق این صلاحیت را به همه کشورها معین نماید؛ تا کشورها بتوانند در عمل این صلاحیت را اعمال و از سوی دیگر این صلاحیت را از حالت آرمانی بیرون کرده و جنبه‌های عملی آن میسر گردد.

۲- همکاری کشور دارای صلاحیت محلی با کشور دارای صلاحیت جهانی: یگانه کشوری که می‌تواند با کشور دارای صلاحیت جهانی در مورد رسیدگی به جرم همکاری لازم را نماید، کشور دارای صلاحیت محلی است، چون جرم در قلمرو آن ارتکاب یافته، همه وسایل و مدارک اثباتیه جرم در آنجا وجود دارد؛ فرض بر این است که کشور دارای صلاحیت محلی، عینی، شخصی فاعلی و مفعولی علاقمندی برای

رسیدگی به جرم نشان نمی‌دهد، در این حالت کشور دارای صلاحیت جهانی می‌تواند به جرم رسیدگی نماید که برای رسیدگی به جرم، نیاز به وسایل و مدارک اثباتیه جرم دیده می‌شود که در این امر فقط و فقط کشور دارای صلاحیت محلی می‌تواند این کشور را همکاری نماید تا این کشور بتواند به طور عادلانه به جرم رسیدگی نماید؛ بناءً پیشنهاد می‌گردد که افغانستان در صورتی که در موقف کشوری دارای صلاحیت محلی قرار می‌گیرد، اولاً از صلاحیت خود در زمینه استفاده نماید و ثانیاً به منظور تحقق عدالت و جلوگیری از فرار مجرمین با کشور دارای صلاحیت جهانی همکاری لازم را نماید، چون بدون همکاری کشور دارای صلاحیت محلی، کشور دارای صلاحیت جهانی نمی‌تواند به جرم رسیدگی نماید و اگر رسیدگی هم صورت گیرد، عدالت به وجه احسن آن تأمین نخواهد شد. به همین لحاظ است که کشور دارای صلاحیت محلی وسایل و مدارک اثباتیه جرم را در اختیار کشور دارای صلاحیت جهانی قرار داده تا این کشور بتواند در روشنایی آن به جرم رسیدگی نموده و عدالت را تأمین نماید.

## مآخذ

- ۱- افغانستان. کود جزا، جریده رسمی، شماره مسلسل ۱۲۶۰، انتشارات وزارت عدلیه، کابل: ۱۳۹۶
- ۲- باقری، صادق. «صلاحیت جهانی و جرایم بین‌المللی در کود جزا»، فصلنامه اندیشه معاصر، دوره سوم، شماره دوازدهم، بنیاد اندیشه، کابل: ۱۳۹۷.
- ۳- پوربافرانی، حسن. حقوق جزای بین‌الملل، چاپ هفتم، انتشارات جنگل، تهران: ۱۳۹۳.
- ۴- دانش، حفیظ الله. حقوق جزای بین‌الملل، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات مستقبل، کابل: ۱۳۹۱.
- ۵- شریعت باقری، محمد جواد. حقوق کیفری بین‌المللی، چاپ چهاردهم، انتشارات جنگل، تهران: ۱۳۹۲.
- ۶- میرمحمد صادقی، حسین. دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ چهارم، انتشارات دادگستر، تهران: ۱۳۸۸.